

جدول محتویات

iv	تقدیم .....
v	کتابمقدس جدید امریکایی استاندارد بروز شده .....
vi	گفتار نویسنده .....
viii	راهنمای مطالعه مفید کتابمقدس: تحقیق شخصی برای یافتن حقیقت قابل تصدیق .....

تحقیق تفسیری

۱	مقدمه‌ای بر ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس .....
۹	۱ تیموتائوس ۱ .....
۳۲	۱ تیموتائوس ۲ .....
۴۸	۱ تیموتائوس ۳ .....
۶۲	۱ تیموتائوس ۴ .....
۷۳	۱ تیموتائوس ۵ .....
۸۴	۱ تیموتائوس ۶ .....

	مقدمه‌ای بر تیطوس .....
	تیطوس ۱ .....
	تیطوس ۲ .....
	تیطوس ۳ .....

	مقدمه‌ای بر ۲ تیموتائوس (مقدمه‌ای بر ۱ و ۲ تیموتائوس، ص ۱ را ببینید) .....
	۲ تیموتائوس ۱ .....
	۲ تیموتائوس ۲ .....
	۲ تیموتائوس ۳ .....
	۲ تیموتائوس ۴ .....

	ضمیمه یک: تعاریف خلاصه ساختار دستوری زبان یونانی .....
	ضمیمه دو: انتقاداتها به متن .....
	ضمیمه سه: واژه‌نامه .....
	ضمیمه چهار: بیانیه اعتقادی .....

## مباحث ویژه در رسالات شبانی

- ۱۳..... تیموتائوس، ۱ تیموتائوس ۱: ۲
- ۱۴..... پدر، ۱ تیموتائوس ۱: ۲
- ۱۶..... تهذیب، ۱ تیموتائوس ۱: ۴
- ۱۷..... دل، ۱ تیموتائوس ۱: ۲
- ۱۸..... نظرات پولس در مورد شریعت موسی، ۱ تیموتائوس ۱: ۸
- ۱۹..... گناهان و پرهیزگاریها در عهد جدید، ۱ تیموتائوس ۱: ۹
- ۲۰..... همجنس‌بازی، ۱ تیموتائوس ۱: ۱۰
- ۲۲..... شکرگزاری، ۱ تیموتائوس ۱: ۱۲
- ۲۵..... استفاده پولس از کلمات ترکیبی *هابیر*، ۱ تیموتائوس ۱: ۱۴
- ۲۶..... استفاده پولس از کوزموس
- ۲۷..... ایمان
- ۳۴..... دعای شفاعت
- ۳۶..... حکومت انسانی
- ۳۹..... "حقیقت" در نوشته‌های پولس
- ۴۰..... بجای ره *ای*/بازخريد
- ۴۵..... زنان در کتاب مقدس
- ۵۱..... برخورد کتاب مقدسی با مشروبات الکلی و مصرف آنها
- ۵۴..... شیطان
- ۵۶..... نقشه خدا برای نجات
- ۵۷..... ویژگیهایی که زنان خادم در کلیسا باید دارا باشند
- ۶۳..... ارتداد
- ۶۹..... دسرنگذاری
- ۷۱..... ضرورت بلندیاری
- ۷۴..... سن
- ۷۹..... مقدسان
- ۸۵..... تذکرات پولس به برده‌ها
- ۸۷..... ثروت

- ۸۹..... واژه‌های یونانی برای "آزمایش کردن" و مفهومی که در آنها
- ۹۲..... گنوسیس/نقده و نگاه به الهیاتی متعادل
- ۹۲..... اعتراف
- ۹۴..... آمین
- ۹۵..... این دوره و دوره آینده

گنوسیتیزم

امید

سرنوشت از پیش تعیین شده (کالوینیسیم) در مقابل اراده آزاد انسان (ارمنی‌پسم)

پارسایی

واژه‌های عهد جدید برای بازگشت مسیح

جلال

تثلیث

زمان افعال یونانی استفاده شده برای نجات

خواندشدگی

؟

عهد

مداومت

سلطنت در پادشاهی خدا

نام خداوند

تقدیس

توبه

؟

مردگان کجا هستند

این جلد را تقدیم می‌کنم به  
دوستان و همکارانی که همه جاده‌های این  
مجموعه تحقیق تفسیری را خوانده و تأیید کردند.  
هر کدام از این افراد نظام علمی و دیدگاه الهیاتی  
متفاوتی دارد. نظراتشان مرا یاری کرد  
تا متوجه اشتباهات سهوی و اغراق‌های خود شوم.

دکتر رابرت الیسون  
دکتر دیوید کینگ  
دکتر بروس تانکرسللی

سخن بنیاد لاکمن در مورد نسخه بازنگری شده کتاب مقدس استاندارد امریکایی جدید ۱۹۹۵ :

راحتتر برای مطالعه:

- ◆ بخشهایی که در آنها ضمائر انگلیسی قدیمی بکار رفته بود، به معادلها مورد استفاده در انگلیسی امروزی تغییر یافت.
- ◆ کلمات و عباراتی که به دلیل تغییر معنایشان در ۲۰ سال گذشته ممکن بود اشتباه فهمیده شوند به انگلیسی امروزی تغییر یافتند.
- ◆ آیاتی دارای ترتیب واژه‌های یا لغات مشکل به انگلیسی روانتر ترجمه شدند.

◆ با توجه به اختلاف سبک بین زبانهای قدیمی و انگلیسی امروزی، برای جملاتی که با "و" شروع می شدند اغلب ترجمه انگلیسی بهتری ارائه شده است. متون اصلی یونانی و عبری مانند انگلیسی امروزی علامتگذاری نداشتند، و در بسیاری از موارد این علامات در انگلیسی امروزی همان کار "و" در متون اصلی را انجام میدهند. در برخی موارد دیگر، با توجه به متن و در جایی که متن اصلی اجازه میداد، بجای "و" در ترجمه کلمه دیگری مثل "سپس" یا "اما" استفاده شده است.

دقیقتر از همیشه

- ◆ تحقیقات اخیر بر روی بهترین و قدیمیترین دست نوشته های یونانی عهد جدید مرور، و به منظور وفاداری هرچه بیشتر نسبت به متون اصلی پاره ای از بخشها بازنگری شده اند.
- ◆ بخشهای موازی مقایسه و مرور شده اند.

افعالی که معانی متعددی دارند در بعضی قسمت ها بگونه ای ترجمه شده اند که با متن زمینه همخوانی بهتری داشته باشند.

اما هنوز هم کتاب مقدس استاندارد امریکایی جدید (ان آ اس بی)

- ◆ ترجمه "ان آ اس بی" بازنگری شده تغییر-به صرف-تغییر نیست. "ان آ اس بی" امتحان خود را پس داده، و به منظور احترام به استاندارد که کتاب مقدس استاندارد امریکایی جدید مقرر کرده، تغییرات در پایبترین حد ممکن نگاه داشته شده اند.

◆ "ان آ اس بی" بازنگری شده از سنت "ان آ اس بی" برای ترجمه تحت اللفظی متون یونانی و عبری اصلی بدون هر گونه سازش، پیروی میکند. تغییرات در متن در محدوده پارامترهای سفت و سختی است که اهداف چهارگانه بنیاد لاکمن مقرر کرده است.

- ◆ مترجمین و مشاورانی که در بازنگری "ان آ اس بی" سهم داشته اند محققین سنتگرای کتاب مقدس هستند که در زمینه زبانهای کتاب مقدس، الهیات دارای مدرک دکتری یا مدارج عالی دیگر هستند. آنها نمایندگان فرقه ها و زمینه های متعددی می باشند.

ادامه یک سنت :

نسخه اولیه "ان آ اس بی" به عنوان دقیقترین ترجمه انگلیسی کتاب مقدس برای خود شهرت کسب کرده است. در سالهای اخیر ترجمه های دیگری ادعا کرده اند که هم دقیق و هم روانند، اما خواننده ای که به جزئیات دقیق باشد در نهایت متوجه می شود که این ترجمه ها بطرز یکنواختی فاقد یکنواختی هستند. گرچه گاهی تحت اللفظی اند، اما به دفعات به تفسیر متن اصلی میپردازند، و اغلب از روان بودن چیز زیادی عایدشان نمی شود، و تازه همین هم به بهای قربانی کردن وفاداری به متن اصلی بدست می آید. تفسیر هویتا چیز بدی نبوده، میتواند و باید مطابق با درک و تفسیر مترجمین معنای یک بخش را روشن کند. ولی در نهایت ترجمه تفسیری بیشتر نوعی تحقیق است تا ترجمه کتاب مقدس. "ان آ اس بی" بازنگری شده سنت "ان آ اس بی" جهت ارایه ترجمه واقعی کتاب مقدس را پی گرفته، و آنچه را در واقع نوشته اصلی گفته آشکار میکند، نه آنچه را که مترجم متوجه می شود.

## گفتار نویسنده: این کتاب تفسیر تحقیقی چه کمکی می‌تواند به شما بکند؟

تفسیر کتاب مقدس فرآیندی منطقی و روحانی است جهت درک نویسنده‌ای قدیمی و تحت الهام، به این منظور که بتوانیم پیام خدا را درک و در زندگی روزمره خود بکار گیریم.

فرآیند روحانی ضروری است، اما تعریف کردن آن آسان نیست. این فرآیند تسلیم و باز بودن در مقابل خدا را میطلبد. شخص باید تشنه خود خدا، شناخت خدا و خدمت کردن به او باشد. این فرآیند شامل دعا، اعتراف و تمایل برای عوض شدن سبک زندگی است. در فرآیند تفسیر حضور روح القدس ضروری است، با اینحال علت برداشت متفاوت مسیحیان بی‌ریا و خدانشناس از کتاب مقدس یک راز باقیمانده است.

توصیف فرآیند منطقی آسانتر است. باید بتوانیم پیوستگی و بیطرفی را در متن حفظ کنیم و تحت تاثیر گرایشهای شخصی و فرقه‌ای خود قرار نگیریم. همه ما از لحاظ تاریخی شرطی هستیم. هیچکدام مفسر بیطرف و بدون نظر شخصی نیستیم. این کتاب تفسیر فرآیند منطقی دقیقی را ارائه می‌کند که شامل سه اصل تفسیری است و به گونه‌ای طراحی شده که به ما کند بر تعصباتمان غلبه نماییم.

### اصل اول

اصل اول توجه به چارچوب تاریخی که کتابی از کتب مقدس در آن نوشته، و موقعیت تاریخی خاص تالیف آن است. مولف هدفی داشت و میخواست پیامی را منتقل کند. متن نباید برای ما معنایی را داشته باشد که هرگز برای مولف اولیه، باستانی و تحت الهام نداشت. نکته کلیدی قصد او است، و نه نیاز تاریخی، احساسی، فرهنگی، شخصی و یا فرقه‌ای ما. کاربرد باید در تفسیر مورد نظر قرار گیرد، اما تفسیر مناسب همواره باید مقدم بر کاربرد باشد. لازم بذکر است که هر متن کتاب مقدس تنها یک معنا میتواند داشته باشد. این همان معنایی است که مولف اولیه تحت هدایت روح قصد داشت برای این دوره بیان کند این معنا ممکن است برای فرهنگها و موقعیتهای متفاوت کاربردهای متعددی داشته باشد. چنین کاربردهایی باید به حقیقت مرکزی مولف اولیه وصل شوند. به همین علت، این راهنمای مطالعه تفسیری طراحی می‌شود تا برای هر کدام از کتب کتاب مقدس مقدمه‌ای را فراهم کند.

### اصل دوم

اصل دوم شناسایی واحدهای ادبی است. هر کدام کتب کتاب مقدس سندی منسجم است. مفسران حق ندارند تنها یک جنبه از حقیقت را به بیجا حذف جنبه‌های دیگر، جدا کنند. بنابراین قبل از تفسیر مستقل هر کدام از واحدهای ادبی، لازم است هدف کلی هر کتاب را درک کنیم. بخشهای مستقل-بابها، پاراگرافها یا آیات- بیانگر معنای کلی یک واحد نیستند. تفسیر باید از مشی قیاسی کل کتاب به مشی استنتاجی بخشها تغییر کند. بنابراین، این راهنمای مطالعه تفسیری طراحی می‌شود تا به دانش‌آموز کمک کند ساختمان هر واحد ادبی را پاراگراف به پاراگراف تجزیه و تحلیل کند. تقسیم‌بندی پاراگراف و باب الهامی نیست، و تنها ما را در شناسایی واحدهای فکری یاری می‌کند.

پایبندی به تفسیر در سطح پاراگراف - نه در سطح جمله، شبه جمله، عبارت یا کلمه - برای پیروی از معنای مورد نظر مولف اولیه کلیدی است. پاراگرافها بر مضامین واحدی بنا شده‌اند که اغلب موضوع یا جمله موضوعی نامیده می‌شوند. هر کلمه، عبارت، شبه جمله یا جمله به نحوی در پاراگراف به این موضوع واحد مرتبط می‌شود. آنها موضوع را محدود، مبسوط و تشریح کرده و یا زیر سوال می‌برند. کلید واقعی تفسیر مناسب پیروی از اندیشه مولف به صورت پاراگراف به پاراگراف در واحدهای ادبی مستقلی است که با هم کتاب مقدس را می‌سازند. این راهنمای مطالعه تفسیری طراحی می‌شود تا به دانش‌آموز کمک کند که این هدف را از طریق مقایسه ترجمه‌های انگلیسی جدید دنبال کند. این ترجمه‌ها به این دلیل انتخاب شده‌اند که در آنها نظریه‌های ترجمه متفاوتی بکار گرفته شده‌اند:

۱. متن یونانی انجمن کتاب مقدس نشر چهارم بازنگری شده است (یو. بی. اس). این متن توسط محققین متن‌شناس جدید پاراگراف‌بندی شد.

۲. نسخه جدید کینگ جیمز (ان. ک. ج. وی) ترجمه لغوی کلمه به کلمه بر مبنای نسخه سنتی است که آنرا تحت نام (Receptus Textus) می‌شناسند.

تقسیم‌بندی پاراگرافها در آن از سایر ترجمه‌ها طولانی‌تر است. واحدهای طولانی‌تر به دانش آموز کمک می‌کنند تا موضوعات مستقل را تشخیص دهند.

۳. نسخه بازنگری شده استاندارد (ان. آر. اس. وی) ترجمه کلمه به کلمه اصلاح شده است. این ترجمه حذف‌های بین دو نسخه جدیدی است که در زیر ذکر میشوند. پاراگراف‌بندی آن به تشخیص موضوعات کمک زیادی می‌کند.

۴. نسخه انگلیسی امروز (تی. ای. وی) ترجمه پویای معادلی است که توسط انجمن کتاب‌مقدس منتشر شد. این نسخه تلاش می‌کند کتاب‌مقدس را به گونه‌ای ترجمه کند که خواننده یا گوینده انگلیسی امروزی بتواند معنای متن یونانی را درک کند. در اغلب موارد و بویژه در اناجیل، پاراگرافها بر مبنای گوینده تقسیم‌بندی میشوند نه بر مبنای موضوع. این روشی است که در آن آی وی نیز بکار گرفته شده است. برای مقاصد تفسیری این سبک مفید نیست. با آنکه یو. بی. اس. و تی. ای. وی هر دو توسط سازمانی واحد منتشر می‌شوند، اما پاراگراف‌بندی آنها با هم فرق دارد.

۵. کتاب مقدس جدید اورشلیم (ان. ج. بی) ترجمه پویای معادلی است بر مبنای کتاب‌مقدس کاتولیک فرانسوی. این نسخه جهت مقایسه پاراگراف‌بندی از نقطه نظری اروپایی مفید است.

۶. متن چاپی در واقع به روز شده کتاب مقدس استاندارد امریکایی (ان. ای. اس. بی) چاپ ۱۹۹۵ است، که ترجمه‌های کلمه به کلمه می‌باشد. تفسیر آیه به آیه بعد از پاراگراف‌بندی می‌آید.

## اصل سوم

اصل سوم مطالعه ترجمه‌های مختلف کتاب‌مقدس به منظور برداشت وسیع‌ترین دامنه معنایی (میدان معنایی) است که کلمات و عبارات کتاب‌مقدس ممکن است داشته باشد. اغلب یک عبارت یا کلمه یونانی ممکن است به طرق متعددی درک شود. ترجمه‌های مختلف این گزینه‌ها را در دسترس قرار داده و به شناسایی و توجیه تفاوتها در دست‌نوشته‌های یونانی کمک می‌کنند. اینها تأثیری در اصول اعتقادی ندارند، ولی به ما کمک می‌کنند تا به متن اولیه نوشته شده توسط نویسندگان قدیمی تحت الهام دست یابیم.

این تفسیر روش سریعی را به دانش‌آموز ارائه می‌دهد تا بتواند برداشت خود را چک کند. قرار نیست که حرف آخر را بزند، و ترجیحاً آموزنده است و خواننده را به تفکر و امیدارد. اغلب، وجود سایر تفسیرهای احتمالی دیگر به ما کمک می‌کنند تا چندان کوتاه‌نظر، متعصب و تحت تأثیر فرقه خود نباشیم. مفسرین برای اینکه متوجه شوند متن اولیه تا چه حد میتواند مبهم باشد، نیازمند دامنه وسیع گزینه‌های تفسیری هستند. وقتی متوجه شویم بین مسیحیان که ادعا می‌کنند کتاب‌مقدس منبع حقیقت برای آنهاست، توافق تا چه اندازه ناچیز است، شوکه می‌شویم.

این اصول مرا مجبور کرده‌اند که با متن باستانی دست و پنجه نرم کنم و از این طریق کمک کرده‌اند تا بر شرطی شدنم نسبت به تاریخ تا حد زیادی غلبه کنم. امیدوارم که برای شما هم باعث برکت شود.

باب آتی

دانشگاه بابتیست شرق تکزاس

۲۷ ژوئیه ۱۹۹۶

## راهنمای مطالعه مفید کتابمقدس:

### تحقیق شخصی برای یافتن حقیقت قابل تصدیق

آیا می‌توانیم حقیقت را بشناسیم؟ حقیقت کجا یافت می‌شود؟ آیا میتوان آنرا به طور منطقی تصدیق کرد؟ آیا قدرت نهایی وجود دارد؟ مطلق‌هایی وجود دارند که بتوانند زندگیها و جهان ما را هدایت کنند؟ آیا زندگی معنایی دارد؟ ما اینجا چه می‌کنیم؟ مقصدمان کجاست؟ این پرسشها - پرسش‌هایی که هر شخص معقولی می‌پرسد - از همان ابتدای جهان اندیشه بشر را مورد جولان قرار داده‌اند (جامعه ۱: ۱۸-۱۳ و ۳: ۱۱-۹). بیاد می‌آورم که خود من چطور به دنبال مرکزی‌تری انسجام‌بخش برای زندگی می‌گشتم. زمانی که خیلی جوان بودم، تحت تأثیر شهادت سایر افراد برجسته خانواده به مسیح ایمان آوردم. وقتی که رشد کردم و به بلوغ رسیدم، پرسش‌هایم در مورد خودم و جهان اطرافم نیز رشد کردند. کلیشه‌های ساده فرهنگی و مذهبی به تجربیاتی که در موردشان می‌خوانم یا به آنها مواجه می‌شدم، معنایی نمی‌بخشید. دوره‌ای بود سرشار از سردرگمی، کنکاش، اشتیاق و اغلب حس نومییدی نسبت به جهان بی احساس و خشنی که در آن زندگی می‌کردم. بسیاری ادعا می‌کردند که برای این پرسش‌های بنیادین پاسخی دارند، اما پس از تحقیق و تعمق درمی‌یافتم که پاسخ‌هایشان بر پایه (۱) فلسفه‌های شخصی، (۲) اسطوره‌های باستانی، (۳) تجربه‌های شخصی یا (۴) روشنگری‌های روانشناسانه بود. اما من به نوعی تصدیق، مدرک و تعقل نیاز داشتم تا بتوانم جهان‌بینی، مرکزیت انسجام‌بخش و دلیل زیستنم را بیا بنا کنم.

من اینرا در مطالعه کتابمقدس یافتم. شروع کردم به جستجو برای یافتن مدارکی که حقیقت بودن آنرا تایید کنند و این مدارک را در (۱) اعتبار تاریخی کتاب مقدس که توسط یافته‌های باستان‌شناسی تایید میشوند، (۲) درستی نبوت‌های عهد عتیق، (۳) وحدت پیام کتابمقدس در طول ۱۶۰۰ سال تالیف آن، و (۴) شهادت افرادی که زندگیشان در اثر تماس با کتابمقدس برای همیشه عوض شد، یافتم. مسیحیت به عنوان سیستم منسجمی از ایمان و باور، توان مواجهه با پرسش‌های پیچیده حیات بشر را دارد. این تنها چارچوبی عقلانی را مهیا نکرد، بلکه جنبه تجربی ایمان مسیحی شمع احساسی و ثبات را نیز برایم به ارمغان آورد.

فکر می‌کردم، آنچنان که از متون مقدس نیز قابل درک است، مرکزیت انسجام‌بخشی برای زندگی پیدا کرده‌ام، مسیح. تجربه هیجان‌انگیزی بود؛ نوعی رها شدن پر شور. با اینوجود، هنوز هم به خاطر دارم که وقتی متوجه شدم که حتی در یک کلیسا یا مدرسه واحد چقدر تفسیرهای متعددی از این کتاب وجود دارد، چه شوک و دردی را احساس کردم اثبات الهامی و قابل اعتماد بودن کتابمقدس انتهای راه نبود، بلکه تنها ابتدای آن بود. چطور می‌توانم تفاسیر متنوع و متناقض بخشهای مشکل کتابمقدس را تایید یا رد کنم؟ این تفسیرها توسط افرادی ارائه شده‌اند که مدعی اقتدار و قابل اعتماد بودن کتاب هستند.

این امر خطیر هدف زندگی و سفر روحانی ایمانم شد. می‌دانستم که ایمانم به مسیح (۱) برایم آرامش و شادی به ارمغان آورده بود. در بطن نسبیتی که فرهنگم (پست مدرنیته) دچار آن بود؛ (۲) کوتاه‌اندیشی سیستم‌های مذهبی متناقض (مذاهب جهان)؛ و (۳) نخوت فرقه‌ای، ذهنم مشتاق قدری قطعیت بود. در کنکاشم برای پیدا کردن رهیافت‌های معتبر برای تفسیر متون ادبی باستانی، از کشف تعصبات تاریخی، فرهنگی، فرقه‌ای و تجربی خود متحیر شدم. غالباً کتابمقدس را می‌خواندم تا دیدگاه‌هایم را تقویت کنم. آن را به عنوان منبعی عقیدتی بکار می‌بردم تا به دیگران حمله، و ضعف‌ها و زلزلایی‌های خود تسکین دهم. چقدر درک نکته بالا دردآور بود!

با آنکه هرگز نمی‌توانم کاملاً بی‌طرف باشم، اما می‌توانم خواننده بهتری برای کتابمقدس شوم! می‌توانم با شناسایی و اذعان به تعصباتم، آنها را محدود کنم. هنوز از ضعف‌های خود میرا نشده‌ام، اما با آنها مواجه شده‌ام. اغلب، مفسر بدترین دشمن مطالعه مناسب کتابمقدس است!

بگذارید تعدادی از پیش‌فرض‌هایی را که در مطالعه کتاب دخالت میدهم به ترتیب بیاورم کنم، تا شما، خوانندگان، هم همراه من آنها را مورد آزمون قرار دهید:

#### (۱) پیش‌فرض‌ها

الف- من معتقدم که کتابمقدس تنها مکاشفه شخصی الهامی یگانه خدا حقیقی است. بنابراین، باید در پرتو انگیزه مولف الهی اولیه (روح) از طریق انسانی نویسنده در وضعیت تاریخی خاص تفسیر شود.

ب- من معتقدم کتابمقدس برای فرد عادی نوشته شد. برای همه انسانها. خداوند خود را همساز کرده تا بتواند در هر زمینه تاریخی و فرهنگی با ما سخن گوید. خداوند حقیقت را پنهان نمی‌کند. می‌خواهد آنرا درک کنیم! پس، باید در پرتو



دوره خودش تفسیر شود نه دوره ما. کتاب‌مقدس نباید برای ما معنایی داشته باشد که برای کسانی که دفعه اول آنرا شنیدند یا خواندند، نداشت. این کتب برای یک ذهن انسانی متوسط قابل درک است و تکنیک‌ها و فرمهای محاوره‌ای انسانی معمولی را بکار می‌برد.

ج- من معتقدم کتاب‌مقدس پیام و هدف واحدی را دنبال می‌کند. با آنکه بخش‌های مشکل و پیچیده را شامل می‌شود، اما در خود تناقض ندارد. بنابراین، بهترین مفسر کتاب‌مقدس خود کتاب‌مقدس است.

د- من معتقدم هر بخش (به استثنای نبوتها) بر اساس انگیزه مولف تحت الهام اولیه، تنها و تنها یک معنا دارد. گرچه هر غز نمی‌توانیم کاملاً مطمئن باشیم که انگیزه مولف اولیه را می‌دانیم، اما شاخص‌های زیادی ما را به آن جهت هدایت می‌کنند:

۱. سبک ادبی (ژانره) که برای بیان پیام انتخاب شده

۲. زمینه تاریخی یا موقعیت ویژه‌ای که نوشته از آن استنتاج شده

۳. زمینه ادبی کل کتاب و نیز هر واحد ادبی

۴. طرح متن (رنوس مطالب) واحدهای ادبی و ارتباط آنها با پیام کلی

۵. جنبه‌های دستوری خاص بکار رفته برای بیان پیام

۶. لغات انتخاب شده برای ارائه پیام

۷. بخش‌های موازی

مطالعه هر کدام از این موارد موضوع مطالعه هر بخش از کتاب خواهد شد. قبل از آنکه راهکار خود برای مطالعه درست کتاب‌مقدس را شرح دهم، بگذارید برخی روشهای نامناسبی را که امروزه بکار برده می‌شوند مشخص کنم. این روش‌ها باعث تنوع وسیع تفسیرها شده و در نتیجه باید از آنها اجتناب کرد:

## ۲) روشهای نامناسب

الف) نادیدن گرفتن زمینه ادبی کتب کتاب‌مقدس و بکار بردن هر جمله، عبارت و حتی کلمه مستقل به عنوان بیانیه حقیقتی که هیچ ارتباطی هدف مورد نظر مولف و یا مفهوم وسیعتر ندارد. اغلب به این 'متن-محوری' می‌گویند.

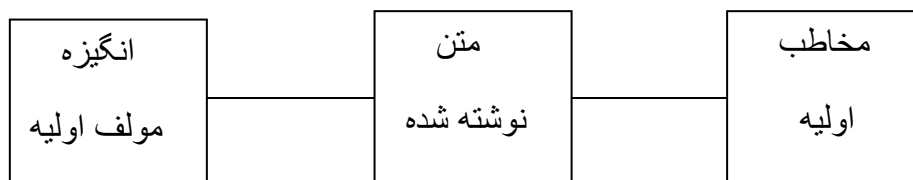
ب) نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب با جایگزین کردن یک چارچوب تاریخی فرضی که خود متن آنرا بطور جزئی یا اصلاً تایید نمی‌کند.

ج) نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب و خواندن آنها همانند روزنامه محلی صبح که عمدتاً برای مسیحیان امروزی نوشته شده است.

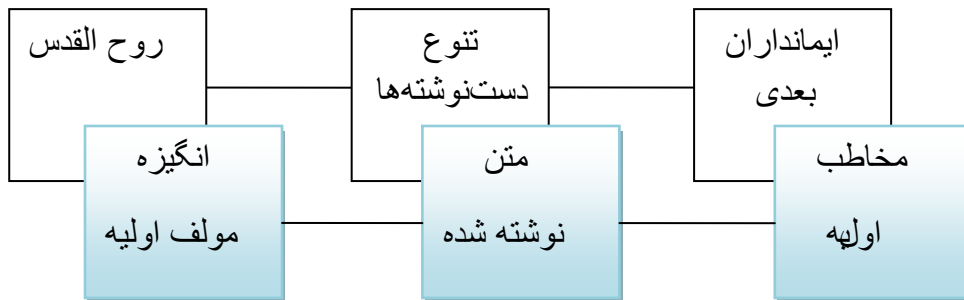
د) نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب با تغییر دادن متن به پیامی فلسفی و الهیاتی که هیچ ارتباطی با شنونده اولیه و انگیزه مولف اولیه ندارد.

ه) نادیده گرفتن پیام اولیه از طریق جایگزین کردن سیستم الهیاتی شخصی، عقاید داخلی یا امور امروزی که هیچ ربطی به هدف نویسنده اولیه یا پیام بیان شده ندارد. این پدیده اغلب خواندن اولیه کتاب‌مقدس را به دنبال دارد که به عنوان ابزاری برای تثبیت اقتدار گوینده بکار می‌رود. به این عموماً 'پاسخ خواننده' می‌گویند (متن برای من چه معنایی دارد-تفسیر).

در همه محاوره‌های انسانی مکتوب حداقل سه جز مرتبط را می‌توان یافت.



در گذشته تکنیکهای متفاوت قرابت بر روی یکی از این سه جز متمرکز بودند. اما برای آنکه الهام منحصر بفرد کتابمقدس بدرستی و با قاطعیت مشخص شود، دیاگرام اصلاح شده منسبتر است.



در حقیقت در فرآیند تفسیر هر سه جز باید منظور شوند. از لحاظ تحقیقی، تفسیر من بر دو جز اول متمرکز شده است: مولف اولیه و متن. احتمال من نسبت به استفاده‌های نادرستی که شاهدشان بوده‌ام واکنش نشان می‌دهم: (۱) تمثیلی و روحانی کردن متن، (۲) تفسیر 'پاسخ خواننده' (برای من چه مفهومی دارد). استفاده نادرست ممکن است در هر مرحله‌ای اتفاق بیفتد. لازم است مدام انگیزه‌ها، تعصبات، تکنیکهای و کاربردهای خود را چک کنیم اما اگر حد و مرزی برای تفسیر، محدوده‌ها و معیارهایی وجود نداشته باشد، چطور می‌توان خود را چک کرد؟ اینجا جایی است که انگیزه نویسنده و ساختار متن معیارهایی را برای محدود کردن حوزه تفسیرهای معتبر و ممکن فراهم می‌کنند.

با توجه به این تکنیک‌های قرابت نامناسب، کدام راهیافتهای قرابت درست کتابمقدس و دستیابی به تفسیر با درجه مناسبی از یکدستی و صحت را ممکن می‌کنند؟

### ۳) رهیافتهای ممکن برای قرابت درست کتابمقدس

در این مقطع در مورد تکنیک‌های منحصر بفرد تفسیر یک سبک ادبی (ژانره) خاص بحث نمی‌کنم، بلکه اصول عمومی علم تفسیر را مطرح می‌کنم که برای همه نوع متون کتابمقدسی اعتبار دارند. یکی از کتابهای خوب در مورد رهیافتهای تفسیری مختص هر ژانره، کتاب 'چگونه کتابمقدس را به بهترین نحو بخوانیم' است که توسط گوردن فی و داگلاس استوارت نوشته شده و زوندروان آن را چاپ کرده است.

راهکار من که ابتدا بر خواننده متمرکز است به روح القدس اجازه می‌دهد که از طریق چهار دایره قرابت شخصی کتابمقدس را روشن کند. این روش روح القدس، متن و خواننده را در جایگاه نخست قرار می‌دهد، نه جایگاه دوم خواننده را نیز از اینکه بی‌مورد تحت تاثیر مفسر قرار گیرد، محافظت می‌کند. شنیده‌ام که گفته‌اند: "کتابمقدس نور زیادی بر تفسیرها می‌افکند". هدف از این اظهار نظر بی ارزش کردن وسایل کمک آموزشی نیست، بلکه در واقع درخواستی است برای اینکه از آنها در موقع مناسب استفاده شود.

باید بتوانیم تفسیرهای خود را با استفاده از خود متن تأیید کنیم. پنج ناحیه حداقل تصدیق محدودی را فراهم می‌کنند:

(۱) الف. محیط تاریخی و

ب. زمینه ادبی خواننده اولیه.

(۲) انتخاب‌های نویسنده اولیه از لحاظ

الف. ساختار دستور زبانی

ب. کاربرد اثر در آن زمان

ج. سبک ادبی (ژانره)

(۳) درک ما از بخش‌های موازی مناسب و مرتبط

باید بتوانیم دلایل و منطقی را ارائه دهیم که تفسیر بر آن بنا شده است. کتاب مقدس تنها منبع ایمان و اعمال ماست. متأسفانه، مسیحیان اغلب در مورد آنچه این کتاب تعلیم می‌دهد و یا تایید می‌کند، با هم اختلاف نظر دارند. وقتی ادعا می‌کنیم که کتاب مقدس الهامی است، در حالیکه خود مسیحیان قادر نیستند در مورد تعالیم و مستلزمات آن با هم توافق کنند، گویی خود را شکست داده‌ایم.

چهار دایره قرابت طراحی شده‌اند تا نگرش‌های تفسیری زیر را فراهم آورند:

الف) دایره قرابت اول

۱. کل کتاب را یکجا بخوانید. دوباره آنرا از ترجمه دیگری که از یکی تئوری‌های ترجمه متفاوت ذیل تبعیت می‌کند، قرابت کنید:

- ترجمه کلمه به کلمه (ان. ک. ج. وی، ان. آ. اس. بی، ان. آر. اس. وی)
- معادل پویا (تی. ای. وی، جی. بی)
- تفسیری (ال. بی، کتاب مقدس مبسوط)

۲. سعی کنید هدف مرکزی کل نوشته را بیابید. موضوع کلی آنرا شناسایی کنید.

۳. (در صورت امکان) واحد ادبی، باب، پاراگراف یا جمله‌ای که این این موضوع کلی یا هدف مرکزی را بیان می‌کند جدا کنید.

۴. سبک ادبی غالب را شناسایی کنید.

الف) عهد عتیق

(۱) داستانسرای عیسی

(۲) شعر عبری (ادبیات حکیمانه، مزمور)

(۳) نبوت عبری (نثر، شعر)

(۴) دستورات شریعت

ب) عهد جدید

(۱) داستانسرای (اناجیل، اعمال رسولان)

(۲) مثل‌ها (اناجیل)

(۳) نامه‌ها / رسالات

(۴) ادبیات مکاشف‌های

ب) دایره قرابت دوم

۱. دوباره کل کتاب را خوانده، بکوشید مطالب و موضوعات مهم را شناسایی کنید.

۲. طرح کلی موضوعات عمده را ترسیم و مختصراً محتویات آنها را در جمله‌های کوتاه بیان کنید.

۳. نوشته خود را در مورد هدف و طرح کلی با منابع کمک آموزشی مقایسه کنید.

ج) دایره قرابت سوم

۱. مجدداً کل کتاب را بخوانید و اینبار با استفاده از خود کتاب شرایط تاریخی و موقعیت خاص نگارش آنرا شناسایی کنید.

۲. موارد تاریخی را که در کتاب ذکر شده‌اند یادداشت کنید:

- مولف
- تاریخ
- مخاطبان
- دلیل خاص نگارش
- جنبه‌هایی از شرایط فرهنگی که با هدف نگارش مرتبط هستند
- اشارات به افراد و وقایع تاریخی

۳. برای آن بخش از کتاب مقدس که قصد تفسیرش را دارید، طرح کلی خود را تا سطح پاراگراف بسط دهید. همیشه واحد ادبی را شناسایی و در طرح کلی نشان دهید. این ممکن است چندین پاراگراف یا باب را شامل شود. این روش باعث می‌شود بتوانید منطق مولف اولیه و الگوی متن را دنبال کنید.

۴. شرایط تاریخی خود را با استفاده از منابع کمک آموزشی چک کنید.

(د) دایره قرابت چهارم

۱. با استفاده از ترجمه‌های مختلف واحد ادبی خاص را دوباره بخوانید.

- ترجمه کلمه به کلمه (ان. ک. ج. وی، ان. آ. اس. بی، ان. آر. اس. وی)
- معادل پویا (تی. ای. وی، جی. بی)
- تفسیری (ال. بی، کتاب مقدس مبسوط)

۲. ساختارهای ادبی یا دستوری را بیابید

الف) عبارات تکراری، افسسیان ۱: ۶، ۱۲ و ۱۳

ب) ساختارهای دستوری تکراری، رومیان ۸: ۱۳

ج) مفاهیم مقایسه‌ای،

۳. موارد زیر را فهرست کنید

الف) واژه‌های مهم

ب) واژه‌های غیر معمول

ج) ساختارهای دستوری مهم

د) کلمات، شبه جمله‌ها و جمله‌ای خیلی دشوار

۴. بخشهای موازی مرتبط را بیابید

الف) با استفاده از موارد زیر واضح‌ترین بخش تعلیمی کتاب در مورد موضوع مورد بحث را پیدا کنید

- کتاب‌های الهیات سیستماتیک
- کتاب‌های مقدس مرجع
- کتاب‌های راهنمای مطالب و موضوعات

ب) در محدوده موضوع مورد نظر خود به دنبال زوج‌های ظاهراً متناقض احتمالی بگردید. بسیاری از حقایق کتاب‌مقدس به صورت زوجهای مناظره‌ای ارائه می‌شوند؛ بسیاری از جدالهای فرقه‌ای از تاکید بیش از حد تنها بر نیمی از یک استدلال کتاب‌مقدسی نشأت می‌گیرند. تمام کتاب مقدس الهامی است، پس برای حفظ توازن در بهره بردن از آن جهت تهیه تفسیر خود، باید پیام کامل آن را جستجو کنیم.

ج) در کتاب واحد، مولف واحد و سبک ادبی واحد بدنبال موارد موازی بگردید؛ کتاب‌مقدس خود بهترین مفسر خود است زیرا تنها یک مولف دارد، روح‌القدس.

د) کلمات، شبه جمله‌ها و جمله‌های خیلی دشوار

۵. با استفاده از منابع کمک آموزشی مشاهدات خود در مورد محیط و موقعیت تاریخی را چک کنید

الف) کتاب‌مقدس‌ها را مطالعه کنید

ب) دایره‌المعارف کتاب مقدس، دست‌نوشته‌ها و فرهنگ‌ها

ج) مقدمات بر کتاب‌مقدس

د) تفاسیر کتاب‌مقدس (در این مرحله از مطالعه خود، اجازه دهید ایمانداران، چه گذشته و چه حال، به مطالعه شخصی شما کمک و آنرا تصحیح کنند.)

#### ۴) کاربرد تفسیر کتاب‌مقدس

در این مرحله به کاربرد می‌پردازیم. شما برای درک متن در محیط اولیه آن وقت صرف کرده‌اید؛ حال باید آن را به زندگی و فرهنگ خود ربط دهید. من اقتدار کتاب‌مقدس را اینگونه تعریف می‌کنم: "درک آنچه نویسنده به دوره خودش می‌گفت و بکار برده آن حقیقت برای این دوره."

کاربرد باید هم از لحاظ زمان و هم استدلال تفسیر نیت مولف اولیه را دنبال کند. ما تنها زمانی می‌توانیم بخشی از کتاب‌مقدس را در دوره خود بکار ببریم که بدانیم آن بخش به دوره خود چه می‌گفت. هیچ بخشی از کتب نباید معنایی را ارائه دهد که هرگز قرار نبود ارائه دهد.

طرح کلی شما، همراه با جزئیات در سطح پاراگراف (دایره قرابت شماره ۳)، راهنمایان خواهد بود. کاربرد باید در سطح پاراگراف باشد، نه کلمه. کلمات، شبه جمله‌ها و جملات تنها در متن معنی پیدا می‌کنند. تنها شخص تحت الهام درگیر در فرآیند تفسیر مولف اولیه است. ما فقط به کمک روشنگری روح‌القدس مسیر او را دنبال می‌کنیم. اما روشنگری به معنای الهام نیست. برای گفتن "پس خداوند فرمود" باید به انگیزه مولف اولیه وفادار بمانیم کاربرد بویژه باید به هدف عمومی کل نوشته، واحد ادبی خاص و پیشرفت بحث در سطح پاراگراف مرتبط باشد.

اجازه ندهید موضوعات روز ما کتاب‌مقدس را تفسیر کنند، بگذارید کتاب‌مقدس سخن بگوید. شاید لازمه این استخراج اصول از متن باشد. این در صورتی معتبر است که کتاب اصلی را تقویت کند. متأسفانه، در بیشتر موارد اصول ما تنها اصول "ما" هستند، نه اصول متن.

هنگام بکار بردن کتان مقدس، مهم است که بیاد داشته باشیم (به استثنای نبوت) برای متنی بخصوص از کتاب تنها و تنها یک معنی اعتبار دارد. آن معنا مرتبط است با نیت نویسنده اولیه که به بحران یا نیازی در دوره خودش پرداخته بود. از این معنای واحد کاربردهای احتمالی زیادی را ممکن است بتوان استخراج کرد. کاربرد بر مبنای نیاز مخاطب خواهد بود، اما لازم است که به نیت مولف اولیه ربط داشته باشد.

#### ۵) جنبه روحانی تفسیر

تا اینجا فرآیند منطقی و متنی دخیل در تفسیر و کاربرد را توضیح دادم. حال میخواهم مختصراً جنبه روحانی تفسیر را مورد بحث قرار دهم. من فهرست زیر را مفید یافتم:

الف) برای دریافت کمک از طرف روح القدس دعا کنید (۱ قرننیاں ۱: ۲۶ تا ۲: ۱۶)

ب) برای بخشیده و پاک شدن خود از گناهان شناخته شده دعا کنید (۱ یوحنا ۱: ۹)

ج) برای اشتیاق بیشتر جهت شناخت خدا دعا کنید (مزامیر ۱۹: ۱۴-۷؛ ۴۲؛ ۱۱۹)

د) هر درک جدیدی را فوراً در زندگی خود بکار ببرید

ه) فروتنی و تعلیم پذیری خود را حفظ کنید

حفظ تعادل بین فرآیند منطقی و هدایت روحانی روح القدس کار دشواری است. نقل قول زیر بهمان در حفظ این تعادل کمک کرده اند:

الف) جیمز دبلویو سایر، متون مقدس پیچیده، صفحات ۱۷-۱۸:

"اشراق به ذهن قوم خدا خطور میکند- نه فقط به نخبگان روحانی. در مسیحیت کتاب مقدس طبقه مغز متفکر، روشن ضمیر، یا دسته خاصی که تنها حق تفسیر داشته باشند، وجود ندارد. پس، با آنکه روح القدس هدایای مخصوص برای حکمت، معرفت و بصیرت روحانی را عطا میکند، اما چنین افراد صاحب استعدادی را به عنوان تنها مفسرین صاحب اختیار کلام خود منصوب نمیکند. وظیفه تمامی ایمانداران است که، فرا بگیرند، قضاوت کنند و تشخیص دهند. بوی این منظور مرجع آنها کتاب مقدس است که حتی برای آنهایی که توانایی های خدادادی خاص دارند نیز ملاک عمل است. خلاصه کلام اینکه، فرضیه ای که من در سراسر کتاب ارائه میدهم این است که کتاب مقدس مکاشفه حقیقی خداست برای همه انسانها، ملاک غایی ماست برای تمام موضوعاتی که در موردشان صحبت می کنیم، و سری کلی نیست بلکه برای مردم عادی از هر فرهنگی قابل درک است."

ب) در مورد کیرکه گارد، از برنارد رام، تفسیر کتاب مقدس پروتستان، صفحه ۷۵:

به نظر کیرکه گارد مطالعه دستوری، واژه ای و تاریخی کتاب مقدس ضروری اما تنها مقومه خواندن صحیح آن است. برای قرابت کتاب مقدس به عنوان کلام خدا، شخص باید با اشتیاق وافر، توجه عمیق و توقع مشتاقانه و در گفتگو با خدا آن را بخواند خواندن بی ملاحظه یا بی دقت یا علمی و حرفه ای، خواندن کتاب مقدس به عنوان کلام خدا نیست. هنگامی که شخص آنرا مانند نامه ای عاشقانه میخواند، تنها آن موقع است که آنرا به عنوان کلام خدا می خواند.

ج) اچ. اچ. راولی در کتاب موضوعیت کتاب مقدس، صفحه ۱۹:

هیچ درک هوشمندانه منحصر به فردی از کتاب مقدس، ولو کامل، نمی تواند همه گنجینه های آن را دربر داشته باشد. کتاب مقدس چنین درکی را خوار نمی شمارد، زیرا پیش نیاز درک کامل است. اما برای کامل بودن باید منجر به درکی روحانی از گنجینه های روحانی این کتاب شود. و برای چنان درک روحانی، چیزی فراتر از هوشیاری خردمندانه لازم است. امور روحانی از طریق روحانی تمیز داده می شوند و دانشجویان کتاب مقدس، اگر میخواهند از مرحله مطالعه علمی فراتر رفته به میراث غنی این کتاب که از هر کتابی عظیمتر است برسند، نیازمند قدرت دریافت روحانی و اشتیاق برای یافتن خدایی هستند که باید خود را تسلیم او کنند.

## ۶) روش کار این کتاب تفسیر

کتاب تفسیر راهنمای مطالعه طراحی شده تا به طرق زیر به دستور العمل های تفسیری شما کمک کند:

الف) طرح کلی تاریخی مختصر هر کتاب را معرفی میکند. بعد از انجام دایره قرابت ۳ این اطلاعات را مرور کنید.

ب) برداشتهای ناشی از بررسی متن در ابتدای هر پاراگراف یافت می شوند. این به شما کمک میکند ساختار بندی واحد ادبی را ببینید.

ج) در ابتدای هر باب یا واحد ادبی بزرگ، تقسیم‌بندی پاراگرافها و عنوانهای توصیفی مربوط به آنها از ترجمه‌های متعدد امروزی ارائه می‌شود:

۱- متن یونانی انجمن متحد کتاب مقدس، چاپ چهارم بازنگری شده (یو بی اس)

۲. کتاب مقدس جدید امریکایی، بروز شده در سال ۱۹۹۵

۳. نسخه جدید کینگ جیمز (ان کی ج وی)

۴. نسخه جدید استاندارد بازنگری شده (ان آر اس وی)

۵. نسخه انگلیسی امروز (تی ای وی)

۶. کتاب مقدس اورشلیم (ج بی)

تقسیم‌بندی پاراگرافها الهامی نیست. باید آنها را بر اساس زمینه متن تعیین کرد. با مقایسه ترجمه‌های متعدد امروزی که از لحاظ تئوری ترجمه و دیدگاه الهیاتی با هم فرق دارند، قادر خواهیم بود ساختار فکری نویسنده اولیه را مورد تجزیه تحلیل قرار دهیم. هر پاراگراف یک حقیقت عمده را دربر میگیرد. اینها را میتوان 'جمله موضوعی' یا 'تفکر مرکزی متن' نامید. این تفکر انسجام بخش کلید تفسیر تاریخی و دستوری مناسب است. هرگز نباید کمتر از یک پاراگراف را تفسیر، موعظه یا تعلیم داد. همچنین به یاد داشته باشید که هر پاراگرافی با پاراگرافی اطرافش مرتبط است. به همین دلیل است که طرح کلی پاراگرافهای کل کتاب از اهمیت زیادی برخوردار است. باید بتوانیم جریان منطقی موضوع مورد بررسی توسط مولف اولیه را دنبال کنیم.

د) یادداشتهای باب از رهیافت تفسیر آیه به آیه پیروی میکند. این ما را مجبور میکند تفکر نویسنده اولیه را دنبال کنیم. یادداشتهای از جنبه‌های متعددی اطلاعات ارائه می‌دهند:

۱. زمینه ادبی متن

۲. برداشتهای تاریخی، فرهنگی

۳. اطلاعات دستوری

۴. مطالعات لغوی

۵. بخش‌های موازی مرتبط

ه) در مقاطع خاصی از این تفسیر تحقیقی، متن چاپی نسخه استاندارد جدید امریکایی (ان آ او وی) با استفاده از ترجمه نسخه‌های امروزی متعدد دیگری تکمیل میشود:

۱. نسخه جدید کینگ جیمز (ان ک ج وی)، که از دست‌نوشته‌های متنی کتاب مقدس 'متن دریافتی' (تکستوس رسپتوس) پیروی میکند.

۲. نسخه جدید استاندارد بازنگری شده (ان آر اس وی)، که بازنگری کلمه به کلمه ای است که شورای ملی کلیساها از نسخه استاندارد بازنگری شده، انجام داده است.

۳. نسخه انگلیسی امروز (تی ای وی)، که معادل پویایی است از ترجمه ای که توسط انجمن متحد کتاب مقدس انجام شد.

۴. کتب مقدس اورشلیم (ج بی)، که ترجمه انگلیسی است از یک ترجمه فرانسوی کاتولیک معادل پویا.

و) برای کسانی که قادر به خواندن یونانی نیستند، مقایسه ترجمه‌های انگلیسی میتواند به شناسایی مشکلات در متن کمک کند:

۱. تنوع دست‌نوشته‌ها

۲. معانی گوناگون کلمات

۳. متونی و ساختارهایی که از که لحاظ دستور مشکل هستند

۴. متون مبهم

گرچه ترجمه های انگلیسی قادر به حل این مشکلات نیستند، ولی آنها را به عنوان مواردی جهت مطالعه عمیقتر و کاملتر مورد هدفگیری قرار میدهند.

(ز) در پایان هر باب سوالات توضیحی مربوطه ارائه میشود که تلاش دارند معضلات تفسیری مربوط به آن باب را نشانه روند.



# مقدمه ای بر رسالات شبانی

## ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس

### بیانیه افتتاحی

الف) موقعیت جغرافیایی ذکر شده در ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس در ترتیب زمانی اعمال رسولان یا سایر رسالات پولس جا نمی‌گیرد.

۱. دیدار از افسس (۱ تیموتائوس ۱: ۳)

۲. دیدار از تروآس (۲ تیموتائوس ۴: ۱۳)

۳. دیدار از میلیتوس (۲ تیموتائوس ۴: ۲۰)

۴. ماموریت در کریت (تیطوس ۱: ۵)

۵. ماموریت در اسپانیا (کلمنت روم، ۹۵ بعد از میلاد و مقدمه بر مصوبه موراتوریان ۲۰-۱۸۰ میلادی)

بنابراین تصور من این است که پولس از زندان آزاد شد (اوایل تا اواسط دهه ۶۰ که در ۱ کلمنت ۵ نوشته شده در حدود سال ۹۵ بعد از میلاد ثبت شده است) و سفر بشارتی چهارمی را آغاز کرد، سپس دوباره دستگیر و قبل از سال ۶۸ میلادی (خودکشی نرون) کشته شد.

ب) هدف از نگارش این رسالات عموماً اداری در نظر گرفته شده است (سازماندهی کلیسا). با اینحال، در تفسیر تحقیقی بین المللی جدید کتاب مقدس، جلد ۱۳ که مربوط است به ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس، گوردون فی مرا متقاعد می‌کند که علت نگارش رسالات تعلیم غلطی بود که در کلیساهای خانگی افسس (۱ تیموتائوس) و جزیره کریت (تیطوس) پدیدار شده بود.

ج) از برخی جنبه‌ها رسالات شبانی الگوی مدیریتی را بنا می‌نهد که مشابه است با دستورالعمل‌های اسن‌ها. با توجه به انحراف زود هنگام و فراگیر از تعالیم و روش رسولان این راهبردها بسیار ضروری بودند.

د) شباهت بین رسالات شبانی و سبک نگارش اعمال رسولان و انجیل لوقا شاید به این دلیل باشد که پولس از او به عنوان کاتب کمک گرفت (سی اف سی مول، مشکل رسالات شبانی، یک ارزیابی تازه). سی جی ویلسون در کتاب لوقا و رسالات شبانی ثابت کرده است که این سه کتاب احتمالاً تلاش لوقا بوده اند برای نگارش جلد سومی که جنبش انجیل را فراتر از روم ترسیم کند.

ه) چرا این سه کتاب با هم در نظر گرفته میشوند؟ آیا ممکن است که آنها با زمان، مکان یا موضوعات مجزایی سروکار داشته باشند؟ تنها ۱ تیموتائوس و تیطوس به سازماندهی کلیسا می‌پردازند. در واقع علت عبارت است از: (۱) سبک نگارش، (۲) معلمین کاذبی که ظاهراً این سه کتاب را متحد می‌سازند و (۳) این حقیقت که آنها در ترتیب زمانی اعمال رسولان (اگر با هم در نظر گرفت شوند) نمی‌گنجند.

### مؤلف

الف) خود رسالات مدعی هستند که آنها را پولس (۱ تیموتائوس ۱: ۱؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱ و تیطوس ۱: ۱) به ترتیب به دو نماینده اش، تیموتائوس و تیطوس نوشت.

ب) بحث بر روی مسئله مؤلف رسالات شبانی در قرون ۱۹ و ۲۰ آغاز شد. عدم پذیرش پولس به عنوان مؤلف عموماً بر اساس یکی از موارد زیر است:

(۱) سازماندهی تثبیت شده کلیسا (تعیین صلاحیت رهبران)

۲) فلسفه عرفانی-روحانی تثبیت شده (ثبت شده در قرن دوم)

۳) الهیات تثبیت شده (بیانی های عقیدتی)

۴) تغییر در دایره لغت و سبک (یک سوم واژه ها در سایر رسالات پولس بکار برده نشده اند)

ج) این تفاوتها را میتوان توجیه کرد:

۱) اینها آخرین نوشته های پولس هستند، احتمالاً از لوقا به عنوان نگارنده کمک گرفته است

۲) دایره لغت و سبک به علت نگارش بستگی دارد

۳) فلسفه عرفانی-روحانی بسطی بود از تفکر یهودی قرن اول (طومارهای دریای مرده)

۴) پولس الهیات دان فوق العاده و نویسنده ای خلاق با دایره لغتی وسیع بود

د) درک رو به رشدی از سوابق تاریخی وجود دارد:

۱) استفاده پولس از کاتب مسیحی حرفه ای (در اینجا، احتمالاً لوقا، ۲ تیموتائوس ۴: ۱۱)

۲) استفاده پولس از دیگران به عنوان مولفان همکار (یعنی بخشی از تیم خدمتی اش)

۳) استفاده پولس از نقل قولهای عبادت و پرستشی (خلاصه خوبی) را میتوان در کتاب لغت پولس و رسالاتش صفحه ۶۶۴، یافت که توسط هات هورن و مارتین تدوین و بوسیله آی وی پی چاپ شد)

این ایده که بخشی از رسالات شبانی نقل قولی است از سایر منابع، کمک میکند که بتوانیم تعداد هاپکس لیگومنا (لغاتی که تنها در زمان عهد جدید رایج بودند)، اصطلاحات غیر پولسی، و کاربرد منحصر بفرد واژه های پولسی را توجیه کنیم

الف) عبارات تسبیحی (۱ تیموتائوس ۱: ۱۷؛ ۶: ۱۷-۱۶)

ب) فهرست گناهان (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰-۹)

ج) رفتار مناسب زنان (۱ تیموتائوس ۲: ۹ تا ۳: ۱)

د) تعیین صلاحیت خادمان (۱ تیموتائوس ۱: ۱۳-۱۱)

ه) اعترافات پرستشی (۱ تیموتائوس ۲: ۶-۵؛ ۳: ۱۶، ۲ تیموتائوس ۱: ۱۰-۹، تیطوس ۳: ۷-۳)

و) سرودهای پرستشی (۱ تیموتائوس ۶: ۱۲-۱۱، ۱۶-۱۵؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۳-۱۱؛ تیطوس ۲: ۱۴-۱۱)

ز) تفسیر کتاب مقدس یهودی عید عتیق (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰-۹، ۲: ۹ تا ۳: ۱، ۵: ۱۸-۱۷؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۹-۲۱)

تیطوس ۳: ۷-۳)

ح) فرمولها

(۱) "وفادار واژه مورد نظر است" (۱ تیموتائوس ۱: ۱۵؛ ۲: ۹ تا ۳: ۱؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۳-۱۱؛

تیطوس ۳: ۸-۳)

(۲) "دانستن اینکه" (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۵-۱)

(۳) "این چیزها" (۱ تیموتائوس ۴: ۶؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۴؛ تیطوس ۱: ۱۶-۱۵؛ ۲: ۱)

ط) نقل قول از شاعران یونانی (تیطوس ۱: ۱۲ [علم منطق و یا کلام])

ه) جای تعجب است که یک به اصطلاح پولس شناس قرن دوم چنان جزئیات دقیقی از جمله نام افراد را ذکر کند (همینائوس ۱ تیموتائوس ۱: ۲۰؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۷؛ اسکندر، ۱ تیموتائوس ۱: ۲۰ و زیناس، تیطوس ۳: ۱۳) و وقایع (بیماری تروفیموس در مینیلوس، ۲ تیموتائوس ۴: ۲۰؛ یا نقش زن بیوه، ۱ تیموتائوس ۵: ۹) که هیچ جای دیگر در نوشته های پولس به آنها اشاره نشده است. این موارد با فرض ساختگی بودن نام در نگارش سازگاری ندارد.

مقاله خوبی در زمینه ساختگی بودن نامها در رسالات عهد جدید توسط کارسون موو و موریس تحت عنوان مقدمه ای بر عهد جدید صفحات ۳۶۷-۳۷۱ چاپ شده است.

## زمان

الف) اگر این حقیقت داشته باشد که پولس از زندان آزاد شد (بعد از پایان کتاب اعمال رسولان، احتمالاً ۶۱-۵۹ میلادی)، آیا روایت های اولیه ای از فعالیت های پس از زندان او وجود دارد (مثلاً موعظه در اسپانیا، رومیان ۱۵: ۲۴ و ۲۸)؟

۱. رسالات شبانی (۲ تیموتائوس ۴: ۱۰)

۲. ۱ کلمنت ۵

الف) پولس در شرق و غرب موعظه کرد (یعنی در اسپانیا)

ب) پولس در زمان "رئیسان" کشته شد (تیگلینوس و سابینوس که در سال آخر زمامداری نرون، ۶۸ میلادی، ایفای نقش میکردند)

۳. مقدمه ای بر مقطع موراتوریان (فهرستی از کتب مصوبات از روم در حدود ۲۰-۱۸۰ میلادی)

۴. تاریخ جامعه ۲: ۲۲-۸: ۱ اثر یوسیبوس بیان میکند که پولس از زندان رومیان آزاد شد.

ب) به نظر میرسد که ۱ تیموتائوس و تیطوس در زمانی نزدیک به هم و قبل از دستگیری دوباره پولس نوشته شدند. ۲ تیموتائوس آخرین تالیف و خداحافظی پولس است از زندان.

ج) ترتیب زمانی احتمالی نوشته های پولس بر اساس اف اف بوروس و موری هریس با تغییراتی جزئی:

کتاب	تاریخ	محل نگارش	ارتباط با اعمال رسولان
۱. غلاطیان	۴۸	انطاکیه ترکیه	۲: ۱۵، ۲۸: ۱۴
۲. اول تسالونیکیان	۵۰	قرنتس	۱۵: ۱۸
۳. دوم تسالونیکیان	۵۰	قرنتس	
۴. اول قرنتیان	۵۴	افسس	۲۰: ۱۹
۵. دوم قرنتیان	۵۶	مقدونیه	۲: ۲۰
۶. رومیان	۵۷	قرنتس	۳: ۲۰
۷-۱۰. رسالات زندان			
کولسیان	اوایل دهه ۶۰ میلادی	روم	
افسیان	اوایل دهه ۶۰ میلادی	روم	
فلیمون	اوایل دهه ۶۰ میلادی	روم	
فیلیپیان	اوایل ۶۲-۶۳	روم	
۱۱-۱۳. سفر بشارتی چهارم			
۱ تیموتائوس	۶۳ (یا بعد از آن ولی)	مقدونیه	
تیطوس	۶۳	افسس (?)	
۲ تیموتائوس	۶۴ (قبل از ۶۸)	روم	

## مخاطبان

الف) عنوان رسالات شبانی از تفسیر تحقیقی دی ان بردات که در سال ۱۷۰۳ نوشته شد، می آید. این تفسیر از ویژگی و محتوای منحصریفرد این کتب میگوید. اما، تیموتائوس و تیپوس شبان نیستند، بلکه نمایندگان رسولان هستند.

ب) این رسالات در فرم ادبی نامه به همکاران پولس یعنی تیموتائوس و تیپوس، خطاب به کلیساها نوشته شدند. پولس وقتی به تیم رهبریش میزویسد کل اعضاء کلیسا را مخاطب قرار میدهد. اشارات زیر نشانگر گسترده بودن مخاطبان پولس است:

۱) مقدمه های رسمی که رسالت پولس را ذکر میکنند

۲) "شما" در فرم جمع در بخش انتهایی هر سه نامه

۳) دفاع پولس از دعوت خود (۱ تیموتائوس ۲: ۷)

۴) نوشته پولس خطاب به تیموتائوس در مورد مسایلی که او بخاطر زمانی که با پولس گذرانده بود از قبل از آنها اطلاع داشت (۱ تیموتائوس ۳: ۱۵)

## موقعیت و هدف از نگارش

الف) هدف اصلی پولس مبارزه با بدعت های نوظهور بود (۱ تیموتائوس ۱: ۳). بدعت خاص ممکن است ترکیبی از گرایشهای یهودی و عرفانی باشد (بسیار شبیه معلمان دروغین افسسیان و کولسیان). احتمالاً دو گروه مجزا وجود داشت.

ب) عهد عتیق راهبردهای روشنی را برای سازماندهی جماعت ایمانداران ارائه میدهد. عهد جدید دستورالعمل مشخصی برای سازماندهی یا اداره کلیسا ندارد. رسالات شبانی (۱ تیموتائوس، ۲ تیموتائوس و تیپوس) بهترین راهبردهای ممکن عهد جدید هستند.

ج) ۱ تیموتائوس نوشته شد

۱. تا از تیموتائوس درخواست شود در افسس بماند (۱ تیموتائوس ۳: ۱)

۲. تا با معلمان دروغین برخورد شود (۱ تیموتائوس ۱: ۲۰-۱۹؛ ۴: ۵-۱؛ ۶: ۴-۵؛ ۲۰، ۲۱)

۳. تا رهبری سازماندهی شود (۱ تیموتائوس ۳)

د) تیپوس نیز ماموریت داشت به بدعت و سازماندهی در کریت رسیدگی کند (۱: ۵)

ه) ۲ تیموتائوس زمانی نوشته که پولس در زندان بود و امید ناچیزی برای آزادی داشت (۴: ۸-۶، ۱۸-۱۶)

و) حس قوی از "تعلیم راسخ" (یعنی اصول درست) در سراسر این کتب (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ ۴: ۶؛ ۳: ۳، ۲ تیموتائوس ۱: ۱۳؛ ۴: ۳ و تیپوس ۱: ۹؛ ۲: ۱) و "ثبات در ایمان" (۱ تیموتائوس ۱: ۱۳؛ ۲: ۲) وجود دارد. خداوند "تعلیم راسخ" خود را به پولس میسپارد (۱ تیموتائوس ۱: ۱۱)؛ پولس هم آن را به تیموتائوس (۱ تیموتائوس ۶: ۲۰) میسپارد. تیموتائوس نیز به نوبه خود آنرا به مردان امین (۲ تیموتائوس ۲: ۲) به امانت میدهد.

## معلمین دروغین

الف) بدلیل عدم دسترسی ما به اطلاعات مربوط به قرن اول، بحث در مورد معلمین دروغین دشوار است. پولس به کسانی می نویسد که ای معلمین دروغین را شخصاً می شناختند. بنابراین، در مورد اللهائیت آنها مفصلاً بحث نمی کند، ولی معمولاً روش زندگی و انگیزه های آنها را محکوم میکند (درست مانند یهودا).

ب) مسئله تفسیری اصلی این است که آنها اصالتاً اهل کجا بودند:

(۱) یهودی

(۲) یونانی

(۳) ترکیبی از اینها

معلمین دروغین به نظر میرسد که ترکیبی باشند از عناصر یهودی و عرفانی. اما چطور این جنبش های مذهبی کاملاً متفاوت در هم آمیختند؟

الف) یهودیت همواره برخی عناصر دوگانه را در خود پذیرفت (طومارهای دریای مرده)

ب) عرفان قرن دوم این موضوعات الهیاتی/فلسفی مرسوم در خاور نزدیک را توسعه کرد

ج) یهودیت در غربت بسیار گزینشی تر از آن بود که محققین امروزی تصور میکردند

د) سابقه قرن اولی برای بدعت یهودی-عرفانی در کتاب کولسیان وجود دارد

ج) برخی عناصر معلمین دروغین

(۱) جنبه های یهودی

الف) معلمین دروغین

(۱) معلمین شریعت (۱ تیموتائوس ۱: ۷)

(۲) طرفداران ختنه (تیطوس ۱: ۱۰)

ب) به معلمین دروغین در مورد افسانه های یهود هشدار داده شد (۱ تیموتائوس ۳: ۹؛ تیطوس ۱: ۱۴)

ج) معلمین دروغین در ارتباط با احکام مربوط به غذا (۱ تیموتائوس ۴: ۵-۱)

د) معلمین دروغین در ارتباط با شجره نامه ها (۱ تیموتائوس ۱: ۴؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۴؛ ۳ تیموتائوس ۷: ۲؛ تیطوس ۱: ۱۴-۱۵؛ ۳: ۹)

(۲) جنبه های عرفانی (موضوع خاص در تیطوس ۱ را ببینید)

الف) ریاضت منع کردن یا مستثنی کردن

(۱) منع ازدواج (۱ تیموتائوس ۲: ۱۵؛ ۳: ۲)

(۲) مستثنی کردن برخی غذاها (۱ تیموتائوس ۴: ۴)

ب) بهره برداری جنسی (۱ تیموتائوس ۴: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۶-۷؛ تیطوس ۱: ۱۱ و ۱۵)

ج) تاکید بر معلومات (۱ تیموتائوس ۴: ۳-۱؛ ۶: ۲۰)

## مطابقت با متون پذیرفته شده

الف) رسالات پولس در یک جلد به نام "رسول" جمع آوری و سپس بین کلیساها توزیع شدند. تنها دست نوشته یونانی رسالات پولس که فاقد ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس (و نیز ۲ تسالونیکیان و فلیمون) است، دست نوشته پایروسی مربوط به حدود ۲۵۰ میلادی است که پی ۴۶ نام دارد (از پایروسهای چستر بیٹی). حتی این نیز مبتنی بر حدس و گمان است زیرا صفحات زیادی از بخش پایانی دست نوشته مفقود هستند. سایر دست نوشته های یونانی همگی شامل بخشی هستند که بعدها "رسالات شبانی" نامیده شدند.

ب) منابع باستانی که به رسالات شبانی استناد کرده، یا به آنها گریز زده و اشاره دارند

(۱) رهبران کلیسای اولیه

الف) برنابای کاذب (۷۰-۱۳۰ میلادی) از ۲ تیموتائوس و تیطوس نقل میکند

ب) کلمنت روم (۹۵-۹۷ میلادی) به ۱ و ۲ تیموتائوس اشاره و تیطوس ۳: ۱ را نقل میکند

ج) پولیکارپ (۱۱۰-۱۵۰ میلادی) به ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس اشاره میکند

د) هرماس (۱۱۵-۱۴۰ میلادی) از ۱ و ۲ تیموتائوس نقل میکند.

ه) ایرنائوس (۱۳۰-۲۰۲ میلادی) از ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس نقل میکند

و) دیوگنئوس (۱۵۰ میلادی) از تیطوس نقل میکند

ز) ترتولیان (۱۵۰-۲۲۰ میلادی) از ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس نقل میکند

ح) اورینگن (۱۸۵-۲۵۴ میلادی) از ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس نقل میکند

(۲) فهرست کتابهای متون پذیرفته شده که رسالات شبانی در آنها وجود دارد

الف) قطعه موراتوریان (از روم در حدود ۲۵۰ میلادی)

ب) باروککچو (۲۰۶ میلادی)

ج) فهرست مربوط به رسولان (۳۵۰ میلادی)

د) فهرست چلتهام (۳۶۰ میلادی)

ه) نامه آتناسیوس (۳۶۷ میلادی)

(۳) نسخه های اولیه که شامل رسالات شبانی هستند

الف) لاتین قدیمی (۱۷۰-۱۵۰ میلادی)

ب) آشوری قدیمی (۲۰۰ میلادی)

(۴) شوراها کلیسایی قدیمی که الهامی بودن رسالات شبانی را تایید کردند

الف) نیقیه (۳۲۵-۴۰۰ میلادی)

ب) هیپو (۳۹۳ میلادی)

ج) کارتهیج (۳۹۷ و ۴۱۹ میلادی)

ج) فرآیند اجماع در بین اجتماعات مسیحی اولیه امپراتوری روم متون پذیرفته شده را شکل داد. بی شک این اجماع تحت تاثیر فشارهای اجتماعی داخلی و خارجی قرار گرفت. شروط اصلی برای مشمول شدن در متون پذیرفته شده به نظر میرسد از این قرار باشد:

(۱) ارتباط با یکی از رسولان

(۲) پیغام سازگار با نوشته های سایر رسولان

۳) زندگی تغییر یافته کسانی که این نوشته ها در دسترس شان قرار می گرفت

۴) پذیرفته شدن رو به رشد در میان فهرست نوشته های مورد قبول این کلیساهای اولیه

د) نیاز به تعیین متون پذیرفته شده به دلایل زیر گسترش یافت:

۱) تاخیر در بازگشت ثانویه

۲) فاصله جغرافیایی بین کلیساهای و رسولان

۳) مرگ رسولان

۴) ظهور معلمین دروغین از همان ابتدا

الف) یهودیت

ب) فلسفه یونانی

ج) ترکیبی از عناصر یهودی عرفانی (کولسیان)

د) سایر مذاهب اسطوره ای یونانی-رومی (مانند میترا)

اینها زمانی اتفاق افتاد که انجیل به فرهنگهای مختلف راه یافت.

ه) مسئله مطابقت با متون پذیرفته شده از لحاظ تاریخی با تشخیص مولف ارتباط دارد. کلیساهای اولیه رسالات شبانی را به عنوان نوشته های پولس قبول داشتند. پیش فرض خود من در مورد مطابقت با متون پذیرفته شده این است که روح القدس، نه تنها در نگارش متون مقدس، بلکه در جمع آوری و حفاظت از آنها نقش داشته است. پرسش در مورد اینکه آیا پولس مولف این کتب بود یا نه، (من گمان میکنم) تأثیری در الهامی بودن و پذیرش آنها در متون پذیرفته شده ندارد.

## دایره قرایت یک (به صفحه xi مراجعه کنید)

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم شما، کتاب مقدس و روح القدس مقدم بر تفسیر هستیم. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

کتاب مورد نظر از کتاب مقدس را یک دور کامل و یکجا بخوانید. موضوع کلی کتاب را به کلمات شخصی خود بیان کنید.

۱) موضوع کلی کتاب

۲) نوع ادبیات (ژانره)

## دایره قرایت دو (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب مقدس" صفحه xi)

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم شما، کتاب مقدس و روح القدس مقدم بر تفسیر هستیم. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

کتاب مورد نظر از کتاب مقدس را یک دور کامل دیگر و یکجا بخوانید. طرح کلی موضوعات اصلی را ترسیم و هر موضوع را در یک جمله بیان کنید.

۱. موضوع واحد ادبی اول

۲. موضوع واحد ادبی دوم

۳. موضوع واحد ادبی سوم

۴. موضوع واحد ادبی چهارم

۵. و الی آخر



# اول تیموتائوس ۱

## تقسیم بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید\*

ان ج بی	تی ای وی	ان آر اس وی	ان ک ج وی	یو بی اس
مخاطب	مقدمه	سلام و تعارف	سلام	سلام و تعارف
۲-۱ : ۱	۱ : ۱	۱ : ۱	۱ : ۱	۱-۲ : ۱
	۲ : ۱ الف	۲ : ۱ الف	۲ : ۱ الف	
	۲ : ۱ ب	۲ : ۱ ب	۲ : ۱ ب	
برخورد با معلمین دروغین	هشدار در مورد تعالیم غلط	دفاع از حقیقت	بدون دفاع دیگر	هشدار در مورد اصول عقیدتی غلط
۳-۷ : ۱	۳-۷ : ۱	۳-۷ : ۱	۳-۱۱ : ۱	۳-۷ : ۱
	۸-۱۱ : ۱	۸-۱۱ : ۱		۸-۱۱ : ۱
سخن پولس در مورد دعوتش	قدردانی از خدا برای رحمتش		جلال بر خدا به خاطر فیضش	شکرگذاری به خاطر رحمت
۱۲-۱۷ : ۱	۱۲-۱۷ : ۱	۱۲-۱۷ : ۱	۱۲-۱۷ : ۱	۱۲-۱۷ : ۱
مسئولیت تیموتائوس			مبارزه درست	
۱۸-۲۰ : ۱	۱۸-۲۰ : ۱	۱۸-۲۰ : ۱	۱۸-۲۰ : ۱	۱۸-۲۰ : ۱

## دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب مقدس" صفحه xi)

### تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم شما، کتاب مقدس و روح القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و الی آخر

---

گرچه پاراگراف‌بندها الهامی نیستند، ولی کلیدی هستند برای درک و دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. همه ترجمه‌های جدید پاراگرافها را تقسیم‌بندی و خلاصه کرده‌اند. هر پاراگراف شامل یک موضوع، حقیقت تا تفکر مرکزی است. هر نسخه آن موضوع را بر اساس روش منتخب خود جمع‌بندی می‌کند. وقتی که متن را می‌خوانید از خود بپرسید کدام ترجمه با درک شما از موضوع و تفسیر آیات سازگارتر است.

در هر باب باید ابتدا کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات (پاراگرافهای) آن را شناسایی کنیم، سپس برداشت خود را با ترجمه‌های امروزی مقایسه کنیم. تنها زمانی می‌توانیم کتاب مقدس را بدرستی بفهمیم، که انگیزه مولف اولیه را از طریق دنبال کردن منطق و طرز ارائه‌اش است درک کنیم فقط مولف نخستین تحت الهام بود. خوانندگان حق تغییر یا تعدیل پیام را ندارند. خوانندگان موظفند حقیقت الهامی را در دوره و زندگی خود بکار برند.

**توجه داشته باشید که تمامی واژه‌های تخصصی و مخففها در ضمیمه‌های ۱، ۲ و ۳ بطور کامل توضیح داده خواهند شد.**

## مطالعه لغت و عبارت

متن ان آبی اس (بروز شده): ۱: ۱  
'پولس، رسول مسیح عیسی، مطابق با فرمان خدا نجات‌دهنده ما، و مسیح عیسی که امید ماست،

۱: ۱ "پولس" این نامی یونانی است به معنای "ناچیز". بیشتر خانواده‌های یهودی در غربت (پولس اهل ترسوس کیلیکیه بود) برای فرزندان خود یک نام یونانی و یک نام یهودی انتخاب می‌کردند. قبل از اعمال ۱۳: ۱۳ او را شائول (طلبیده) می‌نامیدند. این نام اولین پادشاه عبری از قبیله بنیامین بود (مانند پولس، اعمال ۱۳: ۲۱؛ رومیان ۱: ۱۱؛ فیلیپیان ۳: ۵). در اعمال ۱۳: ۱۳، لوقا ناگهانی و غیرمنتظره "شائول" را به "پولس" تغییر می‌دهد.

- ◆ "رسول"، این یکی از دو واژه معمول یونانی برای "فرستادن" است. این واژه کاربردهای الهیاتی متعددی دارد.
۱. معلمین یهود از آن برای کسی استفاده می‌کردند که به عنوان نماینده رسمی شخصی فراخوانده و فرستاده شده است، چیزی مانند سفیر در فارسی (۲ قرن‌تیا ۵: ۲۰)
  ۲. اناجیل معمولاً فرم فعلی آن را برای عیسی بکار می‌برند که از سوی پدر فرستاده شده. در یوحنا این واژه آهنگ مسیحی به خود می‌گیرد (یوحنا ۴: ۳۴؛ ۵: ۲۴، ۳۰، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۵۷؛ ۷: ۲۹؛ ۸: ۴۲؛ ۱۰: ۳۶؛ ۱۱: ۴۲؛ ۱۷: ۳؛ ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۲۵؛ ۲۰: ۲۱).
  ۳. هنگامی که عیسی ایمانداران را می‌فرستد بکار می‌رود (یوحنا ۱۷: ۱۸؛ ۲۰: ۲۱)
  ۴. برای نوعی عطای رهبری خاص در عهد جدید بکار می‌رود
- الف) حلقه دوازده نفره شاگردان اولیه (اعمال رسولان ۱: ۲۲-۲۱)
- ب) گروهی خاصی از یاوران و همکاران رسولان
- (۱) برنابا (اعمال ۱۴: ۴، ۱۴)
  - (۲) آندرونیکوس و یونیا (رومیان ۱۶: ۱۷)
  - (۳) آپولس (۱ قرن‌تیا ۴: ۹-۶)
  - (۴) یعقوب برادر خداوند (غلاطیان ۱: ۱۹)
  - (۵) سیلوانوس و تیموتائوس (۱ تسالونیکیان ۲: ۶)
  - (۶) احتمالاً تیطوس (۲ قرن‌تیا ۸: ۲۳)
  - (۷) احتمالاً اپافرودیتوس (فیلیپیان ۲: ۲۵)
- ج) عطایی جاری در کلیسا (افسیان ۴: ۱۱)
۵. پولس در اغلب رسالاتش این عنوان را برای خود بکار می‌برد تا بر اقتداری خدادادیش به عنوان نماینده مسیح تاکید کند (۱ قرن‌تیا ۱: ۱؛ ۲ قرن‌تیا ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۱؛ کولسیان ۱: ۱؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱). حتی در نامه‌های شخصی مانند ۲ تیموتائوس این اختیار اهمیت دارد
- الف) اقتدار او به تیموتائوس اقتدار می‌داد
- ب) او بر معلمین دروغین می‌تاخت
- ج) بدیهی است که نامه‌اش برای تمام کلیسا خوانده می‌شد

◆ "مسیح عیسی"، این واژه‌ها بخشی از عنوانی کامل‌تر است، "مسیح عیسی خداوند". این سه عنوان هر کدام اهمیت مستقلی دارند.

۱. "مسیح" ترجمه کلمه عبری مشایح است (تدهین شده) است. این عنوان بر جایگاه عهد عتیقی عیسی به عنوان شخص موعود خدا تاکید دارد که فرستاده شد تا عهد نوینی از پارسا شمردگی را بنا نهد.
۲. "عیسی" نامی است که فرشته در بیت‌لحم بر کودک نهاد (متی ۱: ۲۱). این نام ترکیبی است از دو نام عبری "یهوه" که نام خدا بود در عهد عتیق، و "نجات" (خروج ۳: ۱۴). در واقع همان نام عبری "یوشع" است. وقتی به تنهایی بکار رود به یک شخص اطلاق می‌شود، عیسی ناصری، پسر مریم (متی ۱: ۱۶، ۲۵؛ ۲: ۱۵؛ ۳: ۱۳، ۱۵، ۱۶؛ اعمال ۱۳: ۲۳، ۳۳؛ رومیان ۸: ۱۱؛ ۱ قرن‌تیا ۱۱: ۲۳؛ ۱۲: ۳؛ فیلیپیان ۲: ۱۰؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۱۰؛ ۴: ۱۴).

۳. "خداوند" (در ک ج وی ۱:۱ یا ۱۲:۱ بکار رفته) ترجمه‌ای است از واژه عبری "ادون"، که به معنای "صاحب، شوهر، استاد یا ارباب" است. یهودیان وحشت داشتند از اینکه مبادا نام مقدس یهوه را بیهوده بر زبان آورده و یکی از ده فرمان را بشکنند. پس هرگاه کتاب مقدس را می‌خواندند بجای یهوه می‌گفتند ادون. به همین دلیل است که در ترجمه‌های انگلیسی عهد عتیق هر جا که خداوند بجای یهوه بکار رفته از حروف بزرگ استفاده شده است. با انتقال این عنوان (یونانی آن "کورئوس" است) به عیسی در عهد جدید، مولفین عهد جدید بر الوهیت و یکسان هیدنش با پدر تاکید می‌کنند (همین کار با استفاده از دستور زبان در آیه دو هم انجام شده، یعنی یک حرف اضافه برای اشاره هم به خدای پدر و هم عیسی‌ای پسر بکار رفته است (۱ تسالونیکیان ۱: ۱، ۲ تسالونیکیان ۱: ۱، ۲).

◆ **"مطابق با فرمان خدا"**، این روش ادبی دیگری است باری تاکید بر اقتدار پولس به عنوان رسول. خدمت پولس "اراده خدا" (۲ تیموتائوس ۱: ۱) و فرمان خدا (تیطوس ۱: ۳) بود. این احتمالاً به دعوت از پولس در راه دمشق و اطلاعات داده شده از طریق حناثیا اشاره دارد (اعمال ۹: ۲۲-۱، ۲۲: ۱۶-۳؛ ۲۶: ۱۸-۹). پولس داوطلب خدمت نشد!

◆ **"خدا نجات دهنده ما"**، این عنوانی عهد عتیقی است که به مراقبت و نجات یهوه برای اسرائیل داده می‌شد (اشعیاء ۱۹: ۲۰؛ ۳: ۴۳، ۱۱؛ ۴۵: ۱۵، ۲۱؛ ۴۹: ۲۶؛ ۶۰: ۱۶؛ ۶۳: ۸)، بخصوص نجات توسط خدمتکاری که قرار بود بیاید و رنج ببیند (اشعیاء ۵۲: ۱۳-۵۳: ۱۲). این عنوان بویای خدای پدر در تیطوس ۱: ۳؛ ۲: ۱۰ و برای خدای پسر، عیسی، در تیطوس ۱: ۴؛ ۲: ۱۳ و ۳: ۶ بکار رفته است. این طریق دیگری است برای ارتباط دادن پدر و پسر از لحاظ الهیاتی این یکی از عنوانهای یهوه بود که در عهد جدید برای قیصر بکار برده شد. قیصرهای زمان پولس ادعا می‌کردند که "ارباب"، "نجات‌دهنده" و حتی "خدا" هستند. مسیحیان این عنوان را فقط به عیسی اختصاص دادند و به همین دلیل از سوی دولت روم و جامعه خائن خوانده شده و هزاران نفر از آنها در قرون اول و دوم مورد جفا قرار گرفته و یا جان دادند.

◆ **"و مسیح عیسی که امید ماست"**، پولس این عبارت را در چندین موقعیت مرتبط بکار برده است. کاربردها اغلب به تحقق ایمان ایمانداران ربط دارد (۱ تیموتائوس ۱: ۱). این را می‌توان با جلال، زندگی ابدی، نجات نهایی، آمدن ثانویه و غیره بیان کرد. تحقق قطعی است، اما زمان آن آینده است و ناشناخته.

۱. آمدن ثانویه (غلاطیان ۵: ۵؛ افسسیان ۱: ۱۸؛ ۴: ۴؛ تیطوس ۲: ۱۳)
۲. عیسی امید ماست (۱ تیموتائوس ۱: ۱)
۳. آوردن ایماندار به حضور خدا (کولسیان ۱: ۲۳-۲۲، ۱ تسالونیکیان ۲: ۱۹)
۴. امید محفوظ در آسمان (کولسیان ۱: ۵)
۵. نجات نهایی (۱ تسالونیکیان ۴: ۱۳)
۶. جلال خدا (رومیان ۵: ۲؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۲-۷؛ کولسیان ۱: ۲۷)
۷. نجات غیریهودیان توسط مسیح (کولسیان ۱: ۲۷)
۸. تضمین نجات (۱ تسالونیکیان ۵: ۹-۸)
۹. زندگی ابدی (تیطوس ۱: ۲؛ ۳: ۷)
۱۰. رهایی تمامی خلقت (رومیان ۵: ۲۲-۲۰)
۱۱. تحقق فرزندخواندگی (رومیان ۵: ۲۵-۲۳) عنوانی برای خدا (رومیان ۱۵: ۱۳)
۱۲. راهنمایی عهد عتیق برای ایمانداران عهد جدید (رومیان ۱۵: ۴)

متن ان آبی اس (بروز شده): ۱: ۲  
 ۲ به تیموتائوس، فرزند حقیقی من در ایمان: فیض، رحمت و آرامش خدای پدر و خداوندان مسیح عیسی بر تو باد.

۱: ۲ "به تیموتائوس" رسالات شبانی از فرم متداول نامه‌های یونانی تبعیت می‌کنند: (۱) از طرف چه کسی؛ (۲) به چه کسی و (۳) دعا یا آرزو.

## مبحث ویژه: تیموتائوس

الف) معنی نامش این است "کسی که خدا را جلال میدهد".  
ب) او فرزند مادری یهودی و پدری یونانی بود و در لیستره زندگی می‌کرد (اعمال ۱۶: ۱). ترجمه لاتین تفسیر تحقیقی اورینگن در رومیان ۱۶: ۲۱ می‌گوید تیموتائوس شهروند دربه بود. این احتمالاً از اعمال ۲۰: ۴ نتیجه‌گیری شده بود.  
ج) وی توسط مادر و مادر بزرگش ایمان یهودی (یا ایمان مسیحی) را آموخت (۲ تیموتائوس ۱: ۵؛ ۳: ۱۵-۱۴).  
د) ظاهراً در جریان اولین سفر بشارتی پولس به مسیح ایمان آورد (اعمال ۱۴: ۶-۷).  
ه) در سفر دوم از او خواسته شد که به تیم بشارتی پولس و سیلاس ملحق شود (اعمال ۱۶: ۵-۱)، تا ظاهراً وظایف یوحنا مرقس را بر عهده گیرد. از طریق نبوت خواندشدگی او تأیید شد (۱ تیموتائوس ۱: ۱۸؛ ۴: ۱۴).  
و) برای اینکه بتواند هم میان یهودیان و هم یونانیان کار کند توسط پولس ختنه شد (اعمال ۱۶: ۳).  
ز) او وقف همراهی پولس و نماینده رسالتی او شد. نام او بیش از هر همکار دیگر پولس ذکر شده است (۱۷ بار در رسالات) (رومیان ۱۶: ۲۱؛ ۱ قرنتیان ۴: ۱۷؛ ۱۶: ۱۰؛ فیلیپیان ۱: ۱؛ ۲: ۱۹، ۲۲؛ کولسیان ۱: ۵؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۲؛ تیموتائوس ۱: ۲؛ تیطوس ۱: ۴).  
ح) پولس او را مهربانانه "فرزند حقیقی من در ایمان" (۱ تیموتائوس ۱: ۲)؛ "پسر عزیزم" (۲ تیموتائوس ۱: ۲)؛ "فرزند راستینم در ایمانی مشترک" (تیطوس ۱: ۴) می‌نامد. در ۱ قرنتیان ۴: ۱۷ پولس او را "فرزند محبوب من و امین در خداوند" می‌خواند.  
ط) ظاهراً زمانی که پولس از زندان آزاد شد، او در روم بود و در سفر بشارتی چهارم همراهیش کرد (کولسیان ۱: ۱؛ فلیمون ۱).  
ی) در ۱ تسالونیکیان ۲: ۶ به لحاظ داشتن عطای معنوی ثابت برای کلیساها "رسول" خوانده می‌شود (افسیان ۴: ۱۱).  
ک) دوتا از سه رساله شبانی خطاب به او نوشته شدند.  
ل) نام او برای بار آخر در عبرانیان ۱۳: ۲۳ ذکر می‌شود (اما به لحاظ ترتیب زمانی در ۲ تیموتائوس ۱: ۲).

◆ **"فرزند حقیقی من در ایمان"** "من" در متن یونانی نیست. فرزندتکتون است که معنای آن فرزند قانونی است. پولس خود را پدر روحانی تیموتائوس می‌داند (۲ تیموتائوس ۱: ۲؛ ۲: ۱). او تیطوس (تیطوس ۱: ۴) و اونیسیموس (فلیمون ۱۰) را نیز با همین عبارت مورد خطاب قرار می‌دهد.

◆ **"فیض، رحمت و آرامش"** به اشتراکات و تفاوتها در بخش افتتاحی رسالات پولس دقت کنید:

۱. "فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد" (رومیان ۱: ۷؛ ۱ قرنتیان ۱: ۳؛ ۲ قرنتیان ۱: ۲؛ غلاطیان ۱: ۳؛ افسسیان ۱: ۲؛ فیلیپیان ۱: ۲؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۲؛ فلیمون ۱: ۳)
  ۲. "فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا بر شما باد" (کولسیان ۱: ۲)
  ۳. "فیض و سلامتی بر شما باد" (۱ تسالونیکیان ۱: ۱)
  ۴. "فیض، سلامتی و رحمت از جانب پدر ما خدا و خداوندان مسیح عیسی بر شما باد" (۱ تیموتائوس ۱: ۲؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۲)
  ۵. "فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و نجات‌دهندگان مسیح عیسی بر شما باد" (تیطوس ۱: ۴)  
دقت کنید که گوناگونی وجود دارد ولی برخی عناصر همگون هستند.
۱. تمام تهنیت‌ها با "فیض" شروع می‌شوند. این فرم مسیحی‌شده تهنیت است که بر شخصیت خدا متمرکز است.
  ۲. "سلامتی" نتیجه اعتماد انسان بر خدای قابل اعتماد است.
  ۳. "رحمت" راه دیگری برای توصیف شخصیت خدا و مختص نوشته‌های پولس بوده، تنها در ۱ و ۲ تیموتائوس بکار رفته است. این عبارت در قدیمی‌ترین نسخه یونانی عهد عتیق (سپتاگینت) برای ترجمه واژه عبری *חסד* بکار رفت (یعنی پایبند به عهد). خداوند فیاض و قابل اعتماد است.
  ۴. در تمام تهنیت‌ها پدر و پسر ذکر شده‌اند (در ۱ تسالونیکیان در عبارت قبلی به آنها اشاره شده است). از لحاظ دستوری آنها همیشه به هم پیوند داده می‌شوند. این یکی از طرقی بود که در عهد جدید نویسندگان بکار بردند تا بر الوهیت کامل عیسی ناصری تاکید کنند. عنوانهای عهد عتیق یهوه (یعنی خداوند و نجات‌دهنده) نیز به همین منظور برای عیسی استفاده شدند.

◆ "پدر" کتاب مقدس برای کمک به انسان گناهکار و محدود به زمان از مقوله‌های انسانی (آنتروپومورفیزم‌ها) جهت توصیف ذات الهی استفاده می‌کند. متداولترین استعارات کتاب مقدسی مرتبط به خانواده: (۱) خدا به عنوان پدر، ولی (مادر و پدر)، خویشاوند نزدیک (گوئل)؛ (۲) عیسی به عنوان پسر، برادر، شوهر؛ (۳) ایمانداران به عنوان فرزندان، فرزندخوانده‌ها، عروس.

### مبحث ویژه: پدر

عهد عتیق استعاره خانوادگی صمیمی پدر را برای خدا معرفی می‌کند: (۱) قوم اسرائیل اغلب به عنوان "پسر" یهوه توصیف می‌شوند (هوشع ۱۱: ۱؛ ملاکی ۳: ۱۷)؛ (۲) حتی قبل از آن در تنبیه تشبیه خدا به پدر بکار رفته بود (۱: ۳۱)؛ (۳) در تنبیه ۳۲ اسرائیل "فرزندان او" و خدا "پدرتان" خوانده می‌شوند؛ (۴) این تشبیه در مزمور ۱۰۳: ۱۳ و میسوطر در مزمور ۶۸: ۵ (پدر یتیمان) عنوان می‌شود؛ در کتب انبیا کاملا متداول بود (اشعیاء ۱: ۲؛ ۶۳: ۸؛ اسرائیل به عنوان پسر، خدا به عنوان پدر، ۶۳: ۱۶؛ ۶۴: ۶؛ ارمیاء ۳: ۴، ۱۹؛ ۳۱: ۹).

عیسی به زبان آرامی صحبت می‌کند، و این بدین معناست که در بیشتر مواردی که "پدر" با کلمه یونانی پاتر ذکر می‌شود احتمالا منظور ابا به زبان آرامی است (۱۴: ۳۶). این واژه خانوادگی که معادل "بابا" است، نشانگر صمیمیت عیسی با پدر است؛ عیسی به مکشوف کردن این به پیروانش ما را نیز تشویق می‌کند که با پدر صمیمی باشیم. در عهد عتیق واژه پدر ندرتا برای یهوه استفاده می‌شد، اما عیسی آنرا به دفعات و فراگیر بکار می‌برد. این مکاشفه‌ای است برای ایمانداران در مورد رابطه نوین‌شان با خدا از طریق مسیح (متی ۶: ۹). نباید فراموش کرد که پدر استعاره‌ای است برای خانواده، نه نسل و یا زندگی پیشین. زمانی وجود نداشته که در آن خدای پدر، خدای پسر و خدای روح با هم و در ذات یکی نبوده باشند.

### متن ان آبی اس (بروز شده): ۱: ۷-۳

۱ چنانکه به هنگام عزیمت به مقدونیه به تو اصرار کردم، در افسس بمان تا بعضی را فرمان دهی که نظریات عجیبی را تعلیم ندهند<sup>۴</sup> و خویشتن را با افسانه‌ها و شجرنامه‌های بی‌پایان سرگرم نسازند، زیرا اینها مباحثات\* را دامن می‌زند، به جای ترویج کار خدا\* که از راه ایمان ممکن می‌شود.<sup>۵</sup> هدف از این فرمان، محبت است، محبتی برخاسته از دلی پاک، وجدانی صالح و ایمانی بی‌ریا.<sup>۶</sup> بعضی کسان از اینها منحرف شده، به بیهودگویی روی آورده‌اند،<sup>۷</sup> و می‌خواهند معلمان شریعت باشند، حال آنکه نمی‌دانند چه می‌گویند یا از چه چیز چنین مطمئن دم می‌زنند.

### ۱: ۳ "افسس"

۱. بزرگترین شهر در ایالت رومی آسیای صغیر بود. این شهر با آنکه فرمانروا آنجا زندگی می‌کرد، مرکز نبود. بدلیل بندر طبیعی عالیش مرکزی تجاری بود.
۲. چون شهری آزاد بود اجازه یافت از حکومت محلی و بسیاری از آزادیهای سیاسی از جمله عدم استقرار سربازان رومی، برخوردار شود.
۳. تنها شهری بود که اجازه یافت مسابقات المپیک آسیایی دوسالانه برگزار کند.
۴. معبد آرتیمیس (دایانا به لاتین) که یکی از عجایب هفتگانه زمان خود بود، در آن قرار داشت. معبد دارای ۴۲۵ اینچ طول و ۲۲۰ اینچ عرض و ۱۲۷ ستون بود که هر کدام ۶۰ اینچ ارتفاع داشتند. ۸۶ تا از این ستونها از طلا ساخته شده بودند (کتاب تاریخ طبیعی پلینی ۳۶: ۵۹). تصور این بود که تمثال آرتیمیس شهاب سنگی بود که به اندان زنی با پستانهای متعدد شباهت داشت. به همین دلیل در شهر تعداد زیادی فاحشه مرتبط با آیین دینی وجود داشت (اعمال ۱۹). افسس شهری بسیار غیراخلاقی و چندفرهنگی بود.
۵. پولس بیش از سه سال در این شهر ماند (اعمال ۱۸: ۱؛ ۲۰: ۱۳). وی در این شهر طولانی‌تر از هر جای دیگر توقف کرد.
۶. سنت کلیسا ثابت می‌کند که بعد از مرگ مریم در فلسطین، این شهر به خانه یوحنا رسول تبدیل شد.

۷. پولس و تیموتائوس پس از آزادی پولس از زندان رومیان در روم باید به این شهر سفر کرده باشند. این اولین اطلاعات جغرافیایی است در مورد سفر بشارتی چهارم پولس. دقت کنید که او از اینجا به مقدونیه می‌رفت.
۸. یوسیبوس (مورخ مسیحی قرن سوم) این روایت معرف را نقل می‌کند که تیموتائوس بعدها به دلیل بحث‌هایش با پیروان دیانا در افسس سنگسار شد.

◆ **"تا"** این یک *هینا* (جزء بیانگر مقصود) است به معنای "به منظور" (۱: ۱۰، ۱۸، ۲۰؛ ۲: ۲، ۳؛ ۳: ۱۵؛ ۴: ۱۵؛ ۵: ۷، ۱۶، ۲۰، ۲۱؛ ۶: ۱، ۱۹)

◆ **"بعضی را فرمان دهی"** این اصطلاحی نظامی است، "فرمان اکید دادن" (۵، ۱۸؛ ۴: ۵؛ ۷: ۶؛ ۱۳). پولس به تیموتائوس به عنوان نماینده رسالتی خود فرمان می‌دهد.

◆ **"که نظریات عجیبی را تعلیم ندهند"** معمولاً پولس، مانند همه نویسندگان قرن اول، دعای شکرگذاری و مقدمه رایج در نامه‌های یونانی را در نامه خود می‌گنجاند. اما در غلاطیان و ۱ تیموتائوس موقعیت (معلمین دروغین مخالف) ایجاب می‌کرد که از الگوی معمول فاصله بگیرد. در مورد این معلمین دروغین مباحثات علمی خیلی جدیدی وجود دارد. ظاهراً آنها جنبه‌یابی از اندیشه‌های یهود و یونانی را در هم می‌آمیختند (مانند معلمین دروغین کولسیان). در این مورد (۱: ۳-۴) آنها با ویژگی‌های زیر شناخته می‌شوند:

۱. نظریات عجیب

۲. گرایش به افسانه‌ها

۳. گرایش به شجرنامه‌های طولانی

۴. مباحثات توخالی

برخی مفسرین آنها را به درجات روحانی یا لایه‌های فرشتگان (پالرما) مابین خدای بسیار متعال و خدایان یا فرشتگان فروتر ربط می‌دهند. مادونترین این خدایان یا فرشتگان ذات شیطان را تشکیل می‌دهد. به مبحث ویژه گنوستیکها در تیطوس ۱: ۱ مراجعه کنید.

عنصر یهودیت در اینها آشکار است:

۱. "معلمین شریعت" (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰-۷)

۲. "افسانه‌های یهود" (تیطوس ۱: ۱۴؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۴)

۳. "اختلاف‌نظر در مورد شریعت" (تیطوس ۳: ۹)

۴. "اهل ختنه" (تیطوس ۱: ۱۰)

۵. احتمالاً اصل و نصب مسیح در تیطوس ۳: ۹

◆ **ان آ اس بی "تعلیم ندادن نظریه دیگر"**

ان ک ج وی "تعلیم دادن نظریه متفاوت"

ان آر اس وی "تعلیم نظریه غلط"

تی ای وی "تعلیم نظریه غلط"

ان ج بی "ترویج نظریه غلط"

این اسم مصدر زمان حاضر واژه مرکب *هتروس* (یک دیگر از نوع متفاوت) بعلاوه *دیداکالین* (چیز آموخته شده) است. صفت *هتروس* همچنین در اعمال ۱۷: ۲۱؛ ۲: ۱۱؛ ۴: ۷ و غلاطیان ۱: ۶-۷ برای توصیف تعلیم نامناسب بکار می‌رود. ۱ تیموتائوس ۳: ۶ نیز در همان راستاست.

در تحقیق تفسیری بین‌المللی جدید کتاب مقدس صفحه *vix* یکی از مفسرین مورد علاقه من، بنام گوردون فی، ثابت می‌کند که این آیه در تفسیر هدف از نگارش ۱ تیموتائوس اهمیت حیاتی دارد. به عقیده او این رساله پیش از آنکه دستورالعمل انضباطی برای کلیسا باشد، رد معلمین و تعلیمات غلط است (من نیز موافقم).

۱: ۴ "و خویشتن را با افسانه‌ها و شجرنامه‌های بی‌پایان سرگرم ن سازند" با توجه به اشاراتی که به شریعت یهود (آیات - ۷: ۱۰ و تیطوس ۳: ۹)، خنته (تیطوس ۱: ۱۰) و افسانه‌های یهود (تیطوس ۱: ۱۴ و ۲ تیموتائوس ۴: ۴) شده، روشن اسرت که این تعالیم ماهیت یهودی داشتند. احتمال دارد که به خاستگاه‌های فرضی مسیح اشاره داشته باشد (تیطوس ۳: ۹).

آیرنائوس و ترتولیان فکر می‌کردند که پولس برای مدارج روحانی یا سطوح فرشتگانی نبوت می‌کند که مابین خدای مقدس و خدایان فروتری (یا الوهیم/فرشتگان) که ماده را تشکیل می‌دهند، قرار دارند. مدارج روحانی (گنوستیزم) سیستمی فکری است که نوشته‌های بجا مانده از اواسط قرن دوم آنرا به ما معرفی می‌کنند. به مبحث ویژه گنوستیکها در تیطوس ۱: ۱ مراجعه کنید. این نوشته‌ها ما را با فهرست بلند سطوح فرشتگان مابین خدای متعال نیکو و موجودات روحانی پستتر آشنا می‌کنند. با اینحال این فهرست‌های گنوستیکی در مسیحیت معاصر، یهودیت یا ادبیات گنوستیکی هرگز با واژه‌های "افسانه" یا "شجرنامه‌ها" توصیف نمی‌شوند.

موضوع گنوستیزم با اکتشافات باستان‌شناسی متون گنوستیک از قبیل نگ همدادی و سریعا باز شده است. این نوشته‌ها هم‌اکنون به زبان انگلیسی و تحت عنوان مجموعه نگ همدادی، اثر جیمز ام رابینسون و ریچارد اسمیت، در دسترس هستند.

◆ ان آ اس بی "اینها مباحثات \* را دامن می‌زند"  
ان ک ج وی "باعث بحث و جدل میشوند"  
ان آر اس وی "باعث مباحثات میشوند"  
تی ای وی "که فقط بحث ایجاد می‌کنند"  
ان ج بی "تنها ایجاد شک می‌کنند"

می‌توانیم چنان در مطالعه آکادمیک مسیحیت غرق شویم که فراموش کنیم چرا کلام خدا را مطالعه می‌کنیم (تیطوس ۳: ۸؛ متی ۲۸: ۲۰-۱۹). تنها به این دلیل که یک متن ممکن است چنین یا چنان معنایی دارد، به این معنا نیست که حتماً آن معنا را دارد. باید چارچوب تاریخی و زمینه ادبی بزرگتر را ببینید.

◆ ان آ اس بی "به جای ترویج کار خدا"  
ان ک ج وی "به جای تهذیب الهی"  
ان آر اس وی "به جای تعلیم الهی"  
تی ای وی "در خدمت نوشته خدا نیستند"  
ان ج بی "به جای پیشبرد نقشه خدا"

این واژه مخصوص "پیشکار خانه" است که برای وظیفه مراقبتی ایمانداران نسبت به پیام انجیل بکار رفته است. به نقشه پرفیض خدا برای نجات نوع بشر از طریق ایمان به مسیح اشاره دارد (پیدایش ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۶-۵؛ یوحنا ۳: ۱۶؛ ۲ قرنتین ۵: ۲۱؛ افسسیان ۲: ۱۰-۸؛ ۲: ۱۱-۳: ۱۳).

#### مبحث ویژه: تهذیب

پولس این واژه *ویکودومیو* و فرمهای دیگر آن را به دفعات بکار می‌برد. معنای تحت‌اللفظی آن "ساختن خانه" است (متی ۷: ۲۴)، ولی بصورت استعاره برای موارد زیر نیز استفاده می‌شود:

۱. بدن مسیح، یعنی کلیسا، ۱ قرنتین ۳: ۹؛ افسسیان ۲: ۲۱؛ ۴: ۱۶
۲. بنا کردن
  - الف. برادران ضعیف، رومیان ۱: ۱۵
  - ب. همسایه‌ها، رومیان ۲: ۱۵
  - ج. یکدیگر، افسسیان ۴: ۲۹؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۱
  - د. مقدسان برای خدمت، افسسیان ۴: ۱۱
۳. ما در اثر موارد زیر بنا یا تهذیب می‌شویم:
  - الف. محبت، ۱ قرنتین ۴: ۸؛ افسسیان ۴: ۱۶
  - ب. محدود کردن آزادیهای شخصی، ۱ قرنتین ۱۰: ۲۴-۲۳
  - ج. اجتناب از مباحثات، ۱ تیموتائوس ۱: ۴
  - د. محدود کردن گویندگان در برنامه‌های پرستشی (خوانندگان، معلمان، نبوت‌کنندگان، متکلمان به زبانها و



تعبیرکنندگان)، ۱ قرننیاں ۱۴: ۳-۴، ۱۲

۴. همه چیز باید تهذیب شود

الف. اقتدار پولس، ۱ قرننیاں ۱۰: ۸؛ ۱۲: ۱۹؛ ۱۳: ۱۰

ب. بیانیہ‌های کلی، رومیان ۱: ۱۴؛ ۲۶: ۱ قرننیاں ۱۴: ۲۶

◆ **"کہ از راه ایمان"** بین ایمان و "افسانہ‌ها"، "شجرہ نامہ‌ها" و "مباحثات" تفاوتی واقعی وجود دارد. ایمان بر اساس واقعیت تاریخی انجیل است نہ تنوریہا. ایمان از وعدہ‌های خدا ناشی می‌شود (غلاطیان ۳: ۴۱، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۹) نہ از تعمقات فلسفی انسان (۱ قرننیاں ۱: ۱۸-۳۱). یکی بر پایہ مکاشفہ است، دیگری اندیشہ انسانی. یکی خدا را تجلّیل می‌کند دیگری انسان متفکر را بزرگ جلوہ می‌دهد.

هدف فرق قابل شدن بین مکاشفہ الہی و استدلال، تعمق و کشف انسانی است نہ کم ارزش جلوہ دادن مطالعات الہیاتی ایمانداران فراخواندہ شدہ‌اند تا خدا را با فکر خود دوست بدارند (اشارہ عیسی بہ تثنیہ ۶: ۵ در متی ۲۲: ۳۷-۳۶؛ مرقس ۱۲: ۳۰-۲۸؛ لوقا ۱۰: ۲۷) و این حقایق را بہ فرزندان خود منتقل کنند (تثنیہ ۶: ۷، ۲۵-۲۰).

۱: ۵ **"محبیتی برخاستہ از دلی پاک"** هدف وظیفہ‌های کہ پولس در آیہ ۱: ۵ بر دوش ایمانداران می‌گذارد ترکیبی سہ لایہ دارد

۱. محبت برخاستہ از دل پاک

۲. محبت برخاستہ از وجدان صالح

۳. محبت برخاستہ از ایمان بی‌ریا

در عبری قلب مرکز درک، احساسات و ارادہ بود (تثنیہ ۶: ۵-۶). در واقع کلیت انسان را نشان می‌داد.

#### مبحث ویژه: دل

واژه یونانی *کاربیا* در قدیمی ترین نسخہ یونانی کتاب مقدس (سپچوواجینت) و عہد جدید بکار می‌رود کہ معادل است با واژه عبری *لب*. این واژه بہ اشکال مختلفی بکار بردہ می‌شود (باور، آرندت، گینگریچ، فرهنگ لغت یونانی - انگلیسی، صفحات ۴۰۳-۴۰۴):

۱. مرکز حیات جسمانی، استعارہ برای شخص (اعمال ۱۴: ۱۷؛ ۲ قرننیاں ۳: ۳-۲؛ یعقوب ۵: ۵)

۲. مرکز حیات روحانی (اخلاقی)

الف. خداوند از دل خبر دارد (لوقا ۱۶: ۱۵؛ رومیان ۸: ۲۷؛ ۱ قرننیاں ۱۴: ۲۵؛ ۱ تسالونیکیان ۲: ۴؛ مکاشفہ ۲: ۲۳)

ب. کاربرد حیات روحانی انسان (متی ۱۵: ۱۸-۱۹؛ ۱۸: ۳۵؛ رومیان ۶: ۱۶؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۵؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۲؛ ۱ پطرس ۱: ۲۲)

۳. مرکز حیات فکری (یا اندیشہ، متی ۱۳: ۱۳؛ ۱۵: ۲۴؛ ۴۸: ۴۸؛ اعمال ۷: ۲۳؛ ۱۶: ۱۴؛ ۲۸: ۲۷؛ رومیان ۱: ۲۱؛ ۱۰: ۶؛ ۲ قرننیاں ۴: ۶؛ افسسیان ۱: ۱۸؛ ۴: ۱۸؛ یعقوب ۱: ۲۶؛ ۲ پطرس ۱: ۱۹؛ مکاشفہ ۱۸: ۷؛ دل مترادف است با فکر در ۲ قرننیاں ۳: ۱۵-۱۴ و فیلیپیان ۴: ۷)

۴. مرکز نیت (یا ارادہ، اعمال ۵: ۴؛ ۱۱: ۲۳؛ ۱ قرننیاں ۴: ۵؛ ۷: ۳۷؛ ۲ قرننیاں ۹: ۷)

۵. مرکز احساسات (متی ۵: ۲۸؛ اعمال ۲: ۲۶، ۲۷؛ ۷: ۵۴؛ ۲۱: ۱۳؛ رومیان ۱: ۲۴؛ ۲ قرننیاں ۲: ۴؛ ۷: ۳؛ افسسیان ۶: ۲۲؛ فیلیپیان ۱: ۷)

۶. تنها جای فعالیت روحانی (رومیان ۵: ۵؛ ۲ قرننیاں ۱: ۲۲؛ غلاطیان ۴: ۶ [یعنی مسیح در قلبهای ما، افسسیان ۳: ۱۷])

۷. دل روشی استعاره باری گفتن از کلیت فرد است (متی ۲۲: ۳۷ کہ بہ تثنیہ ۶: ۵ اشاره دارد). افکار، انگیزہ‌ها و اعمال نسبت داده شدہ بہ دل کاملاً هویت شخص را بر ملا می‌کنند. عہد عتیق کاربردهای خیلی جالب توجہی از این واژه دارد

الف. پیدایش ۶: ۶؛ ۸: ۲۱، "خداوند در دل خود محزون شد" (هوشع ۱۱: ۸-۹ را نیز ببینید)

ب. تثنیہ ۴: ۲؛ ۵: ۵، "با تمامی دل و تمامی جان خود"

ج. تثنیہ ۱۰: ۱۶، "دل ختنہ نشدہ" و رومیان ۲: ۲۹

د. حزقیال ۱۸: ۳۱-۳۲، "دلی تازه"

ه. حزقیال ۳۶: ۲۶، "دلی تازه" در مقابل "دلی سنگی"

◆ **"وجدانی صالح"** در عهد عتیق معادلی برای واژه یونانی وجدان وجود ندارد مگر آنکه کلمه "سینه" شناخت خویشتن و انگیزه‌های آنرا بطور ضمنی بیان کند. در اصل واژه یونانی به هوشیاری مربوط به حواس پنجگانه اشاره داشت. بعدها برای حواس درونی بکار برده شد (رومیان ۲: ۱۵). پولس در محاکمه‌هایش در اعمال رسولان دوبار از این واژه استفاده می‌کند (۲۳: ۱؛ ۲۴: ۱۶). در اینجا به حسش اشاره می‌کند که ناآگاهانه از برخی وظایفش نسبت به خدا تخطی کرده است (۱ قرن‌تینان ۴: ۴). وجدان درک فزاینده انگیزه‌ها و اعمال ایماندار است بر اساس (۱) جهان‌بینی کتاب مقدسی؛ (۲) روح القدس ساکن در درون؛ و (۳) شناخت کلام خدا. پذیرش شخصی انجیل آن را ممکن می‌کند. پولس این واژه را دو بار در باب ۱، یکبار در رابطه با شناخت رو به رشدش نسبت به اراده خدا (۱: ۵)؛ یکبار در مورد رد عمدی معلمین دروغین (تیطوس ۱: ۱۵)، از جمله اسکندر و هیمنائوس (۱ تیموتائوس ۱: ۲۰). این معلمین دروغین وجدانهای خود را خشکانده بودند (۱ تیموتائوس ۴: ۲).

◆ **"اهتای بی‌ریا"** پولس از این صفت سه بار برای توصیف (۱) ایمان (۱ تیموتائوس ۱: ۵؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۵)؛ و (۲) محبت (۲ قرن‌تینان ۶: ۶ و نیز ۱ پطرس ۱: ۲۲) استفاده می‌کند. این واژه دارای بار معنایی صادقانه، واقعی، و یا صمیمانه است که متضاد هستند با "جعلی"، که برای توصیف معلمین دروغین بکار رفته است (آیات ۱۹-۲۰).

۱: ۶-۷ این آیات بر اساس طبقه‌بندی کاملاً یهودی خصوصیات معلمین دروغین را بیان می‌کنند

۱. از هدف تعالیم اخلاقی منحرف شدند (آیه ۵)
۲. به "مباحثات بیهوده" متمایل شدند (ان آ اس بی)
- الف. "بحث عاطل" (ان ک ج وی)
- ب. "بحث بی‌معنی" (ان آر اس وی)
- ج. "بحث توخالی" (ان ج بی)
۳. آنها می‌خواستند معلمین شریعت باشند
۴. آنها شریعت را درک نمی‌کردند
۵. در مورد آنچه نمی‌فهمیدند با اعتماد به نفس اظهار نظر می‌کردند
۶. به نظر می‌رسد آیات ۱۰-۹ منعکس‌کننده ده فرمان باشند

فاجعه معلمین دروغین یا (۱) کوری روحانی آنهاست، که اغلب با عدم صداقت آنها توصیف می‌شود، یا (۲) رد کردن عمدی نور است توسط آنها، نه صرفاً ناآگاهی؛ و یا (۳) دیگران را به سوی خطا و نابودی هدایت کردند.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۱: ۱۱-۸

<sup>۸</sup> می‌دانیم که شریعت نیکوست، اگر کسی آن را بدرستی بکار بندد.<sup>۹</sup> نیز می‌دانیم که شریعت نه برای درستکاران، بلکه برای قانون‌شکنان و سرکشان وضع شده است، برای بی‌دینان و گناهکاران، و ناپاکان و کافران؛ برای قاتلان پدر و قاتلان مادر؛ برای آدمکشان،<sup>۱۰</sup> زناکاران و همجنس‌بازان؛ برای آدم‌ربایان، دروغ‌گویان و شهادت‌دهندگان به دروغ، و نیز برای هر عملی که خلاف تعلیم صحیح باشد،<sup>۱۱</sup> تعلیم منطبق بر انجیل پر جلال خدای متبارک که به من سپرده شده است.

۱: ۱۱-۸ این آیات در یونانی یک جمله طولانی هستند. واضح است که آنها هدف دنباله‌دار شریعت موسی، بخصوص در رابطه با زندگی اخلاقی آشکار می‌کنند.

۱: ۸ "می‌دانیم که شریعت نیکوست" به مبحث ویژه زیر مراجعه کنید.

**مبحث ویژه: نظرات پولس در مورد شریعت موسی**

- الف. شریعت نیکو و از طرف خداست (رومیان ۷: ۱۲، ۱۶)
- ب. شریعت طریق پارساشمرده شدن و پذیرش از سوی خدا نیست (حتی می‌تواند لعنت باشد، غلاطیان ۳)
- ج. با اینحال اراده خداست برای ایمانداران، زیرا خدا از طریق آن خود را مکشوف می‌کند (۱ تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷). پولس اغلب برای متقاعد کردن یا تشویق ایمانداران به عهد عتیق استناد می‌کند)
- د. عهد عتیق به ایمانداران آگاهی می‌دهد (رومیان ۴: ۲۳-۲۴؛ ۱۵: ۴؛ ۱ قرن‌تینان ۱۰: ۶، ۱۱)، اما آنها را نجات نمی‌دهد (اعمال ۱۵؛ رومیان ۴؛ غلاطیان ۳؛ عبرانیان)

ه. در عهد جدید عملکرد آن این است:

۱. نشان می‌دهد انسان گناهکار است (غلاطیان ۳: ۲۹-۱۵)
۲. راهنمای انسان نجات یافته در جامعه است
۳. مسیحیان را از تصمیمات اخلاقی آگاه می‌کند

این طیف الهیاتی، از لعنت (غلاطیان ۳: ۱۱-۱۰؛ ۱۳) و مرگ (کتاب عبرانیان) تا برکت و بقا (متی ۵: ۲۰-۱۷) است که تلاش برای درک نظر پولس در مورد شریعت موسی را دشوار می‌کند. در کتاب یک مرد در مسیح، جیمز استوارت تناقض فکری و نوشتاری پولس را نشان می‌دهد:

"عموماً از شخصی که خود را آماده می‌کند که سیستمی فکری و عقیدتی را بنا نهد، انتظار می‌رود که معنای واژه‌هایی را مورد استفاده قرار می‌دهد تا حد امکان ثابت نگاهدارد. انتظار می‌رود در واژه‌گذاری ایده‌های بنیادین نهایت دقت را به خرج دهد. توقع دارید اگر کلمه‌ای برای معنایی خاص بکار رفت، تا انتها همان معنا را حفظ کند. اما چنین توقعی از پولس نامیدکننده است. بیشتر عبارات پردازش آیکی است و نه با ثبات. می‌نویسد: 'شریعت مقدس است' یا 'من در باطن از شریعت خدا مسرورم' (رومیان ۷: ۱۲، ۲۲)، اما واضح است که جنبه دیگری از شریعت او را مجبور می‌کند در جای دیگری بگوید: 'مسیح ما را از لعنت شریعت آزاد کرد' (غلاطیان ۳: ۱۳)" (ص ۶).

◆ "اگر" این جمله شرطی نوع سوم است که به معنای عمل بالقوه، اما محتمل است. شریعت موسی باید به روشی درست بکار برده شود و نه به عنوان دستورالعملی قانونی (رومیان ۲: ۲۹-۲۷؛ ۷: ۴؛ ۲ قرنیتان ۳: ۶).

۱: ۹ "بلکه برای قانون‌شکنان و سرکشان" پولس در نوشته‌های خود فهرستهای متعددی از گناهان را می‌آورد (رومیان ۱: ۲۹-۳۱؛ ۱۳: ۱۳؛ ۱ قرنیتان ۵: ۱۱؛ ۶: ۹-۱۰؛ افسسیان ۵: ۵؛ کولسیان ۳: ۵؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۵-۴؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۴-۲؛ تیطوس ۳: ۳). اینها مشابه فهرست گناهان در قوانین اخلاقی یونانی (استویکها) هستند. اینها افرادی را توصیف می‌کنند که شریعت هنوز برایشان کارایی دارد (گناهکاران). در غلاطیان ۳ شریعت به عنوان مامور خدا برای محکوم کردن گناه کاملاً توضیح داده شده است

#### مبحث ویژه: گناهان و پرهیزگاریها در عهد جدید

فهرست گناهان و پرهیزگاریها در عهد جدید متداول است. آنها اغلب فهرست‌های تعالیم یهودی و فرهنگی (هلنیستی) را توأم منعکس می‌کنند. فهرست‌های عهد جدیدی ویژگیهای متضاد را می‌توان در آیات زیر دید

پرهیزگاریها	گناهان	
-----	رومیان ۱: ۲۸-۳۲	۱. پولس
رومیان ۲: ۲۱-۹	رومیان ۱۳: ۱۳	
-----	۱ قرنیتان ۵: ۱۱-۹	
۱ قرنیتان ۶: ۶-۹	۱۰: ۶	
۲ قرنیتان ۶: ۱۰-۴	۲ قرنیتان ۱۲: ۲۰	
غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳	غلاطیان ۵: ۲۱-۱۹	
-----	افسسیان ۴: ۳۲-۲۵	
-----	۵: ۳-۵	
فلپیان ۴: ۹-۸	-----	
کولسیان ۳: ۱۲-۱۴	کولسیان ۳: ۵، ۸	
-----	۱ تیموتائوس ۱: ۱۰-۹	
-----	۶: ۵-۴	
۲ تیموتائوس ۲: ۲۲، ۲۴	۲ تیموتائوس ۲: ۲۲-۲۳	
تیطوس ۱: ۹-۸، ۳: ۲-۱	تیطوس ۱: ۷؛ ۳: ۳	
عقوب ۳: ۱۷-۱۸	يعقوب ۳: ۱۶-۱۵	۲. يعقوب
۱ پطرس ۴: ۱۱-۷	۱ پطرس ۴: ۳	۳. پطرس
۲ پطرس ۱: ۸-۵	۲ پطرس ۱: ۹	
-----	مکاشفه ۲۱: ۸	۴. یوحنا
-----	۲۲: ۱۵	

◆ "قانون شکنان" معنای این لغت "عدم وجود قدرت رسمی" است. این معلمین دروغین جنبه‌های اخلاقی شریعت موسی را رد کرده و در واقع خودشان قانون شده بودند (بدون وجدان ۴: ۲).

◆ "سرکش" به معنای "کسی که تابع هیچ قدرتی نیست" این افراد می‌خواستند خودشان قدرت باشند.

◆ "بی‌دینان" یعنی "کسی که آگاهانه غیرمذهبی است." آنها ابله نبودند، بلکه عمدا چشمهای خود را بسته بودند.

◆ "تاپاک" متضاد "باخدا" است. این افراد با هر چیزی که خدا انجام می‌دهد یا برایش مهم است ضدیت دارند.

◆ "کافر" یعنی "کسی که مقدسات را لگدمال می‌کند." آنها ادعا می‌کنند که روحانی هستند، اما با سرز زندگیشان دنیاگرایی خود را نشان می‌دهند.

◆ "قاتلان پدر و قاتلان مادر" اگر این فهرستها منعکس‌کننده ده فرمان باشند، منظور از این بخش احتمالا بی‌احترامی به والدین باشد (خروج ۲۰: ۱۲ و تثنیه ۵: ۱۶).

◆ "آدمکشان" در ده فرمان این اشاره دارد به قتل غیرقانونی و عمدی (خروج ۲۰: ۱۳ و تثنیه ۵: ۱۷).

۱: ۱۰ "زناکاران" منظور "کسی است که مرتکب عمی غیر اخلاقی جنسی می‌شود" و احتمالا اشاره دارد به خروج ۲۰: ۱۴ و تثنیه ۵: ۱۸. رابطه جنسی خارج از ازدواج همواره مشخصه معلمین دروغین بوده است.

◆ ان آ اس بی و ان ج بی "همجنس‌بازان"  
ان ک ج وی و ان آر اس وی "سدومی‌ها"  
تی ای وی "منحرفین جنسی"

#### مبحث ویژه: همجنس‌بازی

امروزه فشار فرهنگی زیادی برای پذیرش همجنس‌بازی به عنوان یک سبک متفاوت زندگی وجود دارد. کتاب مقدس آنرا به عنوان سبک زندگی مخرب و خارج از اراده خدا برای خلقتش، محکوم می‌کند.

۱. این روش زندگی تخطی است از فرمان پیدایش باب ۱ که می‌گوید کثیر و بارور شوید  
۲. مشخصه فرهنگ و پرستش بت‌پرستان است (لاویان ۱۸: ۲۲؛ ۲۰: ۱۳؛ رومیان ۱: ۲۷-۲۶؛ و یهودا ۷)  
۳. مبین استقلال خودمحور از خداست (۱ قرن‌تیان ۶: ۱۰-۹)  
با اینحال قبل از آنکه این مبحث را خاتمه دهیم، می‌خواهم بر محبت و بخشش خدا نسبت به بشر عصیانگر تأکید کنم. مسیحیان حق ندارند با تنفر و غرور نسبت به این گناه خاص واکنش نشان دهند، بخصوص وقتی واضح است که همه ما گناه می‌کنیم. دعای نگرانی، شهادت و مهربانی در این زمینه بسیار موثرتر است از محکوم کردن با شور و حرارت. اگر اجازه دهیم کلام خدا و روح او وظیفه محکوم کردن را انجام می‌دهند. تمام گناهان جنسی، و نه تنها این یکی، در نظر خدا کریه بوده و زمین‌ساز داوری. نزدیکی جنسی هدیه‌ای است از سوی خدا برای سلامت و لذت انسان و ثبات جامعه. اما این ضرورت قوی و خدادادی اغلب تبدیل می‌شود به زندگی عصیانگر، خودمحور، شهوتران و "سهم بیشتر برای من به هر قیمت". (رومیان ۸: ۸-۱؛ غلاطیان ۶: ۸-۷)

◆ "آدمربایان" این می‌تواند مدرک دیگری باشد مبنی بر اینکه این فهرست مشابه است با ده فرمان. این تفسیر یهودی است از "دزدی نکن" (خروج ۲۰: ۱۵ و تثنیه ۵: ۱۹). معلمین یهود ادعا می‌کنند که این اشاره دارد به ربودن برده‌ها (خروج ۲۰: ۱۶ و تثنیه ۲۴: ۷)؛ اما زمینه مستقیم متن به نظر می‌رسد به انحرافات جنسی مربوط باشد (یعنی استفاده جنسی از یک دختر برده، در عاموس ۲: ۷ یا بهره‌برداری از پسران جوان برای انحراف همجنس‌بازی).

◆ "دروغگویمان و شهادتدهندگان به دروغ" این احتمالا ربط دارد به فرمان "بر علیه همسایه خود شهادت دروغ ندهید" (خروج ۲۰: ۱۶ و تثبیه ۵: ۲۰).

◆ "و نیز برای هر عملی که خلاف تعلیم صحیح باشد" اگر به مقایسه با ده فرمان ادامه دهیم، این باید به "طمع" اشاره کند (خروج ۲۰: ۱۷ و تثبیه ۵: ۲۱). اما به نظر میرسد پولس این فهرست گناهان را در رومیان ۱۳: ۹ و غلاطیان ۵: ۲۱ نیز با همین مفهوم عمومی پایان می‌دهد (یعنی بدون اشاره خاص به طمع).

◆ "تعلیم صحیح" ما کلمه "بهداشت" را در انگلیسی از همین واژه یونانی می‌گیریم. این واژه در عهد جدید ۱۱ بلو بکار رفته که ۹ بار آن در رسالات شبانی است. از تعلیمی می‌گوید که باعث سلامت روحانی ایمانداران می‌شود. این مفهوم (گرچه با رازبندی متفاوت) در رسالات شبانی بارها تکرار می‌شود (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ ۴: ۶؛ ۶: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۳؛ ۴: ۳؛ تیطوس ۱: ۹؛ ۱۳: ۲؛ ۱، ۲، ۷). در این مفهوم معادل است با "انجیل جلال" در آیه ۱۱. مشکل کاربرد این متن در عصر حاضر مربوط است به توانایی ایمانداران جدید برای تعریف کردن "معلمین دروغین". چطور شخص می‌تواند بین ارجحیت شخصی و فرهنگ از یک سو و موضوعات اعتقادی اساسی تفاوت قائل شود. بتوان جواب را در تعالیم رسولان در مورد انجیل یافت، بویژه که این موبوط می‌شود به شخص و کار مسیح و اینکه انسان چطور می‌تواند از کار مسیح بهره برد و از طریق انجیل زندگی مسیح‌گونه داشته باشد.

"تعلیم صحیح" یکی از چندین واژه و عباراتی است که که حقیقت خدا را توصیف و برمی‌افرازند

۱. "کلام خدا" (۱ تیموتائوس ۴: ۵؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲؛ تیطوس ۲: ۵)
۲. "کلام خداوند ما" (۱ تیموتائوس ۶: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۳) "کلام حقیقت" (۲ تیموتائوس ۲: ۱۵) "کلمات ایمان" (۱ تیموتائوس ۴: ۶) "تعلیم" (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۳؛ تیطوس ۱: ۹؛ ۲: ۱)
۳. "امانت" (۱ تیموتائوس ۶: ۲۰) "حقیقت" (۲ تیموتائوس ۱: ۱۴؛ ۲: ۱۸، ۲۵؛ ۳: ۷، ۸؛ ۴: ۴) "انجیل" (۱ تیموتائوس ۱: ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۸، ۱۰، ۱۱) "ایمان" (۱ تیموتائوس ۲: ۲۱؛ ۴: ۷) "متون مقدس" (۲ تیموتائوس ۲: ۱۶-۱۵)

۱: ۱۱ "انجیل پر جلال" در واقع معنای آن این است "انجیل جلال خدای متبارک". این در موازات با "تعالیم صحیح" در آیه ۱۰ قرار دارد. خدا مکشوف کرده چطور می‌توان با او و سایر انسانها بدرستی (انجیل) یا نادرست (قانونگرایی یهودیت) رفتار کرد. عهد جدید در مسیح فصل الخطاب نهایی همه آن چیزی است که برای ایمانداران ضروری و مناسب است (اعمال ۱۵).  
تعریف کردن کلمه جلال (دُکسا) دشوار است. در عهد عتیق معادل آن کلمه عبری کابِد، که واژه‌های تجاری است به معنای «سنگین بودن» و در نتیجه ارزشمند و قابل ستایش است. هنگامی که همراه با کلمه شکینا-می‌توانست- برای یهوه بکار می‌رفت دارای مفهوم خاص استنباطی بود (خروج ۱۶: ۷) که بیانگر حضورش بود. این «می‌توانست» ستونی از آتش بود. بنابراین کابِد بار معنایی درخشان و تابان را با خود داشت (خروج ۲۴: ۱۷). در عهد عتیق این روشی بود برای اشاره به خود خدا (اشعیاء ۱۶: ۹). به این علت است که یوحنا ۱۴: ۱ اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. عیسی و انجیلش با یهوه، خدای متبارک عهد عتیق کاملا باز شناخته می‌شوند.

◆ "خدای متبارک" کلمه متبارک برای خدا تنها در اینجا و در ۶: ۱۵ استفاده می‌شود. این همان کلمه ای است که در «خوش به حالها» در متی ۵ نیز بکار رفت. مفهوم ضمنی این اصطلاح این است که یهوه شایسته ستایش است.

◆ "که به من سپرده شده است" این فرم مجهول کلمه یونانی پیستیو است که فاعل آن در جمله آمده. پیستیو واژه متداول برای ایمان، توکل و باور در عهد جدید است. در اینجا به معنای "به امانت سپردن چیزی به دیگری" بکار رفته است (لوقا ۱۶: ۱۱؛ رومیان ۳: ۲؛ ۱ قرنیتیان ۹: ۱۷؛ غلاطیان ۲: ۷؛ ۱ تسالونیکان ۲: ۴؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۱؛ تیطوس ۱: ۳؛ ۱ پطرس ۴: ۱۰). پولس اعتقاد داشت خدا او را مامور مراقبت از انجیل قرار داده که باید برای این ماموریت حساب پس دهد (۱ قرنیتیان ۹: ۱۷؛ غلاطیان ۲: ۷؛ ۱ تسالونیکان ۲: ۴؛ تیطوس ۱: ۳).

متن ان آبی اس (بروز شده): ۱-۱۷-۱۲

12 خداوندان مسیح عیسی را شکرگزارم که مرا توانایی بخشید و درخور اعتماد شمرد و به خدمت خویش برگماشت. 13 با آنکه در گذشته، کفرگو و ستمگر و زورگو بودم، بر من رحم شد، زیرا از ناآگاهی و بر ایمانی چنین می‌کردم. 14 آری، فیض

خداوند ما، همراه با ایمان و محبتی که در مسیح عیسی یافت می‌شود، مرا بفرآوری فروگرفت.  
 15 این سخنی است درخور اعتماد و پذیرش کامل، که مسیح عیسی به جهان آمد تا گناهکاران را نجات بخشد، که من بزرگترین آنهایم. 16 از همین‌رو، بر من رحم شد تا مسیح عیسی صبر بی‌پایان خود را نسبت به من که بزرگترین گناهکاران بودم، نشان دهد، تا نمونه‌ای باشم برای جمله آنان که از این پس به او ایمان آورده، حیات جاویدان خواهند یافت. 17 بر خدای یکتا، آن پادشاه سرمدی، نامیرا و نادیدنی، تا ابدآباد حرمت و جلال باد؛ آمین!

۱: ۱۲ "خداوندمان مسیح عیسی را شکرگزارم" این یکی از موارد نادری است که در آن پولس به جای پدر، خطاب به عیسی مسیح دعا می‌کند. احتمالاً به این دلیل این کار را می‌کند که در راه دمشق صدای مسیح را شنید (اعمال ۹: ۵-۴؛ ۲۲: ۸-۷؛ ۲۶: ۱۶). پولس معتقد است که عیسی

۱. او را توانایی/قدرت/قوت می‌بخشد (فیلیپیان ۴: ۱۳؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱۷)

۲. او را در خور اعتماد/وفادار می‌داند

۳. به خدمتی را واگذار می‌کند (اعمال ۹: ۱۵)

باقیمانده این پاراگراف اختصاص داده شده به حیرت پولس از اینکه خدا می‌تواند گناهکاری مانند او را دوست داشته باشد، ببخشد و بکار گیرد. اگر خدا قادر بود برای پولس این کار را بکند، پس میتواند برای همه، حتی برای معلمین دروغین و افراد تحت نفوذشان، چنین کند.

این نوع تمجید که بنظر می‌رسد متناسب با زمینه متن باشد، از ویژگیهای نوشته‌های پولس است. توصیف الهیاتش اغلب او را به حمد و شکرگزاری عمیق می‌کشاند. در اغلب موارد پولس از واژه‌های یونانی/یکلریسیتیو یا ایوکلوویستییا برای شکرگزاری استفاده می‌کند، اما در اینجا کلمه کلرین را بکار میبرد، که از ریشه کلمه فیض (کاریس) می‌آید. این واژه در نوشته‌های پولس نادرتر است (۱ تیموتائوس ۱: ۱۲؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۳). با انحال، در رسالات قرننیان بطرزی بکار رفته اند که با هم قابل جایگزینی هستند، بنابراین، از نظر پولس احتمالاً مترادفند، و اصلاً تفاوتی ندارند یا تفاوتشان ناچیز است.

#### مبحث ویژه: شکرگذاری

##### ۱. مقدمه

الف. این روش شایسته ایمانداران است نسبت به خدا

۱. این منبع ستایش ماست نسبت به خدا از طریق مسیح

الف. ۲ قرننیان ۱۴

ب. ۲ قرننیان ۹: ۱۵

ج. کولسیان ۳: ۱۷

۲. این انگیزه درستی اسرت برای خدمت، ۱ قرننیان ۱: ۴

۳. این روال همیشگی آسمان است

الف. مکاشفه ۴: ۹

ب. مکاشفه ۷: ۱۲

ج. مکاشفه ۱۱: ۱۷

۴. این روال همیشگی ایمانداران است

الف. کولسیان ۲: ۷

ب. کولسیان ۳: ۱۷

ج. کولسیان ۴: ۲

۲. منابع کتاب مقدسی

الف. عهد عتیق

۱. دو کلمه اساسی:

الف. *یاده*، به معنای ستایش

ب. *ئده*، به معنای شکرگذاری. معمولاً برای قربانی‌های تقدیم شده بکار می‌رود (۲ تواریخ ۲۹: ۳۱؛

۱۶: ۳۳)

۲. داود لایوان ویژه‌ای را منسوب کرد تا خدا را برای ستایش شکر کنند. سلیمان، حزقیال و نحیا این شیوه را

ادامه دادند. ۱ قرننیان ۱: ۴

الف. ۱ تواریخ ۱۶: ۴، ۷، ۴۱

ب. ۱ تواریخ ۲۳: ۳۰

ج. ۱ تواریخ ۲۵: ۳

د. ۲ تواریخ ۵: ۱۳

ه. ۲ تواریخ ۷: ۶

- و. ۲ تواریخ ۳۱: ۲  
 ز. نحمیا ۱۱: ۱۲  
 ح. نحمیا ۱۲: ۲۴، ۲۷، ۳۱، ۳۸، ۴۶  
 ۳. مزامیر مجموعه ای است از ستایش ها و شکرگذاریهای اسرائیل  
 الف. شکرکردن یهوه بخاطر وفاداریش به عهد  
 (۱) مزمو ۱۰۷: ۸ (کلمه سپید)  
 (۲) مزمو ۱۰۳: ۱  
 (۳) مزمو ۱۳۸: ۲  
 ب. شکرگذاری بخشی از مراسم ورود جمعی به درون معبد بود  
 (۱) مزمو ۹۲: ۲  
 (۲) مزمو ۱۰: ۴  
 ج. مراسم قربانی همراه بود با شکرگذاری  
 (۱) مزمو ۲۶: ۷  
 (۲) مزمو ۱۲۲: ۴  
 د. شکرگذاری که بخاطر کارهای یهوه انجام میشد  
 (۱) رهایی از دست دشمن  
 الف) مزمو ۷: ۱۷  
 ب) مزمو ۱۸: ۴۹  
 ج) مزمو ۲۸: ۷  
 د) مزمو ۳۵: ۱۴  
 ه) مزمو ۴۴: ۸  
 و) مزمو ۵۴: ۶  
 ز) مزمو ۷۹: ۱۳  
 ح) مزمو ۱۱۸: ۱، ۲۱، ۲۹  
 ط) مزمو ۱۳۸: ۱  
 (۲) رهایی از زندان (استعاره)، مزمو ۱۴۲: ۷  
 (۳) رهایی از مرگ  
 الف) مزمو ۳۰: ۴، ۱۲  
 ب) مزمو ۸۶: ۱۳-۱۲  
 ج) اشعیا ۳۸: ۱۹-۱۸  
 (۴) برای اینکه او شیران را مغلوب و پارسایان را سرفراز میکند  
 الف) مزمو ۵۲: ۹  
 ب) مزمو ۷۵: ۱  
 ج) مزمو ۹۲: ۱  
 د) مزمو ۱۴۰: ۱۳  
 (۵) برای اینکه او می بخشد  
 الف) مزمو ۳۰: ۴  
 ب) اشعیا ۱۲: ۱  
 (۶) برای اینکه او نیازهای قومش را فراهم میکند  
 الف) مزمو ۱۰۶: ۱  
 ب) مزمو ۱۱۱: ۱  
 ج) مزمو ۱۳۶: ۱، ۲۶  
 د) مزمو ۱۴۵: ۱۰  
 ه) ارمیا ۳۳: ۱۱
- الف. عهد جدید  
 ۱. کلمه اصلی بکار رفته برای شکر و شکرگذاری (بعضی از مراجع):  
 الف. *ایوکاریستیو* (۱ قرن نیا ۱: ۴، ۱۴، ۱۰: ۳۰؛ ۱۱: ۲۴؛ ۱۴: ۱۷، ۱۸؛ کولسیان ۱: ۳، ۱۲؛ ۳: ۳)  
 (۱۷)  
 ب. *ایوکاریستوس* (کولسیان ۳: ۱۵)  
 ج. *ایوکاریستیا* (۱ قرن نیا ۱۴: ۱۶؛ ۲ قرن نیا ۴: ۱۵؛ ۹: ۱۱، ۱۲؛ کولسیان ۲: ۷؛ ۴: ۴)  
 (۲)  
 د. *کاریس* (۱ قرن نیا ۱۵: ۵۷؛ ۲ قرن نیا ۲: ۱۴؛ ۸: ۱۶؛ ۹: ۱۵؛ ۱ پطرس ۲: ۱۹)  
 ۲. عیسی به عنوان الگو  
 الف. او برای غذا شکر میکرد

- ۱) لوقا ۲۲: ۱۷، ۱۹ (۱ قرنثیان ۱۱: ۲۴)  
 ۲) یوحنا ۶: ۱۱، ۲۳
- ب. برای جواب دعاها شکر میکرد، یوحنا ۱۱: ۴۱  
 ۳. نمونه‌های دیگر سپاسگزاری  
 الف. برای مسیح که هدیه خدا است، ۲ قرنثیان ۹: ۱۵  
 ب. برای غذا  
 ج. اعمال رسولان ۲۷: ۳۵  
 ۱) رومیان ۱۴: ۶  
 ۲) ۱ قرنثیان ۱۰: ۳۰؛ ۱۱: ۲۴  
 ۳) ۱ تیموتائوس ۴: ۳-۴  
 د. برای شفا، لوقا ۱۷: ۱۶  
 ه. برای آرامش، اعمال رسولان ۲۴: ۲-۳  
 و. برای رهایی از خطر  
 ۱) اعمال رسولان ۲۷: ۳۵  
 ۲) اعمال رسولان ۲۸: ۱۵  
 ز. برای تمام موقعیتها، فیلیپیان ۴: ۶  
 ح. برای همه انسانها، بویژه رهبران، ۱ تیموتائوس ۲: ۱  
 ۴. جنبه‌های دیگر سپاسگزاری  
 الف. خواست خداست برای همه ایمانداران، ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۸  
 ب. شهادی است بر زندگی بنا شده توسط روح، افسسیان ۵: ۲۰  
 ج. انجام ندادن آن گناه است ۲۷: ۳۵  
 ۱) لوقا ۱۷: ۱۶  
 ۲) رومیان ۱: ۲۱  
 د. پادزهر گناه است، افسسیان ۵: ۴  
 ۴. شکرگزاری پولس  
 الف. برکاتی که برای کلیسا داشت  
 ۱) برای اعلام انجیل  
 الف) رومیان ۱: ۸  
 ب) کولسیان ۱: ۳-۴  
 ج) افسسیان ۱: ۱۶-۱۵  
 د) ۱ تسالونیکیان ۱: ۲  
 ۲) برای جاری شدن فیض  
 الف) ۱ قرنثیان ۱: ۴  
 ب) ۲ قرنثیان ۱: ۱۱؛ ۴: ۱۵  
 ۳) برای پذیرش انجیل، ۱ تسالونیکیان ۲: ۱۳  
 ۴) برای مشارکت در انتشار انجیل، فیلیپیان ۱: ۳-۵  
 ۵) برای رشد در فیض، ۲ تسالونیکیان ۱: ۳  
 ۶) برای اطلاع از برگزیدگی خود، ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۳  
 ۷) برای برکات روحانی، کولسیان ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۵  
 ۸) برای سخاوت در بخشش، ۲ قرنثیان ۹: ۱۲-۱۱  
 ۹) برای سرور بخاطر ایمانداران جدید، ۱ تسالونیکیان ۳: ۹  
 ب. شکرگزاری شخصی او  
 ۱) برای ایمانش، کولسیان ۱: ۱۲  
 ۲) برای رهایی از اسارت گناه، رومیان ۷: ۲۵؛ ۲ قرنثیان ۲: ۱۴  
 ۳) برای زحمات فداکارانه سایر ایمانداران، رومیان ۱۶: ۴؛ ۲ قرنثیان ۶: ۱۸  
 ۴) برای رخ ندادن برخی اعمال، ۱ قرنثیان ۱: ۱۴  
 ۵) برای عطای روحانی شخصی، ۱ قرنثیان ۱۴: ۱۸  
 ۶) برای رشد روحانی دوستان، فلیمون ۵-۴  
 ۷) برای قوت جسمانی جهت خدمت، ۱ تیموتائوس ۱: ۱۲

### ۳. نتیجه‌گیری

الف. شکرگزاری عکس‌العمل اصلی ماست به خدا، زمانی که نجات می‌یابیم. نه تنها به شکل زبانی، بلکه با شیوه زندگی توام با قدرشناسی خود آنرا نشان می‌دهیم.  
 ب. شکرگزاری در همه چیز هدف یک زندگی بالغ است که تحت مراقب خدا قرار دارد (۱ تسالونیکیان ۵: ۱۸-۱۳)



ج. شکرگزاری موضوعی است که هم در عهد جدید و هم عهد عتیق مدام تکرار می‌شود. آیا موضوع شما هم هست؟

۱: ۱۳ "کفرگو" این بایستی اشاره داشته باشد به اعتقادات و آنچه پولس قبل از ایمانش در مورد عیسی مسیح گفته بود.

◆ "ستمگر و زورگو" (اعمال ۸: ۳-۹؛ ۱۳، ۲۱؛ ۲۲: ۴، ۱۹؛ ۲۶: ۱۱-۱۰؛ ۱ قرننیا ۱۵: ۱۵؛ ۸-۹؛ غلاطیان ۱: ۱۳؛ فیلیپیان ۳: ۶)

◆ "بر من رحم شد" این هم فرم مجهولی است که فاعلش مشخص است. خدا یا عیسی مسیح بر پولس زورگو رحم کردند. اگر او قادر به دریافت رحمت بود، هر کس دیگری هم می‌تواند رحمت را دریافت کند. این بوضوح روشنگر شخصیت خداست و اینکه تا چه حد محبت و رحمتش شامل حال گناهکاران می‌شود.

◆ "زیرا از ناآگاهی و بی‌ایمانی چنین می‌کردم" در عهد عتیق گناهان شخص ناآگاه در اثر قربانی بخشیده می‌شدند (لاویان ۱۶)، در حالیکه برای گناه عمدی، حتی در روز کفاره، امکان قربانی وجود نداشت. در رومیان پولس بوضوح ثابت می‌کند که خداوند ناسان را در مقابل نوری که دارند مسئول قرار داده است. نمونه‌ای از این حقیقت این است که پیش از شریعت موسی خدا انسان را بخاطر تخطی از این شریعت بازخواست نمی‌کرد (اعمال ۱۷: ۳۰؛ رومیان ۳: ۲۰، ۲۵؛ ۴: ۱۵؛ ۵: ۱۳، ۲۰؛ ۷: ۵، ۸-۷؛ ۱ قرننیا ۱۵: ۵۶). این حقیقت در مورد کسانی که هرگز انجیل را نشنیده‌اند نیز صدق می‌کند (رومیان ۱: ۱۸-۲۰؛ ۲: ۲۹). آنها در مقابل نوری که دارند مسئولند (آفرینش رومیان ۱: ۲۳-۱۸ و شاهد اخلاقی درونی، رومیان ۲: ۱۵-۱۴). به این "مکاشفه عام" می‌گویند در مقابل "مکاشفه خاص" (یعنی کتاب مقدس).

۱: ۱۴ "فیض خداوند ما" نکته کلیدی الهیات پولس در مورد نجات ماهیت خداست، نه عملکرد انسان تنها امید انسان سقوط کرده در شخصیت ثابت، رحیم و فیاض خداست که در مسیح تجلی یافت (افسیان ۱: ۱۴-۳؛ ۲: ۴، ۹-۸).

◆ "بفراوانی" از لحاظ لغوی معنای آن "فراوانی خارق‌العاده" است (هوپرلیونازیر). این را پولس از ترکیب ویژگی هایپاکس لگومینون با هایپیر خلق کرد. "هر جا گناه فزونی یابد، فیض نیز بسیار فراوانتر می‌شود" (رومیان ۵: ۲).

#### مبحث ویژه: استفاده پولس از کلمات ترکیبی "هوپر"

پولس علاقه خاصی به خلق واژه‌های جدید با استفاده از حرف اضافه هوپر داشت، که به معنای "بالا تر"، "فرا تر" است. وقتی با اضافه ملکی بکار رود، معنای "از طرف" را می‌دهد. ممکن است مانند "پری" به معنای "در مورد" یا "در رابطه با" نیز باشد (۲ قرننیا ۸: ۲۳؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۱). اگر با حالت مفعولی بکار رود معنای "بالا"، "روی" یا "فرا تر" را می‌دهد (آ تی رابرتسون، کتاب گرامر عهد جدید یونانی بر اساس تحقیقات قانونی، صفحات ۶۳۳-۶۲۵). هنگامی که پولس می‌خواست بر روی مفهومی تاکید کند از حرف اضافه در کلمه ترکیبی استفاده می‌کرد.

در زیر فهرستی از کاربردهای خاص این حرف اضافه در کلمات ترکیبی آمده است:  
الف. هایپوکس لگامون (کلمه‌ای که تنها یکبار در عهد جدید بکار رفته است)

۱. هوپراکاموس، از سن بلوغ گذشته ۱ قرننیا ۷: ۳۶

۲. هوپراوکسانو، افزایش شدید، ۲ تسالونیکیان ۱: ۳

۳. هوپربیانو، طمع یا تجاوز به حریم، ۱ تسالونیکیان ۴: ۶

۴. هوپرکینا، فرا تر، ۲ قرننیا ۱۰: ۱۶

۵. هوپراکتینا، پا فرا تر گذاشتن، ۲ قرننیا ۱۰: ۱۴

۶. هویپانتگچانوا، شفاعت، رومیان ۸: ۲۶

۷. هویپنیکلسو، پیروزی فراوان، رومیان ۸: ۳۷

۸. هویپرلیونازو، برخورداری از فراوانی زیاد، ۱ تیموتائوس ۱: ۱۴

۹. هویپویپیسوو، شدیداً سرافراز کردن، فیلیپیان ۲: ۹

۱۰. هویپفرونیو، داشتن افکار اغراق‌آمیز، رومیان ۱۲: ۳

ب. کلماتی که تنها در نوشته‌های پولس بکار رفته است

۱. هویپرایرومای، بخود مغرور شدن، ۲ قرننیا ۱۲: ۷، ۲ تسالونیکیان ۲: ۴

۲. هویپربالوتنوس، بیش از اندازه، شدیداً، ۲ قرننیا ۱۱: ۲۳ (قید فقط در اینجا، اما فعل در ۲ قرننیا ۳: ۱۰؛

۱۴: ۹، افسسیان ۱: ۱۹؛ ۲: ۷؛ ۳: ۱۹)

۳. هویپربولی، فرا تر از حد، اغراق، رومیان ۷: ۱۳؛ ۱ قرننیا ۱۲: ۳۱؛ ۲ قرننیا ۱: ۸؛ ۴: ۷، ۱۷؛ ۲۲: ۷؛

### غلاطیان ۱: ۱۳

۴. *هوپیا/کپریسوس*، فراتر از همه حدود، افسرینان ۳: ۲۰؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۱۰؛ ۵: ۱۳
۵. *هوپرلیان*، در بالاترین درجه یا والاترین، ۲ قرننتیان ۱۱: ۵؛ ۱۱: ۱۲
۶. *هوپیا/وکه*، برتری، والایی، ۱ قرننتیان ۲: ۱؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۲
۷. *هوپیا پریسئو*، فراوان کردن، رومیان ۵: ۲۰ (صدای میانه، بفرآوانی پر شدن، لبریز شدن، ۲ قرننتیان ۷: ۴)
- ج. کلماتی که در نوشته‌های پولس و ندرتا سایر نوشته‌های عهد جدید بکار رفته‌اند
۱. *هوپرانو*، بسیار بالاتر، افسرینان ۱: ۲۱؛ ۴: ۱۰؛ عبرانیان ۹: ۵
۲. *هوپراکو*، والا، برتر، رومیان ۱۳: ۱؛ فلیپیان ۲: ۳؛ ۳: ۸؛ ۴: ۷؛ ۱ پطرس ۲: ۱۳
۳. *هوپرافانوس*، خیالاتی یا مغرور، رومیان ۱: ۳۰؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۲ و لوقا ۱: ۵۱؛ یعقوب ۴: ۴؛ ۱ پطرس ۵: ۵

پولس مرد پر شور و حرارتی بود؛ وقتی کسی یا چیزی خوب بود، شدیداً خوب بود و اگر بد بود شدیداً بد این حرف اضافه به او اجازه میداد احساسات شدید خود را در مورد گناه، خود، مسیح و انجیل بیان کند.

### ◆ همراه با ایمان و محبتی که در مسیح عیسی یافت می‌شود" در این آیه از لحاظ تفسیری نکات قابل بحث متعددی وجود دارد.

۱. آیا "خداوند" (آیه ۱۴) به مسیح اشاره دارد یا به یهوه (آیه ۱۷)؟ در این متن یهوه بهترین گزینه است.
۲. آیا عطیه فیض خدا به ایمان و محبت، که خود عطایا در مسیح هستند، ربط دارد (تی ای وی، ان ج بی)؟ مطمئناً ایمان آوردن پولس نتیجه فیض بود. پولس برگزیده و هدایت شد. واکنش او اراده آزاد متأثر نشده نبود. نیازهای او در اثر فیض خدا و کارهای مسیح تأمین شد. پولس عطیه‌های آسمانی را دریافت و سپس در رابطه خود با دیگران بکار برد. دقت کنید که تمهیدات خداوند جهت نجات تنها از طریق عیسی مسیح می‌آید. او پاسخ خداوند به نیاز بشر سقوط کرده در تمام دورانهاست (آیات ۱۷-۱۵).

۱: ۱۵ "این سخنی است درخور اعتماد و پذیرش کامل" این عبارت ۵ بار در رسالات شبانی تکرار شده است (۱: ۱۵؛ ۳: ۱؛

۴: ۹؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۱؛ تیطوس ۳: ۸). کاربرد آن مانند کاربرد "آمین، آمین" توسط مسیح (ترجمه: "واقعا، واقعا" یا "براستی، براستی") برای معرفی بیانیه‌های مهم است.

### ◆ "که مسیح عیسی به جهان آمد" این اشاره ضمنی دارد به وجود مسیح قبل از خلقت جهان (یوحنا ۱: ۱، ۱۵، ۸: ۵۸-۵۷،

۱۶: ۲۸، ۱۷: ۵؛ ۱ قرننتیان ۸: ۹؛ فلیپیان ۲: ۷-۶؛ کولسیان ۱: ۱۷؛ عبرانیان ۱: ۳؛ ۱۰: ۸-۵)، که موضوع عقیدتی مهم و مرتبط با الوهیت اوست (او جسم پوشید، خلق نشد، امثال ۸: ۲۲). ممکن است این به باور گنوستیک معلمین دروغین پرداخته باشد. به مبحث ویژه: گنوستیسیم در تیطوس ۱: ۱ مراجعه کنید.

### مبحث ویژه: استفاده پولس از کوزموس

پولس از کلمه کوزموس به طرق مختلفی استفاده کرد

۱. تمام نظم مخلوق (رومیان ۱: ۲۰؛ افسرینان ۱: ۴؛ ۱ قرننتیان ۳: ۲۲؛ ۸: ۴، ۵)
۲. این کره (۲ قرننتیان ۱: ۱۷؛ افسرینان ۱: ۱۰؛ کولسیان ۱: ۲۰؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۵؛ ۳: ۱۶؛ ۶: ۷)
۳. انسانها (۱: ۲۸-۲۷؛ ۴: ۹؛ ۱۳؛ رومیان ۳: ۶؛ ۱۹؛ ۱۱: ۱۵؛ ۲ قرننتیان ۵: ۱۹؛ کولسیان ۱: ۶)
۴. نظام و عملکرد انسان جدای از خدا (۱: ۲۱-۲۰؛ ۱۲؛ ۳: ۱۹؛ ۱۱: ۳۱؛ غلاطیان ۴: ۳؛ ۱۹؛ افسرینان ۲: ۲، ۱۲؛ فلیپیان ۲: ۱۵؛ کولسیان ۲: ۸، ۲۴-۲۰). این مشابه است با کاربرد آن توسط یوحنا (یعنی ۱ یوحنا ۲: ۱۷-۱۵)
۵. ساختارهای جاری جهان (۷: ۳۱-۲۹؛ غلاطیان ۶: ۱۴، مشابه فلیپیان ۳: ۹-۴، که پولس ساختارهای یهودیت را توصیف می‌کند.

از جهات مختلف اینها همپوشانی می‌کنند و دسته‌بندی تمام کاربردها مشکل است. این واژه، همانند بسیاری از اندیشه‌های پولس، می‌بایست با توجه به زمینه مستقیم متن تعریف شود، و نه تعریف از پیش تعیین شده. واژگاری پولس سیال است (کتاب مردی در مسیح اثر جیمز استوارت). او تلاش نداشت الهیات سیستماتیکی را بنا نهد، بلکه می‌خواست مسیح را اعلام کند. او همه چیز را تغییر داد!

### ◆ "تا گناهکاران را نجات بخشد" این دلیل آمدن مسیح بود (مرقس ۱۰: ۴۵؛ لوقا ۱۹: ۱۰؛ ۱ یوحنا ۲: ۲). این همچنین اصل

اعتقادی اساسی انجیل را نشان می‌دهد برای نیاز انسان سقوط کرده به فیض (رومیان ۳: ۱۸-۹، ۲۳؛ ۶: ۲۳).

### ◆ "که من بزرگترین آنهایم" هر قدر نور بیشتر باشد، خودآگاهی نسبت به گناه هم بیشتر است (آیه ۱۶؛ ۱ قرننتیان ۱۵: ۶؛

افسرینان ۳: ۸). پولس از اینکه به کلیسا جفا کرده بود احساس تقصیر می‌کرد (اعمال ۷: ۵۸؛ ۸: ۱؛ ۹: ۲-۱؛ ۲۲: ۴، ص، ۱۹-

۲۰؛ ۲۶: ۱۱-۱۰)، اما به لحاظ فیض، محبت و تمهید خدا برای نجات گناهکاران از طریق کار تکمیل شده مسیح، خود را قدرتمند می‌یافت (آیه ۱۶).

۱۶: ۱  
 ان آ اس بی "صبر بی‌پایان"  
 ان ک ج وی "رنج بی‌پایان"  
 ان آر اس وی "منتهای صبر"  
 تی ای وی "صبر کامل"  
 ان ج بی "صبر پایان‌ناپذیر"

این واژه یونانی مرکب (ماکروس و توموس) به معنای "خشم مهار شده" است. کلمه ای در عهد عتیق یونانی، سپتاگینت، اغلب برای خدا بکار میرود (اعداد ۱۴: ۱۸؛ مزامیر ۸۶: ۱۵؛ ۱۰۳: ۸؛ یونیل ۲: ۱۳؛ نحیا ۱: ۳). در عهد جدید هم برای توصیف خدا بکار رفته است (رومیان ۲: ۴؛ ۹: ۲۲؛ ۱ پطرس ۳: ۲۰؛ ۲ پطرس ۳: ۱۵). این واژه در واقع خصوصیت فرزندان خدا را نیز قرار است توصیف کند (۲ قرنتیان ۶: ۶؛ غلاطیان ۵: ۲۲؛ افسسیان ۴: ۲؛ کولسیان ۱: ۱۱؛ ۳: ۱۲؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۰؛ ۴: ۲).

◆ **"تا نمونه‌ای باشم"** شهادت نجات پولس از کسی که دشمن اصلی مسیحیت بود به کسی که رسول مورد اعتماد برای غیریهودیان شد، ژرفا و وسعت و بلندای فیض خدا را آشکار می‌کند. از جهتی پولس معلم دروغین صادقی بود که مورد رحمت خدا قرار گرفت.

◆ **"برای جمله آنان که از این پس به او ایمان آورده"** عیسی در یوحنا ۱۷: ۱۶-۲۰ برای کسانی که به او ایمان خواهند آورد دعا می‌کند. انجیل یوحنا اغلب از حرف اضافه *ایس* برای بیان موضوع ایمان انسان استفاده می‌کند، در حالیکه پولس عموماً *اپی* (رومیان ۴: ۵، ۲۴؛ ۹: ۳۳؛ ۱۰: ۱۱؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۶؛ اعمال ۹: ۴۲؛ ۱۱: ۱۷؛ ۱۶: ۳۱ را نیز ببینید) یا حالت مفعولی (غلاطیان ۳: ۶؛ اعمال ۱۸: ۸؛ ۲۷: ۲۵) را بکار می‌برد. به نظر می‌رسد از لحاظ الهیات بین عقیده به *ایس*؛ عقیده در *ان*؛ عقیده روی *اپی*؛ یا استفاده از حالت مفعولی بدون حرف اضافه (یوحنا ۵: ۱۰) تفاوتی نباشد. پولس هم مثل یوحنا گاهی از *هوتی* (یعنی عقیده که) استفاده می‌کند، که بر محتوای ایمان تاکید دارد (رومیان ۶: ۸؛ ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۴). انجیل یعنی (۱) شخصی برای پذیرش؛ (۲) حقایقی برای اعتقاد؛ (۳) زندگی برای زیستن.

#### مبحث ویژه: ایمان (پبستیس [اسم]، پبستیو [فعل]، پبستوس [صفت])

- الف. این واژه بسیار مهمی در کتاب مقدس است (عبرانیان ۱۱: ۱، ۶). موضوع موعظه‌های اولیه عیسی است (مرقس ۱: ۱۵). برای عهد جدید حداقل دو الزام وجود دارد: توبه و ایمان (۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱).
- ب. ریشه لغوی آن
۱. واژه ایمان در عهد عتیق به معنای وفاداری، صداقت، یا قابل اعتماد بودن است و توصیفی است برای ذات خدا، نه ما.
  ۲. این واژه از لغت عبری (*ایمون، ایمونا*) آمده، به معنای "اطمینان یا ثبات داشتن." ایمان نجات بخش رضایت فکری (دسته ای از حقایق)، زندگی با پایبندی اخلاقی (روشی برای زندگی)، و ابتدانا تعهد منطقی (پذیرش یک شخص) و ارادی (یک تصمیم) نسبت به آن شخص است.
  - ج. کاربرد در عهد عتیق  
 لازم است بر این نکته تاکید شود که ایمان ابراهیم به به مسیح آینده نبود، بلکه به وعده خدا بود که او صاحب فرزند و نسلی خواهد شد (پیدایش ۱۲: ۲؛ ۱۵: ۵-۲؛ ۱۷: ۸-۴؛ ۱۸: ۱۴). واکنش ابراهیم به این وعده اعتماد به خدا بود. او نسبت به این وعده که تحقق سی سال طول کشید هنوز تردید و سوال داشت. با اینحال خدا ایمان ناقص او را پذیرفت. خداوند مایل است با انسان معیوبی که با ایمان به او و وعده اش را پاسخ دهد کار کند، حتی اگر این ایمان به بزرگی یک دانه خردل باشد (متی ۱۷: ۲۰).
  - د. کاربرد در عهد جدید  
 واژه "معتقد" از کلمه یونانی (*پبستیو*) می آید که ممکن است "اعتقاد"، "ایمان" یا "توکل" هم ترجمه شوند. برای مثال، در انجیل یوحنا این کلمه در فرم اسم دیده نمی شود، اما در فرم فعل اغلب بکار میرود. در یوحنا ۲: ۲۳-۲۵ در مورد صادقانه بودن تعهد جمعیت نسبت به عیسی ناصری به عنوان مسیح نوعی عدم اطمینان وجود دارد. موارد دیگر استفاده ظاهری از واژه "اعتقاد" در یوحنا ۸: ۵۹-۳۱ و اعمال ۸: ۱۳، ۲۴-۱۸ است. ایمان کتاب مقدسی واقعی بزرگتر از

ایمانی به اندازه یک دانه خردل است (متی ۱۷: ۲۰). چنین ایمانی باید با فرآیند شاگردی ادامه یابد (متی ۱۳: ۲۲-۲۰، ۳۱-۳۲).

۵. کاربرد آن همراه با حروف اضافه

۱. *ایس یعنی "به"*. این ساختار منحصر بفرد تاکید دارد بر اینکه ایمانداران توکل یا ایمانشان به عیسی

الف. به نام او (یوحنا ۱: ۱۲؛ ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸، ۱ یوحنا ۵: ۱۳)

ب. به او (یوحنا ۲: ۱۱؛ ۳: ۱۵، ۱۸؛ ۴: ۳۹؛ ۶: ۴۰؛ ۷: ۵، ۳۱، ۳۹، ۴۸؛ ۸: ۳۰؛ ۹: ۳۹؛ ۱۰: ۴۲؛ ۱۱: ۴۵، ۴۸؛ ۱۷: ۳۷؛ ۴۲؛ متی ۱۸: ۶؛ اعمال ۱۰: ۴۳؛ فیلیپیان ۱: ۲۹؛ ۱ پطرس ۱: ۸)

ج. به من (یوحنا ۶: ۳۵؛ ۷: ۳۸؛ ۱۱: ۲۵، ۲۶؛ ۱۲: ۴۴، ۴۶؛ ۱۴: ۱۲، ۱۶؛ ۱۶: ۹؛ ۱۷: ۲۰)

د. به پسر (یوحنا ۳: ۳۶؛ ۹: ۳۵؛ ۱ یوحنا ۵: ۱۰)

ه. به عیسی (یوحنا ۱۲: ۱۱؛ اعمال ۱۹: ۴؛ غلاطیان ۲: ۱۶)

و. به نور (یوحنا ۱۲: ۳۶)

ز. به خدا (یوحنا ۱۴: ۱)

۲. *"ان" به معنای "در"* مثلا در یوحنا ۳: ۱۵؛ مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۵: ۱۴

۳. *"ایی" به معنای "در" یا "بر"*، مثلا در متی ۲۷: ۴۲؛ اعمال ۹: ۴۲؛ ۱۱: ۱۷؛ ۱۶: ۳۱؛ ۲۲: ۱۹؛ رومیان ۴: ۵، ۲۴؛ ۹: ۳۳؛ ۱۰: ۱۱؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۶؛ ۱ پطرس ۲: ۶

۴. در حالت مفعولی بدون حرف اضافه مانند غلاطیان ۳: ۶؛ اعمال ۱۸: ۸؛ ۲۷: ۲۵؛ ۱ یوحنا ۳: ۲۳؛ ۵: ۱۰

۵. *هوتی*، به معنای "اعتقاد که"، که میگوید به چه باید اعتقاد داشت

الف. عیسی یگانه مقدس خداست (یوحنا ۶: ۶۹)

ب. عیسی من هستم است (یوحنا ۸: ۲۴)

ج. عیسی در پدر است و پدر در او (یوحنا ۱۰: ۳۸)

د. عیسی مسیح است (یوحنا ۱۱: ۲۷؛ ۲۰: ۳۱)

ه. عیسی پسر خداست (یوحنا ۱۱: ۲۷؛ ۲۰: ۳۱)

و. عیسی توسط پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۱: ۴۲؛ ۱۷: ۸، ۲۱)

ز. عیسی با پدر یکی است (یوحنا ۱۴: ۱۱-۱۰)

ح. عیسی از جانب پدر آمد (یوحنا ۱۶: ۲۷، ۳۰)

ط. عیسی خود را با نام پدر در عهد، "من هستم"، یکی می داند (یوحنا ۸: ۲۴، ۱۳: ۱۹)

ی. ما با او زندگی خواهیم کرد (رومیان ۶: ۸)

ک. عیسی مرد و دوباره برخاست (۱ تسالونیکیان ۴: ۱۴)

♦ **"حیات جاویدان"** حیات جاویدان (*زیون انیونین*) موضوعی است که بارها در الهیات یوحنا تکرار می شود. این واقعیتی

کنونی است (مثلا یوحنا ۳: ۱۶، ۳۶؛ ۵: ۲۴؛ ۶: ۴۷، ۵۴) و نیز امید آینده که به آنهایی که از طریق ایمان به پسر پدر را می

شناسند داده میشود (مثلا یوحنا ۱۷: ۳-۲). پولس این واژه را بکار می برد تا به زندگی (۱) عصر جدید؛ (۲) پادشاهی خدا؛ یا

زندگی پس از قیام (رومیان ۲: ۷؛ ۵: ۲۱؛ ۶: ۲۲، ۲۳؛ غلاطیان ۶: ۸؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۶؛ تیطوس ۱: ۲؛ ۳: ۷) اشاره کند.

تنها خدا غیرفانی است؛ فقط خدا می تواند زندگی عطا کند. او به کسانی که از طریق ایمان به پسرش توکل کند زندگی جاویدان

عطا میکند.

۱: ۱۷ **"پادشاه"** این عبارت ستایشی مشابه است با ۶: ۱۶-۱۵. واژه زبان کنیسه دوره های آخر ("پادشاه عالم") و یهودیان در

تبعید (فیلو و الکساندریا واژه "ابدی" را برای خدا بکار بردند) را منعکس میکند.

این احتمال کاملا وجود دارد که پولس سرود یا نیایش کلیسای اولیه را نقل کرده باشد، همانطور که در ۳: ۱۶؛ ۶: ۱۶-۱۵ و

۲ تیموتائوس ۲: ۱۳-۱۱ چنین کرد.

♦ **"جاویدان"** این اولین صفت از چهار صفت قدرتمند است و همان صفتی است که در عبارت "حیات جاویدان" در آیه ۱۶ بکار

رفته است. از لحاظ لغوی "مربوط به دور آنها" (ایچنیون) است، که ممکن است استعاره ای باشد برای ابدیت یا اشاره ای باشد به

مفهوم یهودی دو دوران: (۱) عهد کنونی شریک که با استقلال و طغیان (فرشته و انسان) توصیف میشود و (۲) عهد پارسایی که

وعده داده شده و در آینده خواهد آمد. روح این عهد را می آورد و مسیح نهال آن را محقق می کند. به مبحث ویژه در ۶: ۱۷

مراجعه کنید.

امتداد "پیشاپیش و نه هنوز" زندگی ابدی دوره جاری را توصیف می کند که در آن این دو دوره یهودی با هم همپوشانی می کنند.

دلیل آن مکاشفه جدید مربوط به آمدن دوگانه مسیح است، یکی به عنوان نجات دهنده، و سپس به عنوان پادشاه، خداوند و داور

◆ **"نامیرا"** از لحاظ لغوی معنای آن "فسادناپذیر" است. بطور استعاره اشاره دارد به کسی که همیشه-زنده و تنها-زنده است (یهوه از فرم متعدی لغت عبری "بودن" می آید، به خروج ۳: ۱۴ رجوع کنید). فقط خدا در خود حیات دارد (رومیان ۱: ۲۳؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۷؛ ۶: ۱۶). مابقی حیات عطای مشتق از حیات او و هدیه است. تنها از فیض پدر، کار مسیح (۲ تیموتائوس ۱: ۱۰) و عمل روح ناشی می شود.

◆ **"نادیدنی"** این واژه برای قلمرو روحانی (کولسیان ۱: ۱۵) یا احتمالاً یهوه به عنوان خدای نادیده (بدون تصویر، خروج ۳۳: ۲۰، تثنیه ۴: ۱۵؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۱۶) بکار می رود. خدا روح ابدی است که در کل خلقت حضور دارد!

◆ **"خدای یکتا"** این اشاره دارد به باور تک خدایی یهود (تثنیه ۶: ۴-۶؛ یهودا ۲۵). این پیشینه متنی جهان بینی منحصر بفرد کتاب مقدس را منعکس می کند. کتاب مقدس منظر ایمانی فراتر از حواس پنجگانه را به بشر ارائه می دهد.

۱. تنها و تنها یک خدا وجود دارد (تثنیه پیدایش ۱: ۱؛ خروج ۸: ۱۰؛ ۹: ۱۴؛ تثنیه ۴: ۳۹-۳۵؛ ۱ ساموئیل ۲: ۲؛ ۲ ساموئیل ۷: ۲۲؛ ۲۲: ۳۲؛ ۱ پادشاهان ۸: ۲۳؛ مزامیر ۸۶: ۸، ۱۰؛ اشعیا ۴۳: ۱۱؛ ۴۴: ۶، ۸؛ ۴۵: ۶-۷، ۱۴، ۱۸، ۲۲-۲۱؛ ۴۶: ۵، ۹؛ ارمیا ۲: ۱۱؛ ۵: ۷؛ ۱۰: ۶؛ ۱۶: ۲۰).
۲. او خدایی شخصی، خالق و نجات دهنده است (پیدایش ۱-۲؛ ۳: ۱۵؛ مزامیر ۱۰۴-۱۰۳).
۳. او وعده امید و تجدید حیات توسط مسیح را می دهد (اشعیا ۵۳).
۴. ایمان به مسیح خطای نافرمانی را جبران می کند (انجیل).
۵. هر کس به مسیح ایمان بیاورد صاحب حیات جاودان می شود (انجیل).

متن رسپتوس به تبعیت از دست نوشته یک دوازدهم یونانی، "حکیم" را اضافه می کند (ان ک ج وی، "به خدای یگانه حکیم"). این اضافه در دست نوشته های یونانی وجود ندارد ممکن است اضافه کتابتی از رومیان ۱۶: ۲۷ باشد.

"**حرمت و جلال باد**" این اساساً معنای واژه عهد عتیقی کابِد (آیه ۱۱) است. در کتب مکاشفه این عبارت همراه با سایر ستایش ها بارها بکار رفته است (۴: ۹، ۱۱؛ ۵: ۱۲، ۱۳؛ ۷: ۱۲).

در عهد عتیق رایج ترین واژه عبری برای "جلال" (کابِد) ابتدائاً لغتی تجاری بود که برای اشاره به کفه های ترازو و به معنای "سنگین بودن" بکار می رفت. هر چه سنگین بود ارزشمند بود یا بهای ذاتی داشت. اغلب برای توصیف شکوه خدا مفهوم درخشندگی به این لغت اضافه می شد (خروج ۱۵: ۱۶؛ ۲۴: ۱۷؛ اشعیا ۶۰: ۲-۱). تنها او ارزشمند و قابل احترام است. او برای انسان سقوط کرده بیش از حد نورانی است (خروج ۳۳: ۲۳-۱۷؛ اشعیا ۶: ۵). شناخت واقعی خدا فقط از طریق عیسی مسیح ممکن است (ارمیا ۱: ۱۴؛ متی ۱۷: ۲؛ عبرانیان ۱: ۳؛ یعقوب ۲: ۱).

واژه "جلال" تا حدی دوپهلوی است: (۱) ممکن است همراستا با "نیکویی خدا" باشد؛ (۲) ممکن است به "قدوسیت" یا "کمال" خدا اشاره داشته باشد؛ (۳) می تواند به تصویر خدا اشاره نماید که انسان مطابق با آن خلق شد (پیدایش ۱: ۲۷-۲۶؛ ۵: ۱؛ ۹: ۶)، اما بعداً در اثر نافرمانی زنگار گرفت (پیدایش ۳: ۲۲-۱). این واژه اولین بار در مورد حضور یهوه در میان قومش استفاده می شود (خروج ۱۶: ۷، ۱۰؛ لاویان ۹: ۲۳؛ اعداد ۱۴: ۱۰).

◆ **"تا ابدالابد"** از نظر لغوی معنای آن "دورانهای دورانها" است، که اصطلاحی است برای ابدیت (غلاطیان ۱: ۵؛ فیلیپیان ۴: ۲۰؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱۸). همین واژه در آیه ۱۶ برای "زندگی ابدی" و در آیه ۱۷ برای "پادشاه سرمدی" بکار می رود. مبحث ویژه در ۶: ۱۷ را ببینید.

"**آمین**" مبحث ویژه در ۶: ۱۶ را ببینید.

متن ان آبی اس (بروز شده): ۱: ۲۰-۱۸

<sup>۱۸</sup> پسرم، تیموتائوس، این حکم را بنابر نیوتهایی که بیشتر بر تو شد، به تو می سپارم تا به مدد آنها\* در نبرد نیکو بیکار کنی،  
<sup>۱۹</sup> و به ایمان و وجدانی پاک متمسک باشی، چرا که کشتی ایمان بعضی با زیر پانهادن آنها در هم شکسته است.<sup>۲۰</sup> هیمنائوس و اسکندر از این دسته اند، که ایشان را به شیطان سپردم تا عبرت گرفته، دیگر کفر نگویند.

۱: ۱۸ "حکم" پولس از دو لغت نظامی در این باب استفاده می کند: (۱) "حکم" (آیات ۳، ۵، ۱۸) و (۲) "پیکار در نبرد نیکو" (آیه ۱۸؛ ۲ قرننثیان ۱۰: ۶-۳؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۰). این پاراگراف (یعنی آیات ۲۰-۱۸) به موضوع معلمین دروغین در آیات ۷-۳ برمیگردد.

◆  
ان آ اس بی، تی ای وی "سپردن"  
ان ک ج وی "واگزار کردن"  
ان آر اس وی، ان ج بی "دادن"

این فرم اخباری میانی حال از واژه پارانتیمی است. پولس کار انجیل را به تیموتائوس سپرد (۱ تیموتائوس ۶: ۲۰؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۴، همانطور که عیسی آنرا به او سپرده بود، ۲ تیموتائوس ۱: ۱۲) تا آنرا به مردان امانتدار دیگر منتقل کند (۲ تیموتائوس ۲: ۲).

این واژه در چند مورد بکار میرود: (۱) وقتی که عیسی خود را در لوقا ۲۳: ۴۶ به خدا می سپارد؛ و (۲) زمانی که ایمانداران در اعمال ۱۴: ۲۳ خود را به خدا می سپارند؛ و (۳) هنگامی که پولس در اعمال ۲۰: ۳۲ ایمانداران را به خدا می سپارد.

◆ "بنا بر نبوت‌هایی که پیشتر بر تو شد" زمانی که تیموتائوس در لیست‌ده دستگذاری شد (۴: ۱۴) از سوی کلیسا همه عطای روحانی دریافت کرد و هم نبوتها او را تایید نمود. این عبارت ممکن است این معانی را داشته باشد (۱) "در مورد تو انجام شد" (ان آر اس وی) یا "مرا به سوی تو هدایت کرد" (آر اس وی).

◆ "در نبرد نیکو پیکار کنی" همانند اینجا، در اغلب موارد زندگی مسیحی با استفاده از وقایع ورزشی یا رزمی به تصویر کشیده می شود. نبوت مربوط به تیموتائوس او را قادر ساخت که مانند پولس در نبرد نیکو پیکار کند (شرطی میانی حال، ۶: ۱۲؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۴-۳؛ ۴: ۷؛ ۲ قرننثیان ۱۰: ۶-۳؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۰).

◆ "به ایمان و وجدانی پاک متمسک باشی" لازمه نبرد نیکو این است که دو مورد زیر را داشته باشی و آنها را حفظ کنی (اسم مفعول کامل معلوم)  
۱. ایمان  
۲. وجدان پاک

هر دو اینها در ۱: ۵ ذکر شده اند. در اینجا دوباره به آنها اشاره میشود زیرا از دست دادنشان دلیل اصلی آن است که برخی از اعضا کلیسا کشتی ایمانشان در هم شکسته شده است. ایمان ممکن است اشاره داشته باشد به (۱) اصل عقیدتی مسیحی یا (۲) زندگی مسیحی. هر دو اینها اهمیت اساسی دارند.

۲ تیموتائوس ۲: ۱۷ به ما یاد میدهد که هیمنائوس در انجراف عقیدتی (ادعای اینکه قیام قبلا اتفاق افتاده بود) و خداگریزی (۲ تیموتائوس ۲: ۱۶) نقش داشت. فرد دیگری که نامش آمده، اسکندر، نمیتواند فرد نقره کاری باشد که در ۲ تیموتائوس ۲: ۱۴ و اعمال ۱۹ ذکر شده زیرا وی دشمن انجیل بود.

رد کردن حقیقت و بی خدایی آنها ناشی از فریب دیگران نبود، بلکه عدم پذیرش کاملا ارادی بود (زمان نامعین میانی [شاهد] اسم مفعول کلمه آنچه، اعمال ۷: ۳۹؛ ۱۳: ۴۶؛ رومیان ۱۱: ۱). یادداشت مربوط به وجدان را در ۱: ۱۵ ببینید.

◆ "چرا که کشتی ایمان بعضی با زیر پا نهادن آنها در هم شکسته است" این موضوعی مشکل و بحث انگیز است. مبحث ویژه ارتداد در ۴: ۱ را ببینید. در ۱ تیموتائوس نمونه های زیادی از ارتداد یافت می شود (۱: ۱۹؛ ۴: ۲-۱؛ ۵: ۵؛ ۱۴-۱۵؛ ۶: ۱۰-۹، ۲۱؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۸-۱۶؛ ۳: ۸-۱؛ ۲ پطرس ۲: ۲؛ ۱، ۲۱-۲۰؛ یهودا ۴).

۱: ۲۰ "به شیطان سپردم" این عبارت بسیار مشکلی است. کاربردهای قبلی در کتاب مقدس عبارتند از (۱) استفاده خدا از شیطان برای وسوسه ایوب (ایوب ۲: ۶)؛ (۲) روح مسیح را برای آزمایش به شیطان حواله کرد (مرقس ۱: ۱۲)؛ و (۳) پولس ایمانداری را برای تذهیب بسوی شیطان میفرستد تا شاید نهایتا به سوی خدا برگردد (۱ قرننثیان ۵: ۵). دقت کنید که هدف که در آیه ۲۰ بیان شده این است که آنها عبرت بگیرند، نه اینکه کفر بگویند. ممکن است اشاره داشته باشد به طرد آنها از جمع ایمانداران. تنبیه موقت خدا همیشه رهایی بخش است. خداوند از شیطان استفاده می کند تا انسانها را امتحان کند (په‌ایش ۳؛ ایوب ۲-۱؛ زکریا ۳). در واقع، شیطان ابزاری است در دست خدا. این طغیان شیطان به ضد خدا و اشتیاقش برای استقلال است که او را شریک می کند، نه وسوسه ه ایش.

کاربرد این عبارت نشان بطور ضمنی اشاره میکند که برای این معلمان دروغین و پیروانشان هنوز امید هست. ولی، استعاره مشابه استفاده شده برای معلمین دروغین در ۴: ۲ بطور ضمنی نشان میدهد که برای معلمان دروغین وجود ندارد.

### پرسشهای مربوط به بحث

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیر خود از کتاب مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده اند تا به شما کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را وادار به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱. چرا پولس در نامه ای شخصی به تیموتائوس بر رسالت خود تاکید میکند؟
۲. ماهیت بدعت افسس چه بود؟
۳. ارتباط مسیحیان با شریعت موسی چگونه است؟
۴. دید پولس در مورد خدمتش چه بود؟ (آیه ۱۲)
۵. چرا شهادت خود را بارها تکرار میکند؟ (آیه ۱۶)
۶. به تیموتائوس چه حکمی داده شد؟ (آیه ۱۸)
۷. آیا هیمنائوس و اسکندر فیض خدا را از دست دادند؟ (آیه ۱۹)
۸. "وجدان پاک" چیست؟ (آیه ۱۹)
۹. سپردن برخی به شیطان یعنی چه؟ (آیه ۱۹)

## اول تیموتائوس ۲

### تقسیم‌بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید\*

ان ج بی	تی ای وی	ان آر اس وی	ان ک ج وی	یو بی اس
آیین دعا	پرستش کلیسا	نظم در پرستش	دعا برای همه انسانها	دستورالعملها برای دعا (۲: ۱-۳)
۱-۷: ۲	۱-۷: ۲	۱-۷: ۲	۱-۷: ۲	۱-۷: ۲
			زنان و مردان در کلیسا	
۸: ۲	۸-۱۵: ۱۲	۸-۱۵: ۲	۸-۱۵: ۲	۱: ۳-۸: ۲
				زنان در اجتماعات
				۹-۱۵: ۲

### دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب مقدس" صفحه xi)

#### تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم شما، کتاب مقدس و روح القدس مقیم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و الی آخر

#### برداشتهای دقیق‌تر از متن:

الف) کل این بخش، ۲: ۱ تا ۳: ۱۳، به پرستش عمومی و سازماندهی می‌پردازد:

۱. پرستش عمومی (۲: ۱۵-۱)

الف. نقش مردان (۲: ۸-۱)

ب. نقش زنان (۲: ۱۵-۹)

۲. سازماندهی کلیسا (۳: ۱۳-۱)

الف. شبان (۳: ۷-۱)



ب. شماس (۳: ۸-۱۰، ۱۲-۱۳)

ج. زنان خادم (۳: ۱۱)

ب) تمرکز دعای ایمانداران بر نجات "همه" است (۲: ۱). خدا مشتاق است "همه" را نجات دهد (یوحنا ۳: ۱۶؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۴؛ تیطوس ۲: ۱۱؛ ۲ پطرس ۳: ۹). عیسی جزای گناه "همه" را پرداخت (رومیان ۵: ۱۹-۱۸). چه جهان شمولى فوق العاده‌ای!

ج) این بخش احتمالاً دستور العمل اولیه کلیسا بود که برای کمک به سازماندهی و هدایت تلاشهای آنها طراحی شده بود (۳: ۱۴-۱۵).

د) مشکلترین قسمت این بخش جهت تفسیر ۲: ۱۵-۸ است. فهمیدن آن دشوار نیست، ولی مشکل درک این است که چطور باید آنرا در شرایط فرهنگی خود بکار بید. براحتی می‌توانیم بخشهایی از عهد جدید را که با آن موافق نیستیم "فرهنگ" تلقی کرده و بی‌ربط به خود در نظر بگیریم. بنا به دلایل زیر برچسب فرهنگی زدن به متنی کاملاً الهامی مرا معذب می‌کند:

۱. من که هستم که بتوانم کتابمقدس را نفی کنم؟
۲. از کجا بدانم که بیش از حد تحت تاثیر فرهنگ خود قرار نگرفتم (تعصب شخصی در اثر شرطی شدن ناشی از تاریخ)؟
۳. آیا علامت، اصطلاح یا نشانه‌ای در متن وجود دارد که تعیین کند کدام آیات فرهنگی و کدام اراده خدا برای همه کلیساها در تمام دورانهاست؟

اولاً، هیچگونه علایمی در متن وجود ندارد! دوماً، برای پرداختن به موضوعی خاص باید از تمام کتابمقدس کمک بگیریم. اگر کل کتاب در مورد موضوعی متفق است، آن موضوع باید حقیقتی عالمگیر باشد. چنانچه به نظر رسد کتابمقدس گزینه‌ها یا موقعیت‌های متعددی را ارائه می‌دهد، باید در تفسیر انعطاف بیشتری را بکار بریم (چگونه کتابمقدس را آن چنانکه شایسته آن است بخوانیم، اثر فی و استوارت، ص ۷۶-۷۰).

## مطالعه لغت و عبارت

متن آن آبی اس (بروز شده): ۲: ۷-۱

<sup>۱</sup> بنابراین، پیش از هر چیز، سفارش می‌کنم که مؤمنان درخواستها، دعاها، شفاعتها و شکرگزاری‌ها را برای همه مردم بهجا آورند، <sup>۲</sup> از آنجمله برای حاکمان و همه صاحبمنصبان، تا بتوانیم زندگی آرام و آسوده‌ای را در کمال دینداری و وقار بگذرانیم. <sup>۳</sup> چرا که این نیکو و پسندیده نجات‌دهنده ما خداست <sup>۴</sup> که می‌خواهد همگان نجات یابند و به معرفت حقیقت نایل گردند. <sup>۵</sup> زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن انسان که مسیح عیسی است؛ <sup>۶</sup> او که با دادن جان خود، بهای رهایی جملة آدمیان را پرداخت. بر این حقیقت در زمان مناسب شهادت داده شد، <sup>۷</sup> و من به همین منظور برگماشته شدم تا واعظ و رسول و معلم ایمان راستین برای غیریهودیان باشم - حقیقت را بیان می‌کنم و دروغ نمی‌گویم.

۲: ۱ "پیش از هر چیز" معنای این اصطلاح یونانی این است: "مهمتر نکته این است که". در واقع متن نشان می‌دهد که هدف این است که تاثیر معلمین دروغین کنترل و تقلیل داده شود.

◆ "درخواستها، دعاها، شفاعتها و شکرگزاری‌ها" این فهرست چهار کلمه‌ای دعاهاست (فیلیپیان ۴: ۶ سه تا از آنها را دارد. افسسیان ۶: ۱۸ شامل دوتا از آنهاست). این روش پولس است برای تاکید بر اینکه تمام فرمهای دعا باید برای همه انسانها و بخصوص حاکمان انجام شود. در افسسیان ۶: ۱۸ تاکید بر دعا برای همه به ایمانداران محدود شده، حال آنکه در اینجا تاکید عمومی است. عبارت "درخواستها" (نتیوکسیس) تنها در اینجا و در آین ۴: ۵ آمده است.

◆ "برای همه مردم" واژه "همه" در آیات ۷-۱ پنج بار تکرار می‌شود، که نشانگر وسعت هم دعاهای ما و هم محبت خداست. برداشت برخی این است که تاکید بر همه انسانها واکنشی است به برخورد انحصاری معلمین دروغین.

۱- مقدمه

- الف. عیسی به عنوان سرمشق نشان میدهد دعا اهمیت دارد
۱. دعای شخصی، مرقس ۱: ۳۵؛ لوقا ۳: ۲۱؛ ۶: ۱۲؛ ۹: ۲۹؛ ۲۲: ۴۶-۲۹
  ۲. پاکسازی معبد، متی ۲۱: ۱۳؛ مرقس ۱۱: ۱۷؛ لوقا ۱۹: ۴۶
  ۳. نمونه دعا، متی ۶: ۵-۱۳؛ لوقا ۱۱: ۲-۴
- ب. دعا ایمان ما را را به مرحله عمل ملموس می‌رساند، ایمان به خدای شخصی و دلسوزی که حاضر، مایل و قادر است از طرف ما و دیگران عمل کند
- ج. خدا شخصا خود را ملزم کرده که به دعای فرزندان در بسیاری زمینه‌ها پاسخ گوید (یعقوب ۴: ۲).
- د. هدف اصلی از دعا مشارکت و وقت گذاشتن با خدای تثلیث است.
- ه. گستره دعا هر چیز یا کسی که به ایمانداران مرتبط است را پوشش می‌دهد. ممکن است با ایمان یکبار دعا کنیم، و یا چنانچه مسئله تکرار شود، ما نیز دعا را تکرار کنیم.
- و. دعا ممکن است عناصر مختلفی را دربر گیرد
۱. ستایش و تمجید از خدای تثلیث
  ۲. شکرگزاری از خدا برای حضور، رفاقت و نعمت‌هایش
  ۳. اعتراف گناهان گذشته و حال
  ۴. درخواست نیازها و تمایلات معقول
  ۵. شفاعت و آوردن نیازهای دیگران به حضور پدر
- ز. دعای شفاعت نوعی راز است. خداوند کسانی را که برایشان دعا می‌کنیم بیش از ما دوست دارد، با اینوجود دعای ما نه تنها در زندگی خودمان بلکه اغلب در زندگی آنها نیز بر تغییر، عکس العمل یا نیازی اثر می‌گذارد.

۲- منابع کتاب مقدس

الف. عهد عتیق

۱. برخی نمونه های دعای شفاعت
- الف. ابراهیم برای سدوم التماس میکند، پیدایش ۱۸: ۲۲
- ب. موسی برای اسرائیل دعا میکند
  - (۱) خروج ۵: ۲۲-۲۳
  - (۲) خروج ۳۲: ۳۱
  - (۳) تثنیه ۵: ۵
  - (۴) تثنیه ۹: ۱۸، ۲۵
- ج. سموئیل برای اسرائیل دعا میکند
  - (۱) سموئیل ۷: ۶-۵، ۹-۸
  - (۲) سموئیل ۱۲: ۱۶-۲۳
  - (۳) سموئیل ۱۵: ۱۱
- د. داود برای فرزندان دعا میکند، سموئیل ۱۲: ۱۸-۱۶
۲. خداوند مشتاق شفاعت کنندگان است
۳. گناه آگاهانه که اعتراف نشده یا رفتار مغایر با توبه بر دعای ما اثر دارد

الف. مزمور ۶۶: ۱

ب. امثال ۲۸: ۹

ج. اشعیا ۵۹: ۲-۱؛ ۶۴: ۷

ب. عهد جدید

۱. خدمت شفاعت پسر و روح

الف. عیسی

(۱) رومیان ۸: ۳۴

(۲) عبرانیان ۷: ۲۵

(۳) ۱ یوحنا ۲: ۱

ب. روح القدس، رومیان ۸: ۲۶-۲۷

۲. خدمت شفاعت پولس

الف. دعا برای یهودیان

(۱) رومیان ۹: ۱

(۲) رومیان ۱۰: ۱

ب. دعا برای کلیساها

(۱) رومیان ۹: ۱

- (۲) افسسیان ۱: ۱۶  
 (۳) فیلیپیان ۱: ۳-۴، ۹  
 (۴) کولسیان ۱: ۳، ۹  
 (۵) تسالونیکیان ۱: ۲-۳  
 (۶) تسالونیکیان ۱: ۱۱  
 (۷) تیموتائوس ۱: ۳  
 (۸) فلیمون آیه ۴

ج. پولس از کلیساها میخواهد برایش دعا کنند

- (۱) رومیان ۱۵: ۳۰  
 (۲) ۲ قرنتیان ۱: ۱۱  
 (۳) افسسیان ۶: ۱۹  
 (۴) کولسیان ۴: ۳  
 (۵) ۱ تسالونیکیان ۵: ۲۵  
 (۶) ۲ تسالونیکیان ۳: ۱

۳. خدمت شفاعت کلیسا

الف. دعا برای بکدیگر

- (۱) افسسیان ۶: ۱۸  
 (۲) ۱ تیموتائوس ۲: ۱  
 (۳) یعقوب ۵: ۱۶

ب. درخواست دعا برای گروههای خاص

- (۱) دشمنانمان، متی ۵: ۴۴  
 (۲) خادمان مسیحی، عبرانیان ۱۳: ۱۸  
 (۳) حاکمان، ۱ تیموتائوس ۲: ۲  
 (۴) بهاران، یعقوب ۵: ۱۶-۱۳  
 (۵) کسانی که از ایمان برگشته اند، ۱ یوحنا ۵: ۱۶

ج. دعا برای همه انسانها، ۱ تیموتائوس ۲: ۱

۳- موانع دعا

الف. رابطه ما با مسیح و روح

۱. ماندن در خدا، یوحنا ۱۵: ۷  
 ۲. در نام او، یوحنا ۱۴: ۱۳، ۱۴؛ ۱۵؛ ۱۶؛ ۱۶؛ ۲۴-۲۳  
 ۳. در روح، افسسیان ۶: ۱۸؛ یهودا ۲۰  
 ۴. در راستای اراده خدا، متی ۶: ۱۰؛ ۱ یوحنا ۳: ۲۲؛ ۵: ۱۵-۱۴

ب. انگیزه ها

۱. متزلزل شدن، متی ۲۱: ۲۱؛ یعقوب ۱: ۶-۷  
 ۲. فروتنی و توبه، لوقا ۱۸: ۹-۱۴  
 ۳. درخواست با نیت بد؛ یعقوب ۴: ۳  
 ۴. خودخواهی، یعقوب ۴: ۲-۳

ج. سایر جنبهها

۱. مداومت

- الف. لوقا ۱۸: ۱-۸  
 ب. کولسیان ۴: ۲  
 ج. یعقوب ۵: ۱۶  
 ۲. مدام بخواهید  
 الف. متی ۷: ۷-۸  
 ب. لوقا ۱۱: ۵-۱۳  
 ج. یعقوب ۱: ۵  
 ۳. منازعه در خانه، ۱ پطرس ۳: ۷  
 ۴. دوری از گناه آگاهانه  
 الف. مزمو ۶۶: ۱۸  
 ب. امثال ۲۸: ۹  
 ج. اشعیا ۵۹: ۱-۲  
 د. اشعیا ۶۴: ۷

۴- نتیجه الهیاتی

الف. چه امتیازی. چه فرصتی. چه وظیفه و مسئولیتی

ب. عیسی مسیح الگویی ماست. روح راهنمایی‌مان می‌کند. پدر مشتاقانه منتظر است.  
ج. دعا می‌تواند شما، خانواده تان، دوستان تان و دنیا را عوض کند

۲:۲ "برای حاکمان و همة صاحب‌منصبان" کتاب مقدس حق الهی برای پادشاهان قائل نمی‌شود، اما تعلیم می‌دهد که خداوند خواستار حکومت منسجم است (رومیان ۱۳: ۱، ۲). بحث الهیاتی این نیست که آیا ما با حکومت خود موافقیم یا حکومتان منصف است. ایمانداران باید برای مقامات حکومتی دعا کنند زیرا آنها در اراده خدا در دنیای سقوط کرده قرار دارند. ایمانداران با توجه رومیان ۱۳: ۱۲ می‌دانند که قدرت را خدا عطا می‌کند؛ بنابراین، به عنوان پیروان مسیح به آن احترام می‌گذاریم. این گفته زمانی قدرتمندتر می‌شود که متوجه شویم پولس از ایمانداران می‌خواهد برای رهبران حکومتی از قبیل نرون دعا کنند!

◆ "صاحب‌منصبان" این واژه معادل کلمه یونانی *هوپروک* است. به مبحث ویژه: استفاده پولس از کلمات ترکیبی "هوپر" در ۱: ۱۴ مراجعه کنید.

### مبحث ویژه: حکومت‌های انسانی

#### ۱- مقدمه

الف. تعریف - حکومت سازماندهی است که انسان انجام می‌دهد تا نیازهای فیزیکی معقول خود را تامین کند.  
ب. هدف - اراده خدا باین بود است نظم بر خدا بی‌نظمی ارجحیت دارد.  
۱. قوانین موسی، بویژه ده فرمان، اراده خداست برای بشر در جامعه. این قوانین بین پرستش و زندگی تعادل برقرار می‌کند.  
۲. در کتاب مقدس از هیچ شکل یا ساختار حکومتی دفاع نمی‌شود، گرچه حکومت دینی اسرائیل در آسمان پیش‌بینی می‌شود. دموکراسی و سرمایه‌داری حقایق کتاب مقدسی نیستند. از مسیحیان انتظار می‌رود متناسب با سیستم حکومتی که تحت آن زندگی می‌کنند عمل کنند. هدف یک مسیحی در زندگی بشارت و خدمت است، نه انقلاب.  
ج. مبدا حکومت انسانی  
۱. دیدگاه کاتولیک ادعا کرده است که حکومت انسانی ضرورتی فطری است، حتی قبل از سقوط انسان ظاهراً ارسطو با این وعده موافق است. او می‌گوید، "انسان حیوانی سیاسی است" و منظورش این بود که "وجود حکومت برای ارتقاء زندگی است".  
۲. اعتقاد پروتستان، خصوصاً مارتن لوتر، "این است که حکومت انسانی میراث سقوط است. او آنرا "پادشاهی دست چپ خدا" می‌خواند. وی می‌گوید "روش خدا برای کنترل انسان بد این است که کنترل را به دست انسان بد بسپارد."  
۳. کارل مارکس مدعی است که حکومت وسیله‌ای است برای آنکه عده‌ای نخبه توده‌ها را تحت کنترل نگاه دارند. از دید او، حکومت و مذهب نقش مشابهی دارند.

#### ۲- منابع کتاب مقدسی

##### الف. عهد عتیق

۱. اسرائیل الگویی است که در آسمان بکار خواهد رفت. در اسرائیل باستانی بهوه پادشاه بود. حکومت دینی و اژهای است که برای توصیف حاکمیت مستقیم خدا استفاده می‌شود (۱ سموئیل ۸: ۹-۴).  
۲. حاکمیت خدا در حکومت انسانی بروشنی در موارد زیر دیده می‌شود:  
الف. ارمیاء ۲۷: ۶؛ عزرا ۱: ۱  
ب. ۲ تواریخ ۳۶: ۲۲  
ج. اشعیا ۴۴: ۲۸  
د. دانیال ۲: ۲۱  
ه. دانیال ۲: ۴۴  
و. دانیال ۴: ۱۷، ۲۵  
ز. دانیال ۵: ۲۸  
۳. قوم خدا باید حتی در مقابل حکومتها مهاجم و اشغالگر هم مطیع و با احترام عمل کنند:  
الف. دانیال ۱-۴، نیوکدنصر  
ب. دانیال ۵، بلشصر  
ج. دانیال ۶، داریوش  
د. عزرا و نحمیاء  
۴. قوم خدا باید برای حاکم دعا کنند:  
الف. ارمیا ۲۸: ۷  
ب. میشنا، آوت ۳: ۲  
الف. عهد جدید

۱. عیسی مسیح به حکومت‌های انسانی احترام می‌گذاشت  
الف. متی ۱۷: ۲۷-۲۴، مالیات معبد را پرداخت  
ب. متی ۲۲: ۱۵-۲۲، از پرداخت مالیات به دولت روم، و بنابراین حاکمیت دولت روم حمایت کرد  
ج. یوحنا ۱۹: ۱۱، قدرت حاکمیت را خدا عطا می‌کند
  ۲. سخنان پولس درباره حکومت‌های انسانی  
الف. رومیان ۱۳: ۷-۱، ایمانداران باید مطیع حاکمان خود بوده و برای آنها دعا کنند  
ب. ۱ تیموتائوس ۲: ۳-۱، ایمانداران باید برای حاکمان خود دعا کنند  
ج. تیطوس ۳: ۱، ایمانداران باید مطیع حاکمان خود باشند
  ۳. سخنان پطرس درباره حکومت‌های انسانی  
الف. اعمال ۴: ۳۱-۱؛ ۵: ۲۹، پطرس و یوحنا در حضور شورای یهود (این ناطاعتی مدنی را نشان می‌دهد)  
ب. ۱ پطرس ۲: ۱۳-۱۷، ایمانداران باید مطیع حاکمان خود باشند
  ۴. سخنان یوحنا درباره حکومت‌های انسانی  
الف. مکاشفه ۱۷، فاحشه بابل سمبل حکومت‌های انسانی ضد خداست
- ۳- نتیجه‌گیری الهیاتی  
الف. حکومت‌های انسانی توسط خدا منسوب می‌شوند. این "حق الهی پادشاهان" نیست، بلکه جایگاه الهی حکومت است. هیچی فرمی بر دیگرای ارجحیت ندارد.  
ب. وظیفه مذهبی همه ایمانداران است که با منش احترام آمیز مناسب از حکومت داخلی خود اطاعت کند.  
ج. برای ایمانداران مناسب است که با دادن مالیات و دعا کردن از حکومت انسانی حمایت کنند.  
د. وظیفه حکومت انسانی برقراری نظم است. آنها خادم خدای برای تحقق این هدف هستند.  
ح. حکومت انسانی غایت نیست، بلکه در اختیارات خود محدود است. اگر حکومت مرزهای الهی معین را زیر پا بگذارد، ایمانداران باید بخاطر وجدان خود در جهت رد آن اقدام کنند. چنانکه آگوستین در کتاب شهر خدا/ تاکید کرده، ما شهروندان دو قلمرو هستیم، یکی موقت و دیگری ابدی ما در هر دو مسئولیت داریم، اما پادشاهی خدا غایت است! در مسئولیتیمان نسبت به خدا تمرکز انفرادی و اشتراکی وجود دارد.  
و. در یک سیستمی دموکراتیک باید ایمانداران را به مشارکت فعال در فرآیند حکومت و در حد امکان، اجرای تعالیم کتاب مقدس تشویق کنیم.  
ز. تغییر اجتماعی نسبت به تبدیل فردی باید با درجه دوم اهمیت باشد. به حکومت‌های امید مانای ابدی نیست. همه حکومت‌های انسانی، ولو مطابق اراده و کار خدا، تجلی گناه‌آلود سازماندهی انسان جدا از خدا هستند.  
این مفهوم در فلسفه یوحنایی برای کاربرد "دنیا" بیان می‌شود.

♦ "تا بتوانیم زندگی آرام و آسوده‌ای را بگذرانیم" ظاهر این معنای این جمله "صلح‌آمیز" از لحاظ "رهایی از آزمایشات بیرونی" و "آسوده" از جهت آشفته‌گی‌های درونی" است. ایمانداران باید ایمان خود را از طریق زندگی آرام تمرین کنند، چیزی که در هنگام غمها و سردرگمی‌ها بسیار دشوار است. این معلمین دروغین آرامش و شادی کلیساهای خانگی افسس را بر هم زده بودند پولس به کلیسای تسالونیک، که توسط گروهی افراطی و آخرت‌گرا دچار آشوب شده بود هم همین نصیحت را می‌کند (۱ تسالونیکیان ۴: ۱۱؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۱۲). در صورت مواجهه با کلیسای آشوبزده، دعا کنی و زندگی آرام و خدایسندانه‌ای داشته باشید.

♦ "در کمال دینداری و وقار" مسیحیان از سوی بت‌پرستان مورد جفا و سوء برداشت قرار گرفتند. یک روش مواجهه با این مشکل طرز زندگی ایمانداران بود.

واژه "دینداری" ده بار در رسالات شبانی بکار رفته است (۲: ۲؛ ۳: ۱۶؛ ۴: ۷، ۸؛ ۶: ۳، ۵، ۶، ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۵؛ تیطوس ۱: ۱). بار معنایی آن ترس توام با احترام نسبت به خداست که از طریق روش زندگی مبتنی بر ارزشهای اخلاقی ابراز می‌شود. دادداشت ۴: ۷ را ببینید.

واژه "وقار" نیز چندین بار در رسالات شبانی بکار رفته است (۱ تیموتائوس ۲: ۲؛ ۳: ۴، ۸، ۱۱؛ تیطوس ۲: ۲، ۷). در فرهنگ لغت باور، آرنند، گنگریچ و دانکر به "خوف توام با احترام، وقار، جدیت، احترام، تقدس و پاکدامنی" تعریف میشود (ص ۴۷).

مسیحیان باید از طریق مثبت توجهات را به سوی خود جلب کنند (یعنی "شایسته احترام باشند")، نه از طریق منفی (آیه ۳؛ ۱ پطرس ۴: ۱۶-۱۲).

۲: ۳ "این نیکو و پسندیده است" دینداری اراده خداست برای همه انسان‌هاست. این روشی است برای اشاره به احیا "تصویر معیوب خدا" در بشر از پیدایش ۱: ۲۶-۲۷. خدا همیشه خواهان قومی بوده که شخصیت او را منعکس کنند. پرسش همواره این بوده که "چطور؟" عهد عتیق نشان داد که بشریت سقوط کرده با تلاش خود نمی‌تواند اطاعت و پارسایی را بوجود آورد. پس،

عهد جدید بر اساس اعمال و وفاداری خداست، نه انسان (ارمیا ۳۱: ۳۴-۳۱؛ حزقیال ۳۶: ۳۸-۲۲). خداوند از طریق کتابش، پسرش و روحش ایمانداران را احیا و تشویق می‌کند. ما در حضور خدا بر اساس اعمال خود پارسا شمرده نمی‌شویم، اما به محض اینکه او را در نجات بشناسیم، قدوسیت هدف زندگیمان می‌شود (متی ۵: ۲۰، ۴۸؛ رومیان ۸: ۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۲: ۱۰). مبحث ویژه: تقدیس در ۲ تیموتائوس ۲: ۲ را ببینید.

#### ◆ "نجات‌دهنده ما خدا" یادداشت ۱: ۱ را ببینید

۲: ۴ "که می‌خواهد همگان نجات یابند" ایمانداران باید برای همه مردم دعا کنند زیرا خواست خدا نجات همه است. این بیانیه برای معلمین دروغین انحصارگرا، چه گنوستیک و چه یهودی و یا به احتمال زیاد ترکیبی از این دو در رسالات شبانی، شوک آور بود. این حقیقتی عظیم است در مورد محبت خدا برای همه بشر (۴: ۱۰؛ حزقیال ۱۸: ۲۳، ۳۲؛ یوحنا ۳: ۱۶؛ تیطوس ۲: ۱۱؛ پطرس ۳: ۹؛ ۱ یوحنا ۲: ۱؛ ۴: ۱۴). این آیه عدم توازن تقدیر جزئی فوق ساقط دولبه را نشان می‌دهد که بر حاکمیت خدا بر مستثنی کردن عکس‌العمل انسانی نیازمند تاکید دارد. حقایق "پنجگانه" کالوینیسم، بویژه "فیض مقاومت ناپذیر" و "کفار محدود" جنبه عهدی ایمان کتاب‌مقدس را نقض می‌کند. تنزل دادن خدا به عروسک خیمه شببازی اراده آزاد انسان صحیح نیست، همانطور که تنزل دادن انسان به عروسک خیمه شببازی اراده الهی درست نیست. خداوند در اقتدار خود تصمیم گرفت از طریق عهد با انسان سقوط کرده وارد معامله شود. او همیشه پیشقدم است و عهد را طراحی می‌کند (یوحنا ۶: ۴۴؛ ۶: ۶۵)، اما فرمان داده است که انسانها باید با توبه و ایمان پاسخگو باشند و پاسخگو بمانند (کرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱).

اغلب بحث الهیاتی در مورد حاکمیت خدا (تقدیر) و اراده آزاد انسان به مشاجره با علم کردن بخشی از کتاب‌مقدس ختم می‌شود. کتاب‌مقدس بروشنی حاکمیت یهوه را مکشوف می‌کند. با اینحال، این را نیز آشکار می‌کند که به اشرف مخلوقاتش، انسان، که به صورت خود او خلق شده این کیفیت شخصیتی فوق‌العاده عطا شده که بتواند تصمیمات اخلاقی بگیرد. انسان باید در تمام بخشهای زندگی با خدا همکاری کند. واژه "بسیاری" بکار رفته تا تاکید شود خدا برخی را انتخاب کرده است (برگزیدگان)، اما نه همه را؛ عیسی برای عده‌ای مرد، نه همه. قرانت دقیق متنهای زیر نشان می‌دهد که معنای هم جیتی دارند!

#### اشعیاء ۵۳

۱. "همه" (آیه ۶)

۲. "بسیاری" (آیات ۱۱-۱۲)

#### رومیان ۵

۱. "همه" (آیه ۱۸)

۲. "بسیاری" (آیه ۱۹)

◆ "نجات یابند" این فرم مجهول مصدری کامل است و بطور ضمنی اشاره به این دارد که انسان سقوط کرده نمی‌تواند خود را نجات دهد (صدای مجهول) اما خدا آماده است، می‌خواهد و قادر است از طریق مسیح او را نجات دهد.

◆ "و به معرفت حقیقت نایل گردند" این فرم تاکید شده اپی-گنچسپیس است، که به "معرفت کامل و تجربی"؛ اشاره دارد. این جهان‌شمولی ضربه‌ای بود به تاکید معلمین دروغین بر نخبگی و معرفت خاص. رابطه دقیق بین عناصر یهودی و یونانی معلمین دروغین روشن نیست. آنها ظاهراً عنصر یهودی دارند که به "اساطیر" و "شجرنامه‌ها" و "شریعت" اهمیت می‌دهد (یادداشت ۱: ۶-۷ را ببینید). در مورد عنصر یونانی تردیدهای زیادی وجود داشته است. شکی نیست که عنصر غیر اخلاقی وجود داشت که بیشتر مشخصه معلمین دروغین یونانی است تا یهودیت. میزان تاثیر سیستم گنوستیک لایه‌های فرشتگان در بدعتهای رسالات شبانی مشخص نیست. در کتاب تصاویر دنیا در عهد جدید، جلد چهارم، ص ۵۶۷، آتی رابرتسون می‌گوید معلمین دروغین "گنوستیک" بودند.

کشف باستان‌شناسی در نگ همدادی در مصر اطلاعات بیشتری در مورد فرضیات و الهیات گنوستیک به ما می‌دهد. ترجمه انگلیسی این متون تحت عنوان کتابخانه نگ همدادی وجود دارد که توسط جهز ام رابینسون و ریچارد اسمیت تدوین شده است. در کتاب مذهب گنوستیک اثر هانس جوناس تفسیر جالبی از این متون ارائه شده است.

◆ "حقیقت" واژه "حقیقت" در عهد جدید به شیوه‌های گوناگونی استفاده شده است: (۱) برای شخص عیسی (یوحنا ۸: ۳۱، ۳۲، ۱۴: ۶)؛ (۲) برای توصیف روح (یوحنا ۱۶: ۱۳)؛ و (۳) برای توصیف "کلام" (یوحنا ۱۷: ۱۷). حقیقت خدا بطور کامل در عیسی مسیح، کلام زنده، دیده می‌شود که در حد نیاز در کتاب مقدس، کلام مکتوب، ثبت شده؛ و هر دوی آنها توسط عمل روح القدس برای ما معنا پیدا می‌کنند. حقیقتی که در اینجا مد نظر است همسو است با "تعلیم صحیح" آیه ۱: ۹ و "انجیل پر جلال خدای متبارک" در آیه ۱: ۱۰. این حقیقت اشاره دارد به خیر خوش عیسی مسیح (۴: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۵؛ ۳: ۷؛ تیطوس ۱: ۱).

## مبحث ویژه: "حقیقت" در نوشته‌های پولس

پولس این واژه و فرمهای مرتبط را مشابه معادل عهد عتیقی آن، اِمت، بکار می‌برد که معنایش قابل اعتماد و وفادار است. شاید نزدیکترین معادل "سرود شکرگزاری" طومارهای دریای مرده باشد که در آن این واژه برای روشن کردن اعتقادات بکار می‌رود. اعضا جامعه اِسن "شاهدان حقیقت" شدند.

پولس از این واژه به عنوان طریقی برای اشاره به انجیل عیسی مسیح استفاده می‌کند:

۱. رومیان ۱: ۱۸، ۲۵؛ ۲: ۸، ۲۰؛ ۳: ۷؛ ۱۵: ۸

۲. ۱ قرنتینان ۱۳: ۶

۳. ۲ قرنتینان ۴: ۲؛ ۶: ۷؛ ۱۱: ۱۰؛ ۱۳: ۸

۴. غلاطیان ۲: ۵، ۱۴؛ ۵: ۷

۵. افسسیان ۱: ۱۳؛ ۶: ۱۴

۶. کولسیان ۱: ۵، ۶

۷. ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۰، ۱۲، ۱۳

۸. ۱ تیموتائوس ۲: ۴؛ ۳: ۱۵؛ ۴: ۳؛ ۶: ۵

۹. ۲ تیموتائوس ۲: ۱۵، ۱۶؛ ۲۵: ۳؛ ۷: ۸؛ ۴: ۴

۱۰. تیطوس ۱: ۱، ۱۴

پولس از این واژه به عنوان طریقی برای بیان دقیق حرفهایش نیز استفاده می‌کند:

۱. اعمال ۲۶: ۲۵

۲. رومیان ۹: ۱

۳. ۲ قرنتینان ۷: ۱۴؛ ۱۲: ۶

۴. افسسیان ۴: ۲۵

۵. فیلیپیان ۱: ۱۸

۶. ۱ تیموتائوس ۲: ۷

پولس برای توصیف انگیزه‌های خود در ۱ قرنتینان ۵: ۸ و سبک زندگیش (و برای همه مسیحیان) در افسسیان

۵: ۹؛ فیلیپیان ۴: ۸ از این واژه استفاده می‌کند. او گاهی آنرا برای مردم هم بکار می‌برد:

۱. خدا، رومیان ۳: ۴ (یوحنا ۳: ۳۳؛ ۱۷: ۱۷)

۲. عیسی، افسسیان ۴: ۲۱ (مشابه یوحنا ۱۴: ۶)

۳. شهادت رسولان، تیطوس ۱: ۱۳

۴. پولس، ۲ قرنتینان ۶: ۸

فقط پولس در غلاطیان ۴: ۱۶ و افسسیان ۴: ۱۵ از فرم فعلی (یعنی *التبویج*) استفاده کرده و به انجیل اشاره می‌کند. برای

اطلاعات بیشتر به کتاب کولین براون تحت عنوان *لغتنامه بین‌المللی جدید الهیات عهد جدید*، جلد ۳، صفحات ۹۰۲-۷۸۴

مراجعه کنید.

۲: ۵ "تنها یک خدا هست" تاکید اینجینی بر خدای واحد (رومیان ۳: ۳۰؛ ۱ قرنتینان ۸: ۶؛ افسسیان ۴: ۶) را می‌توان در ۱

تیموتائوس ۱: ۱۷ یافت، که انعکاسی است از تثنیه ۶: ۴-۶. با اینحال در اینجا به نظر می‌رسد عیسی پسر و خدای پدر جدا

باشند. مهم است بیاد داشته باشیم که عهد جدید بر الوهیت مسیح تاکید دارد (یوحنا ۱: ۱۶-۱۴؛ عبرانیان ۱: ۲، ۳)، اما شخصیتی

جدای از پدر برای او قائل است. اعتقاد به تثلیث (مبحث ویژه تیطوس ۳: ۶ را ببینید) یگانگی ذات واحد و در عین حال تمایز

ابدی سه شخص را به رسمیت می‌شناسد. یک راه برای نشان دادن این تناقض کتابمقدسی مقایسه بخشهایی از انجیل یوحناست

۱. عیسی با پدر یکی است (یوحنا ۱: ۱؛ ۵: ۱۸؛ ۱۰: ۳۰، ۳۸-۳۴؛ ۱۴: ۱۰-۹؛ ۲۰: ۲۸)

۲. عیسی جدای از پدر است (یوحنا ۱: ۲، ۱۴، ۱۸؛ ۵: ۲۳-۱۹؛ ۸: ۲۸؛ ۱۰: ۲۵؛ ۲۹: ۱۴؛ ۱۰: ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۶؛

۱۷: ۱-۲)

۳. عیسی خادم زیر دست پدر است (یوحنا ۵: ۲۰، ۳۰؛ ۸: ۲۸؛ ۱۲: ۴۹؛ ۱۴: ۲۸؛ ۱۵: ۱۱، ۲۴-۱۹؛ ۱۷: ۸).

مفهوم الوهیت پسر و شخصیت روح‌القدس در عهد جدید صراحتاً بیان شده، اما تا قرون سوم و چهارم در الهیات ارتدکس کاملاً

نتیجه‌گیری نشده بود. واژه "تثلیث" کتابمقدس نیست، اما مفهوم آن مطمئناً هست (متی ۳: ۱۷-۱۶؛ ۲۸: ۱۹؛ یوحنا ۱۴: ۲۶؛

اعمال ۲: ۳۳-۳۲، ۳۹-۳۸؛ رومیان ۱: ۵-۴؛ ۵: ۵؛ ۱-۵؛ ۸: ۴-۱، ۱۰-۸؛ ۱ قرنتینان ۱۲: ۶-۴؛ ۲ قرنتینان ۱: ۲۲-۲۱؛ ۱۳: ۱۴؛

۴: ۶-۴؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۵-۲؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ تیطوس ۳: ۶-۴؛ ۱ پطرس ۱: ۲؛ یهودا ۲۱-۲۰). گرامر آیات ۵-۶

دلایل الهیاتی نجات فراگیر خدا را ارائه می‌دهد

۱. خدا یکی است. بر اساس پیدایش ۱: ۲۷-۲۶ میدانیم که همه انسانها شبیه خدا آفریده شدند.

۲. برای رسیدن به خدا فقط یک راه از طریق مسیح وجود دارد (یوحنا ۱۴: ۶)، که در پیدایش ۳: ۱۵ پیش‌بینی شد.

۳. تنها یک راه نجات وجود دارد، قربانی کامل بره بیگناه خدا، عیسی (یوحنا ۱: ۲۹؛ ۲ قرنتینان ۵: ۲۱).

خدای واحد راهی فراهم کرد که از طریق آن همه می‌توانند با خدا رفاقت داشته باشند (پیدایش ۲: ۱۵). همه می‌توانند بیابند، ولی باید از راه او بیابند، از طریقی که او فراهم کرد، از طریق ایمان به پسرش که امید آنها برای پذیرفته شدن است.

♦ **"و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد"** این نمونه‌ای است از تاکید عهد جدید بر اینکه ایمان به شخص و کار مسیح تنها راه مصالحه با خداست (یوحنا ۱۰: ۱۰-۱۸؛ ۱۴: ۶). معمولاً به این به عنوان "رسوایی فراگیری انجیل" اشاره می‌شود. در روزگار تساهل ما (که در آن مطلق وجود ندارد) این حقیقت ظاهراً بیربط به نظر می‌رسد، اما اگر انجیل مکاشفه‌ای است که خدا از خود ارائه می‌دهد، پس ایمانداران باید این عدم فراگیری را به صراحت بیان کنند. ما نمی‌گوییم یک فرقه تنها راه است، بلکه منظورمان این است که ایمان به عیسی تنها راه رسیدن به خداست. کاربرد واژه "واسطه" مفهوم کهناتی دارد (عبرانیان ۸: ۶؛ ۹: ۱۵؛ ۱۲: ۲۴). کاهن بین انسان نیازمند و خدای قدوس می‌ایستاد. عیسی کاهن اعظم ماست (عبرانیان ۷-۹).

♦ **"یعنی آن انسان که مسیح عیسی است"** تاکید این آیه بر این است که عیسی انسان کامل و در عین حال تنها واسطه بین خدا و بشر است (یوحنا ۱۴: ۶). معلمین دروغین گنوستیک انسان بودن عیسی را انکار می‌کردند (یوحنا ۱: ۱۴؛ ۱ یوحنا ۱: ۳-۱). ممکن است پیشینه آن گنوستیک نباشد، بلکه گونه‌سازی آدم-مسیح توسط پولس باشد (رومیان ۵: ۲۱-۱۲؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۲۱-۲۲، ۴۹-۴۵؛ فیلیپیان ۲: ۶). عیسی آدم دوم در نظر گرفته می‌شد، منشا نژادی جدید، نه یهودی، نه یونانی، نه مذکر، نه مونث، نه برده، نه آزاد، بلکه مسیحی (۱ قرنتیان ۱۲: ۱۳؛ غلاطیان ۳: ۲۸؛ افسسیان ۲: ۳-۱۱؛ ۱۳؛ کولسیان ۳: ۱۱). این احتمال وجود دارد که آیات ۵ و ۶ تعاریف الهیاتی واژه "حقیقت" باشند که در آیه ۴ آمده است.

۲: ۶ **"که با دادن جان خود"** گرچه پدر او را فرستاد، اما عیسی با میل خود آمد و جان خود را فدا کرد (متی ۲۰: ۲۸؛ مرقس ۱۰: ۴۵؛ یوحنا ۱۰: ۱۷، ۱۸).

♦ **"بهای رهایی [برای] جمل آدمیان"** این منعکس کننده واقعیت بزرگ اشعیاء ۵۳ (بویژه آیه ۶) است. لغت "بهای آزادی" از بازار برده‌فروشی آمده و برای خریدن یک دوست یا فامیل جهت آزادی از بردگی یا اسارت نظامی بکار می‌رفت. گرامر این عبارت اهمیت زیادی دارد: (۱) فرم غیرمعمول و پیچیده‌ای از کلمه "بهای" با حرف اضافه/نتی (بجای) بکار رفته؛ (۲) حرف اضافه "برای" در واقع حرف اضافه یونانی هوپر است، به معنای "از طرف" (تیطوس ۲: ۱۴). تاکید الهیاتی بر کفاره نیابتی و کفالتی عیسی مسیح است به جای ما (۲ قرنتیان ۵: ۲۱).

#### مبحث ویژه: بهای رهایی/بازخرید

##### ۱. عهد عتیق

الف. مقدمات و واژه حقوقی عبری وجود دارد که این مفهوم را منتقل می‌کنند.

۱. **گال**، که اساساً یعنی "آزاد کردن" از طریق پرداخت بها. فرمی از واژه **گوئیل** وساطت شخصی، معمولاً از سوی یکی از اعضای خانواده را به این مفهوم اضافه می‌کند (یعنی خویشاوند رهایی‌بخش). این جنبه فرهنگی حق خرید اشعیاء، حیوانات، زمین (لاویان ۲۵، ۲۷)، یا بستگان (روت ۴: ۱۵؛ اشعیاء ۲۹: ۲۲) از لحاظ الهیاتی برای رهایی اسرائیل از مصر توسط یهوه استفاده می‌شود (خروج ۶: ۶؛ ۱۳: ۱۵؛ مزامیر ۷۴: ۲؛ ۷۷: ۱۵؛ ارمیاء ۳۱: ۱۱). او "رهایی‌بخش" شد (ایوب ۱۹: ۲۵؛ اشعیاء ۱۹: ۱۴؛ ۷۸: ۳۵؛ امثال ۲۳: ۱؛ اشعیاء ۴۱: ۱۴؛ ۴۳: ۱۴؛ ۴۴: ۶، ۲۴؛ ۴۷: ۴؛ ۴۸: ۱۷؛ ۴۹: ۷، ۲۶؛ ۵۴: ۵، ۸؛ ۵۹: ۲۰؛ ۶۰: ۱۶؛ ۶۳: ۱۶؛ ارمیاء ۵۰: ۳۴).

۲. **پاداه**، که اساساً یعنی "رستگار کردن" یا "نجات دادن"

الف. نجات نخستزاده، خروج ۱۳: ۱۳، ۱۴ و اعداد ۱۸: ۱۷-۱۵

ب. نجات جسمانی با نجات روحانی مقایسه می‌شود، مزمور ۴۹: ۷، ۸، ۱۵

ج. یهوه اسرائیل را از گناه و نافرمانی‌شان نجات می‌دهد، مزمور ۱۳۰: ۸-۷

ب. مفهوم الهیاتی سه مسئله مرتبط را دربر می‌گیرد

۱. نیاز، اسارت، فقدان و بستگی وجود دارد

الف. فیزیکی

ب. نجات اجتماعی

ج. روحانی (مزمور ۱۳۰: ۸)

۲. برای آزادی، رهایی و احیا بهایی باید پرداخت شود

الف. برای یک ملت، اسرائیل (تثنیه ۷: ۸)

ب. برای شخص (ایوب ۱۹: ۲۷-۲۵؛ ۳۳: ۲۸)



۳. یک نفر باید نقش واسطه و ختی را بازی کند. در گال این شخص یکی از اعضاء خانواده یا نزدیکان است (یعنی گائل).

۴. یهوه اغلب خود را با استفاده از واژه‌های خانودگی توصیف می‌کند

الف. پدر

ب. شوهر

ج. خویشاوند

نجات از طریق عمل شخصی خود یهوه تضمین شد؛ بهایی پرداخت شد و رستگاری بدست آمد!

۲. عهد جدید

الف. برای بیان این مفهوم الهیاتی واژه‌های متعددی بکار رفته است

۱. *آگورازچ* (۱ قرن نیا: ۶: ۲۰؛ ۷: ۲۳؛ ۲ پطرس ۲: ۱؛ مکاشفه ۵: ۹؛ ۱۴: ۳۴). این واژه‌ای تجاری است که نشانگر بهایی است کی برای چیزی پرداخت شده است. ما افراد خریده شده با خون هستیم که بر زندگی خود کنترلی نداریم. ما متعلق به مسیح هستیم.

۲. *آگورازچ* (غلاطیان ۳: ۱۳؛ ۴: ۵؛ افسسیان ۵: ۱۶؛ کولسیان ۴: ۵). این نیز لغتی تجاری است که منعکس‌کننده مرگ کفالتی مسیح به جای ماست. عیسی "لعنت" شریعتی مبتنی بر اعمال را بر خود گرفت (شریعت موسی)، که انسان قادر به انجامش نبود. ار لعنت را بر خود گرفت (تثنیه ۲۱: ۲۳) برای همه ما! در عیسی، عدالت و محبت خدا با هم آمیختند تا بخشش، مقبولیت و دسترسی حاصل شود!

۳. *لوچ*، "آزاد کردن"

الف. *لوترون*، "بهایی پرداخت شد" (متی ۲۰: ۲۸؛ مرقس ۱۰: ۴۵). اینها کلماتی قدرتمند از زبان خود عیسی هستند درباره علت آمدنش، برای اینکه با پرداختن کفاره گناهی که خود مدیون نبود منجی جهان شود (یوحنا ۱: ۲۹)

ب. *لوتروچ*، "آزاد کردن"

۱. برای آزاد کردن اسرائیل، لوقا ۲۴: ۲۱

۲. تا خود را برای آزاد و تهذیب قومش فدا کند، تیطوس ۲: ۱۴

۳. تا جایگزین بیگناهی شود، ۱ پطرس ۱: ۱۹-۱۸

ج. *لوتروچسپیس*، "رستگاری، رهایی، یا آزادی"

۱. نبوت زکریا در مورد عیسی، لوقا ۱: ۶۸

۲. شکرگزاری آنا بدرگاه خدا برای وجود عیسی، لوقا ۲: ۳۸

۳. قربانی برتر و یکباره عیسی، عبرانیان ۹: ۱۲

۴. *آپولیتروچسپیس*

الف. رستگاری به هنگام آمدن ثانویه (اعمال ۳: ۲۱-۱۹)

۱. لوقا ۲۱: ۲۸

۲. رومیان ۸: ۲۳

۳. افسسیان ۱: ۱۴؛ ۴: ۳۰

۴. عبرانیان ۹: ۱۵

ب. رستگاری در مرگ مسیح

۱. رومیان ۳: ۲۴

۲. ۱ قرن نیا: ۱: ۳۰

۳. افسسیان ۱: ۷

۴. کولسیان ۱: ۱۴

۵. *آپولیتروچسپیس* (۱ تیموتائوس ۲: ۶). این متن بسیار مهمی است (مانند تیطوس ۲: ۱۴)، که آزادی را به مرگ کفالتی مسیح بر روی صلیب ربط می‌دهد. او قربانی یگانه و منحصر بفرد است، کسی که برای "همه" جان داد (یوحنا ۱: ۲۹؛ ۳: ۱۷-۱۶؛ ۴: ۴۲؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۴؛ ۴: ۱۰؛ تیطوس ۲: ۱۰؛ ۲ پطرس ۳: ۹؛ ۱ یوحنا ۲: ۲؛ ۴: ۱۴).

ب. مفهوم الهیاتی در عهد جدید اشاره ضمنی دارد به اینکه

۱. نسل بشر به بندگی گناه در آمده است (یوحنا ۸: ۳۴؛ رومیان ۳: ۱۸-۱۰؛ ۶: ۲۳).

۲. اسارت نسل بشر توسط گناه در شریعت موسی (غلاطیان ۳) و موعظه سر کوه عیسی (متی ۷-۵) مکشوف شده است. اعمال انسان مانند مجازات مرگ شده است (کولسیان ۲: ۱۴).

۳. عیسی، بره بیگناه خده، آمد و بجای ما مرد (یوحنا ۱: ۲۹؛ ۲ قرن نیا: ۵: ۲۱). ما از گناه باز خرید شدیم تا بتوانیم خدا را خدمت کنیم (رومیان ۶).

۴. از لحاظ استدلالی یهوه و عیسی "خویشاوندان نزدیکی" هستند که به جای ما عمل می‌کنند. این استعاره‌های خانوادگی ادامی پیدا می‌کنند (یعنی پدر، شوهر، پسر، برادر، خویشاوند نزدیک).

۵. رستگاری بهایی نبود که به شیطان پرداخته شد (الهیات قرون وسطی)، بلکه آشتی کلام خدا و عدالت خدا بود با محبت خدا و تمهید کامل در مسیح. روی صلیب آشتی دوباره برقرار شد، نافرمانی بشر بخشیده شد، و اکنون تصویر خدا در بشر دوباره در رفاقت صمیمانه تجلی کامل دارد!

۶. هنوز جنبه‌های دیگری از رستگاری هست که باید تحقق یابد (رومیان ۸: ۲۳؛ افسسیان ۱: ۱۴؛ ۴: ۳۰). این جنبه‌ها عبارتند از قیام بدنهای ما و صمیمیت فیزیکی ما با خدای تثلیث.

◆ **"جمله آدمیان"** خدا را شکر برای لغت "جمله [همه]" که پنج بار در آیات ۷-۱ بکار رفته است! درک اینکه مرگ عیسی گناهان تمام جهان را پوشاند اهمیت زیادی دارد (یوحنا ۱: ۲۹؛ ۳: ۱۶، ۱۷؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۱۰؛ تیطوس ۲: ۱۱؛ عبرانیان ۲: ۹؛ ۲ پطرس ۳: ۹؛ ۱ یوحنا ۲: ۲؛ ۴: ۱۴). تنها چیزی که انسان را از دریافت نجات باز می‌دارد گناه نیست، بلکه اعتقاد نداشتن به کاری است که عیسی مسیح تکمیل کرد (یوحنا ۱: ۱۲؛ اعمال ۱۷: ۳۰؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۱۰؛ ۱ یوحنا ۵: ۱۳-۱۰).

◆ **ان آ اس بی "در زمان مناسب شهادت داده شد"**

**ان ک ج وی "شهادتی در زمان معین"**

**ان آر اس وی "در زمان درست شهادت داده شد"**

**تی ای وی "اثبات در زمان درست"**

**ان ج بی "در زمان معین شهادت داده شد"**

این عبارت با ۱ تیموتائوس ۶: ۱۵ و تیطوس ۱: ۳ همراستاست. خداوند کنتراک کننده وقایع تاریخی است. مسیح در زمان معین آمد تا به همه انسانها رستگاری عطا کند (رومیان ۵: ۱۹-۱۸).

احتمال دیگر این است که شاید این مرتبط باشد با رومیان ۵: ۶؛ غلاطیان ۴: ۴؛ افسسیان ۱: ۱۰، که در آن شرایط تاریخی خاص قرن اول جهان یونانی-رومی زمان ایده‌آلی را فراهم کرد.

۱. پاکس روماندا، یا صلح روم، که به مردم اجازه داد آزادانه از کشوری به کشور دیگر بروند

۲. زبان مشترک واحد (کوبین یونانی) به مردم مدیترانه این امکان را داد که همدیگر را بفهمند.

۳. ورشکستگی واضح مذاهب رومی و یونانی باعث شد مردم به دنبال معنایی برای زندگی بگردند. آنها جنبه شخصی‌تر برای معنویتشان می‌خواستند (این در ظهور مذاهب مرموز نیز دیده می‌شود).

۲: ۷ **"من به همین منظور برگماشته شدم"** مانند ۱: ۱، این نیز تاکیدی است بر گزینش و دعوت پولس از سوی خدا (ملاقات در راه دمشق). خدا می‌خواهد غیر یهودیان انجیل فراگیر او را درک کنند.

◆ **"واعظ و رسول و معلم"** گاهی اینها به عنوان عطایای مجزای روح فهرست می‌شوند، مثلاً در ۱ قرنتیان ۱۲: ۲۸ یا افسسیان

۴: ۱۱. در این فهرستها واژه "پامبر" ممکن است به واعظ اشاره داشته باشد (بویژه ۱ قرنتیان). از جهاتی همه این عطایای

رهبری یک انجیل را اعلام می‌کنند، اما با تاکیدی متفاوت. پولس همین سه واژه را مجدداً در ۲ تیموتائوس ۱: ۱۱ بکار می‌برد تا خدمت خود را توصیف کند.

◆ **"حقیقت را بیان می‌کنم و دروغ نمی‌گویم"** بسیاری از مفسرین گفته‌اند که بیان چنین چیزی در نامه شخصی پولس به همکار

محبوبش، تیموتائوس نامناسب است. اما باید بخاطر داشته باشیم که این رسالات قرار بود در حضور همه در کلیسا خوانده شوند (۶: ۲۱؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲؛ تیطوس ۳: ۱۵). این نامه، توصیه نامه و تفویض اختیار پولس به نماینده رسالتی جوانش بود. او

آنها به کلیساهای خانگی افسس می‌فرستاد، که با معلمین دروغین دست و پنجه نرم می‌کرد.

◆ **"معلم برای غیریهودیان"** پولس احساس می‌کرد که خدا او را مخصوصاً خوانده تا انجیل عیسی مسیح را به غیریهودیان

اعلام کند (اعمال ۹: ۱۵؛ ۲۲: ۲۱؛ ۲۶: ۱۷؛ رومیان ۱: ۵؛ ۱۱: ۱۳؛ ۱۵: ۱۶؛ غلاطیان ۱: ۱۶؛ ۲: ۷؛ افسسیان ۳: ۱-۲، ۸؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱۷). این تاکید دیگری است بر جهان‌شمول بودن محبت خدا و رستگاری مسیح.

◆ **"ایمان راستین"** این ممکن است اشاره داشته باشد به (۱) منشاء اعلام کننده یا (۲) محتوای پیام. در ۱: ۱۴ "ایمان" با "محبت"

مرتبط می‌شود. هر دو این واژه‌ها عیسی را توصیف می‌کنند و قرار است در پیروانش نیز دیده شوند.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۲: ۸-۱۵

<sup>۸</sup> پس آرزویم این است که مردان در همه جا، بی‌خشم و جدال، دستهای مقدس را به دعا برافرازند. <sup>۹</sup> نیز خواهاتم که زنان

پوششی شایسته بر تن کنند و خویشتن را به نجابت و متانت بیاریند، نه به گیسوان بافته، یا طلا و مروارید، یا جامه‌های فاخر،<sup>۱۰</sup> بلکه به زیور اعمال نیکو آراسته باشند، چنانکه شایسته زنانی است که مدعی خداپرستی‌اند.  
 ۱۱ زن باید در آرامی و تسلیم کامل، تعلیم گیرد. ۱۲ زن را اجازه نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر مرد مسلط شود؛ بلکه باید آرام باشد. ۱۳ زیرا نخست آدم سرشته شد و بعد حوا. ۱۴ و آدم فریب نخورد، بلکه زن بود که فریب خورد و نافرمان شد. ۱۵ اما زنان با زادن فرزندان، رستگار خواهند شد، اگر در ایمان و محبت و تقدس، نجیبانه ثابت بمانند.

۲: ۸ "پس آرزویم این است که مردان در همه جا ... دعا کنند" پولس نه تنها در زندگی اجتماعی (آیات ۷-۱) بلکه در پرستش نیز بر وقار و تناسب تاکید دارد (۱ قرن‌تیاں ۱۴-۱۱). عبارت "در هر جا" احتمالا به کلیساهای خانگی در یا نزدیک افسس اشاره دارد. در آیه ۸ دعای قابل قبول به سه طریق تعریف می‌شود

۱. دستهای مقدس برافراشته

۲. بی خشم

۳. بی جدال

این ویژگیها بروشنی نشان می‌دهد که پولس با ایمانداران وفادار صحبت می‌کند و معلمین دروغین، سخنگویان آنها (احتمالا زنان جوان بیوه) و پیروانشان را کنار می‌گذارد. پولس از عبارت "در هر جا" بارها استفاده می‌کند (۱ قرن‌تیاں ۱: ۲؛ ۲ قرن‌تیاں ۲: ۱۴؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۸؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۸). این ممکن است گریزی باشد به ملاکی ۱: ۱۱، که پرستش مسیح در کل دنیا را نبوت می‌کند. چنین فرضی با تکرار کاربرد "جمله [همه]" در ۷-۱ همخوانی دارد.

◆ "دستهای مقدس را برافرازند" یهودیان بطور معمول اینطور دعا می‌کردند. در واقع می‌گوید لازم است کلام و زندگی ایمانداران با هم تناسب داشته باشد (یعقوب ۴: ۸).

◆ "بی خشم" این واژه یونانی ارگ است، به معنای "وضعیت آرام" (متی ۵: ۲۴-۲۳؛ ۶: ۱۵). خشم نسبت به دیگران بر رابطه ما با خدا اثر می‌گذارد (متی ۵: ۲۴-۲۱؛ مرقس ۱۱: ۲۵؛ ۱ یوحنا ۲: ۹، ۱۱؛ ۴: ۲۱-۲۰).

◆

ان آ اس بی "جدال"

ان ک ج وی "شبهه"

ان آر اس وی، تی ای وی، ان ج بی "بحث و جدل"

فیلسوفان یونانی این واژه را برای یک جلسه تعلیم یا گفتگو بکار می‌بردند. در عهد جدید بار معنایی منفی دارد (متی ۱۵: ۱۹؛ مرقس ۷: ۲۱). در اینجا به پیشینه تعالیم یا منش نامناسب، خشمگین، و نفاق‌افکنانه معلمین دروغین اشاره دارد.

۲: ۹

ان آ اس بی "تیز"

ان ک ج وی "به همین صورت"

ان آر اس وی، تی ای وی "همچنین"

ان ج بی "بطور مشابه"

این نشان می‌دهد که پیشینه متن این است که "زنان و مردان چگونه باید در پرستش شرکت کنند" (یعنی در کلیساهای خانگی، ۱ قرن‌تیاں ۱۴-۱۱).

◆ "نیز خواهانم که زنان پوششی شایسته بر تن کنند" پوشش قلب و فکر را آشکار می‌کنند. ایمانداران باید لباس مناسب بپوشند، نه تنها در کلیسا بلکه همه وقت و همه جا، زیرا مسیحی هستند. تاکید این بخش تنها بر ظاهر بیرونی نیست، بلکه بر دینداری نیز هست (آین ۱۰؛ ۱ پطرس ۳: ۳، ۴). ایمانداران در تمام نواحی زندگی نور جهان و نمک زمین هستند (متی ۵: ۱۶-۱۳). باید بیاد داشته باشیم معرف چه کسی هستیم! اما این به این معنا نیست که باید لباس ژولیده بپوشیم. پوشش ما نباید ما را در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم انگشت‌نما کند. مرتب، تمیز و مطابق مد لباس بپوشید، اما بالاتر از همه مسیحی باشید.

◆ "نه به گیسوان بافته، یا طلا و مروارید، یا جامه‌های فاخر" این روشن می‌کند که حداقل در صدی از ایمانداران نسبتا متمول بودند. آرایش موی یهودیان و رومیان آن روز بسیار ماهرانه، عجیب و گران بود. ظاهرا به زنان مسیحی در مورد گرایشات

دنیوی و آزادی شخصی تعلیم داده می‌شد (احتمالا در جنبش آزادیخواهی زنان که در فرهنگ روم شروع شده بود گیر افتاده بودند، ۱ قرن‌تینان ۱۱: ۱۶-۲). شاید این انعکاسی باشد از خاصگرایی معلمین دروغین که تنها به سراغ ثروتمندان، افراد بانفوذ و روشنفکران می‌رفتند.

۲: ۱۰ "به زیور اعمال نیکو" ایمانداران باید به یاد داشته باشند که آنها در اثر اعمال نیک نجات نمی‌یابند، اما باید آنها را بجا آورند (افسیان ۲: ۱۰-۸؛ تیطوس ۳: ۸؛ یعقوب ۲: ۲۶-۱۴). طرز زندگی ما به اقرار ایمانمان اعتبار می‌بخشد، و این آنچه است که در سرتاسر کتابهای یعقوب و ۱ یوحنا مورد تاکید قرار می‌گیرد. در این زمینه متنی "اعمال نیکو" به توقعات فرهنگی معمول داخلی ربط پیدا می‌کند (۵: ۱۰؛ تیطوس ۲: ۵).

◆ "چنانکه شایسته زناتی است که مدعی خداپرستی‌اند" این بوضوح زمینه متن را به زنان نجاتیافته محدود می‌کند. این خط و مشی عمومی برای جامعه نیست. جامعه شایسته فرزندان خدا، خداپرستی است. زیبایی در نوع خاص از آرایش نیست، بلکه در قلب تغییر یافته است. زنان واقعا زیبا و جذاب زنان خداپرست هستند (در تمام نواحی زندگیشان).

۲: ۱۱ "زن" این ممکن است به تمام زنان یا همسران مسیحی اطلاق شود (ترجمه چارلز بی ویلهم، "یک زن شوهردار" در آیات ۱۱ و ۱۲).

◆ "تعلیم گیرد" این فرام حال معلوم امری است. ابتدائا ممکن است به نظر خیلی منفی بیاید، اما (۱) زنان مجاز نبودند در یهودیت شریعت را فرا گیرند یا در دنیای یونانی-رومی به مدرسه بروند. بنابراین، از جهاتی این قدم مثبتی است به سوی تعلیم کلام خدا به زنان؛ (۲) این متن باید با توجه به مسئله معلمین دروغین دیده شود که زنان را هدف قرار داده بودند (۵: ۱۳؛ اعمال ۲۰: ۳۰؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۹-۵؛ تیطوس ۱: ۱۱). ممکن است بعضی زنان در پرستشهای عمومی کلیساهای خانگی از طرف معلمین دروغین سخن گفته باشند (گوردن فی، کتاب مقدس بین‌المللی جدید معاصر، جلد ۱۳).

◆ "با تسلیم کامل" این نیز برای روزگار ما منفی به نظر می‌رسد، اما باید بخاطر داشته باشیم

۱. واژه "تسلیم" برای عیسی بکار رفت. او تسلیم پدر بود (۱ قرن‌تینان ۱۵: ۲۸)؛ و تسلیم والدین زمینی‌اش بود (۱ تسالونیکیان ۵: ۲۱). عبارتی او با منش مناسب به توقعات اجتماعی و مذهبی عمل کرد
۲. "تسلیم بودن" خواست خداست برای همه ایمانداران (افسیان ۵: ۲۱). این یکی از پنج اسم مفعول زمان حال است که منظور از "پری روح" را توصیف می‌کند (افسیان ۵: ۱۸)
۳. در همان بخش از افسسیان پولس از سه مثال خانگی برای نشان دادن تسلیم متقابل در خانه بهر می‌برد (۱) زنان نسبت به شوهران؛ (۲) فرزندان نسبت به والدین؛ و (۳) برده‌های خانگی نسبت به ارباب. بخش شدیداً مثبت این زمینه متن (یعنی افسسیان ۵: ۶-۱۸: ۹) این است که پولس قدرت کسانی که در آن جامعه اختیارات مطلق داشتند را محدود می‌کند (یعنی شوهران، والدین و اربابان). برای آن روزگار نوشته پولس در مورد زنان، کودکان و برده‌ها بطرز رادیکالی مثبت بود
۴. پولس به بردمداری به عنوان یک مسئله نتازید زیرا می‌دانست که چنان موضوعی تاثیر کلیسا و شهادتش در آن برهه از تاریخ را نابود می‌کند. تصور من این است که همین امر در مورد موقعیت اجتماعی زنان نیز صدق می‌کند. پولس بر تساوی روحانی (غلاطیان ۳: ۲۸؛ کولسیان ۳: ۱۱)، استعداد (۱ قرن‌تینان ۱۲: ۷-۱۳)، و نقش‌شان در انتشار انجیل (رومیان ۱۶) تاکید دارد. در عین حال می‌داند که حضور زنان در عرصه رهبری (۱) بخاطر پرستش زاینده اشتباه فهمیده می‌شود و (۲) جامعه مردسالار و پدرسالار انحصارگرا آنرا رد می‌کند.

۲: ۱۲ "بر مرد مسلط شود" این تنهای جایی در عهد جدید است که فعل/اوتنتج استفاده می‌شود. معنای آن "کسی است که به اختیار خود عمل می‌کند" (اوتنتس، ارباب) یا "کسی که سلطه‌جو است." به بحث در کتاب مولتن و میلیگان، تحت عنوان *واژگان عهد جدید یونانی*، ص ۹۱ مراجعه کنید. آیا این بدین معناست که زنان اگر سلطه‌جو نباشند می‌توانند در رهبری باشند؟ زمینه متن که اضافه می‌کند "در آرامی" از چنین چیزی حمایت نمی‌کند (۱ قرن‌تینان ۱۴: ۳۴). بیانیه پولس در مورد زنان در نقشهای تسلیمی با کاربرد این *هاپاکس لوگومنون* قابل توضیح نیست. باید از منظر فرهنگی به آن نگرینست. خداوند تصمیم گرفت خود را در چارچوب فرهنگی خاصی مکشوف کند. همه چیز آن فرهنگ خواست خدا برای همه ایمانداران در تمام فرهنگها و اعصار نیست. حقیقت و قدرت انجیل فرهنگ انسانی را از اساس تغییر می‌دهد (یعنی برده‌داری، مردسالاری). سلطه‌جویی نخوت آمیز و بهره‌جو چه از طرف زن و چه مرد شر است. از دو افراط باید پرهیز کرد: (۱) زن هیچکاری نمی‌تواند بکند (فرهنگ باستانی خاور نزدیک) و (۲) زن همه کاری می‌تواند بکند (فردگرایی غرب مدرن). ایمانداران (زن و مرد) در فرهنگ خود خدمت می‌کنند تا بشارت و شاگردسازی به حداکثر برسد نه برنامه‌های شخصی!

۱. عهد عتیق

- الف. از لحاظ فرهنگی زنان ملک محسوب می‌شدند
۱. در فهرست دارایی ثبت می‌شدند (خروج ۲۰: ۱۷)
  ۲. رفتار با زنان برده (خروج ۲۱: ۷-۱۱)
  ۳. نذر زنان را مردانی که مسئولیت اجتماعی داشتند می‌توانستند باطل کنند (اعداد ۳۰)
  ۴. زن به عنوان غیمت جنگی (تثنیه ۲۰: ۱۱-۱۴؛ ۲۱: ۱۴-۱۰)
- ب. در عمل نوعی تقابل وجود داشت
۱. زن و مرد به صورت خدا خلق شدند (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷)
  ۲. پدر و مادر را احترام کن (خروج ۲۰: ۱۲ [تثنیه ۵: ۱۶])
  ۳. احترام توام با ترس نسبت به پدر و مادر (لاویان ۱۹: ۳؛ ۲۰: ۹)
  ۴. زن و مرد هر دو می‌توانند خود را وقف کنند (اعداد ۶: ۲-۱)
  ۵. دختران از ارث سهم دارند (اعداد ۲۷: ۱۱-۱)
  ۶. بخشی از قوم عهد (تثنیه ۲۹: ۱۰-۱۲)
  ۷. تعالیم پدر و مادر را فراگیرید (امثال ۱: ۸؛ ۶: ۲۰)
  ۸. پسران و دختران هیمان در معبد سردسته سراینندگان بودند (۱ تواریخ ۲۵: ۶-۵)
  ۹. در عصر جدید پسران و دختران نبوت می‌کنند (یونیل ۱۲: ۲۹-۲۸)

ج. زنان نقشهای رهبری بر عهده داشتند

۱. مریم خواهر موسی نبیه خوانده می‌شد (خروج ۱۵: ۲۰-۲۱)
۲. خداوند این استعداد را به زنان بخشید که برای خیمه عبادت پارچه بریسند (خروج ۳۵: ۲۶-۲۵)
۳. زنی بنام دبورا، که نبیه نیز بود (داوران ۴: ۴)، قوم را رهبری کرد (داوران ۴: ۵-۴؛ ۵: ۷)
۴. حلد نبیه‌ای بود که پوشیا از او خواست "کتاب شریعت" را که به تازگی پیدا شده بود قرائت و تفسیر کند (۲ پادشاهان ۲۲: ۱۴؛ ۲ تواریخ ۳۴: ۲۷-۲۲)
۵. ملکه استر، که زن باخدایی بود در سرتاسر امپراطوری پارس یهودان را از مرگ نجات داد (اعداد ۲۷: ۱۱-۱)

۲. عهد جدید

الف. از لحاظ فرهنگی زنان در دنیای یهود و یونانی-رومی شهروند درجه دو با حقوق یا امتیازاتی محدود محسوب می‌شدند (مقدونیه استثنا بود)

ب. زنان در نقشهای رهبری

۱. الیزابت و مریم، زنان خداشناسی که مطیع خدا بودند (لوقا ۱-۲)
۲. آنا، زن خداشناسی که در معبد خدمت می‌کرد (لوقا ۲: ۳۶)
۳. لیدیه، ایماندار و رهبر یک کلیسای خانگی (اعمال ۱۶: ۱۴، ۴۰)
۴. چهار دختر باکره فیلیپ نبیه بودند (اعمال ۲۱: ۹-۸)
۵. فیبی، در کلیسای کنخریا شماس بود (رومیان ۱۶: ۱)
۶. پریسکیلا، همکار و معلم آپولس بود (اعمال ۱۸: ۲۶؛ رومیان ۱۶: ۳)
۷. مریم، تریفوسا، پرسیس، جولیا، خواهر نیریاس و زنان متعدد دیگران همکاران پولس بودند (رومیان ۱۶: ۱۶-۴)
۸. یونیا، احتمالاً رسول زن بود (رومیان ۱۶: ۷)
۹. افودیه و سینتیخی همکاران پولس بودند (فیلیپیان ۴: ۳-۲)

۳. ایماندار امروزی چطور می‌تواند بین پیچیدگیهای واگرای کتاب مقدس توازن برقرار کند؟

الف. شخص چطور می‌تواند حقایق تاریخی یا فرهنگی که تنها برای زمان اولیه کاربرد داشت را از حقایق ابدی که برای همه کلیساها، همه ایمانداران در همه اعصار معتبر است تشخیص دهد؟

۱. باید انگیزه نویسنده تحت الهام اولیه را بسیار جدی بگیریم کتاب مقدس کلام خدا و تنها منبع ایمان و عمل ماست
  ۲. لازم است با متونی که آشکارا برای شرایط تاریخی خاص الهام شدند مواجه شویم
- الف. آیینهای (تشریفات مذهبی و مناجات) اسرائیل (اعمال ۱۵؛ غلاطیان ۳)
- ب. یهودیت قرن اول

ج. بیانهای پولس در ۱ قرننیا که آشکارا متناسب با شرایط تاریخی بودند

- (۱) سیستم حقوقی روم بتپرست (۱ قرننیا ۶)
- (۲) برده باقیماندن (۱ قرننیا ۷: ۲۴-۲۰)
- (۳) تجرد (۱ قرننیا ۷: ۳۵-۱)
- (۴) دختران باکره (۱ قرننیا ۷: ۳۸-۳۶)
- (۵) قربانی خوراکی تقدیم شده به بت (۱ قرننیا ۸: ۱ و ۱۰: ۳۳-۲۳)
- (۶) رفتار ناشایسته هنگام شام خداوند (۱ قرننیا ۱۱)

۳. خدا کاملاً و آشکارا خود را به فرهنگی خاص، در زمانی خاص مکشوف می‌کند. باید مکاشفه را جدی بگیریم، اما نه با تمام جنبه‌های محیطی تاریخی آن. کلام خدا با استفاده از واژه‌های انسانی، خطاب به فرهنگی خاص و در

زمانی خاص نوشته شد.

ب. تفسیر تفسیر کتاب مقدس باید بدنبال انگیزه مولف اولیه باشد. او به دوره خود چه می‌گفت؟ این برای تفسیر مناسب بنیادین و بسیار مهم است. اما ما باید آن را به زمانه خود ربط دهیم حال، مشکل حضور زنان در جایگاه رهبری است (شاید مشکل تفسیری واقعی تعریف "رهبری" باشد. آیا شماسان و نبی‌ها رهبر تلقی می‌شدند؟) کاملاً واضح است که پولس در ۱ قرن‌تیا ۱۴: ۳۴-۳۵ و ۱ تیموتائوس ۲: ۱۵-۹ تأکید دارد که زنان نباید رهبری پرستش در جمع را بر عهده گیرند! اما من این را چطور به دوره خود ربط دهم؟ نمی‌خواهم فرهنگ پولس یا فرهنگ من کلام و اراده خدا را مسکوت بگذارد. احتمالاً زمان پولس محدودیت زیادی وجود داشت، و ممکن است دوره من بیش از حد آزاد باشد چندان احساس راحتی نمی‌کنم که بگویم گفته‌ها و تعالیم پولس مشروط، برای قرن اول و حقایق محلی محدود به موقعیت بودند. من که هستم که بخواهم به اندیشه یا فرهنگ اجازه دهم مولفی تحت الهام را نفی کنند؟

با اینوجود، وقتی نمونه‌هایی از رهبری زنان در کتاب مقدس وجود دارد عکس‌العمل من چه باید باشد (حتی در نوشته‌های پولس، رومیان ۱۶)؟ مثال خوبی از این مورد بحث پولس است در مورد پرستش جمعی در ۱ قرن‌تیا ۱۱-۱۴. به نظر می‌رسد در ۱۱: ۱۵ موعظه و دعای زنان با سر پوشیده در پرستش جمعی را مجاز می‌کند، ولی در ۱۴: ۳۴-۳۵ از آنها می‌خواهد ساکت باشند! شماسان (رومیان ۱۶: ۱) و نبی‌هایی (اعمال ۲۱: ۹) وجود دارند. این تنوع است که به من آزادی عمل می‌دهد تا تشخیص دهم نظرات پولس (در مورد محدودیت‌های زنان) به قرنتس و افسس قرن اول محدود می‌شوند. در هر دوی این کلیساها زنانی که آزادی‌های جدید خود را تمرین می‌کردند مشکلاتی ایجاد کرده بودند (بروس وینتر، *قرنتس بعد از رفتن پولس*)، و این کار رساندن پیام انجیل به جامعه را برای کلیسا دشوار کرده بود. لازم بود آزادی آنها محدود شود تا خر خوش موثرتر عمل کند.

دوره من درست برعکس دوره پولس است. در روزگار من اگر زنان تعلیم دیده و سخنور اجازه بشارت انجیل و رهبری را نداشته باشند ممکن است انجیل دچار محدودیت شود. هدف نهایی پرستش جمعی چیست؟ آیا بشارت و شاکر‌سازی نیست؟ آیا رهبران زن می‌توانند خداوند را خوشنود و تجلیل کنند؟ به نظر می‌رسد کتاب مقدس به صورت کلیت آن می‌گوید "بله"!

می‌خواهم به پولس تسلیم شوم؛ الهیات مب اساسا الهیات پولسی است. نمی‌خواهم بیش از حد تحت تأثیر زنگرایی امروزی باشم! ولی، احساس می‌کنم واکنش کلیسا به حقایق واضح کتاب مقدس، از قبیل نامناسب بودن بردهداری، تبعیض نژادی، تعصب و تبعیض جنسی کند بوده است. کلیسا برای ارائه عکس‌العمل مناسب در مورد سوءاستفاده از زنان در جامعه مدرن آهسته عمل کرده است. خداوند در مسیح زنان و بردگان را آزاد کرد. من جرات ندارم اجازه دهم متن محدود به فرهنگ دوباره آنها را دربند کند.

یک نکته دیگر: بعنوان یک مفسر می‌دانم قرنتس کلیسای بسیار آشفته‌ای بود. به عطایای روحانی فخر و مباهات می‌شد. ممکن است است زنان نیز در این تله افتاده باشند. همچنین معتقدم که افسس نیز تحت تأثیر معلمین دروغین قرار داشت که از زنان استفاده می‌کردند و حرف خود را از زبان آنها می‌زدند (۱ و ۲ تیموتائوس).

ج. منبع بیشتر جهت مطالعه

طرز مطالعه شایسته کتاب مقدس، اثر گوردون فی و داگ استوارت (ص ۷۷-۶۱)

انجیل و روح، مسائل بحث‌انگیز در عهد جدید هرمنیوتیکس، اثر گوردون فی

گفته‌های غامض در کتاب مقدس، اثر والتر سی کیسر، پیتر اچ دیویدس، اف اف بروس و منفرد تی برانچ (ص ۶۱۳-۶۱۶)

(۶۶۷-۶۶۵)

۲: ۱۳-۱۵ بحث پولس در این متن از لحاظ الهیاتی با غلاطیان ۳ مرتبط است. به افراط‌های معلمین دروغین نیز ربط دارد (۱ تیموتائوس ۱: ۱۱-۳: ۴؛ ۵: ۱-۵: ۱۱-۱۳). پولس از غلاطیان برای قیاس استفاده می‌کند تا نشان دهد همانطور که مار حوا را با فریب به گناه، نافرمانی و خودرایی کشاند، معلمین دروغین نیز برخی از زنان را فریفتند (۵: ۱۳؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۹-۶). عواقب سقوط مستقیماً به تابعیت زن از شوهرش و اشتیاقش برای او ربط دارد (پیدایش ۳: ۱۶). عمل مستقل او مسئله الهیاتی بود و هست. این مورد امروز نیز موضوعیت دارد؟ آیا انجیل تمام جنبه‌های سقوط در پیدایش ۳ را زوده است؟ آیا فرهنگ امروزی ما با رهبری زن تعلیم دید و سخنور بیانیه صریح پولس را نقض می‌کند؟ به مبحث ویژه در ابتدای آیه ۱۲ مراجعه کنید.

۲: ۱۴ "نافرمان شد" نافرمانی حوا دو پیامد برایش داشت: (۱) درد زایمان، و (۲) تابعیت از شوهر. زمان فعل حال است، یعنی این مسائل هنوز هم مصداق دارند. عیسی مسیح عصر جدید را برقرار کرد، اما ایمانداران هنوز در عصر قدیم زندگی می‌کنند.

۲: ۱۵ "اما زنان با زادن فرزندان، رستگار خواهند شد" این مطلب بسیار دشوار و پیچیده‌ایست. احتمالاً مشکلترین بخش در همه نوشته‌های پولس است. باید بیاد داشته باشیم (۱) ارتباط آن با ۱۳: ۳، ۱۶ را؛ (۲) تعالیم معلمین دروغین را؛ (۳) و مقایسه (یعنی "اما") را، که به فریبکاری معلمین دروغین ربط پیدا می‌کند. واژه "رستگار" یا "نجات" ممکن است به رهایی جسمانی

از تجربه زایش (نسخه استاندارد آمریکایی نوین)، که ظاهراً کاربرد کلمه در ۱ تیموتائوس ۴: ۱۶ برای سوءاستفاده معلمین دروغین آنرا تقویت می‌کند (از قرار معلوم برخی از آنها تجرد را وضعیت روحانی برتر معرفی می‌کردند، ۴: ۳). احتمال دیگر این است که این واژه معنای روحانی اخروی داشته باشد که در بیشتر عهد جدید نیز بکار رفته است.

تفسیر جدید ارائه شده از این بخش بر دستور زبان یونانی مبتنی است که در آن حرف تعریف معین در عباری "با زادن فرزندان"، احتمالاً به تجسم عیسی مسیح اشاره دارد: (۱) این متن به پیدایش ۳: ۱۵ مرتبط است؛ (۲) حرف اضافه دیارا می‌توان "از طریق" ترجمه کرد؛ (۳) همراه "با زادن فرزندان" حرف تعریف معین وجود دارد؛ و (۴) برای "زن... آنها" هر دو فرم مفرد و جمع بکار می‌رود. پس حوا نماینده همه زنانی است که از طریق وعده خدا برای تولدی خاص نجات می‌یابند (یعنی عیسی، که از لحاظ الهیاتی مشابه است با گونه‌سازی آدم-مسیح در رومیان ۵: ۲۱-۱۲؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۲۲-۲۱، ۴۸-۴۴؛ فیلیپیان ۲: ۶-۷).

به نظر می‌رسد زمینه مستقیم متن بر این نکته تأکید داشته باشد که در عصر پولس و نیز در بسیاری از جوامع باستانی و مدرن از زن انتظار می‌رود نقش بناکننده خانه را ایفا کند. نجات زن از رهبری پرستش جمعی یا آزادی فرهنگی غیرمنتظره نشأت نمی‌گیرد.

در حقیقت از نقشهای اجتماعی برجسته نیز نمی‌آید، بلکه از طریق ایمان و ثمرات آن زن نجات می‌یابد (آیه ۱۵). رستگاری در و از طریق مسیح است. زنان دیندار به او توکل دارند و بدنبال این نیستند که بیمورد توجهات را به خود جلب کنند. با اینحال، در فرهنگ ما "جلب توجه بیمورد" زمانی اتفاق می‌افتد که زنان محدودند. همانطوریکه زنان بیش از حد فعال در قرن اول انسانهای گمشده را دلزده می‌کردند، امروز تبعیض جنسیتی و قانونگرایی مفرد باعث زدگی افراد گمشده می‌شود. هدف همیشه بشارت و شاگردسازی است، نه آزادی شخصی یا سلیقه‌های شخصی (۱ قرنتیان ۹: ۲۳-۱۹).

◆ **"اگر در ایمان و محبت و تقدس، نجیبانه ثابت بمانند"** این یک جمله شرطی نوع سوم است که عمل بالقوه محتمل‌الوقوع را نشان می‌دهد. محتمل‌الوقوع بودن ثابت زنان مومن در ایمان و محبت و تقدس است

#### پرسشهای مربوط به بحث

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصاً مسئولیت تفسیر خود از کتاب مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم شما، کتاب مقدس و روح القدس مقدم بر تفسیر هستیم. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده اند تا به شما کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را وادار به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱- حقایق این بخش چگونه به معلمین دروغین ربط پیدا می‌کنند؟

۲- آیا باید برای مقامات غیرمسیحی که به روشهای غیرمنصفانه و غیر الهی عمل می‌کنند دعا کنیم؟

۳- آیا خدا واقعا می‌خواهد همه انسانها نجات یابند؟

۴- کلمه "قدیه" را تعریف کنید.

۵- چرا در جهان مدرن بحث در مورد پوشش مسیحی موضوع مناسبی است؟

۶- اعمال نیک چگونه با ایمان نجاتبخش ربط دارند؟

۷- با توجه به آیات ۱۴-۱۱ جایگاه زن در کلیسای نوین کجاست؟

۸- با توجه به بقیه تعالیم عهد جدید معنی آیه ۱۵ چیست؟

## اول تیموتائوس ۳

### تقسیم‌بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید

ان ج بی	تی ای وی	ان آر اس وی	ان ک ج وی	یو بی اس <sup>۲</sup>
شیخ مسئول	رهبران در کلیسا	مشکل مدیریتی	ویژگیهای ناظران	ویژگیهای اسقف‌ها
۱-۷:۳	۱-۷:۳	۱-۷:۳	۱-۷:۳	۱-۷:۳
شماسان	خادمان کلیسا		ویژگیهای شماسان	ویژگیهای شماسان
۸-۱۳:۳	۸-۱۳:۳	۸-۱۳:۳	۸-۱۳:۳	۸-۱۳:۳
کلیسا و راز زندگی روحانی	سر بزرگ		راز بزرگ	راز مذهب ما
۱۴-۱۶:۳	۱۴-۱۶:۳	۱۴-۱۶:۳	۱۴-۱۶:۳	۱۴-۱۶:۳

### دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب مقدس" صفحه xi)

#### تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم شما، کتاب مقدس و روح القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و الی آخر

#### برداشتهای دقیق‌تر از متن:

(الف) این فهرست شامل سه نوع مختلف خادمان است:

۱. شبانان (۱-۷:۳)

۲. شماسان (۳: ۸-۱۰، ۱۲-۱۳)

۳. نقش بیومرزان (۳: ۱۱؛ ۵: ۹-۱۶) و شماسان زن (رومیان ۱۶: ۱)

(ب) این ویژگیها ممکن است در تقابل کامل با شیوه زندگی و تعالیم معلمین دروغین باشد.



(ج) آیه ۱۶ آشکارا بیانیه عقیدتی یا سرود روحانی است. پولس اغلب اینگونه موضوعات را با هم ادغام می‌کند (افسیان ۵: ۱۹؛ فیلیپیان ۲: ۱۱-۶؛ کولسیان ۱: ۱۶-۱۵؛ ۳: ۲۰-۱۵؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۳-۱۱). ساختار آهنگین بوضوح در شش فعل اخباری مجهول گذشته همراه با پنج عبارت دستوری مکانی یا ایزاری.

## مطالعه لغت و عبارت

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۳: ۷-۱

۱ این سخنی است درخور اعتماد که اگر کسی در آرزوی کار نظارت بر کلیسا باشد، در پی شغلی والاست<sup>۲</sup> از این‌رو، ناظر کلیسا باید به‌دور از ملامت، شوهر وفادار تنها یک زن، معتدل، خویش‌نوار، آبرومند، میهمان‌نواز و قادر به تعلیم باشد؛<sup>۳</sup> نه میخواره، یا خشن، بلکه ملایم؛ صلح‌جو، و بری از پولدوستی.<sup>۴</sup> نیز باید از عهده اداره خانواده خویش نیک برآید و فرزندانش را چنان تربیت کند که با احترام کامل، اطاعتش کنند.<sup>۵</sup> (زیرا اگر کسی نداند چگونه خانواده خویش را اداره کند، چگونه می‌تواند کلیسای خدا را مراقبت نماید؟)<sup>۶</sup> و نوایمان نیز نباشد، مبادا مغرور گردد و به محکومیت ابلیس دچار شود.<sup>۷</sup>

و باید در میان مردمان بیرون کلیسا نیز نیکنام باشد تا به رسوایی و دام ابلیس گرفتار نیاید.

۲: ۱ "این سخنی است درخور اعتماد" این اصطلاح می‌تواند هم نقش بیانیه پایانی و هم بیانیه افتتاحی را ایفا کند (۱ تیموتائوس ۱: ۱۵؛ ۳: ۱؛ ۴: ۹؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۱؛ تیطوس ۳: ۸). این دومین مورد از پنج مورد سخنهای "شایسته" در رسالات شبانی است. از لحاظ ترکیب دستوری اینها مانند کاربرد "آمین، آمین" در مقدمه سخنان عیسی عمل می‌کرده ("براستی، براستی" یا "هرآینه، هرآینه" ترجمه شده است)، توجه را بطور ویژه به بیانیه جلب می‌کنند.

◆ "اگر کسی" این جمله شرطی نوع اول است که از دیدگاه مولف یا برای هدف ظاهری او حقیقت را بیان می‌کند.

◆ "در آرزوی ... در پی" اینها دو واژه قدرتمند یونانی هستند: (۱) "مشتاق" (۶: ۱۰؛ عبرانیان ۱۱: ۱۶) و (۲) "آرزومند است" (متی ۱۳: ۱۷؛ لوقا ۱۵: ۱۶). این به من می‌گوید که تاکید ما در عصر حاضر بر خواننده‌شدگی به سبک عهد قدیم ممکن است خیلی محدودکننده باشد. اشتیاق برای بودن در رهبری کلیسا کافی است. اشتیاق دل مومن از جانب خداست (مزمور ۳۷: ۴).

◆

ان آ اس بی	"کار نظارت بر کلیسا"
ان ک ج وی	"منصب اسقفی"
ان آر اس وی	"کار اسقف"
بی ای وی	"رهبر کلیسا"
ان ج بی	"شیخ ارشد"

این واژه/پیس‌کوپوس است، و در انگلیسی معمولاً "اسقف" یا "ناظر" ترجمه می‌شود. نه نظر می‌رسد مترادف دو لغت عهد جدیدی دیگر برای کار رهبری در کلیسای محلی باشد. واژه‌های "شبان"، "ناظر" و "شیخ" همه به یک سمت اشاره دارند (اعمال ۲۰: ۱۷، ۲۸؛ تیطوس ۱: ۵، ۷). کلیسای عهد جدید تنها دو سمت داشت: شبان و شماس (فیلیپیان ۱: ۱). به نظر می‌رسد کلمه "شیخ" پیشینه یهودی داشت، در حالی که واژه "ناظر" از زمینه واژه‌های حکومتی یونانی آمده بود.

۳: ۲ "به‌دور از ملامت" این ویژگی کلیدی در تمام متن زمینه مربوط به رهبری یک کلیسای محلی است. این عبارت در جمع ایماندار (آیات ۶-۲) و یا غیرایماندار (آیه ۷) جایی برای انتقاد باقی نمی‌گذارد. همین مسئله به‌دور از ملامت بودن در آیات ۷،

۱۰؛ ۵؛ ۷ و ۶؛ ۱۴ تکرار می‌شود. رهبران بی‌عیب وجود ندارد، ولی ایمانداران دیندار، آبرومند، و قابل قبول وجود دارند به یادداشت در تیطوس ۱: ۶ مراجعه کنید.



ان آ اس بی، ان ک ج وی، ان ج بی " شوهر تنها یک زن"  
ان آر اس وی "تنها یکبار ازدواج کرده باشد"  
تی ای وی "تنها باید یک زن داشته باشد"

این واژه بحث زیادی پیش آورده است. روشن است چنین چیزی برای کلیساهای خانگی قرن اول در افسس مسئله‌ساز بود (۳: ۱، ۱۲؛ ۵؛ ۷؛ و در کریت، تیطوس ۱: ۶). تئوریهای تفسیری اساسی به قرار زیرند:

۱. به چندهمسری اشاره دارد
۲. به ازدواج مجدد بعد از طلاق اشاره می‌کند
۳. به ازدواج دوم پس از مرگ همسر اول اشاره دارد
۴. منظور این است که مرد نسبت به همسرش وفادار و باتوجه باشد (راه دیگری برای تاکید بر روابط خانوادگی خوب) واضح است که این به روابط خانوادگی اشاره دارد، و هر مشکلی در ناحیه روابط خانوادگی صلاحیت شخص برای رهبری کلیسای محلی را زائل می‌کند. مورد اول در امپراتوری روم مشکل‌ساز نبود، ولی در یهودیت مشکلی بالقوه به حساب می‌آمد (گرچه در قرن اول نادر بود)؛ مورد دوم در امپراتوری روم بسیار مسئله‌ساز بود، و در یهودیت نیز مسئله بود؛ مورد سوم در کلیسای اولیه، بخصوص در ترتولیان موجب نگرانی شدید بود و هنوز هم در کلیساهای تعمیدی اروپا مشکل‌آفرین است. با اینحال، ۱ تیموتائوس ۵: ۱۴ مطلبی همسو است که در آن بیوه‌های جوانتر بدون احساس شرمندگی می‌توانند مجدداً ازدواج کنند (رومیان ۷: ۳-۲؛ ۱ قرنتیان ۷).

یک گزینه دیگر هم وجود دارد، که این ویژگی به ازدواج در مقابل تجرد می‌پردازد (۴: ۳). ممکن است این منع مستقیم گرایش به تجرد و ریاضت باشد. منظور تاکید بر این نیست که شخص مجرد نباید رهبر کلیسا باشد، بلکه منظور این است که تجرد نباید شرط قرار داده شود. از نظر من این بهترین گزینه است و جوابی است برای دیگر مشکلات تفسیری مرتبط با (۱) "میخواره نبودن" و (۲) مسئله زنان در ۲: ۸-۱۵. این بخش باید با توجه به موضوع معلمین دروغین تفسیر شود.

این مسئله خانواده دیندار و محکم است، پس طلاق تنها موضوع بحرانی نیست. حتی در عهد عتیق گاهی طلاق گزینه مناسب بود: (۱) بیوه اسرائیل بیوفا را طلاق می‌دهد و (۲) به کاهنان فرمان داده شد زنان بیوفای خود را طلاق دهند (به دیدگاه عهد عتیق در مورد طلاق و ازدواج مجدد" در مجله انجمن بشارتی الهیاتی جلد ۴۰ شماره ۴، دسامبر ۱۹۹۷ مراجعه کنید). همه انسانها در قسمتهایی از زندگی خانودگی خود آشفتگی‌هایی را تجربه می‌کنند. نگرانی عمده من از برداشت تحت‌اللفظی از این ویژگی عدم پیوستگی در برداشت تحت‌اللفظی سایر قسمت‌هاست. اگر طلاق صلاحیت را از بین می‌برد، پس (الف) میخواره نبودن ("میخواره نبودن" در آیه ۷ که لزوماً فرمان جهت پرهیز کامل از مشروبات نیست) و (ب) "فرزندانش را چنان تربیت کند" در آیه ۴ که بسیاری از شبانان و شماسان امروزی را حذف می‌کنند نیز همین حکم را دارند.

واقعیت این است که من رهبران مسیحی زیادی را سراغ ندارم که در همه عمر بتوانند این الزامات را پیوسته برآورده سازند. پس قبل از آنکه بیش از حد از معایب رهبران ایراد بگیریم، باید بیاد داشته باشیم که این ویژگیها خواست خدا برای تمام فرزندان هستند. قصد من دفاع از پایین آوردن معیارها نیست، بلکه منظورم این است که نباید آنها را به شکلی قانون‌گراییانه و از روی قضاوت بکار برد. کلیسا محتاج رهبران دیندار و مورد قبول اجتماع است. با اینحال ما مجبوریم آنها را از میان گناهکاران نجات‌یافته انتخاب کنیم! کلیساهای امروزی باید به دنبال رهبرانی باشند که به مرور وفاداری خود را نشان داده‌اند، نه به دنبال رهبران بی‌نقص.

نکته دیگر اینکه، اگر این فهرست تحت‌اللفظی بکار رود، عیسی (چون مجرد بود) و پولس (چون احتمالاً طلاق گرفته یا همسرش فوت کرده بود) نیز صلاحیت رهبری کلیسا را نداشتند. این مسئله قابل تأمل است، اینطور نیست؟

◆ "معتدل" معنی لغوی آن "هوشیار بودن" است. چون به زیاده‌روی در مصرف الکل مخصوصاً در آیه ۳ اشاره می‌شود، احتمالاً این به کاربرد استعاره‌ای این لغت به معنای "معقول بودن" اشاره دارد (آیه ۱۱؛ تیطوس ۲: ۲).



ان آ اس بی	"خویشتندار"
ان ک ج وی	"هوشیار"
ان آر اس وی	"معقول"
تی ای وی	"خوددار"
ان ج بی	"محتاط"

این واژه /سجفِرچن به معنای تعادل در فیلسوفان یونانی بود. کلمه یونانی بسیار معروفی بود که پرهیز از افراط را نشان می‌داد (یعنی "ابزار طلایی"). برای کسی بکار می‌رفت که اندیشه منسجمی داشت (۱ تیموتائوس ۳: ۲؛ تیطوس ۱: ۸؛ ۲: ۲، ۵). کلمات مرتبط در ۱ تیموتائوس ۲: ۹، ۱۵؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۷؛ تیطوس ۲: ۴، ۶، ۹، ۱۲، ۱۵ یافت می‌شوند.



ان آ اس بی، ان آر اس وی	"آبرومند"
ان ک ج وی	"خوش رفتار"
تی ای وی	"منظم"
ان ج بی	"بازاکت"

این فرمی است از کلمه یونانی کوسمکوس. در تیطوس هم از این واژه بلبدو بار احساسی مختلف استفاده شده است: (۱) منفی برای اجتناب از شهوت دنیوی (۲: ۱۲) و (۲) مثبت برای نظم مناسب (۲: ۱۰). در ۱ تیموتائوس زمینه متن بطور ضمنی به نظم مناسب یا آداب‌دانی اشاره دارد. این آن چیزی است که از سوی جامعه محلی مناسب، مورد قبول و انتظار است. بنابراین، این جنبه‌ای است از آیه ۷ که می‌گوید: "و باید در میان مردمان بیرون کلیسا نیز نیکنام باشد".

◆ "مهمان‌نواز" مسافرخانه‌های زمان پولس خانه‌های بدنام فاحشه‌های بودند. بنابراین، مسیحیان و بخصوص رهبران مسیحی، می‌بایست در خانه‌هایشان را بروی خادمان سیار و نیازمندان جامعه باز می‌گذاشتند (۱ تیموتائوس ۵: ۱۰؛ تیطوس ۱: ۸؛ رومیان ۱۲: ۱۳؛ عبرانیان ۱۳: ۲؛ ۱ پطرس ۴: ۹؛ ۲ یوحنا ۵؛ و ۳ یوحنا).

◆ "قادر به تعلیم" رهبر راه باید معلمانی توانا باشند (۲ تیموتائوس ۲: ۲۴). جالب است که در ۱ قرنتیان ۱۲: ۲۸ "تعلیم" به عنوان عطایی مجزا در فهرست قرار می‌گیرد، ولی در افسسیان ۴: ۱۱ به عطای شبان ربط داده شده است. ظاهراً معلمانی وجود داشتند، ولی همه شبانان نیز لازم بود در این ناحیه فعال باشند. از جهتی همه افراد صاحب عطا در افسسیان مبشران انجیل بودند، اما با اشکال و شدت‌های گوناگون. برخی از محققین کتاب مقدس این ویژگی را به عنوان معرفی برای اشخاص خوب تعلیم دیده یا تحصیل کرده و یا احتمالاً "تعلیم‌پذیر" تفسیر می‌کنند. نهایت اینکه، احتمال دارد توانایی تعلیم دادن ربط داشته باشد به موضوع معلمین دروغین که فکر می‌کردند شریعت را تعلیم می‌دهند (۱: ۷)، ولی در واقع خود را فریب می‌دادند.

۳: ۳

ان آ اس بی	"نه میخواره"
ان آر اس وی	"نه خمار"
ان ک ج وی	"نه میگسار"
تی ای وی	"نباید میگسار باشند"
ان ج بی	"نه شدیداً میخواره"

این ترکیبی است از حرف اضافه پارا ("فراتر") و اونیبوس ("شراب"). به نظر می‌رسد این گریزی باشد به امثال ۲۳: ۳۵-۲۹ در متون اولیه سبتاجینت. لازم است دوباره تاکید شود که کتاب مقدس با میگساری مخالف است، اما اجتناب کامل از نوشیدن را تعلیم نمی‌دهد (۳: ۸؛ ۵: ۲۳؛ تیطوس ۱: ۷؛ ۲: ۳). اجتناب کامل از نوشیدن تعهد فردی برخی از افراد است به عیسای خداوند برای محدود کردن آزادی شخصی‌شان به لحاظ فرهنگی که در آن خدمت می‌کنند (رومیان ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳ و ۱ قرنتیان ۸-۱۰). در این زمینه کیسر، بروس و برانچ مقاله خوبی را در گفتارهای غامض کتاب مقدس، ص ۶۷۳-۶۷۳ نوشته اند.

مبحث ویژه: نگرش کتاب مقدس در مورد الکل (مشروبات الکلی) و میخوارگی (اعتیاد به الکل)

۱. واژه‌های کتاب مقدس

الف. عهد عتیق

۱. **یابین** - این لغت عمومی است برای شراب، که ۱۴۱ بار مورد استفاده قرار گرفت است. مبدا لغوی آن معلوم نیست زیرا از ریشه عبری نیست. معنای آن همیشه عصاره میوه تخمیرشده، و معمولاً انگور است. بخشهای نمونه در پیدایش ۹: ۲۱؛ خروج ۲۹: ۴۰؛ اعداد ۱۵: ۵، ۱۰ یافت می‌شوند.
۲. **تیروش** - این "شراب تازه" است. بلیل شراب آب و هوایی خاور نزدیک، تخمیر شش ساعت پس از استخراج عصاره شروع می‌شود. این واژه اشاره دارد به شراب در حال تخمیر. برای بخشهای نمونه به تثیبه ۱۲: ۱۷؛ ۱۸: ۴؛ اشعیا ۶۲: ۹-۸؛ هوشع ۴: ۱۱ مراجعه کنید.
۳. **آسیس** - این به معنای نوشیدنی‌های الکلی است (یونیل ۱: ۵؛ اشعیا ۴۹: ۲۶).
۴. **سیکر** - منظور "نوشیدنی‌های قوی" است. ریشه یونانی در واژه "مست" یا "میگسار" بکار رفته است. ماده‌ای به آن اضافه میشد تا قدرت مست‌کنندگی‌اش بیشتر شود. این واژه موازی **یابین** است (امثال ۲۰: ۱؛ ۳۱: ۶؛ اشعیا ۲۸: ۷).

ب. عهد جدید

۱. **آینوس** - معادل یونانی **یابی**
۲. **نیوس اینوس** (شراب تازه) - معادل یونانی **تیروش** (مرقس ۲: ۲۲)
۳. **گلیوچوس وینوس** (شراب شیرین، **آسیس**) - شراب در مراحل اولیه تخمیر (اعمال ۲: ۱۳)

۲. کاربردهای کتاب مقدس

الف. عهد عتیق

۱. شراب هدیه خداست (پیدایش ۲۷: ۲۸؛ مزامیر ۱۰۴: ۱۵-۱۴؛ جامعه ۹: ۷؛ هوشع ۲: ۹-۸؛ یونیل ۲: ۱۹، ۲۴؛ عاموس ۹: ۱۳؛ زکریا ۱۰: ۷).
۲. شراب بخشی از آیین تقدیم قربانی است. (خروج ۲۹: ۴۰؛ لاویان ۲۳: ۱۳؛ اعداد ۱۵: ۷، ۱۰؛ ۲۸: ۱۴؛ تثیبه ۲۶: ۱۴؛ داوران ۹: ۱۳).
۳. شراب به عنوان دارو استفاده می‌شود (۲ سموئیل ۱۶: ۲؛ امثال ۳۱: ۶-۷).
۴. شراب می‌تواند مشکلی جدی باشد (نوح- پیدایش ۹: ۲۱؛ لوط - خروج ۱۹: ۳۳، ۳۵، سامسون - داوران ۱۶: ۱۹؛ نبال - ۱ سموئیل ۲۵: ۳۶؛ اوریا - ۲ سموئیل ۱۱: ۱۳؛ آمون - ۲ سموئیل ۱۳: ۲۸؛ الیه - ۱ پادشاهان ۱۶: ۷؛ بنه‌داد - ۱ پادشاهان ۲۰: ۱۲؛ حاکمان - عاموس ۶: ۶؛ و زنان - عاموس ۴).
۵. در مصرف شراب ممکن است زیاده‌روی شود (امثال ۲۰: ۱؛ ۲۳: ۳۵-۲۹؛ ۳۱: ۵-۴؛ اشعیا ۵: ۱۱، ۲۲؛ ۱۹: ۱۴؛ ۲۸: ۷-۸؛ هوشع ۴: ۱۱).
۶. برخی گروه‌ها از مصرف شراب منع می‌شدند (کلنهان در حال انجام وظیفه، لاویان ۱۰: ۹؛ حزقیال ۴۴: ۲۱؛ اهل ناصره، اعداد ۶؛ و حاکمان، امثال ۳۱: ۵-۴؛ اشعیا ۵۶: ۱۱-۱۲؛ هوشع ۷: ۵).
۷. شراب در تصویرهای مربوط به آخرت استفاده می‌شود. (عاموس ۹: ۱۳؛ یونیل ۳: ۱۸؛ زکریا ۹: ۱۷).

ب. بین‌العهدین

۱. مصرف متعادل شراب مفید است (کتاب حکمت بن سیراخ ۳۱: ۳۰-۲۷).
۲. معلمین یهودی می‌گویند، "شراب بهترین دارو هاست، جایی که شراب نیست، وجود مواد مخدر ضرورت پیدا می‌کند." (بی بی ۵۸ ب)

ج. عهد جدید

۱. عیسی مقدار زیادی آب را به شراب تبدیل کرد (یوحنا ۲: ۱۱-۱).
۲. عیسی شراب نوشید (متی ۱۱: ۱۹؛ ۱۸-۱۹؛ لوقا ۷: ۳۴-۳۳؛ ۲۲: ۱۷).
۳. در پنطیکاست پطرس متهم شده به مستی در اثر نوشیدن "شراب تازه" (اعمال ۲: ۱۳).
۴. شراب می‌تواند مصرف دارویی داشته باشد (مرقس ۱۵: ۲۳؛ لوقا ۱۰: ۳۴؛ ۱ تیموتائوس ۵: ۲۳).
۵. رهبران نباید در مصرف نوشیدنی‌های الکلی زیاده‌روی کنند. این به این معنا نیست که باید از مصرف آن مطلقاً خودداری کنند (۱ تیموتائوس ۳: ۳، ۸؛ تیطوس ۱: ۷؛ ۲: ۳؛ ۱ پطرس ۴: ۳).
۶. در مباحث مربوط به آخرت شراب ذکر می‌شود (متی ۲۲: ۱؛ مکاشفه ۱۹: ۹).
۷. میگساری تقبیح می‌شود (متی ۲۴: ۴۹؛ لوقا ۱۱: ۴۵؛ ۲۱: ۳۴؛ ۱ قرنتیان ۵: ۱۱-۱۳؛ ۶: ۱۰؛ غلاطیان ۵: ۲۱؛ ۱ پطرس ۴: ۳؛ رومیان ۱۳: ۱۴-۱۳).

۳. برداشتهای الهیاتی

الف. تنشهای منطقی

۱. شراب هدیه خداست
۲. میگساری مشکلی اساسی است
۳. در برخی فرهنگها ایمانداران لازم است بخاطر انجیل آزادی خود را محدود کنند (متی ۱۵: ۱-۲۰؛ ۱-۷؛ مرقس ۷: ۱-۲۳؛ ۱ قرنتیان ۱۰-۸؛ رومیان ۱۴: ۱-۱۵؛ ۱۳).

ب. گرایش به زیر پا گذاشتن مرزهای تعیین شده

۱. خداوند منشاء تمام نیکی‌هاست (خلقت "بسیار نیکو" است، پیدایش ۱: ۳۱).
۲. انسان سقوط کرده با زیر پا گذاشتن مرزهایی که خدا تعیین نموده، از تمام هدایای خدا بهره‌برداری سوء کرده

- است.
۳. اشکال در ماست، نه در چیزها. در خلقت مادی شر وجود ندارد (مرقس ۷: ۱۸-۲۳؛ رومیان ۱۴: ۱۴، ۲۰؛ ۱؛ قرنتیان ۱۰: ۲۶-۲۵؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۴؛ تیطوس ۱: ۱۵).
۴. فرهنگ قرن اول یهودی و تخمیر
- الف. در آب و هوای گرم و شرایط غیر بهداشتی تخمیر به سرعت و تقریباً ۶ ساعت پس از له کردن انگور شروع می‌شود.
- ب. سنت یهود می‌گوید که وقتی مقدار ناچیزی کف روی سطح ظاهر می‌شود (علامی تخمیر)، پرداخت ده یک شراب واجب می‌شود (ما آسروت ۱: ۷). به این "شراب تازه" یا "شراب شیرین" می‌گفتند. تخمیر سریع اولیه بعد از یک هفته تکمیل می‌شد.
- ج. تخمیر ثانویه چهل روز طول می‌کشید. در این مرحله به آن "شراب کهنه" می‌گفتند و می‌توانستند آن را در قربانگاه تقدیم کنند (ادهویوت ۶: ۱).
- د. شرابی که ذخیره می‌شد (شراب کهنه) مطلوب بود ولی قبل از مصرف لازم بود خوب تصفیه شود.
- ه. شرابی که یک سال از تخمیرش می‌گذشت شراب کهنه محسوب می‌شد. سه سال طولانی‌ترین زمانی بود که شراب را می‌شد بدون مشکل نگهداری کرد. به این "شراب کهنه" می‌گفتند و لازم بود آن را با آب رقیق کنند.
- و. تنها در ۱۰ گذشته در محیط استریل و افزودنی‌های شیمیایی تخمیر به تعویق افتاده است. دنیای باستان نمی‌توانست فرآیند طبیعی را متوقف کند.
۵. بیانیه‌های اختتامی
- الف. مطمئن شوید در تجربه، الهیات و تفسیرتان از کتاب مقدس به عیسی و فرهنگ یهودی و یا مسیحی قرن اول بهای لازم را می‌دهید.
- ب. قصد من ترویج استفاده از الکل در جامعه نیست. با اینحال، بسیاری از افراد در مورد نظر کتاب مقدس درباره این موضوع غلو کرده‌ان و حال بر اساس تعصب فرهنگ یا فرقه‌ای خاص مدعی پارسایی برتر هستند.
- ج. از نظر من، رومیان ۱۴: ۱ - ۱۵: ۱۳ و ۱ قرنتیان ۱۰-۸ دیدگاه و خط و مشی را تعیین کرده‌اند که بر محبت و احترام به همه ایمانداران و اشاعه انجیل در میان همه فرهنگها مبتنی است، و نه آزادی شخصی یا انتقاد داورانه. اگر کتاب مقدس تنها منبع ایمان و عمل است، پس شاید لازم باشد این موضوعات را دوباره به هم ربط دهیم
- د. اگر اجتناب کامل از نوشیدنی‌های الکلی را بزور به عنوان اراده خدا بقبولانیم، در اینصورت، آیا باید آن را در مورد عیسی و فرهنگهای امروزی که مرتب شراب مصرف می‌کنند نیز بکار بریم (مثلاً اروپا، اسرائیل، آرژانتین)؟

◆ **"ته خشن"** معنای لغوی آن "نه جنگجو" است (تیطوس ۱: ۷). ممکن است این به زیاده‌روی در مصرف الکل ربط داشته باشد که بر روابط داخلی تاثیر می‌گذارد (یعنی خانواده، کلیسای خانگی، معلمین دروغین).

◆ **"ملايم"** این به شخص منطقی با محبت اشاره دارد، که اشاره دارد که آماده است تسلیم دیگران شود شخصی مهربان و آرام را توصیف می‌کند (تیطوس ۳: ۲؛ یعقوب ۳: ۱۷؛ ۱ پطرس ۲: ۱۸).

**"صلحجو"** این کلمه یونانی جنگ، نبرد و درگیری است، اما با الف سلبی معنای متضاد اینها را پیدا می‌کند. بنابراین، به معنای کسی است که جنگ نمی‌کند و سبب مجادله نمی‌شود (تیطوس ۳: ۲). براحتی می‌توان دید چطور معلمین دروغین بر عکس باب ۳ هستند.



ان آ اس بی "بری از پولدوستی"  
 ان ک ج وی "ته طماع"  
 ان آر اس وی "ته عاشق پول"  
 تی ای وی "نباید شیفته پول باشد"  
 ان ج بی "ته آزمند"

این واژه‌های ترکیبی است از کلمه "نقره" و کلمه "محبت برادرانه" همراه با الف سلبی که معادل است با "نه عاشق پول" (۶: ۶-۱۰؛ تیطوس ۱: ۷؛ عبرانیان ۱۳: ۵؛ ۱ پطرس ۲: ۵). این یکی دیگر از ویژگیهای معلمین دروغین بود.

۳: ۵-۶ **"باید از عهده اداره خانواده خویش نیک برآید"** باید رهبری در محیط خانه دیده شود. هر گونه مشکل بین زن و شوهر یا بچه‌ها یا نوها یا خانواده همسر در کلیساهای اولیه سبب سلب صلاحیت فرد می‌شد. نگرانی عمده "عدم توانایی برای مواجهه با انتقاد" است. کیفیت مدیریت شخص در خانه گرایش‌های وی برای رهبری کلیسا را روشن می‌کند (آیه ۵، که پرسش معترضه است و جواب مورد انتظار آن "نه" است). عجباً که اگر برداشت از این تحت‌اللفظی باشد چه بسا که بسیاری از خادمان امروزی

رد صلاحیت شوند. ویژگی‌های متعدد مثبت و منفی ذکر شده در آیات ۲-۳ در محیط خانه آشکار می‌شوند. "اول خانه را بررسی کن" اندرز خوبی است برای کمیته‌های پرسنلی!

۳: ۵ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است که فرض می‌شود از دید مولف یا برای مقاصد کلامی او حقیقت داشته باشد.

۳: ۶ "و نوایمان نیز نباشد" این در تیطوس نیامده است. ۱ تیموتائوس به افسس نوشته شد که کلیسای تثبیت‌شده بود، درحالیکه تیطوس به کریت نوشته شد که کاری جدید بود. آنها همگی نوایمان بودند. معنای ریشه لغوی واژه بکار رفته در اینجا "جوانه گیاه" است. بااینوجود، فاکتور زمانی دقیق مشخص نیست.

◆ "مبادا مغرور گردد و به محکومیت ابلیس دچار شود" غرور مشکل عمده‌ای برای فرشتگان و انسانها است (۶: ۴؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۴). معنای فعل (اسم مفعول مجهول کامل) "کور شدن در اثر دود" است. حالت اضافی قبل از "ابلیس" می‌تواند اشاره داشته باشد به (۱) داوری که مسببش شیطان است (آیه ۷) یا (۲) همان داوری که شیطان دریافت می‌کند (ان کی ج وی، تی ای وی، ان ج بی).

پولس در ۱ تیموتائوس بارها به دشمن روحانی بشریت اشاره می‌کند (اما نه در ۲ تیموتائوس یا تیطوس): (۱) شریر (دیابولوس، ۳: ۶، ۷)؛ (۲) شیطان (ساتاناس، ۱: ۲۰؛ ۵: ۲۰)؛ و (۳) ارواح پلید (دایمونین، ۴: ۱). جهان‌بینی کتاب‌مقدس که انسان دشمنی روحانی دارد (افسیان ۲: ۲؛ ۶: ۱۹-۱۰) در عهد عتیق و جدید هر دو آمده است.

### مبحث ویژه: شیطان

بدلایل متعددی این بحث بسیار دشواری است:

۱. عهد عتیق از دشمن بزرگ خوبی‌ها سخن نمی‌گوید، بلکه اشاره دارد به خادم یهوه که گزینه دیگری در اختیار انسان قرار می‌دهد و بشر را متهم به عدم پارسایی می‌کند. در عهد عتیق تنها یک خدا (وحدانیت)، یک قدرت، و تک مسبب وجود دارد- یهوه.
  ۲. مفهوم دشمن شخصی ناقلائی خدا در ادبیات بین‌العهدین (غیر استاندارد) تحت تاثیر مذهب دوقدرتی پارسیان (زرتشت) توسعه یافت. این نیز به نوبه خود شدیداً بر یهودیت کنترل‌شده توسط روحانیون یهود و جامعه اس‌ها تاثیر گذاشت (طومارهای دریای مرده).
  ۳. عهد جدید مباحث عهد عتیق را بطرز حیرت‌آوری دقیق، اما گزینشی و طبقه‌بندی‌شده بسط می‌دهد. اگر کسی مسئله شیطان را از دیدگاه کتاب‌مقدس مطالعه کند (هر کتاب یا مولف و سبک ادبی مطالعه و جداگانه خلاصه شود) دیدگاه‌های بسیار متفاوتی در مورد شیطان آشکار می‌شود. اما اگر شخص از مسیر غیر کتاب‌مقدس یا خیلی کتاب‌مقدس مذاهب جهان یا ادیان شرقی به بحث شیطان بپردازد، در آنصورت بیشتر گستره عهد جدید برمی‌گردد به مذهب دوقدرتی ایرانی و روحانیت یونانی-رومی. چنانچه شخص از قبل به منشا الهی کتاب‌مقدس اعتقاد داشته باشد، پس گسترش عهد جدید باید مکاشفای پیش‌رونده در نظر گرفته شود. مسیحیان باید برای پیشگیری از تاثیر بیشتر فرهنگ عامیانه یهودی یا ادبیات غربی (دانته، میلتن) بر این موضوع خود را تجهیز کنند. شکی نیست که در این بخش از مکاشفه رموز و ابهاماتی وجود دارد. اراده خدا این است که همه جنبه‌های شیطان، میداش، گسترش نفوذش و مقصودش را آشکار نکند، اما شکستش را مکشوف کرده است!
- در عهد عتیق واژه "شیطان" یا "اتهام‌زننده" ممکن است به سه دست جداگانه زیر مرتبط شوند:
۱. بشر اتهام‌زننده- ۱ سموئیل ۲۹: ۲۴؛ ۲ سموئیل ۱۹: ۲۲؛ ۱ پادشاهان ۱۱: ۱۴، ۲۰، ۲۹؛ مزمو ۱۰۹: ۶
  ۲. فرشتگان اتهام‌زننده- اعداد ۲۲: ۲۲-۲۳؛ ایوب ۲-۴؛ زکریا ۳: ۱۱
  ۳. ارواح شریر اتهام‌زننده- ۱ تواریخ ۲۱: ۲؛ ۱ پادشاهان ۲۲: ۲۱؛ زکریا ۱۳: ۲
- تنها در دوره بین‌العهدین است که مار در پیدایش ۳ ماهیت شیطان پیدا می‌کند (کتاب حکمت ۲: ۲۴-۲۳؛ ۲ خنوخ ۳: ۳۱)، و حتی بعد از آن به گزینه‌ای در تعلیم یهودیان تبدیل می‌شود (سات ۹ب و سنه ۲۹ الف). "پسران خدا" در پیدایش ۶ در ۱ خنوخ ۵۴: ۶ فرشتگان می‌شوند. هدف از ذکر اینها در اینجا صحنه گذاشتن به الهیات آن نیست، بلکه تنها نشان دادن چگونگی بسط این ایده‌هاست. در عهد جدید این فعالیت‌های عهد عتیقی به فرشتگان، یا همان شریران شخص‌نما نسبت داده می‌شوند (۱ قرن‌تیان ۱۱: ۳؛ مکاشفه ۱۲: ۹).

تعیین منشا شریران شخص‌نما بر اساس عهد عتیق مشکل یا غیرممکن است (بسته به دیدگاه شما). یک دلیل این دشواری گرایش بی‌چون و چرای یهودیان به وحدانیت است (۱ پادشاهان ۲۲: ۲۲-۲۰؛ جامعه ۷: ۱۴؛ اشعیاء ۴۵: ۷؛ عاموس ۳: ۶). می‌گفتند یهوه مسبب همه چیز است تا از این طریق یکتایی و مبدا بودنش بروز دهد (اشعیاء ۴۳: ۱۱؛ ۴۴: ۶، ۸، ۲۴؛ ۴۵: ۵-۶، ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۲۲).

منابع موجود برای کسب اطلاعات عبارتند از (۱) ایوب ۲-۱، که در آن شیطان یکی از "پسران خدا" است (یعنی فرشتگان) یا (۲) اشعیاء ۱۴؛ حزقیال ۲۸، که پادشاهان مغرور خاور نزدیک (بابل و تیره) احتمالاً بکار رفتند تا غرور شیطان به تصویر کشیده شود (۱ تیموتائوس ۳: ۶). من در مورد این روش بررسی احساسات متضادی دارم. حزقیال نه تنها استعاره باغ عدن را برای پادشاه تیره به عنوان شیطان (حزقیال ۲۸: ۱۶-۱۲) بکار می‌برد، بلکه از آن برای پادشاه مصر به عنوان درخت معرفت خوب و بد نیز استفاده می‌کند (حزقیال ۳۱). با اینحال اشعیاء ۱۴، بویژه آیات ۱۴-۱۲، ظاهراً طغیان یک فرشته در اثر غرور

را توصیف می‌کنند. اگر خدا می‌خواست ماهیت و مبدا ویژه شیطان را بر ما آشکار کند، این مسیر منحرفی برای این منظور بود. باید خود را در مقابل گرایش به الهیات سیستماتیک تجهیز کنیم که بخش کوچکی از عهدهای مختلف، مولفان، کتابها و سبکهای نوشتاری را گرفته و آنها را ترکیب و به عنوان قطعاتی از معمای الهی ارائه می‌دهد.

من با آلفرد ادرشیم موافقم (زندگی و دوران عیسی مسیح، جلد ۲، ضمیمه‌ها xiii [صفحات ۷۶۳-۷۴۸] و xvi [صفحات ۷۷۶-۷۷۰] که یهودیت تحت کنترل علمای یهود شدیداً تحت تأثیر ایده‌های قدرت دوگانه و فرضیات ارواح پلید ایرانیها قرار گرفته است. در این زمینه علمای یهود مرجع خوبی برای حقیقت نیستند. عیسی مسیح در این زمینه شدیداً از تعالیم کنیسه فاصله می‌گیرد. فکر می‌کنم تعالیم علمای یهود در مورد وساطت و مخالفت فرشتگان نسبت به عطای شریعت به موسی روی کوه سینا، باب را برای مفهوم فرشته ارشدی که دشمن یهوه و انسان است گشود. دو خدای برتر تفکر دوخدایی یهودی، یعنی/هریمن و /هورامزدا، خوب و بد، به تفکر دوگانه کتابمقدسی یهوه و شیطان بسط یافت.

قطعا در عهد جدید مکاشفه پیشرونده‌ای در مورد تجسم شخصیتی شریر وجود دارد، اما به اندازه تعالیم علمای یهود با شرح و تفصیل همراه نیست. نمونه خوبی از این تفاوت "جنگ در آسمان" است. سقوط ابلیس ضرورتی منطقی است، اما جزئیات آن ارائه نشده است. حتی اطلاعات داده شده نیز در سبک نگارش مکاشفای مستور شده است (مکاشفه ۱۲: ۴، ۷، ۱۳-۱۲).

درست است که در عیسی مسیح شیطان شکست خورد و به زمین تبعید شد، ولی او هنوز به عنوان خادم یهوه ایفای نقش می‌کند (متی ۴: ۱؛ لوقا ۲۲: ۳۲-۳۱؛ ۱ قرنتیان ۵: ۵؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۲۰).

ما باید کنجکاو خود در این زمینه را کنترل کنیم. نیروی شخصی وسوسه و شریر وجود دارد، ولی هنوز یک خدا وجود دارد و ما هنوز در مقابل انتخابی‌امان مسئولیم. نبرد روحانی در جریان است، هم قبل و هم بعد از نجات. پیروزی تنها از طریق خدای تثلیث کسب و برقرار می‌ماند. شریر شکست خورده و حذف خواهد شد.

۳: ۷ "باید در میان مردمان بیرون کلیسا نیز نیکنام باشد" در نظر جامعه غیرایمانداری که کلیسا تلاش دارد به سوی ایمان به مسیح هدایت کند رهبری باید صادق و بی‌ریا باشد. (۵: ۱۴؛ ۶: ۱؛ ۱ تیطوس ۲: ۵، ۶، ۱۰؛ ۱ قرنتیان ۱۰: ۳۲؛ کولسیان ۴: ۵؛ ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۲).

◆ "تا به رسوایی و دام ابلیس گرفتار نیاید" پولس نگران نبرد روحانی بود (۶: ۱۰-۹؛ افسسیان ۲: ۳-۱؛ ۴: ۱۴؛ ۶: ۱۰-۱۱). دیداری سپری است در مقابل شریر، درحالی‌که خودخواهی در بازی است که راه را برای سوءاستفاده شیطان می‌گشاید! (۱۹).

متن ان آبی اس (بروز شده): ۳: ۱۳-۸

۸ همچنین خادمان کلیسا باید باوقار باشند؛ نه دورو، یا معتاد به شراب زیاد و یا در پی منافع نامشروع.<sup>۹</sup> باید راز ایمان را با وجدانی پاک پاس بدارند.<sup>۱۰</sup> و باید نخست آزموده شوند و اگر بیری از ملامت یافت شدند، در مقام خادم کلیسا خدمت کنند.<sup>۱۱</sup> به همین‌سان، زنان نیز باید باوقار باشند، و نه غیبت‌گو، بلکه معتدل و درخور اعتماد در همه چیز.<sup>۱۲</sup> هر خادم باید شوهر وفادار تنها یک زن باشد و نیز باید از عهده اداره فرزندان و خانواده خویش نیک برآید.<sup>۱۳</sup> خادماتی که نیکو خدمت کرده باشند، به مرتبه‌ای والا خواهند رسید و در ایمان خود به مسیح عیسی از سهامتی عظیم برخوردار خواهند شد.

۳: ۸ "خادمان" در ۲ تیموتائوس و تیطوس هیچ اشاره‌ای به خادمان-شماسان-نشده است. جایگاه و عملکرد خادم در عهد جدید تعریف شده نیست. برخی تصور می‌کنند اعمال ۶ آغازی است بر این شغل ویژه هدفدار، اما این غیرمحمتمل به نظر می‌رسد. در اینجا شماسان در کنار شبانان، به عنوان دو منصب در کلیسای محلی ذکر می‌شوند (فیلیپیان ۱: ۱). واژه "شماس" یعنی "ایجاد گرد و غبار"، که استعاره‌ای است برای خدمت نوکری. این سپس تبدیل شد به کلمه عمومی "خدمت" در عهد جدید (۱: ۱۲؛ ۴: ۴؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۸؛ ۴: ۵، ۱۱). شماسان خادم هستند نه مدیر!

◆ "همچنین" ویژگیهای رهبران کلیسا به گروهی جدید بسط داده شده است، و نیز به زنان در آیه ۱۱.

◆ "باید باوقار باشند" یادداشت ۲: ۲ را ببینید

◆ "نه دورو" این یعنی شخص چیزهای مختلفی را به افراد مختلف بگوید تا به دلایل ساختگی مورد قبول واقع شود. این نوعی دروغ یا کذبگویی است.



ان آ اس بی "نه ... معتاد به شراب زیاد"  
 ان ک ج وی "نه تسلیم شراب زیاد"  
 ان آر اس وی "نه افراط کننده در شراب زیاد"  
 تی ای وی "متعادل در مصرف شراب"  
 ان ج بی "نباید بیش از حد شراب بنوشد"

این ترکیبی است از پروس و اکچ، به معنای "زیادی داشتن" یا "چیزی را محکم گرفتن". در این زمینه متنی ممکن است "دست از خود شستن" معنا دهد (هارولد ک مولتون، لغتنامه یونانی تحلیلی بازنگری شده، ص ۳۴۹). این عبارت، مانند آیه ۳، به پرهیز کامل از الکل نمی‌پردازد، بلکه به زیاده‌روی در مصرف آن. در برخی فرهنگها، حتی در روزگار ما، مسیحیان با این بیانیه مشکلی ندارند. در امریکا زیاده‌روی در مصرف الکل منجر به جنبش طرفداری از منع مصرف نوشابه‌های الکلی شد که در آن بر بخش‌هایی از کتابمقدس تاکید بیش از حد شد. اگر، به هر دلیلی، عدا در مورد موضع‌گیری کتابمقدس اغراق کنیم، ما معیار می‌شویم، نه کتابمقدس. افزودن به کتابمقدس، به اندازه کاستن از آن مشکلزاست (حتی اگر با خالصانه انگیزه‌ها و برای صمیمانه‌ترین دلایل باشد). آیا کتابمقدس تنها منبع برای ایمان و اعمال است؟ اگر چنین است، باید همه فرهنگها را داوری کند! به مبحث ویژه در ۳: ۳ مراجعه کنید.

◆ **"یا در پی منافع نامشروع"** این جمله به صداقت در کار رهبران پاروقت کلیسا اشاره دارد. اگر اولویت با پول باشد (۶: ۹-۱۰)، با عیسی نمی‌تواند باشد! در عهد جدید معلمین دروغین اغلب با گرایش‌شان به طمع و سوءاستفاده جنسی توصیف می‌شوند. بخاطر داشته باشید که کل این زمینه متنی سوءاستفاده بدعت‌گذاران را منعکس می‌کند.

◆ **"بلکه باید راز ایمان را با وجدانی پاک پاس بدارند"** به نظر می‌رسد این راز اشاره دارد به پذیرفته هر دو یونانیان و یهودیان در خانواده الهی (افسیان ۲: ۱۱-۱۳؛ کولسیان ۱: ۲۶، ۲۷). واژه "ایمان" دارای حرف تعریف است، به این معنی که اشاره دارد به بدنه اصول اعتقادی مسیحیت.

#### مبحث ویژه: نقشه خدا برای نجات، "راز"

خداوند برای نجات بشر نقشه منسجمی دارد که به قبل سقوط انسان برمی‌گردد (پیدایش ۳). اشاراتی به این نقشه در عهد عتیق مکشوف شده‌اند (پیدایش ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۶-۵؛ و بخشهای عالمگیر در کتب پیامبران). با اینحال این برنامه فراگیر روشن نبود (۱ قرن‌تیان ۲: ۸-۶). با آمدن عیسی و روح‌القدس این نقشه روشن‌تر شد. برای توصیف این نقشه نجات کلی که زمانی پنهان و اکنون کاملاً آشکار است پولس کلمه "راز" را بکار برد (۱ قرن‌تیان ۴: ۱؛ افسسیان ۶: ۱۹؛ کولسیان ۴: ۳؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۹). با اینحال او آن را به چندین مفهوم مختلف بکار برد:

۱. سختی کردن جزئی دل قوم اسرائیل تا نقشه شامل حال غیریهودیان هم بشود. ورود غیریهودیان به عنوان راهبردی (حسادت) عمل خواهد کرد برای اینکه یهودیان عیسی به عنوان مسیحی که در نبوتها آمده پذیرند (رومیان ۱۱: ۲۵-۳۲).
۲. انجیل به ملتها معرفی شد، همه آنها بالقوه در مسیح و از طریق مسیح مشمول این نقشه شدند (رومیان ۱۶: ۲۷-۲۵؛ کولسیان ۲: ۲).
۳. ایمانداران هنگام آمدن ثانویه مسیح صاحب بدنهای جدید می‌شوند (۱ قرن‌تیان ۱۵: ۵۷-۵؛ ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۸-۱۳).
۴. همه چیز در مسیح خلاصه می‌شود (افسیان ۱: ۸-۱۱).
۵. یهودیان و غیریهودیان هم‌ارث هستند (افسیان ۲: ۱۱-۱۳).
۶. صمیمیت رابطه بین مسیح و کلیسا که با واژه‌های ازدواج توصیف شده (افسیان ۵: ۲۲-۳۳).
۷. غیریهودیان در قوم عهد پذیرفته و روح مسیح در آنان ساکت شد تا به بلوغ مسیح‌گونه برسند، یعنی، تصویر احیاشده خدا در بشریت سقوط کرده (پیدایش ۱: ۲۷-۲۶؛ ۵: ۱؛ ۶: ۵، ۱۳-۱۱؛ ۹: ۶؛ ۱: ۲۸-۲۶).
۸. ضد مسیح (دجال) در آخر زمان (۲ تسالونیکیان ۲: ص ۱-۱۱).
۹. خلاصه ارایه شده توسط کلیسای اولیه در مورد "راز" در ۱ تیموتائوس ۳: ۱۶ یافت می‌شود.

◆ **"با وجدانی پاک"** واژه وجدان ظاهرا اشاره دارد به اینکه این رهبران کردار و گفتارشان در راستای حقیقت انجیل است. یادداشت مفصل‌تر را در ۱: ۵ ببینید.





۴. به یاری درمندان شتافته باشد (۵: ۱۰)
۵. خود را وقف هر نوع کار نیکو کرده باشد (۵: ۱۰)
- ام آر وینسنت، مطالعات کلام، جلد ۲، ص ۷۵۲ و ۱۱۹۶، می‌گوید اساسنامه‌های رسالتی بازمانده از اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم بین وظایف و دستگذاری خادمان زن کلیسا فرق قائل می‌شود.
۱. شماسان زن
  ۲. بیوه زنان (۱ تیموتائوس ۳: ۱۱؛ ۵: ۱۰-۹)
  ۳. دختران باکره (اعمال ۹: ۲۱ و احتمالاً ۱ قرنتیان ۷: ۳۴)
- این وظایف عبارت بودند از:
۱. مراقبت از بیماران
  ۲. مراقبت از کسانی که مورد جفای جسمی قرار گرفته بود
  ۳. سرکشی به کسانی که به خاطر ایمانشان در زندان بودند
  ۴. تعلیم دادن به نوایمانان
  ۵. کمک به تعمید زنان
  ۶. نظارت بر زنان عضو کلیسا

۳: ۱۳ "خدمت کرده باشند" این فرم فعلی کلمه "شماس" بوده و در عهد جدید واژه‌ای عمومی برای "شیان/خادم" است. در متن یونانی لغت "شماس" در این آیین نیست.

◆ "به مرتبه‌ای والا خواهند رسید" منظور ضرورتاً موقعیت رهبری بالاتر (یعنی شبانی) نیست، بلکه احتمالاً منظور احترام در جامعه است که به آنها اجازه می‌دهد با شهادت پیام انجیل را برسانند.

متن ان آبی اس (پروز شده): ۳: ۱۴-۱۶

<sup>۱۴</sup> گرچه امید آن دارم که بزودی نزدت آیم، ولی اینها را به تو می‌نویسم، <sup>۱۵</sup> تا اگر تأخیری شد، بدانی که در خانه خدا که کلیسای خدای زنده و ستون و بنیان حقیقت است، چگونه باید رفتار کرد. <sup>۱۶</sup> بالاجماع که راز دینداری بس عظیم است: او در جسم ظاهر شد، به واسطه روح تصدیق گردید، فرشتگان دیدندش، بر قومها موعظه شد، جهاتیان به او ایمان آوردند، و با جلال، بالا برده شد.

۳: ۱۵-۱۴ پولس برنامه دارد از تیموتائوس در افسس بازدید کند. روح او را هدایت کرد که بنویسد تا اراده خدا که در ۱ تیموتائوس بیان شده کلیسایش را در تمامی اعصار برکت داده و هدایت کند. این آیات تأیید می‌کند که زمینه تفسیری متن بابهای ۱-۳ به پرستش عمومی ربط دارد. تصور من این است که این آیات پاسخی به معلمین دروغین و صلاحیتهای تعیین شده توسط آنها نیز هستند. این چارچوبی بیطرفانه نیست!

همین وضعیت الهیاتی در لاویان هم دیده می‌شود. این کتاب بیش از آنک مجموعهای از مقررات بهداشتی یا رسومات باشد واکنشی است به فرهنگ کنعانی. درست همانطور که قوانینی ویژه نوشته شدند تا کنعانی‌ها و یهودیان را تا آخرین حد ممکن از هم جدا نگهدارند، این بخش‌ها نیز رسالات شبانی را از معلمین دروغین یهودی/گنوستیک مجزا می‌کنند.

۳: ۱۵ "تا اگر تأخیری شد" این جمله شرطی نوع سوم است که احتمالی را نشان می‌دهد.

◆ "در خانه خدا" پولس از استعارات شخصیتی متعددی، نظیر "بدن" برای توصیف کلیسا استفاده می‌کند، اما خانواده/اهل خانه عمیق‌ترین آنهاست (خدا به عنوان پدر، عیسی به عنوان پسر، ایمانداران به عنوان فرزندان).

◆ "کلیسا"/کلیسیا کلمه ترکیبی یونانی است از "خارج از" و "خواندن". در کوااین یونان از این اصطلاح بر توصیف هر نوع گردهمایی، از قبیل شورای شهر استفاده می‌شد (اعمال ۱۹: ۳۲). کلیسای یهودی اولیه این واژه را از این جهت برگزید که در سپتاگینت، یعنی ترجمه یونانی عهد عتیق بکار رفته بود. این ترجمه ۲۵۰ سال قبل از میلاد برای کتابخانه اسکندریه مصر تحریر شد. این کلمه ترجمه واژه عبری قاهال است، که در عبارت "شورای اسرائیل" (خروج؛ اعداد ۲۰: ۴) بکار رفت. نویسندگان عهد جدید تأکید داشتند که این افراد "برگزیدگان خدا" و قوم خدا در روزگار خودشان بودند. ایمانداران یهودی اولیه بین قوم عهد عتیق و خودشان که قوم عهد جدید بودند، شکافی نمی‌دیدند. پس ایمانداران معتقدند که کلیسای عیسی مسیح وارث متون عهد عتیق هستند، نه یهودیت امروزی تحت نفوذ علمای یهود.

◆ **"کلیسای خدای زنده"** عهد عتیق تاکید دارد بر اینکه تنها و تنها یک خدای وجود دارد (خروج ۸: ۱۰؛ ۹: ۱۴؛ تثنیه ۴: ۳۵، ۳۹؛ ۶: ۴؛ ۳۲؛ ۳۹؛ ۱ سموئیل ۲: ۲؛ اشعیا ۴۰: ۱۳-۱۰؛ ۴۴: ۶-۸؛ ۴۵: ۵-۷). صفت زنده از اسم عهد (۴: ۱۰) برای خدا، یعنی یهوه، می‌آید، که فرم متعدی فعل عبری "بودن" است (خروج ۳: ۱۴).

◆ **"ستون و بنیان حقیقت"** ممکن است این گریزی باشد به اشعیا ۲۸: ۱۶، بنیان خدا عیسی است که سنگ زاویه است، که به نوبه خود اشاره دارد به ۲ تیموتائوس ۲: ۱۹. این سومین از یک رشته عبارات توصیفی است که خدا را به کلیسا ربط می‌دهند.

۱. "خانه خدا" (آیه ۱۵)  
 ۲. "کلیسای خدای زنده" (آیه ۱۵)  
 ۳. "ستون و بنیان حقیقت" (آیه ۱۵)  
 واژه حقیقت (التنیا) در نوشته‌های پولس (و یوحنا) زیاد دیده می‌شود. اغلب این کلمه به محتوای انجیل اشاره دارد (رومیان ۱: ۱۸، ۲۵؛ ۲: ۲؛ ۸، ۳؛ ۷؛ ۱۵؛ ۸؛ ۱ قرنتین ۱۳: ۶؛ ۲ قرنتین ۴: ۲؛ ۶؛ ۷؛ ۱۴؛ ۱۳؛ ۸؛ غلاطیان ۲: ۵، ۱۴؛ ۵؛ ۷؛ افسسیان ۱: ۱۳؛ ۴؛ ۲۱؛ ۵؛ ۹؛ فیلیپیان ۱: ۱۸؛ کولسیان ۱: ۵، ۶؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۰، ۱۲، ۱۳؛ ۱ تیموتائوس ۳: ۱۵؛ ۴: ۳؛ ۵؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۵، ۱۸، ۲۵؛ ۳: ۷، ۸؛ ۴: ۴؛ ۴ تیطوس ۱: ۱، ۱۴). مبحث ویژه مربوط به حقیقت را در ۲: ۴ ببینید.

۱۶: ۳  
 ان آ اس بی "بالاجماع"  
 ان ک ج وی "بدون جر و بحث"  
 ان آر اس وی، ان ج بی "بی تردید"  
 تی ای وی "هیچ کس نمی‌تواند انکار کند"

این واژه یونانی اغلب اقرار یا اعتراف ایمان شخص بکار می‌رود (مبحث ویژه: اعتراف در ۶: ۲). کلمه فوق مشخص می‌کند که سطور بعدی تاکید عقیدتی اولیه هستند.

◆ **"راز دینداری پس عظیم است"** "راز" در نوشته‌های پولس اغلب اشاره دارد به ماموریت غیریهودیان (افسیان ۲: ۳-۱۱: ۱۳)، که ممکن است کلید آیه ۱۶ باشد. یادداشت ۳: ۹ را ببینید. این بیانیه اقراری یا سرود پرستشی مسیحی اولیه را معرفی می‌کند. یکی دیگر از اینها در ۲ تیموتائوس ۲: ۱۳-۱۱ یافت می‌شود. الگوی ضربی ممکن است یکی از اینها باشد: (۱) الف ب پ ت ث ح (حقایق مکشوف در مورد مسیح)؛ (۲) الفب، بالف، الفب (مقایسه بین زمین و آسمان یا تحقیر و سرافرازی)؛ یا (۳) الفبب، الفبب (حقایق آشکار شده در مورد مسیح و کلیسایش). الگوی ضربی در کتاب مقدس برای محققین بمرور روشن‌تر می‌شوند. کتاب مقدس همراه چاپ کرگل در سال ۱۹۹۰ و کتاب شاعر و دهاتی اثر کنت ای بایلی وسیعا از این روش استفاده کردند. به نظر می‌رسد پولس آیه‌ای از یک سرود پرستشی اولیه یا سطری از مناجات کلیسایی را نقل می‌کند. این آیه بر انسانیت مسیح و خدمت جهان شمولش تاکید دارد. سه تاکید الهیاتی عمده پولس در آن نیامده‌اند: (۱) صلیب؛ (۲) قیام؛ و (۳) بازگشت ثانویه. پولس در ۱، ۲ تیموتائوس و تیطوس از مراجع متعددی نقل قول می‌کند که تفاوت دایره لغت منحصر بفرد و کاربرد متمایز واژه های الهیاتی نسبت به سایر نامه‌های پولس را توجیه می‌کند.

◆  
 ان آ اس بی "او که در جسم ظاهر شد"  
 ان ک ج وی "خدا در جسم تجلی یافت"  
 ان آر اس وی "او در جسم ظاهر شد"  
 تی ای وی "او بصورت انسان ظاهر شد"  
 ان ج بی "او در جسم قابل رویت شد"

این عبارت در مورد تجسم (تولد) عیسی مسیح در بیت لحم صحبت می‌کند: زندگیش، تعالیمش، مرگش، و قیامش، که کاملاً پدر را مکشوف می‌کنند (یوحنا ۱: ۱۴-۱۸). استنتاج بسیار قدرتمندی در مورد وجود او قبل از خلقت نیز وجود دارد (یوحنا ۱: ۵-۱؛ ۸: ۵۸-۵۷؛ ۲ قرنتین ۸: ۴؛ فیلیپیان ۲: ۶؛ کولسیان ۱: ۱۷). این حقیقت مرکزی انجیل در مورد عیسی مسیح است، که او خدای کامل و انسان کامل بود (یوحنا ۱: ۱۴؛ فیلیپیان ۲: ۸-۶؛ کولسیان ۱: ۱۶-۱۴؛ ۱ یوحنا ۴: ۶-۱).

دست‌نوشته یونانی متفاوت متأخرتری وجود دارد که در آن ضمیر نسبی هوس به تیوس تغییر داده شده است. این تغییر جدیدتر ممکن است در اثر یکی از اینها ایجاد شده باشد (۱) سردرگمی در مورد عهد عتیق (مخفف در یونانی یونشیا برای چه کسی) که اچ سی خوانده می‌شود (مخفف در یونانی یونشیا برای "خدا") یا (۲) به عنوان تغییر الهیاتی هدفمند توسط کاتبان بعدی

ان آ اس بی (MSS !c, Ac, Cc, D2) به منظور روشنتر کردن متن در مقابل تغییرات بدعتی (بارت دی اهرمان، تحریف بنیادی کتاب مقدس، ص ۷۸-۷۷).

"به واسطه روح تصدیق گردید"

ان آ اس بی

"در روح تایید شد"

ان ک ج وی، ان ج بی

"در روح تصدیق گردید"

ان آر اس وی

"روح حقانیتش را نشان داد"

تی ای وی

درکهای مختلفی از این عبارت وجود دارد. آیا به معنی تصدیق یا تایید است؟ آلی منظور این است که روح القدس در خدمت مسیح فعال بود (ان آ اس بی) یا اینکه روح عیسی توسط پدر تایید می‌شد (متی ۳: ۱۷؛ ۱۷: ۵)، در حالیکه عیسی مانند موجودی انسانی زندگی می‌کرد (ان آر اس وی)؟ برخی از الهیات‌دانان باور دارند روح به الوهیت عیسی اشاره دارد، که در اثر قیامش تصدیق شد (رومیان ۱: ۴).

◆ "فرشتگان دیدندش" فرشتگان مشتاق بودند بدانند خدا با انسان سقوط کرده چه می‌کند (۱ قرن‌تیان ۴: ۹؛ افسسیان ۲: ۷؛ ۳: ۱۰؛ ۱ پطرس ۱: ۱۲). ولی امکان دارد به مراقبت فرشتگان از عیسی، در تجربه وسوسه شدنش (متی ۴: ۱۱؛ مرقس ۱: ۱۳)، در باغ جتسمانی (لوقا ۲۲: ۴۳، که متن سوال‌برانگیزی است)، یا درست بعد از قیامش (لوقا ۲۴: ۴، ۲۳؛ یوحنا ۲۰: ۱۲) اشاره داشته باشد. این عبارت آنقدر کوتاه و مبهم است که مفسران نظریات متعددی پیشنهاد کردند که هم حدس محض هستند:

۱. خدمت فرشتگان به عیسی (بالا)

۲. فرشتگانی که صعود او را اعلام می‌کردند (فرشتگان الهی/یا فرشتگان سقوط کرده، ۱ پطرس ۳: ۲۰-۱۹، ۲۲)

۳. فرشتگانی که نشستنش به تخت در آسمان را اعلام می‌کردند

◆ "بر قومها موعظه شد" این موعظه انجیل در سطح جهانی است که برای یهودیان قرن اول شدیداً شوک‌آور می‌بود، اما در واقع نکته اساسی است (متی ۲۸: ۲۰-۱۸). این راز دینداری است (افسس ۲: ۳-۱۱: ۱۳).

"جهانیان به او ایمان آوردند"

ان آ اس بی، ان ک ج وی

"سراسر جها به او ایمان آوردند"

ان آر اس وی، تی ای وی، ان ج بی

نه تنها این پیام، بلکه پاسخ نیز جهانی بود، و اکنون متشکل هم یهودیان و غیریهودیان بود (افسس ۲: ۳-۱۱: ۱۳). این نقشه همیشگی خدا بوده است. خدای واحد حقیقی به وعده خود در ۳: ۱۵ عمل کرد. توبه شخصی و ایمان به انجیل در زمان حاضر، در این دنیا، در بهشت را برای "هرکسی" باز می‌کند (یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ رومیان ۱۰: ۱۳-۹). مبحث ویژه: استنقاده پولس از کوزموس در ۱: ۱۶ را ببینید.

◆ "با جلال بالا برده شد" ظاهراً این به صعود مسیح اشاره دارد. جای تعجب است که مرگ، قیام و بازگشت عیسی ذکر نشده اند، اما اگر این سرودی مسیحی بود، احتمالاً تنها بخشی از آن آمده، که قابل درک است. همچنین، تفسیر شخص بستگی دارد به اینکه کدام الگوی وزنی (ضربی) را دنبال کند (آیه ۱۶). این سرود یا مناجات مرتبط با بیانیه افتتاحی قویا گنوستیسیم را نفی می‌کند. عیسی در فرم انسان به جلال رسید (الگوی ضربی شماره ۲)؛ با اینحال مطابق با ترجمه ان آر اس وی سه خط آخر ممکن است به کلیسا اشاره داشته باشند (الگوی ضربی شماره ۳). برای یادداشت کاملتر در مورد "جلال" ۱: ۱۷ را ببینید.

### پرسشهای مربوط به بحث

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصاً مسئولیت تفسیر خود از کتاب مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم شما، کتاب مقدس و روح القدس مقدم بر تفسیر هستیم. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده اند تا به شما کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را وادار به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱. چند نمونه خادم وجود دارد؟

۲. چرا شبانان، اسقف‌ها و مشایخ در عهد جدید به نامهای متفاوت خوانده می‌شوند؟

۳. آیا عهد جدید شماس زن دارد؟ اگر دارد وظیفه آنها چیست؟
۴. چرا تصور می‌شود آیه ۱۶ سرود مسیحی در مورد عیسی مسیح باشد؟
۵. ضرب چیست؟ اهمیتش در چیست؟

## اول تیموتائوس ۴

### تقسیم‌بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید

ان ج بی	تی ای وی	ان آر اس وی	ان ک ج وی	یو بی اس
معلمین دروغین	معلمین دروغین	معلمین دروغین	ارتداد بزرگ	پیش‌بینی ارتداد
۱-۱۱:۴	۱-۵:۴	۱-۵:۴	۱-۵:۴	۱-۵:۴
خادم خوب عیسی مسیح	خادم خوب عیسی مسیح	خادم خوب عیسی مسیح	خادم خوب عیسی مسیح	خادم خوب عیسی مسیح
۶-۱۰:۴	۶-۱۰:۴	۶-۱۰:۴	۶-۱۰:۴	۶-۱۰:۴
			در خدمت خود دقت کن	
۱۶-۱۲:۴	۱۶-۱۱:۴	۱۶-۱۱:۴	۱۶-۱۱:۴	۱۶-۱۱:۴

### دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب مقدس" صفحه xi)

#### تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم شما، کتاب مقدس و روح القدس مقدم بر تفسیر هستیم. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و الی آخر

#### برداشتهای دقیق‌تر از متن ۴: ۱-۱۶

الف) مانند بابهای ۱-۳، بابهای ۴-۶ را نیز می‌توان با توجه به مسئله معلمین دروغین تفسیر کرد.  
 ب) باب ۴ رهبری منفی (آیات ۱-۵) و مثبت (آیات ۶-۱۰) را منعکس می‌کند.  
 ج) آیات ۱۱-۱۶ پیام شخصی پولس به تیموتائوس هستند که تا ۶:۲ ادامه می‌یابد.

## مطالعه لغت و عبارت

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۴: ۱-۵  
 ۱ اما روح، آشکارا می‌گوید که در زمانهای آخر، برخی از ایمان رویگردان شده، از ارواح گمراهاننده و تعالیم دیوها پیروی خواهند کرد. ۲ این از طریق تعالیم دروغگویان ریاکاری است که وجدانشان بی‌حس شده است. ۳ ایشان ازدواج را منع می‌کنند و به پرهیز از خوراکهایی فرمان می‌دهند که خدا آفریده است تا مؤمنان که از حقیقت آگاهند، با شکرگزاری از آن بهره‌مند شوند. ۴ زیرا هرآنچه خدا آفریده است، نیکوست و هیچ چیز را نباید رد کرد، هرگاه با شکرگزاری پذیرفته شود، ۵ چرا که به‌وسیله کلام خدا و دعا تقدیس می‌گردد.

۴: ۱ "اما روح، آشکارا می‌گوید" این ممکن است اشاره داشته باشد به (۱) نبوت عهد عتیق؛ (۲) پولس به عنوان کسی که مستقیماً از رو الهام دریافت می‌کند (اعمال ۲۰: ۳۳)؛ یا پیامهای الهامی از سایر رهبران هم عصر صاحب عطا (اعمال ۲۱: ۱۱).



ان آ اس بی، ان آر اس وی، تی ای وی	"زمانهای بعد از آن"
ان ک ج وی	"زمانهای بعدی"
ان ج بی	"زمانهای آخر"

پولس، همانند پیامبران عهد عتیق، از زمان خودش می‌گفت، اما آن را به روزهای آخر پیش از بازگشت ثانویه مسیح ربط می‌داد. پولس در ۲ تسالونیکیان ۲ در مورد تاخیر در بازگشت ثانویه مسیح تعلیم می‌دهد. بنابراین، این توصیف نافرمانی و تعالیم انحرافی زمان خود او (۲ تیموتائوس ۳: ۱) و نیز زمان بین آمدن اول و دوم مسیح (۲ پطرس ۳: ۳؛ یهوذا ۱۸) را تشریح می‌کند. عهد جدید اغلب این روزهای آخر یا آخر زمان را همانند انبیاء عهد عتیق توصیف می‌کند که بحران دوره خود را گرفته و آن را به زمینه‌های آخرتی ربط می‌دادند (متی ۲۴: ۱۲-۱۰؛ اعمال ۲۰: ۲۹-۳۰؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۲-۳؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱-۹؛ ۴: ۴-۳؛ ۱ یوحنا ۲: ۱۸-۱۹؛ ۴: ۱-۳).



ان آ اس بی	"رویگردان شدن"
ان ک ج وی	"فاصله گرفتن"
ان آر اس وی	"انکار کردن"
تی ای وی	"واگذاریدن"
ان ج بی	"رها کردن"

یکی از نشانه‌های نجات واقعی این است که شخص در کلیسا بماند (یوحنا ۲: ۱۸). مبحث ویژه: نیاز به مداومت در ۴: ۱۶ را مرور کنید.

### مبحث ویژه: ارتداد (آفیسستمی)

واژه یونانی آفیسستمی زمینه معنایی گسترده‌ای را پوشش می‌دهد. با اینحال واژه "ارتداد" در انگلیسی "آپاستسی" از این واژه مشتق شده است و کاربرد آن برای خواننده امروزی را از پیش تعیین می‌کند. مثل همیشه زمینه متن، کلید است، نه تعریف از پیش تعیین شده. این واژه‌ای مرکب است از حرف اضافه آپو، به معنای "از" یا "بدور از" و هیستمی، "نشستن"، یا "ایستادن"، یا "تثبیت کردن". به کاربردهای زیر (غیر الهیاتی) توجه کنید:

۱. حذف فیزیکی

الف. از معبد، لوقا ۲: ۳۷

ب. از یک خانه، مرقس ۱۳: ۳۴

ج. از یک شخص، مرقس ۱۲: ۱۲؛ ۱۴: ۵۰؛ اعمال ۵: ۳۸

د. از همه چیز، متی ۱۹: ۲۷، ۲۹

۲. حذف سیاسی، اعمال ۵: ۳۷

۳. حذف ارتباطی، اعمال ۵: ۳۸؛ ۱۵: ۳۸؛ ۱۹: ۲۲؛ ۲۹: ۲۲

۴. حذف قانونی (طلاق)، تثنیه ۲۴: ۱، ۳ و عهد جدید، متی ۵: ۳۱؛ ۱۹: ۷؛ مرقس ۱۰: ۴؛ ۱ قرننتیان ۷: ۱۱

۵. حذف یک بدهی، متی ۱۸: ۲۴

۶. اظهار بی اعتنایی از طریق ترک کردن، متی ۴: ۲۰؛ ۲۲: ۲۷؛ یوحنا ۴: ۲۸؛ ۱۶: ۳۲

۷. اظهار نگرانی از طریق ترک نکردن، یوحنا ۸: ۲۹؛ ۱۴: ۱۸

۸. مجاز کردن یا اجازه دادن ۱۳: ۳۰؛ ۱۹: ۱۴؛ مرقس ۱۴: ۶؛ لوقا ۱۳: ۸

از لحاظ الهیاتی هم فعل کاربردهای گسترده‌ای دارد:

۱. کنسل کردن، بخشیده، پاک کردن تقصیر گناه، سپتچواگینت خروج ۳۲: ۳۲؛ اعداد ۱۴: ۱۹؛ ایوب ۴۲: ۱۰ و عهد جدید، متی ۶: ۱۲، ۱۵-۱۴؛ مرقس ۱۱: ۲۶-۲۵

۲. برای بازداشتن از گناه، ۲ تیموتائوس ۲: ۱۹

۳. برای نادیده گرفتن از طریق دور شدن از چیزی

الف. شریعت، متی ۲۳: ۲۳؛ اعمال ۲۱: ۲۱

ب. ایمان، حزقیال ۲۰: ۸؛ لوقا ۸: ۱۳؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۳؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۱؛ عبرانیان ۳: ۱۲

ایمانداران امروزی سولات الهیاتی زیادی می‌پرسند که هرگز به فکر نویسندگان عهد جدیدی خطور نمی‌کرد. یکی از آنها مربوط است به گرایش جدید به جدا کردن ایمان است از ایمانداری

افرادی در کتاب مقدس وجود دارند که با قوم خدا و آنچه رخ می‌دهد ارتباط دارند.

#### ۱. عهد عتیق

الف. قورح، اعداد ۱۶

ب. پسران عیسی، ۱ سموئیل ۲، ۴

ج. شائول، ۱ سموئیل ۱۳-۱۱

د. پیامبران دروغین (مثالها)

۱. تثنیه ۱۳: ۵-۱؛ ۱۸: ۱۸-۲۲

۲. ارمیاء ۲۸

۳. حزقیال ۱۳: ۷-۱

ه. پیامبران زن دروغین

۱. حزقیال ۱۳: ۱۷

۲. نحمیاء ۶: ۱۴

و. رهبران شرور یهودی (مثالها)

۱. ارمیاء ۵: ۳۰-۳۱؛ ۸: ۲-۱؛ ۲۳: ۴-۱

۲. حزقیال ۲۲: ۳۱-۲۳

۳. میکاه ۳: ۱۲-۵

#### ۲. عهد جدید

الف. این واژه یونانی از لحاظ لغوی مرتد کردن است. عهد قدیم و جدید هر دو بر تشدید شرارت و تعلیم غلط پیش از

آمدن ثانویه مسیح تاکید دارند (متی ۲۴: ۲۴؛ مرقس ۱۳: ۲۲؛ اعمال ۲۰: ۲۹، ۳۰؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۳، ۹-

۱۲؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۴). این کلمه یونانی احتمال دارد گفته‌های عیسی در متی خاکها در لوقا ۸: ۱۳ را منعکس

کند. معلمین دروغین احتمالا مسیحی نیستند، ولی از میان آنها آمدند (اعمال ۲۰: ۲۹-۳۰؛ ۱ یوحنا ۲: ۱۹)؛ با

اینحال آنها قادرند ایمانداران واقعی، اما نابالغ را فریب داده و اسیر کنند (عبرانیان ۳: ۱۲). سوال الهیاتی این

است که آیا معلمین دروغین هرگز ایماندار بودند یا خیر؟ جواب دادن به این سوال دشوار است، زیرا در

کلیساهای محلی نیز معلمین دروغین وجود داشتند (۱ یوحنا ۲: ۱۹-۱۸). غالبا سنتهای الهیاتی و فرقه‌ای ما بدون

اشاره به متن کتاب مقدسی خاص به این سوال پاسخ می‌دهند (بجز روشی که در آن شخص برای اثبات نظرش

یک آیه نقل را نقل می‌کند، بدون آنکه به زمینه متن توجه کند)

ب. ایمان ظاهری

۱. یهودا، یوحنا ۱۷: ۱۲

۲. شمعون جادوگر، اعمال ۸

۳. کسانی که در متی ۷: ۲۳-۲۱ ذکر شده‌اند

۴. کسانی که در متی ۱۳: ۱-۲۳، مرقس ۴: ۱-۱۲؛ لوقا ۸: ۱۰-۴ ذکر شده‌اند

۵. یهودیان در یوحنا ۸: ۵۹-۳۱

۶. اسکندر و هیمانئوس، ۱ تیموتائوس ۱: ۲۰-۱۹

۷. کسانی که در ۱ تیموتائوس ۶: ۲۱ ذکر شده‌اند

۸. هیمانئوس و فیلاتئوس، ۲ تیموتائوس ۲: ۱۸-۱۶

۹. دماس، ۲ تیموتائوس ۴: ۱۰



۱۰. ایمانداران ظاهری در عبرانیان ۳: ۱۰-۱۶

۱۱. معلمین دروغین، ۲ پطرس ۲: ۱۹-۲۱؛ یهوذا ۱۹-۱۲

۱۲. ضد مسیح (دجال)، ۱ یوحنا ۲: ۱۸-۱۹

ج. ایمان ثمربخش

۱. متی ۷: ۱۳-۲۳

۲. ۱ قرننتیان ۳: ۱۵-۱۰

۳. ۲ پطرس ۱: ۸-۱۱

ما ندرتا در مورد این متون فکر می‌کنیم زیرا الهیات سازمان‌بندی شده (کالوینیسیم، ارمنی‌گرایی، غیره) پاسخ ما را از قبل دیکته می‌کند. لطفاً بخاطر پیش کشیدن این موضوع در مورد من پیشداوری نکنید. نگرانی من در مورد روش تفسیر مناسب است. باید اجازه دهیم کتاب مقدس با ما سخن بگوید و سعی نکنیم آنرا در الهیات جدید حل کنیم این اغلب دردناک و شوک‌آور است زیرا بیشتر الهیات ما فرقه‌ای، فرهنگی یا رابطه‌ای (والدین، دوستان، شبان) است، نه کتاب مقدسی. برخی از کسانی که در میان قوم خدا هستند معلوم می‌شود از قوم خدا نیستند (رومیان ۹: ۶).

◆ "ایمان" این واژه (معمولاً با حرف تعریف) در رساله‌های شبانی برای بدنه حقیقت مسیحی مکشوف شده بکار می‌رود (۳: ۹؛ ۴: ۶؛ ۵: ۸؛ ۶: ۱۰، ۱۲، ۲۱؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۸؛ ۳: ۸، ۱۰؛ ۴: ۷؛ ۵: ۱؛ ۶: ۱۳، ۲: ۲). در اینجا آنقدر که به تعالیم غلطشان اشاره دارد لزوماً به نجات آنها اشاره ندارد.

◆ "پیروی خواهند کرد" این اسم مفعوم زمان حال معلوم است که تاکید می‌کند بر اینکه عمل دنباله‌دار است. این مرتدان به اعتقاد و باور به تعالیم در مورد ارواح ناپاک ادامه دادند.

۲: ۴

ان آ اس بی	"از طریق ... دروغ‌گویان ریاکاری است"
ان ک ج وی	"با ریاکاری دروغ می‌گویند"
ان آر اس وی	"از طریق ریاکاری دروغ‌گویان"
تی ای وی	"انتشار یافته از طریق دروغ‌گویان فریبکار"
ان ج بی	"فریب‌خورده توسط ریاکاری دروغ‌گویان"

اینها مدعی هستند که "معلم شریعتند" (۷: ۱). در ۱: ۷-۳؛ ۲: ۳-۷ و ۶: ۱۰-۳، ۲۱-۲۰ این افراد توصیف می‌شوند.

۱. نظریات اعتقادی عجیب را تعلیم می‌دهند (۱: ۳؛ ۶: ۳)
۲. به اسطوره‌ها و شجرنامه‌ها توجه می‌کنند (۱: ۴)
۳. به بحث‌های بی‌ثمر کشیده شده‌اند (۱: ۶)
۴. در مورد چیزهایی که نمی‌فهمند با اعتماد به نفس نظر می‌دهند (۱: ۷؛ ۶: ۴)
۵. دروغ‌گوهای ریاکاری هستند (۴: ۲)
۶. وجدان خاموشی دارند (۴: ۲)
۷. ازدواج را منع می‌کنند (۴: ۳)
۸. دوری از برخی از غذاها را ترویج می‌کنند (۴: ۳)
۹. افسانه‌ها را پیش می‌کشند (۴: ۷)
۱۰. از خود راضی هستند (۶: ۴)
۱۱. علاقه ناسالمی به پرسشهای بحث‌انگیز و مشاجرات در مورد کلام دارند (۶: ۴)
۱۲. مرتب در حال ایجاد تنش هستند (۶: ۵)
۱۳. اطلاعات غلط دارند (۶: ۲۱-۲۰)
۱۴. از ایمان منحرف شده‌اند (۴: ۱؛ ۶: ۲۱)



ان آ اس بی	"ارواح گمراکننده و تعالیم دیوها"
ان ک ج وی	"ارواح فریبنده و تعالیم دیوها"
ان آر اس وی	"ارواح گمراکننده و تعالیم دیوها"
تی ای وی	"ارواح دروغگو و تعالیم دیوها"

نظر پولس در مورد این معلمین دروغین خیلی منفی است. او تعالیشان را به کار شیطان (مبحث ویژه در ۳: ۶، را ببینید و به ۲: ۱۴؛ ۳: ۷-۶ رجوع کنید) و دیوها ربط می‌دهد. از بسیاری جهات نظر پولس در مورد این بدعتها با نظر عهد عتیق در مورد پرستش کنعانی‌ها برای باروری همسو است. خدا به اسرائیلی‌ها فرمود این افراد را بکلی نابود کنند زیرا ایمان را فاسد می‌کنند. همین هشدار در اینجا نیز یافت می‌شود (۲ تسالونیکیان ۲: ۱۰-۹؛ یعقوب ۳: ۱۵؛ یوحنا ۲: ۱۸-۱۹).



ان آ اس بی "وجدانشان بی‌حس شده است"  
 ان ک ج وی "وجدانشان را با داغ آهن بی‌حس کردند"  
 ان آر اس وی "وجدانشان با داغ آهن بی‌حس شده"  
 تی ای وی "وجدانشان مرده، چنانکه گویی با داغ آهن سوخته"  
 ان ج بی "گویی وجدانشان با آهن گداخته داغ شده"

این به یکی از دو چیز اشاره دارد. اول، معلمین دروغین کارشان از توبه گذشته بود (افسیان ۴: ۱۹؛ تیطوس ۱: ۱۵). واژه انگلیسی به معنای "داغ کردن" از لغت یونانی گرفته شده است. دوم، این واژه اشاره دارد به داغ شیطان که نشان مالکیت اوست (مکاشفه ۱۳: ۱۶، ۱۷؛ ۱۴: ۱۱؛ ۱۶: ۱۶؛ ۱۹: ۲۰؛ ۲۰: ۴). از آنجایی که این افراد از مشاهده حقیقت امتناع کردند، اکنون دیگر قادر به دیدن آن نیستند (۲ قرنتیان ۴: ۴). این گناهی نابخشودنی در اناجیل است و گناهی که در ۱ یوحنا ۵ منجر به مرگ می‌شود. یادداشت مربوط به وجدان در ۱: ۵ را ببینید.

۴: ۳ "ایشان ازدواج را منع می‌کنند و به پرهیز از خوراکهایی فرمان می‌دهند" در اینجا به دو تعلیم ریاضتی معلمین دروغین آورده شده است. اول، منع ازدواج، که با پیشینه یونانی (گنوستیک) یا احتمالاً نفوذ اسرن یهودی (جامعه طومار دریای مرده) ربط دارد. ازدواج هدیه‌ای از سوی خدا (پیدایش ۲: ۲۴) و اراده خداست (پیدایش ۱: ۲۸؛ ۹: ۱، ۷). ازدواج روندی طبیعی است، تجرد دعوت خاص و عطاست (متی ۱۹: ۱۱-۱۲؛ ۱ قرنتیان ۷). دوم، اجتناب از خوراکها، ظاهراً به زمینه یهودی مربوط است (لاویان ۱۱). از لحاظ الهیاتی در پیدایش ۱: ۳۱-۲۸ به هر دو موضوع پرداخته شده است. در میان افراد مذهبی همیشه به بی‌اعتنایی به دنیای مادی، تجرد به عنوان شرایطی روحانی‌تر و اجتناب از غذا و نوشیدنی و ریاضت به عنوان وضعیت روحانی برتر گرایش وجود داشته است (متی ۱۵: ۱۱؛ مرقس ۷: ۱۷-۲۳؛ رومیان ۱۴: ۱۵-۱۳؛ ۱ قرنتیان ۸: ۸؛ ۱۰: ۲۳-۲۳؛ کولسیان ۲: ۲۳-۸). فهرست ویژگیهای رهبران در باب ۳ احتمالاً با این معلمین دروغین مرتبط است. توجه داشته باشید که ازدواج و شراب هر دو مجاز هستند (۳: ۲، ۱۲؛ ۵: ۹ و ۳: ۳، ۵؛ ۸: ۲۳).

◆ "حقیقت" مبحث ویژه در ۲: ۴ را ببینید.

۴: ۴ "زیرا هر آنچه خدا آفریده است، نیکوست و هیچ چیز را نباید رد کرد" برای مطالعه در مورد حقیقت عظیم نیکویی آنچه خدا آفریده به پیدایش ۱: ۳۱؛ رومیان ۱۴: ۱۴، ۱۶؛ ۲۰: ۱؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۲؛ ۱۰: ۲۶؛ تیطوس ۱: ۱۵ مراجعه کنید. با این همه ما باید اینرا با این حقیقت موازنه کنیم که گرچه ممکن است همه چیز برای کسانی که می‌دانند مبدشان خداست نیکو و پاک باشد، اما همه آنها کلیسا را تذهیب نمی‌کنند (۱ قرنتیان ۶: ۱۲ و ۱۰: ۲۳). بنابراین، ما به عنوان مسیحیان بخاطر دیگران و به احترام مسیح آزادی خود را محدود می‌کنیم (رومیان ۱۴: ۱۵-۱؛ ۱ قرنتیان ۱۰-۸). کلمه "رد کردن" از لحاظ لغوی به معنای "دور انداختن" است. موفات آنرا "ممنوع" ترجمه می‌کند. به سنتهای فرهنگی و فرقه‌ای توجه کنید (اشعیا ۲۹: ۱۳؛ کولسیان ۲: ۸-۲۳).

۴: ۵ کلام بیان شده خدا باعث خلقت شد (پیدایش ۱: ۳، ۶، ۷، ۱۴، ۲۰، ۲۴) و نیکویی اولیه همه چیز را تأیید می‌کند (پیدایش ۱: ۳۱). ایمانداران خدا را برای خلقت و تمهیدش (رومیان ۱۴: ۱۶؛ ۱ قرنتیان ۱۰: ۳۰) شکر می‌کنند (آین ۴ب).

◆ "دعا" این واژه (انتیوکسس) در عهد جدید تنها دوبار بکار رفته است، و هر دو در ۱ تیموتائوس هستند (۲: ۱ و ۴: ۵). این دلالت دارد بر ملاقات یک نفر به منظور بازدید از او. اغلب "شفاعت" ترجمه شده (۲: ۱)؛ اما در اینجا "شکرگذاری" مناسبتر به نظر می‌رسد. به یاد داشته باشید که این زمینه متن است و نه فرهنگ لغت، که معنای کلمات را تعیین می‌کند!

متن ان آبی اس (بروز شده): ۴: ۶-۱۰

اگر این امور را به برادران گوشزد کنی، خادم نیکوی مسیح عیسی خواهی بود، پیوسته پرورش یافته در کلام ایمان و تعلیمی نیکو که پیروی آن کرده‌ای. <sup>۷</sup> تو را با افسانه‌های کفرآمیز و حکایت‌های پیرزنان کاری نباشد، بلکه خود را در دینداری تربیت کن. <sup>۸</sup> زیرا گرچه تربیت بدن را اندک فایده‌ای است، اما دینداری برای همه چیز فایده دارد، و هم زندگی حال را و عده می‌دهد، هم حیات آینده را. <sup>۹</sup> این سخنی است درخور اعتماد و پذیرش کامل <sup>۱۰</sup> که ما امید خویش را بر خدای زنده نهاده‌ایم که نجات‌دهنده جمله آدمیان، بخصوص مؤمنان است؛ و برای همین نیز زحمت می‌کشیم و جد و جهد می‌کنیم.

۴: ۶ "اگر این امور را به برادران گوشزد کنی" هوئیتمی، دوم شخص است و به معنای "پیشنهاد". دقت کن که پولس برای تشویق تیموتائوس را به اصلاح اعضاء کلیسا چه ملائمتی را بکار می‌برد (باب ۵). در مقایسه به آیه ۱۱ توجه کنید که در آن اکیدا دستور می‌دهد به مشکلات مربوط به آن کلیسا رسیدگی شود. هر دوی اینها در جای خود مناسب هستند.

◆ "پیوسته پرورش یافته در کلام ایمان و تعلیمی نیکو" این اسم مفعول مجهول زمان حال است (گرچه از لحاظ فرمی دوم شخص است، که ایمانداران را تشویق می‌کند خود حقیقت ایمان را مطالعه کنند). خادمان از طریق باورهای حقیقی مسیحیت تغذیه می‌شوند (از نظر من این دو عبارت توصیفی مترادف هستند). در ۲ تیموتائوس ۳: ۱۷-۱۵ اهداف کتاب مقدس بوضوح بیان می‌شود، درست مانند مسئولیت ایمانداران در ۲ تیموتائوس ۲: ۱۵، بخصوص با توجه به تعالیم غلط (۲ تیموتائوس ۲: ۱۴-۱۸).

◆ "که پیروی آن کرده‌ای" این فعل اخباری معلوم کامل است. تیموتائوس سابقه وفاداری مشخصی دارد. معنی این واژه ممکن است (۱) پیروی کردن (۲ تیموتائوس ۳: ۱۰) علی (۲) دقیقاً بررسی شده (لوقا ۱: ۳) باشد.

۴: ۷ "تو را با افسانه‌های کفرآمیز و حکایت‌های پیرزنان کاری نباشد" نامه‌های شبانی (فعل امری دوم شخص حاضر) بحث‌های نظری با معلمین دروغین خودسر را منع می‌کند (۱ تیموتائوس ۱: ۴؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۸-۱۴، ۲۳؛ تیطوس ۱: ۱۴؛ ۳: ۹). همین فعل (پارا/پیتومای) در ۱ تیموتائوس ۴: ۷؛ ۵: ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۳ و تیطوس ۳: ۱۰ بکار رفته است. واژه "پیرزنان" (گارچیس) در عهد جدید تنها اینجا استفاده شده است. هارولد ک مولتون، لغت‌نامه یونانی تحلیلی بازنگری شده، ص ۸۲، بطور ضمنی می‌گوید معنای آن "بی‌معنی" و "مزخرف" است. از آنجایی که من با گوردون فی هم‌عقیده هستم که معلمین دروغین این زنان را به بازی گرفته و آنها را بکار بردند تا نظرات خود را در کلیساهای خانگی بیان کنند، پس سوال اینجا است که

۱. آیا این پیرزنان معلمین دروغین بودند (۵: ۶)؟
۲. آیا راهی است برای تاکید بر مشکلات زنان؟
۳. آیا این تنها اصطلاح فرهنگی پدران کلیسا بود؟

◆ "خود را در دینداری تربیت کن" این فعل امری معلوم زمان حال است. "تربیت" یا "در حال تعلیم"، استعاره ورزشی است که واژه انگلیسی "ژیمناسیم" از آن گرفته شده است. تعلیم ورزشی مثال خوبی است از تلاش طاقت‌فرسا، متعهدانه و فداکارانه برای ما تا مسیحیان را در قلمرو روحانی آشنا کند که اهمیت فوق‌العاده‌تری دارد (۱ قرن‌تیان ۹: ۲۷-۲۴؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۵؛ ۴: ۷؛ عبرانیان ۱۲: ۳-۱).

◆ "دینداری" این واژه‌ای اساسی در رسالات شبانی است که به کاربردهای روزانه و اعتقادی انجیل در سبک زندگی اشاره دارد (۳: ۱۶). در واقع این کلمه چیزی را توصیف می‌کند که مورد انتظار است نه استثناء. این لغت ترکیبی است از "خوب" (بیر) و "پرستش" (سیومای). پرستش واقعی زیستن روزانه همراه با تفکر مناسب است (۴: ۱۶). به تعداد دفعاتی که این واژه در رسالات شبانی بکار رفته دقت کنید:

۱. اسم (بوسیبیا)، ۱ تیموتائوس ۲: ۲؛ ۳: ۱۶؛ ۴: ۷، ۸؛ ۶: ۳، ۵، ۶، ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۵؛ تیطوس ۱: ۱
۲. قید (بوسیبس)، ۲ تیموتائوس، تیطوس ۲: ۱۲
۳. فعل (بوسریچ)، ۱ تیموتائوس ۵: ۴
۴. واژه مربوطه تئوسریا، ۱ تیموتائوس ۲: ۱۰
۵. واژه منفی شده (یعنی، آسیبیا)، ۲ تیموتائوس ۲: ۱۶؛ تیطوس ۲: ۱۲

۴: ۸ بدن جسمانی بخشی از سهم حیات ماست، اما اولویت نیست. اولویت با دینداری است.

۴: ۹ "این سخنی است درخور اعتماد" این عبارت ممکن است به آیه ۸ یا ۱۰ ربط داشته باشد. پولس اغلب این عبارت را برای برجسته کردن سخنان مهم در رسالات شبانی بکار می‌برد (۱: ۱۵؛ ۳: ۱؛ ۴: ۹؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۱؛ تیطوس ۳: ۸)،

درست همانطوریکه عیسی "آمین، آمین" می‌گوید یا پولس در نوشتنهای قدیمی‌ترش می‌گوید "ای برادران نمی‌خواهم بی‌خبر باشید".

۴: ۱۰ "زحمت می‌کشیم و جدّ و جهد می‌کنیم" اینها هر دو استعاره‌های ورزشی هستند. دومی، که ریشه کلمه انگلیسی "اگونی" یا "اگونایز" است در فیلیپیان ۲: ۱۶؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۱۲؛ و ۲ تیموتائوس ۴: ۷ نیز بکار رفته است. در دست‌نوشته‌های یونانی تفاوتی در این عبارت هست: (۱) MSS !c, D, L, P, O241، و ترجمه‌های ولگیت، پشیتا، و قبطی عبارت "رنج از سرزنش" است (ان ک ج وی)، در حالیکه (۲) A, C, F, G, K، و ۰۷۵ کلمه "جهد" را دارند (ان آ اس بی، ان آر اس وی، تی ای وی، ان ج بی، ان آی وی). یو بی اس به "جهد" رتبه اعتباری C می‌دهد، به این معنا که کمیته تصمیم‌گیری در مورد نسخه‌های مختلف را دشوار یافتند.



"که ما امید خویش را بر ... نهاده‌ایم"	ان آ اس بی
"که توکل داریم بر"	ان ک ج وی
"زیر که ما امید خویش را بر ... بسته‌ایم"	ان آر اس وی
"زیرا ما امید خویش را بر ... قرار داده‌ایم"	تی ای وی
"است که توکل خود را بر ... قرار دادیم"	ان ج بی

این فرم اخباری معلوم کامل است. ایمانداران به وجود ثابت، اطمینان‌بخش و تغییرناپذیر خدا به عنوان تنها امیدشان توکل دارند (مزمور ۱۰۲: ۲۷-۲۶؛ ملاکی ۳: ۶؛ عبرانیان ۱: ۱۲-۱۱؛ ۱۳: ۸؛ یعقوب ۱: ۱۷). قطعیت نجات ما بر پایه ماهیت یهوه بنا شده است (رومیان ۶: ۱۷؛ رومیان ۱۵: ۱۲؛ ۲ قرنتیان ۱: ۱۰).

◆ "پر خدای زنده" برداشت من این است که این واژه یونانی نام خدای بانی عهد در عهد عتیق را منعکس می‌کنند. در واقع این کلمه ریشه معنایی واژه "یهوه" است، که فرم سببی کلمه عبری "بودن" است (خروج ۳: ۱۴). یهوه تنها خدای زنده و همیشگی است.

◆ "که نجات‌دهنده جمله آدمیان، بخصوص مؤمنان است" این عنوان بارها در رسالات شبانی بکار رفته است (۱: ۱؛ ۲: ۳؛ ۳: ۲ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ تیطوس ۱: ۴-۳؛ ۲: ۱۳-۱۰؛ ۳: ۴، ۶). در بابهای قبلی ۱ تیموتائوس این عبارت برای خدا به عنوان نجات‌بخش بالقوه کل نسل بشر استفاده شده است (۲: ۴، ۶؛ لوقا ۲: ۱۱؛ یوحنا ۱: ۲۹؛ ۴: ۴۲؛ رومیان ۵: ۱۹-۱۸؛ ۱ پطرس ۳: ۹). احتمالاً به دلیل عبارت کوتاه "بخصوص مومنان" (که از لحاظ الهیاتی انتظار می‌رود "تنها" باشد) این عنوان ممکن است مانند الوهیم در عهد عتیق بکار رود، به معنای "محافظ"، "فراهم کننده" تمام حیات روی زمین (متی ۵: ۴۵؛ اعمال ۱۷: ۲۸).

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۴: ۱۱-۱۶  
11 این چیزها را حکم فرما و تعلیم ده. 12 مگذار هیچکس تو را به سبب جوانی حقیر شمارد، بلکه در گفتار و کردار و محبت و ایمان و پاکي، همه مؤمنان را سرمشق باش. 13 تا آمدنم، به قرانت کلام خدا و اندرز و تعلیم مشغول باش. 14 به آن عطای روحانی که در توست بی‌اعتنایی مکن، عطایی که به واسطه نبوت یافتی، آنگاه که هیئت مشایخ بر تو دست گذاشتند. 15 در این امور بکوش و خود را به تمامی وقف آن کن تا پیشرفت تو بر همه آشکار شود. 16 بدقت، مراقب شیوه زندگی و تعلیم خود باش. در آنها پائیزی کن، که اگر چنین کنی خویشتن و شنوندگانت را نجات خواهی داد.

۴: ۱۱ "حکم فرما" این فرم امری معلوم حال و اژهای به معنای "فرمانهای نظامی اکید" است (۱: ۳، ۱۸).

◆ "این چیزها را ... تعلیم ده" این نمونه دیگری است از فرم امری معلوم زمان حال. پولس تیموتائوس را تشویق می‌کند که کنترل را در دست گیرد. این معلمین دروغین و افسارشان (احتمالاً زنان بیوه جوان، ۲ تیموتائوس ۳: ۷-۶) در کلیسا باعث آشفتگی شده بودند.

۴: ۲ "مگذار هیچکس تو را به سبب جوانی حقیر شمارد" این فرم امری معلوم زمان حال است همراه با حرف نفی که معمولاً معنایش متوقف کردن عملی است که قبلاً شروع شده است. واژه "جوان" در فرهنگ رومی و یونانی به مردی اشاره دارد که سنش کمتر از ۴۰ سال است. احتمالاً معلمین دروغین از سن تیموتائوس ایراد می‌گرفتند تا از این طریق از تعالیم او ایراد بگیرند و آنها را بی ارزش جلوه دهند (۱ قرنتیان ۱۶: ۱۱). تیموتائوس نماینده رسالتی پولس بود. پولس در تیطوس ۲: ۱۵ تیطوس را تقریباً به همین روش تشویق می‌کنند.

♦ **"بلکه در گفتار و کردار و محبت و ایمان و پاکی"** تیموتائوس لازم بود با استفاده از روش زندگیش نشان دهد (امری دوم شخص زمان حال) برای رهبری مجهز است (آیات ۶ و ۷). ضرورت داشت روش زندگیش دقیقاً متضاد با روش زندگی معلمین دروغین باشد. در دست‌نوشته‌های یونانی این عبارت تفاوت وجود دارد. در تکستوس رسپتوس بعد از "در محبت"، "در روح" را اضافه می‌کند. این در دست‌نوشته‌های یونیکال P و K, L و نیز دست‌نوشته‌های جدیدتر دیده می‌شود. با اینحال، این در A, C, D, F, G, ! و والگیت، سیریان و ترجمه‌های قبطی وجود ندارد، که نشان می‌دهد این کلمه توسط کاتبان بعدها اضافه شد.

۴: ۱۳ "تا آمدنم" (۳: ۱۴)

♦ **"مشغول باش"** این نمانه دیگری از فعل امری معلوم زمان حال است. پولس به تیموتائوس به عنوان رهبر رسمی در پرستش جمعی سه وظیفه عمومی را گوشزد می‌کند: (۱) قرانت عمومی کتاب‌مقدس؛ (۲) موعظه؛ و (۳) تعلیم. کلیساهای اولیه فرم ابتدایی پرستش را از کنیسه آموختند (اعمال ۱۳: ۱۵؛ ۱۵: ۲۱).

۴: ۱۴ **"بی‌اعتنایی مکن"** این فعل امری زمان حال است همراه با حرف تعریف منفی که معمولاً معنایش توقف عملی در حال انجام است. آیا این آیه اشاره ضمنی دارد به اینکه تیموتائوس به عطای خود بی‌عتنا بود یا اینکه نباید نسبت به عطایش بی‌توجه باشد؟ من فکر می‌کنم دومی درست است.

♦ **"عطای روحانی که در توست"** به هر ایمانداری هنگام ایمان آوردنش عطای روحانی داده می‌شود (۱ قرن‌تیموتائوس: ۷، ۱۱، ۱۸). در این مورد خاص، رهبران کلیسای محلی لیستره عطای تیموتائوس را تشخیص دادند (اعمال ۱۶: ۲) و در برنامه تعهدسپاری خاص تایید کردند (۱: ۱۸). عطای روحانی را خدای تثلیث به ایمانداران می‌بخشد (۱ قرن‌تیموتائوس: ۶-۴) تا برای پیشبرد بدن مسیح بکار رود (۱ قرن‌تیموتائوس: ۷، ۱۱). زمان دقیق عطای آن بوضوح ذکر نمی‌شود، تعداد دقیق عطایا روشن نیست، و مکانیزم دقیق مکشوف نمی‌شود. آنچه روشن است این است که به همه ایمانداران برای خدمت عطا داده می‌شود (افسیان ۴: ۱۲).

♦ **"بر تو دست گذاشتند"** ظاهراً این فرآیند وقف در کلیسای عهد جدید است (اعمال ۶: ۶؛ ۱۳: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۶)، که از عهد عتیق گرفته شده بود (اعداد ۸: ۱۰؛ تثنیه ۳۴: ۹).

#### مبحث ویژه: دست‌گذاری

این نشانه مسئولیت‌پذیری شخصی بطرق مختلف در کتاب‌مقدس بکار رفته است.

۱. انتقال رهبری در خانواده (پیدایش ۴۸: ۱۸)
۲. ارتباط با مرگ یک قربانی به عنوان جایگزین
- الف. کاهنان (خروج ۲۹: ۱۰، ۱۵، ۱۹؛ لاویان ۱۶: ۲۱؛ اعداد ۸: ۱۲)
- الف. افراد عادی (لاولین ۱: ۴؛ ۳: ۲؛ ۸: ۴؛ ۴: ۵، ۲۴؛ ۲ قرن‌تیموتائوس: ۲۳)
۳. جدا کردن شخص برای خدمت خدا در کاری خاص یا خدمتی (اعداد ۸: ۱۰؛ ۲۷: ۱۸؛ ۲۳؛ تثنیه ۳۴: ۹؛ اعمال ۶: ۶؛ ۱۳: ۳؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۱۴؛ ۵: ۲۲؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۶)
۴. مشارکت در سنگسار یک گناهکار (لاویان ۲۴: ۱۴)
۵. دریافت برکتی جهت سلامتی، شادی، و دینداری (متی ۱۹: ۱۳، ۱۵؛ مرقس ۱۰: ۱۶)
۶. ارتباط با شفای جسمانی (متی ۹: ۱۸؛ مرقس ۵: ۲۳؛ ۶: ۵؛ ۷: ۳۲؛ ۸: ۱۶؛ ۱۸؛ لوقا ۴: ۴۰؛ ۱۳: ۱۳؛ اعمال ۹: ۱۷؛ ۲۸: ۸)
۷. دریافت روح‌القدس (اعمال ۸: ۱۹-۱۷؛ ۹: ۱۷؛ ۱۹: ۶)

در مورد بخشهایی که بطور تاریخی برای حمایت از انتصاب کلیسایی رهبران (دست‌گذاری) مورد استفاده قرار گرفته‌اند ناهمگونی خیرمکننده‌ای وجود دارد.

۱. در اعمال ۶: ۶ رسولان هفت خادم محلی را دست‌گذاری می‌کنند.
۲. در اعمال ۱۳: ۳ انبیا و معلمین برای خدمت بشارتی بر برناباس و پولس دست می‌گذارند.
۳. در ۱ تیموتائوس ۴: ۱۴ رهبران محلی که در دعوت اولیه و انتصاب تیموتائوس دخیل بودند اینکار را می‌کنند.
۴. در ۲ تیموتائوس ۶: ۱ پولس تیموتائوس را دست‌گذاری می‌کند.

این گوناگونی و ابهام نشانگر عدم سازماندهی در کلیسای قرن اول است. کلیسای اولیه پویاتر بود و مرتباً عطایای روحانی ایمانداران را بکار می‌گرفت (۱ قرن‌تیموتائوس: ۱۴). عهد جدید نوشته نشده تا الگوی مدیریتی یا روش دست‌گذاری را اشاعه یا مشخص کند.

◆ **"عطایی که به واسطه نبوت یافتی"** آیا این بدین معناست که عطای روحانی تیموتائوس زمانی به او داده شد (۱) که برای خدمت جدا شد (۱: ۱۴) یا (۲) انبیاء بر او دست گذاشتند (۲ تیموتائوس ۱: ۶)؛ یا (۳) پیامبران صاحب عطا بودن او را تایید و رهبران وی را وقت خدمت کردند (۱: ۱۸)؟ من شماره ۳ را ترجیح می‌دهم.



ان آ اس بی، ان ک ج وی "شیخان کلیسا"  
 ان آر اس وی "توسط هیئت مشایخ"  
 تی ای وی "مشایخ"  
 ان ج بی "مجموعه مشایخ"

ناچارم بپذیرم که تا حدی استیصال وارد این متن می‌کنم. من دارای تعصبی الهیاتی بر علیه اشعاع "روحانی/غیرروحانی" هستم که در مسیحیت گسترش یافته است. باور من این است که همه ایمانداران برای بلوغ و خدمت خوانده شده‌اند و دارای عطا هستند (۱ قرن‌تیا ۱۲؛ افسسیان ۴: ۱۱-۱۲). همه ایمانداران مقدس و مبشر هستند!

مفهوم اصلاح‌طلبانه "کهنات ایماندار" که ابتدا توسط مارتین لوتر بیان شد از یک نکته کتاب‌مقدسی غافل می‌شود. همه ایمانداران باید مانند کاهن عمل کنند (خروج ۱۹: ۶-۵؛ اعداد ۱۶: ۳). از لحاظ کتاب‌مقدس این باید "کهنات ایمانداران" باشد!

حال که این گفته شد متوجه می‌شوم خدا ایمانداران را فرامی‌خواند تا ایمانداران را رهبری کنند. جای بحث نیست که برخی برای هدایت، راهنمایی، تشویق، بلند کردن و سازماندهی قوم خدا فرارخوانده و تجهیز شده‌اند. بااینحال، این رهبران ایمانداران خاص، یا ایمانداران ممتاز نیستند، بلکه رهبران خادمند (متی ۱۸: ۴-۱؛ ۲۰: ۲۸-۲۰؛ ۲۳: ۱۱). دستگذاری امروزی گرایش دارد به اینکه برخی حقایق کتاب‌مقدس را کج‌بها جلوه دهد:

۱. همه ایمانداران مبشران خادمند

۲. همه ایمانداران دارای عطا جهت خدمت هستند

دستگذاری از تایید غیر رسمی عطا و تعهد سپردن همراه بلدها برای کار خدمتی خاص تبدیل شد به نخبه‌گرایی پر جزئیات و پر طمطراق. این مفهوم باید عوض شود؛ این الگو باید مجدداً ارزشگذاری گردد، این تغییر غیر کتاب‌مقدس باید مورد چالش قرار گیرد. مسیحیت امروزی سنت و نخبه‌گرایی زیادی را تنها بر مبنای پایه‌های کتاب‌مقدس راجع بنا کرده است. پس اعتبار اینها از کجا می‌آید، از بخشهای روشن عهد جدید یا از سنتهای فرقه‌ای؟

۱۵: ۴

ان آ اس بی "در این امور بکوش"  
 ان ک ج وی "در این امور دقت کن"  
 ان آر اس وی "این امور را اجرا کن"  
 تی ای وی "به این امور عمل کن"  
 ان ج بی "بگذار توجّه معطوف این باشد"

این نیز فعل امری معلوم زمان حال است. در ترجمه یونانی متون عبری (متن سپتاگینت) این واژه برای تعمق بکار رفته است (اشعیا ۱۳: ۱۸؛ اعمال ۴: ۲۵). در عهد جدید ظاهراً مفهوم فعالیت شدید را دارد.



ان آ اس بی "خود را به‌تمامی وقف آن کن"  
 ان ک ج وی "خود را در آن غرق کن"  
 ان آر اس وی، تی ای وی "خود را وقف آن کن"  
 ان ج بی "مشغله تو باشد"

این نمونه دیگری از فعل امری زمان حال است، به معنای "خود را وقف این تعالیم کن". بگذار اولویت اول زندگی باشند. لازم است حقیقت خدا چنان واضح و روشن در زندگی ما عجین شود که دیگران آشکارا مسیح را در ما ببینند!

◆ **"تا پیشرفت تو بر همه آشکار شود"** بیاد داشته باشید که تیموتائوس قرار بود در حضور ایمانداران و غیرایمانداران زندگی کند تا آنها بهانه‌ای برای انتقاد از انجیل و خدمت او نداشته باشند (۳: ۲، ۷، ۱۰؛ ۵: ۷، ۸، ۱۴؛ ۶: ۱۴). متضاد دقیق این پیشرفت در دینداری در معلمین دروغین دیده می‌شود (۲ تیموتائوس ۲: ۱۶ و ۳: ۹).

۴: ۱۶ "بدقت، مراقب شیوه زندگی و تعلیم خود باش" این نمونه دیگری از فعل امری معلوم زمان حال است. تیموتائوس لازم بود به رشد و تغذیه روحانی خود زمان بدهد. این برای شبانان زمان ما کلام مفیدی است (آیات ۶، ۷، ۱۲).

◆ "در آنها پایداری کن" این نیز فرم امری معلوم زمان حال است. تیموتائوس میبایست نمونه‌ای از پایداری باشد زیرا معلمین دروغین و پیروانشان ظاهراً مداومت نشان ندادند. نجات تنها به اعتراف اولیه و دینداری ربط ندارد، بلکه به مداومت در این امور هم مربوط است. پایداری نشانه نجات راستین است! در مسیحیت واقعی مبتنی بر کتاب مقدس، شیوه زیستن شخص و شیوه اتمام کار شخص همگی اهمیت حیاتی دارند!

#### مبحث ویژه: ضرورت پایداری

نظریات مسیحی مربوط به زندگی مسیحی را دشوار می‌توان توضیح داد زیرا در چارچوب زوجهای منطقی شرقی ارائه شده‌اند. این زوجها به نظر متناقض می‌آیند، با اینحال هر دو کتاب مقدسی هستند. مسیحیت غربی گرایش دارد به اینکه یک حقیقت را انتخاب و دیگری را نادیده گرفته و یا وارونه جلوه دهد. بگذارید توضیح دهم.

۱. آیا نجات تصمیم اولیه برای ایمان به مسیح است یا تعهد برای شاگرد ماندن در همه عمر؟
۲. آیا نجات گزینش از طریق فیض خدای حاکم است یا اعتقاد انسان و تصمیم همراه با توبه برای پذیرش هدیه الهی؟
۳. آیا وقتی نجات دریافت شد، از دست دادنش غیرممکن می‌شود، یا شخص باید پیوسته هشیار باشد؟

بحث مداومت در تمام طول تاریخ ایجاد منازعه کرده است. ظاهراً مشکل با بخشهای متناقض در عهد جدید شروع می‌شود. ۱. متون اطمینان بخش

- الف. بیانات عیسی (یوحنا ۶: ۳۷؛ ۱۰: ۲۸-۲۹)
- ب. بیانات پولس (رومیان ۸: ۳۵-۳۹؛ افسسیان ۱: ۱۳؛ ۲: ۵، ۸-۹؛ فیلیپیان ۱: ۶؛ ۲: ۱۳؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۳؛ ۳ تیموتائوس ۱: ۱۲؛ ۴: ۱۸)
- ج. بیانات پطرس (۱ پطرس ۱: ۵-۴)

#### ۲. متون در مورد لزوم پایداری

- الف. بیانات عیسی (متی ۱۰: ۲۲؛ ۱۳: ۹-۱۰، ۲۴-۲۵؛ مرقس ۱۳: ۱۳؛ یوحنا ۸: ۳۱؛ ۱۵: ۱۰-۴؛ مکاشفه ۲: ۷، ۱۷، ۲۰؛ ۳: ۵، ۱۲، ۲۱)
- ب. بیانات پولس (رومیان ۱۱: ۲۲؛ ۱ قرنتین ۱۵: ۲؛ ۲ قرنتین ۱۳: ۵؛ غلاطیان ۱: ۶؛ ۳: ۴؛ ۴: ۵؛ ۹: ۶؛ فیلیپیان ۲: ۱۲؛ ۳: ۱۸-۲۰؛ کولسیان ۱: ۲۳)
- ج. بیانات نویسنده عبرانیان (۲: ۱۳؛ ۳: ۶؛ ۴: ۱۴؛ ۶: ۱۱)
- ج. بیانات یوحنا (۱ یوحنا ۲: ۶؛ ۲ یوحنا ۹)
- ج. بیانات پدرا (مکاشفه ۲۱: ۷)

نجات در کتاب مقدس از محبت، رحمت و فیض خدای حاکم تثلیث نشات می‌گیرد. بدون ابتکار عمل روح هیچ انسانی نمی‌تواند نجات پیدا کند (یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). الوهیت اول وارد صحنه می‌شود و زمینه را فراهم می‌کند، اما لازمه آن این است که انسان هم در همان ابتدا و هم بعد از آن در ایمان بپذیرد و توبه کند. خدا با انسان در رابطه مبتنی بر عهد کار می‌کند. امتیازات و مسئولیتهایی وجود دارد! نجات نوعی فرآیند، عهد، و رابطه شخصی بویا است.

نجات در اختیار همه انسانها قرار گرفته است. مرگ مسیح مشکل گناه خلقت سقوط کرده را حل کرد. خداوند راهی فراهم کرد و می‌خواهد همه آنها که بصورت او آفریده شدند محبتش و تمهیدش را در مسیح بپذیرند و در آن بمانند.

اگر مایلید در این مورد از منظر غیرکالوینیستی بیشتر بدانید به منابع زیر مراجعه کنید:

۱. دیل وودی، کلام حقیقت، اردمنز، ۱۹۸۱ (صفحات ۳۶۵-۳۴۸)
۲. هوارد مارشال، محفوظ به قدرت خدا، مشارکت بیبانی، ۱۹۶۹
۳. رابرت شانک، زندگی در پسر، وسنگات، ۱۹۶۱

کتاب مقدس به دو مشکل مختلف در این زمینه می‌پردازد: (۱) خاطر جمعی به عنوان مجوزی برای زندگی بی‌ثمر و خودخواهانه (۲) تشویق کسانی که با خدمت و گناه شخصی دست و پنجه نرم می‌کنند. مشکل این است که گروه‌های غلط پیام غلطی را گرفته و بر مبنای بخش محدودی از کتاب مقدس سیستم الهیاتی بنا می‌کنند. برخی مسیحیان شدیداً محتاج پیام اطمینان بخش هستند، در حالیکه برخی دیگر نیاز به هشدارهای جدی دارند. شما جزو کدام گروه هستید؟

◆ "که اگر چنین کنی خویشتن و شنوندگانت را نجات خواهی داد" این ممکن است به آیه ۱۰ یا مبحث معلمین دروغین ربط داشته باشد (۲: ۱۵). پولس همیشه نگران این بود که خود را هشیار نگهدارد تا مبادا صلاحیتش را از دست دهد (۱ قرنتین ۹: ۲۷).

عهد جدید از زمانهای فعلی متعددی برای توصیف نجات استفاده می‌کند: (۱) گذشته کامل (عمل کامل شده)، اعمال ۱۵: ۱۱؛ رومیان ۸: ۲۴؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۹؛ تیطوس ۳: ۵ (رومیان ۱۳: ۱۱ گذشته کامل را با آینده پیوند می‌دهد)؛ (۲) کامل (یعنی

حالت موجود بودن)، افسسیان ۲: ۵، ۸؛ (۳) حال (در عمل در حال اجرا)، ۱ قرنتیان ۱: ۱۸؛ ۱۵: ۲؛ ۲ قرنتیان ۲: ۱۵؛ ۱۵؛ ۱  
پطرس ۳: ۲۱؛ ۴: ۱۸؛ و (۴) آینده (با توجه به زمان فعل یا اشارات متنی)، رومیان ۵: ۹، ۱۰؛ ۱۰: ۹؛ ۱۱: ۲۶؛ ۱۳: ۱۱؛ ۱  
قرنتیان ۳: ۱۵؛ ۵: ۵؛ فیلیپیان ۱: ۲۸؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۹-۸؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۱۶؛ عبرانیان ۱: ۱۴؛ ۹: ۲۸؛ ۱ پطرس ۱:  
۵. بنابراین، نجات با تصمیم اولیه از روی ایمان آغاز و با فرآیند زندگی مبتنی بر ایمان که روزی به کمال می‌رسد ادامه می‌یابد  
(۱ یوحنا ۲: ۲).

### پرسشهای مربوط به بحث

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیر  
خود از کتاب مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم شما، کتاب مقدس و روح القدس مقدم بر تفسیر  
هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده اند تا به شما کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را  
وادر به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱. آیا معلمین دروغین مسیحی هستند؟ آیا هرگز مسیحی بوده‌اند؟
۲. چرا اجتناب کامل از مشروبات الکلی و ریاضت برای کلیسا خطر آفرین است؟
۳. معنای آیه ۱۰ چیست؟ آیا همه در آخر نجات می‌یابند؟
۴. تیموتائوس چگونه می‌توانست بر مسئله جوان بودنش غلبه کند؟



## اول تیموتائوس 5

### تقسیم‌بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید

ان ج بی	تی ای وی	ان آر اس وی	ان ک ج وی	یو بی اس
کار شبانی	مسئولیت نسبت به ایمانداران	شبان و اعضا	طرز برخورد با اعضای کلیسا	وظایف نسبت به دیگران
۱-۲ : ۵	۱-۲ : ۵	۱-۲ : ۵	۱-۲ : ۵	۲-۱ : ۵
زنان بیوه			احترام به بیوزنان واقعی	
۳-۸ : ۵	۳-۸ : ۵	۳-۸ : ۵	۳-۱۶ : ۵	۳-۱۶ : ۵
۹-۱۶ : ۵	۱۰-۹ : ۵ ۱۶-۱۱ : ۵	۹-۱۶ : ۵		
افراد مسن			احترام به افراد مسن	
۲۲-۱۷ : ۵	۲۲-۱۷ : ۵	۲۲-۱۷ : ۵	۲۵-۱۷ : ۵	۲۳-۱۷ : ۵
۲۳ : ۵	۲۳ : ۵	۲۳ : ۵		
۲۴-۲۵ : ۵	۲۴-۲۵ : ۵	۲ : ۶ - ۲۴ : ۵		۲ : ۶ - ۲۴ : ۵

### دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب مقدس" صفحه xi)

#### تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم شما، کتاب مقدس و روح القدس مقدم بر تفسیر هستیم. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و الی آخر

برداشتهای دقیق‌تر

الف) با توجه به زمینه تاریخی وسیعتر کتاب، این سخنان نصیحت‌آمیز شبانی نیز احتمالا به نوعی با اعمال معلمین دروغین مرتبط هستند

۱. مشکلات با بیوزنان (۵: ۱۶-۳)
۲. مشکلات با افراد مسن (۵: ۲۵-۱۷)
۳. مشکلات با برده‌ها (۶: ۲-۱)
۴. مشکلات معلمین دروغین (۶: ۱۰-۲)

الف. اصول عقیدتی

ب. ثروت

ب) سه واژه در این قسمت وجود دارد که به دو معنای مختلف بکار رفته‌اند

۱. شیخ

الف. مردان مسن (آیه ۱)

ب. رهبران کلیسای خانگی (آیه ۱۷)

۲. بیوه

الف. بازمانده مونث یک ازدواج که کلیسا یاریش می‌کرد (آیات ۸-۳)

ب. گروه خاصی از خادمان زن کلیسا که کلیسا آنها را بکار می‌گرفت (آیات ۱۶-۹)

۳. عزت

الف. احترام (آیات ۳ و ۱۷)

ب. حقوق (آیات ۳ و ۱۷)

ج. هر دو

ج) از جهاتی باب ۵ به باب ۳ ربط دارد. در آیه ۵: ۱۷ "مشایخ" به ناظران در ۳: ۱ اشاره دارد و "فهرست" بیوه‌ها (ثبت نام) به "زنان" در ۳: ۱۱ مربوط است. من فکر می‌کنم متمایز دانستن بیوزنایی که کلیسا کمکشان می‌کرد (آیات ۸-۳) و بیوه زنایی که در کلیسا خدمت می‌کردند تا حدی اشتباه است، و دلیل برای این نظر عبارت است از:

۱. در مورد صلاحیت بیوزنان سختگیری وجود دارد (آیات ۵، ۱۰-۹). آیا این بدان معناست که کلیسا تنها از بیوه زنایی خاص حمایت می‌کرد؟

۲. "ثبت‌نام" در آیه ۹ ظاهرا فهرست خاصی است از بیوزنان.

۳. "فهرست" (آیه ۹: ۵) یا تعهد (در واقع "ایمان ابتدایی") در آیه ۱۲ معنای فراتر از تعهد برای خودداری از ازدواج

مجدد است. چرا باید ازدواج مجدد ایجاد مشکل کند؟ اینکار بیوزن را از نیاز به حمایت کلیسا خارج می‌کرد،

ولی چه پیش می‌آمد اگر این قراردادی بود جهت استخدام در کلیسا؟ در اینصورت کلیسا به افراد نیازمند کمک

می‌کرد (یعنی حقوق)، و نیز از خدمت آنها (یعنی برای خدمت به زنان دیگر) بهره می‌برد.

۴. بحث "مشایخ" که در آیه ۱۷ شروع می‌شود، شامل کمک مالی کلیساست.

## مطالعه لغت و عبارت

متن ان آبی اس (بروز شده): ۵: ۱-۲  
۱ مرد سالخورده را توبیخ مکن، بلکه او را همچون پدر خود اندرز ده، و جوانان را همانند برادران خود،<sup>۲</sup> و زنان سالخورده را همچون مادران، و زنان جوانتر را همانند خواهران خویش، در کمال پاکی

۵: ۱ "توبیخ مکن" این جمله وجه شرطی معلوم خبری است با حرف نفی، به این معنا که عملی را آغاز نکن. این واژه یونانی عجیبی است، که از لحاظ لغوی معنایش "زدن" است (۳: ۱۳). مسیحیان باید رفتار متفاوتی داشته باشند، آنها باید همیشه در محبت و در جهت صلح عمل کنند. این نصیحت احتمالا منعکس‌کننده تذکر برای احترام به افراد مسن در لایوان ۱۹: ۳۲ باشد.

◆ "مرد سالخورده" این از لحاظ لغوی همان واژه "شیخ" است (پرزبیتروس). در این زمینه متنی این لغت به دو معنا بکار می‌رود: (۱) برای شخص مسن (آیه ۱) و (۲) برای موقعیت رهبری در کلیساهای خانگی محلی (آیه ۱۷ و ۱ پطرس ۵: ۱، ۵).

مبحث ویژه: سن

الف. نقل قولی از ماموریت زندگی مسیحی در "آینده‌ای برای خانواده"، ۱۹۷۳، ص ۱۶، اثر آل دی جانسون، تحت عنوان "افراد مسن عبری-مسیحی":

"نگرش ما نسبت به بالا رفتن سن، که بر عکس حرفهای قشنگمان در رفتارمان انعکاس می‌یابد، نشان می‌دهد که ما بیشتر احساسی کتابمقدس را توصیه می‌کنیم تا از روی اطاعت. احتمالاً در میان جوامع متمدن هیچ جامعه‌ای به اندازه جامعه ما به افراد مسن بی‌توجهی نمی‌کند. ما جوانان را پرستش می‌کنیم. از جوانان مراقبت می‌کنیم، آنها را تر و خشک می‌کنیم، بیش از حد مراقبتشان هستیم، سعی می‌کنیم دلشان را بدست آوریم، به آنها رشک می‌پریم، و وقتی سعی می‌کنیم ادای آنها را درآوریم در واقع خودمان را سبک می‌کنیم. بالاترین ارزش ما جوانی است و پایین‌ترین سن.

با اینحال پوچی چنان سیستم ارزشی سروتهی ناچارا آشکار است. در دنیای غرب از هر شش نفر ما یکی بالای شصت سال دارد، و این نسبت در حال بالا رفتن است."

ب. نحوه برخورد فرهنگها با افراد مسن شدیداً تغییر کرده است.

۱. فرهنگهای شرقی احترام و توجه زیادی به افراد مسنشان نشان می‌دهند.

۲. در فرهنگ سرخپوستان امریکا افراد مسن را به حال خود رها می‌کنند تا بمیرند.

ج. کتابمقدس برای کمک به ما در این زمینه خط و مشی‌هایی را ارائه می‌دهد.

۲. مطالب کتابمقدس

الف. عهد عتیق

۱. سن برکتی الهی برای گام برداشتن در مسیر عهد است

الف. امثال ۱۶: ۳۱

ب. پیدایش ۱۵: ۱۵

ج. خروج ۲۰: ۱۲؛ تثبیه ۶: ۲؛ ۲۲: ۷-۶؛ ۲۵: ۱۵

د. ایوب ۵: ۲۶-۱۷ (بخصوص آیه ۲۶)

ه. مزبور ۹۱: ۱۶-۱۴

و. مزبور ۹۲: ۱۵-۱ (بخصوص ۱۵-۱۴)

۲. حتی زندگی پربرکت هم مشکلات خودش را دارد

الف. توصیف تصویری کهنسالی در جامعه ۱۲: ۵-۱ یافت می‌شود

ب. اسحاق دید ضعیفی دارد، پیدایش ۲۷: ۱

ج. ایوب دید ضعیفی دارد، پیدایش ۴۸: ۱۰

د. ایلی دید ضعیفی دارد، ۱ سموئیل ۳: ۲

ه. برزلائی حس شنوایی و چشایی ضعیفی دارد. ۲ سموئیل ۱۹: ۳۵-۳۱

و. داود گردش خون ضعیفی دارد، ۱ پادشاهان ۱: ۴-۱

ز. اهیچ دید ضعیفی دارد، ۱ پادشاهان ۱: ۱۴

۳. خدا هرگز ما را ترک نمی‌کند، حتی در زمان پیری

الف. مزبور ۳۷: ۲۶-۲۳

ب. مزبور ۷۱: ۹، ۱۸

ج. مزبور ۷۳: ۲۴

۴. سن، چون علامتی از برکت خداست باید مورد احترام قرار گیرد

الف. لاویان ۱۹: ۳۲

ب. روت ۴: ۱۵

ج. امثال ۲۳: ۲۲

د. بی‌احترامی داوری شده و خواهد شد

۱. تثبیه ۲۸: ۵۰

۲. سموئیل ۲: ۳۲-۳۱

۳. اشعیا ۳: ۵

۴. مراثی ۴: ۱۶؛ ۵: ۱۲

ه. حکمت سلیمان ۲: ۱۰

و. حکمت بن سیراه (جامعه) ۸: ۶

۵. عمر پربرکت حکمت و بصیرت ببار می‌آورد

الف. ۱ پادشاهان ۱۲: ۸

ب. ایوب ۱۲: ۱۲، ۲۰

ج. ایوب ۱۵: ۱۰

د. جامعه ۲۵: ۶

ه. استثنائاتی وجود دارد

۱. ایوب ۳۲: ۶

۲. جامعه ۴: ۱۳  
 ۳. اشعیاء ۳: ۵  
 ۶. سن بالا چه سنی است؟  
 الف. لاویان ۲۷: ۸-۱، ۶۰ سالگی  
 ب. مزبور ۹۰: ۱۰، معمولی ۷۰-، کاملاً ۸۰-  
 ج. اشعیاء ۶۵: ۲۰، ۱۰۰ سالگی  
 د. جامعه ۱۸: ۹، ۱۰۰ سالگی  
 ب. عهد جدید  
 ۱. اول تیموتائوس  
 الف. نقش بیوزنان ۵: ۳  
 ب. طرز برخورد با افراد مسن تر ۳: ۱-۲  
 ج. ایمانداران نسبت به خانواده خود مسئولیت دارند ۳: ۸  
 ۳. چند پیشنهاد عملی  
 الف. به کودکان خود یاد دهید به افراد سالخورده احترام بگذارند (خود شما روزی به این محتاج خواهید شد!)  
 ب. سرکشی به اعضاء مسن خانواده را به پروژه‌های خانوادگی تبدیل کنید. در صورت امکان بخصوص در ایام تعطیل به بستگان مسن سر بزنید و اگر امکانش نیست به آنها زنگ زده یا نامه بنویسید.  
 ج. از همسایه‌های مسن یا سرای سالمندان بازدید کنید. کلیسای خود را تشویق کنید خانه‌ای را پذیرفته و مرتباً از بهاران دیدن کند.  
 د. زمانی را به بچه‌هایتان اختصاص دهید تا در کنار پدربزرگ و مادربزرگشان باشند، چه واقعی و چه غیر واقعی.  
 ه. کلیساهای خود را تشویق کنیم که خدمات بزرگسالان ارشد را توسعه دهد. عضوی را منسوب کنید تا هماهنگی لازم را انجام دهد  
 و. خود نیز شخصا برای بازنشستگی برنامه‌ریزی و کسب آمادگی کن.

◆ **"بلکه او را همچون پدر خود اندرز ده"** این فعل امری معلوم زمان حال است. تاکید پولس بر این است که تیموتائوس با اعضاء کلیسای خانگی مانند خانواده خود رفتار کند (مرقس ۳: ۳۵-۳۱). عزت و احترام به "پدر و مادر" احتمالاً به ده فرمان برمی‌گردد (آیه ۴).

۲: ۵ "زنان جوانتر را همانند خواهران خویش، در کمال پاکي" بدلیل (۱) سن تیموتائوس و (۲) سوءاستفاده جنسی معلمین دروغین (۲) تیموتائوس، پولس مخصوصاً پاکي روابط با زنان را بدقت گوشزد می‌کند.

متن ان آبی اس (بروز شده): ۵: ۳-۸  
 ۳ **بیوه‌زنانی** را که برآستی بی‌کس‌اند، حرمت گذار. ۴ اما اگر بیوه‌زنی فرزندان و نوه‌ها دارد، آنان باید نخست بیاموزند که با نگاهداری از خانواده خویش، دینداری خود را در عمل نشان دهند و این‌گونه بین خود را به والدین و اجدانشان آدا کنند، چرا که این خدا را خشنود می‌سازد. ۵ اما آن که برآستی بیوه است و بی‌کس، امیدش یکسره بر خداست و شب و روز را به دعا و طلب کمک از خدا می‌گذراند. ۶ حال آنکه بیوه‌زنی که زندگی را به لذتجویی می‌گذراند، در حال حیات، مرده است. ۷ این چیزها را توصیه کن تا از ملامت بدور باشند. ۸ اگر کسی در پی تأمین معاش خویشان و بخصوص خانواده خود نباشد، منکر ایمان است و پست‌تر از بی‌ایمان.

۵: ۳ **"بیوه‌زنانی را ... حرمت گذار"** واژه "حرمت" در آیه ۳ و ۱۷ ممکن است به حقوق یا موابی اشاره داشته باشد که کلیسا (۱) به زنان بیوه (آیات ۸-۳)؛ (۲) زنان خادم خاص (آیات ۱۶-۹)؛ و (۳) مشایخ می‌پرداخت (آیات ۲۲-۱۷). به نظر می‌رسد که کلیسا به تبعیت از عهد عتیق و کنیسه (تثنیه ۲۴: ۱۷-۲۲؛ خروج ۲۲: ۲۲-۲۴؛ اشعیاء ۱: ۱۷؛ اعمال ۶: ۱؛ ۹: ۳۹، ۴۱)، از بیوه‌زنان مراقبت می‌کرد. نگرانی پولس این بود که کسانی که کلیسا کمکشان می‌کرد واقعا نیازمند بودند و خانوادگی نداشتند که از آنها نگهداری کنند (آیات ۴، ۱۶). معلمین دروغین از بیوه‌زنان نهره‌برداری می‌کردند (آیات ۶، ۱۵). پولس کلیسا را نصیحت می‌کند که به بیوه‌زنان واقعی کمک کند.

۵: ۴ **"اگر"** این جمله شرطی نوع اول است (مانند آیه ۸). بیوه‌زنانی بودند که خانواده‌هایشان آنها را نادیده می‌گرفتند (آیه ۸، ۱۶).

◆ **"چرا که این خدا را خشنود می‌سازد"** این احتمالاً به ده فرمان در مورد احترام به پدر و مادر اشاره دارد (خروج ۲۰: ۱۲)، در اینجا مادر بیوه. در عهد عتیق خدا از ضعیفان، افراد محروم از حقوق مدنی و فاقد قدرت دفاع می‌کند. دعوت برای دفاع از "بیوه‌زنان، یتیمان و بیگانگان" در اینجا همانقدر نهادین است که در عبارت تثنیه‌ای بود (در ارمیاء تکرار شده).

ایمانداران محبت و احترام خود نسبت به بپوهه را از طریق احترام به کلام و اراده‌اش جهت حفظ وابستگی‌ها و مسئولیت‌های محکم خانوادگی نشان می‌دهند.

**۵: ۵** "اما آن که برآستی بیوه است و بی‌کس" پولس برای زمان خودش در زمینه صلاحیت برای دریافت کمک از کلیسا راهبرد دقیق می‌دهد (اما نه در "فهرست" آیه ۹): (۱) فعل زمان کامل به این معنا که تنهاست و تنها خواهد بود؛ (۲) فعل زمان کامل به این معنا که زنی دیندار است و دیندار خواهد بود؛ (۳) فعل زمان کامل به این معنا که از طریق دعای پیوسته از لذات دنیوی وارسته است و وارسته خواهد بود. آنا (لوقا ۲: ۳۷) و دورکاس (اعمال ۹: ۳۶) (گرچه در مورد او گفته نشده که بیوه است)، چنین صلاحیتی دارند.

**۵: ۶**

ان آ اس بی  
ان ک ج وی  
ان آر اس وی  
تی ای وی  
ان ج بی

"حال آنکه بیوه‌زنی که زندگی را به لذتجویی می‌گذراند"  
"اما اگر خوشگذرانی می‌کند"  
"کسی که زندگیش را به خوشگذرانی سپری می‌گذراند"  
"که خود را وقف لذتجویی می‌کند"  
"که تنها به فکر لذتجویی است"

بدلیل موقعیت فرهنگی این ممکن است به (۱) بیوه‌زنانی که برای امرار معاش به فحشا رو می‌آورند یا (۲) توسط معلمین دروغین مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند (۲ تیموتائوس ۳: ۷-۵) اشاره داشته باشد. این ظاهراً هشدار بسیار جدی است (آیه ۱۵).

◆ "در حال حیات، مرده است" این به حالتی از مرگ روحانی اشاره دارد (فرم اخباری معلوم کامل). آیه بیوه‌زنان در کلیساهای خانگی افسس را توصیف می‌کند! معلمین دروغین نه تنها سبب مرگ خود شده بودند، بلکه از لحاظ روحانی مسئول مرگ دیگران هم بودند.

**۵: ۶**

ان آ اس بی  
ان ک ج وی  
ان آر اس وی  
تی ای وی  
ان ج بی

"این چیزها را توصیه کن"  
"بدین چیزها نیز حکم فرما"  
"اینها را حکم فرما"  
"به آنها این دستورالعمل‌ها را بده"  
"در این زمینه آنها را راهنمایی کن"

این واژه به "فرمان نظامی اکید" اشاره دارد (۱: ۳، ۱۸، ۴: ۱۱). اینها پیشنهاد نیستند! مواردی برای ترجیحات شخصی هم نیستند.

◆ "تا از ملامت پدور باشند" این خوانندگی شایسته‌ای برا ایمانداران بوده و هست. هر کس نتواند نیاز بستگانش را تامین کند، بخصوص خانواده درجه اول را، ایمان مسیحی را انکار کرده، و از دیدگاه جامعه از بی‌ایمان بدتر است (آیات ۷ و ۸). این منعکس‌کننده تعالیم مسیح در مرقس ۷: ۱۳-۹ است. ظاهراً بر تاکید مکرر بر بهانه ندادن بدست ایمانداران و غیرایمانداران جهت انتقاد تاکید دارد (۳: ۲، ۷، ۱۰، ۵: ۷؛ ۶: ۱۴). مسیحیان باید همیشه طوری زندگی کنند که دیگران را به ایمان به مسیح جذب نمایند. جنبه مثبت این در آیه ۴ دیده می‌شود، در حالیکه اینجا تاکید منفی است. مبحث ویژه: ویژگیهای زنان خادم کلیسا در ۳: ۱۲ را ببینید.

**۵: ۸** "اگر" این جمله شرطی نوع اول است به معنای اینکه ایمانداران خانواده خود را نادیده گرفته‌اند (آیات ۴، ۱۶)

◆ "منکر ایمان است و پستتر از بی‌ایمان" به اعتقاد من این به شهادت فرد در جامعه اشاره دارد (آیه ۷؛ ۳: ۵-۴)، نه به نجاتشان. حتی غیرایمانداران هم به خانواده خود کمک می‌کنند. با اینحال، متون دیگری هست که دقیقاً از همین کلمه "انکار" استفاده کرده‌اند و منظورشان انکار کامل خداست (۲ تیموتائوس ۲: ۱۲؛ تیطوس ۱: ۱۶؛ ۲ پطرس ۲: ۱؛ یهوذا ۴). در زمینه متن ممکن است این تا حدی به رفتارها و تعالیم معلمین دروغین "که از ایمان خارج شدند" (۱: ۲۰-۱۹؛ ۴: ۱-۲؛ ۶: ۱۰-۹، ۲۱-۲۰) یا پیروانشان (آیات ۶، ۱۵) ربط داشته باشد.

متن آن آبی اس (بروز شده): ۵: ۹-۱۶

<sup>۹</sup> فقط کسانی را در شمار بیوه‌زنان نامنویسی کن که بیش از شصت سال داشته و به شوهر خود وفادار بوده باشند. <sup>۱۰</sup> نیز باید به نیکوکاری شهره باشند، یعنی فرزندان خویش را نیکو تربیت کرده، غریب‌نواز بوده، پاهای مقدسان را شسته، به یاری دردمندان شتافته، و خود را وقف هر نوع کار نیکو کرده باشند.

<sup>۱۱</sup> اما بیوه‌زنان جوانتر را نامنویسی مکن، چرا که چون امیال شهوانی از مسیح دورشان کند، خواهان ازدواج می‌شوند.

<sup>۱۲</sup> بدین‌گونه، چون تعهد نخستین خود را زیر پا می‌گذارند، محکومیت بر خود می‌آورند. <sup>۱۳</sup> افزون بر این، به بی‌کارگی و سرکشیدن از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر خو می‌کنند؛ و نه تنها روزگار به بی‌کارگی می‌گذرانند بلکه سخن‌چین و فضول هم می‌شوند، و سخنان ناشایست بر زبان می‌آورند. <sup>۱۴</sup> پس رأی من بر این است که بیوه‌ای جوانتر شوهر کرده، فرزند بیاورد و کدبانو باشند و دشمن را مجال بدگویی ندهند. <sup>۱۵</sup> زیرا هم‌اکنون نیز بعضی در پی شیطان منحرف گشته‌اند.

<sup>۱۶</sup> اگر زنی از مؤمنان، خویشاوندان بیوه داشته باشد، باید که خود یاری‌شان دهد تا باری بر کلیسا نباشند و کلیسا بتواند به بیوه‌زنانی کمک کند که برآستی بی‌کس‌اند.

۵: ۹ "فقط کسانی را در شمار بیوه‌زنان نامنویسی کن که بیش از شصت سال داشته" این فعل امری مجهول زمان حال است با حرف اضافه نفی، که به معنای متوقف کردن عمل در حال انجام است. این یکی دیگر از ویژگی‌های زنان بیوه‌ای بود که عضو تیم خدمتی بودند. واژه "نامنویسی" کلمه یونانی است برای "ثبت رسمی". فهرست بیوه‌زنان احتمالاً مترادف است با مفهوم "شماسان" (۳: ۱۱، رومیان ۱۶: ۱). "اساسنامه رسالتی" کل در اوایل قرن دوم نوشته شد، سه دسته از خادمان زن رس فهرست می‌کند: باکره‌ها، شماسان و بیوه‌زنان.



"به شوهر خود وفادار بوده باشند"	ان آ اس بی
"تنها در صورتی که همسر یک مرد بوده باشد"	ان ک ج وی
"و تنها یکبار ازدواج کرده است"	ان آر اس وی
"بعلاوه تنها یکبار باید ازدواج کرده باشد"	تی ای وی
"که تنها یک شوهر داشته است"	ان ج بی

در مورد معنی این بخش بحث‌های زیادی صورت گرفته است (۳: ۱، ۱۲). اما صرف نظر از اینکه چه معنایی داشته باشد، روشن است که موضوع در کلیساهای خانگی افسس و کریت بود (۳: ۱، ۱۲؛ ۵: ۹؛ تیطوس ۱: ۶). خانوادگی مستحکم و دیندار برای دنیای سردرگم و پریشان شاهد قوی بوده و هستند.

برای بحث کاملتری در این زمینه به ۳: ۲ مراجعه کنید. در آیه ۱۴ بیوه‌زنان جوان تشویق به ازدواج مجدد می‌شوند. این نشان می‌دهد که ازدواج دوم گناه محسوب نمی‌شد (رومیان ۷: ۳-۲؛ ۱ قرن‌تبیان ۷). در کلیساهای تعمیدی (باپتیست) در اروپا "شوهر یک زن" یا "زن یک شوهر" بخصوص برای شبانان به عنوان نفی کتاب‌مقدسی ازدواج دوم تفسیر شده است. با اینحال، این در فرهنگ خاورمیانه مصداق نداشت. این تئوری منعکس کننده ریاضت در حال رشد در کلیسای اولیه بود، نه در عهد جدید. تفکر یونانی تأثیر منفی بر کلیساهای اولیه غیریهودی داشت. ایمان واقعی کتاب‌مقدسی هرگز خود را از دنیا کنار نمی‌کشد، بلکه شاده فعالی است در دنیا.

۵: ۱۰ "باید به نیکوکاری شهره باشند" در بقیه آیه ده پنج کار نیکوی بخصوص فهرست شده‌اند (همگی جمله شرطی نوع اول). مبحث ویژه: ویژگی‌های زنان خادم کلیسا در ۳: ۱۲ را ببینید. این اعمال نیکو نقش مورد انتظار زن در جامعه محلی را منعکس می‌کند.

◆ "اگر" این یکی از سری پنجگانه جملات شرطی نوع اول در آیه ده است، که هرکدام ویژگی‌ای از زنان بیوه جهت استخدام در کلیسا را مشخص می‌کند.

◆ "فرزندان خویش را نیکو تربیت کرده" این به این معنا نیست که زن بدون فرزند نباید بکار گرفته شود، بلکه منظور این است که اگر بچه دارد، آن بچه‌ها باید دیندار باشند. این تکرار تأکید بر داشتن زندگی خانوادگی مستحکم، دین‌دار و همراه با ایمان است (باب ۳).

◆ "غریب‌نواز بوده" این به معنای راه دادن همه و هر کسی به خانه نیست، بلکه منظور پذیرفتن رهبران مسیحی سیار است.

◆ **"پاهای مقدسان را شسته"** این وظیفه‌ای بود که خادم خانه هنگام آمدن مهمان بر عهده داشت. عیسی خودش اینکار را برای شاگردانش انجام داد تا فروتنی را به آنها بیاموزد (یوحنا ۱۳). بنظر می‌رسد در اینجا به عنوان استعاره‌ای برای خدمت فروتنانه بکار رفته باشد (و احتمالاً مهمان‌نوازی که در یک فرهنگ توقع انجامش می‌رود).

#### مبحث ویژه: مقدسان

این معادل یونانی کلمه عبری *قَدَس* است، که معنای اولیه آن جدا کردن، کسی، چیزی یا جایی برای استفاده منحصر بفرید یهوه است. در واقع معادل مفهوم انگلیسی "وقف شده یا مقدس" است. یهوه بدلیل ذاتش (روح ابدی غیرمخلوق) و هویتش (اوج اخلاق) از انسان مجزاست. او معیاری است که همه چیز با آن میزان و داوری می‌شود. او افضل، و مقدس‌ترین است. خدا انسان را برای مشارکت با خود آفرید، اما سقوط (پیدایش ۳) بین انسان گناهکار و خدای قدوس از لحاظ رابطه و اخلاقی بوجود آورد. خداوند تصمیم گرفت خلقت هشیار خود را احیاء کند؛ بنابراین از قوم خود می‌خواهد "پاک" باشند (لاویان ۱۱: ۴۴؛ ۱۹: ۲؛ ۲۰: ۷، ۲۶؛ ۲۱: ۸). از طریق رابطه مبتنی بر ایمان به یهوه قوم او در اثر موقعیت عهدی در او مقدس می‌شوند اما آنها همچنین فراخوانده شده‌اند که زندگی مقدسی نیز داشته باشند (متی ۵: ۴۸). این زندگی مقدس به این دلیل امکانپذیر است که ایمانداران از طریق زندگی و کار عیسی و حضور روح القدس در فکر و قلبشان کاملاً پذیرفته و بخشیده می‌شوند. این موقعیت متناقض زیر را بوجود می‌آورد:

۱. مقدس بودن در اثر عدالت مسیح

۲. دعوت به زندگی مقدس از طریق حضور روح القدس

ایمانداران "مقدسین" (هاگیوی) هستند زیرا اینها در زندگی‌مان حاضرند (۱) اراده یگانه مقدس (پدر)، (۲) کار پسر مقدس (عیسی)؛ و (۳) حضور روح القدس. در عهد جدید همیشه حالت جمع برای مقدسین بکار می‌رود (جز در یک مورد در فیلیپیان ۴: ۱۲، ولی در آنجا هم زمینه متن آن را جمع می‌کند). نجات یافتن یعنی عضو شدن در یک خانواده، بدن و بنا! ایمان کتاب مقدسی با پذیرش شخصی شروع می‌شود، اما باعث ورود به مشارکت متقابل می‌شود. هر کدام از ما عطایی داریم (۱) قرنیتیان ۱۲: ۱۱) برای سلامتی، رشد و صحت بدن مسیح یعنی کلیسا (۱ قرنیتیان ۱۲: ۷). ما نجات یافتن بخدمت کنیم! تقدس یکی از ویژگیهای خانواده است!

◆ **"به یاری دردمندان شناخته"** در اینجا نیز احتمالاً این اشاره دارد به خدمت مراقب از ایمانداران، اما ممکن است نیازمندان، دردمندان و همسایگان گمراه را نیز دربر گیرد. هر کدام از این ویژگیها دل خدمت این زنان بیوه مسن را آشکار می‌کنند.

۵: ۱۱ **"اما بیوه‌زنان جوانتر را نامنویسی مکن، چرا که چون امیال شهوانی از مسیح دورشان کند، خواهان ازدواج می‌شوند"** باید الهیات مثبتی را که راجع به ازدواج در کتاب مقدس وجود دارد به خاطر داشته باشیم (پیدایش ۱ و ۲). ظاهراً این عبارت به قولی اشاره دارد که این بیوه‌زنان، هنگامی که خادم کلیسای خانگی شدند، دادند (آیه ۱۲). هدف از این بی‌ارزش کردن گفته‌ها در مورد ازدواج نیست، بلکه مقصود بی‌ارزش کردن نظراتی است که در مورد پیمان بستن در نام مسیح و نگه نداشتن آن داده می‌شد (طلاق نیز در این رده است).

۵: ۱۲ **"بدین گونه ... محکومیت بر خود می‌آورند"** نسخه کینگ جیمز این را "لعنت شدگی" ترجمه کرده است. این ترجمه برای کلمه یونانی *کرینو* بیش از حد تند است. قول به خدا قول جدی بوده و هست (لاویان ۲۷ و اعداد ۳۰) اما نجات به آن وابسته نیست.



"تعهد نخستین خود را زیر پا می‌گذارند"	ان آ اس بی
"از ایمان اولیه خود خارج شدند"	ان ک ج وی
"چون از پیمان نخستین خود تخطی کردند"	ان آر اس وی
"عهد پیشین خود با او را شکستند"	تی ای وی
"چون نسبت به پیمان اولیه خود وفادار نبودند"	ان ج بی

واژه یونانی *پبستیس*، که معمولاً "ایمان"، "توکل"، یا "باور"، ترجمه می‌شود، در عهد عتیق مفهوم وفاداری و قابل اعتماد بودن را دارد. در اینجا نیز همین کاربرد را دارد، به معنای وعده اولویت‌مند مربوط به خدمتشان به مسیح (از لحاظ لغوی، "ایمان نخستین").

۵: ۱۳ "به ... سرکشیدن از خانه‌ای به خان دیگر خو می‌کنند" احتمالاً بیوه‌زنان در مراقبت روزانه و توزیع هفتگی غذا (کاری که در کنیسه نیز انجام می‌شد) بین اعضا همه کلیساهای خانگی مختلف کمک می‌کردند. شاید تک به تک به خانه‌های سرکشی می‌کردند تا از حال ایمانداران خبردار شوند.

◆ "سخن‌چین و فضول" عبارت اول در ۳ یوحنا ۱۰ برای اتهامات دروغین مطرح شده علیه یکی از رهبران کلیسا بکار رفت. مشکل بوضوح در تیطوس ۱: ۱۱ توصیف می‌شود. مشکل سخن‌چینی از سر بیکاری نبود، بلکه بدعت بود! کلمه دوم در اعمال ۱۹: ۱۹ برای سحر و جادو بکار می‌رود. با اینحال، در این زمینه متنی برای زنی استفاده می‌شود که کارشان سرکشی در امور دیگران است (ان ج بی "فضول")

◆ "سخنان ناشایست بر زبان می‌آورند" در زمینه متنی رسالات شبانی معلمین دروغین زنان جوان را فریب داده (۲) تیموتائوس ۳: ۷-۵)، احتمالاً آنها هم تعالیم غلط را در میان کلیساهای خانگی یا کدبانوهای مسیحی انتشار می‌دادند (تیطوس ۱: ۱۱). به این دلیل است که پولس اجازه نمی‌دهد در جمع کلیساهای خانگی صحبت کنند (۲: ۱۵-۹) و یا خادم کلیسا شوند.

۵: ۱۴ "پس رأی من بر این است که بیوه‌های جوانتر شوهر کرده" ازدواج (در اینجا ازدواج دوم) بد و غیر روحانی نیست (۱) قرن‌تین ۷: ۸، ۳۹). بنای خانه دعوتی الهی است (۲: ۱۵).

◆ "دشمن را مجال بدگویی ندهند" دشمن" در اینجا مفرد است؛ ممکن است اشاره داشته باشد به (۱) شیطان (آیه ۱۵) یا (۲) یک معلم دروغین (۲ تیموتائوس ۳: ۷-۵). این بیوه‌زنان که از لحاظ جنسی فعال شده بودند زمینه را برای حمله شیطان و انتقاد از سوی کل جامعه (ایماندار یا غیرایماندار) فراهم کردند. واژه "مجال" واژه‌ای نظامی است برای یک "اراضی ساحلی تسخیر شده" یا پایگاه عملیاتی" (رومیان ۷: ۸، ۱۱). بدن جسمانی شر نیست، بلکه میدانی رزمی است برای وسوسه. مشکل تمایل جنسی انسان نیست. مشکل انسان سقوط کرده است که ودیعه‌های خوب خدادادی را به مرزهای فراتر از آنچه خدا تعیین کرده می‌برد.

۵: ۱۵ "زیرا هم‌اکنون نیز بعضی در پی شیطان منحرف گشته‌اند" احتمالاً تیموتائوس مورد خاصی مانند بیوزن ذکر شده در آیه ۶ یا ۱۳ را با پولس مطرح کرده بود. معلمین دروغین این بیوه‌زنان را هدف قرار داده بودند تا از آنها به عنوان سخنگوی خود استفاده کنند (چنانکه از تعدادی رهبر مرد نیز بهره بردند، آیه ۱: ۲۰). در ورای معلمین دروغین فعالیت شریر قرار داشت.

۵: ۱۶ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است. پولس از خانواده‌های مسیحی می‌خواهد وظیفه خود را بجا آورند (امری معلوم زمان حال). او همچنین می‌خواهد به کسانی که خانواده‌ای ندارند کمک کند (آیات ۴، ۸).

متن ان آبی اس (بروز شده): ۵: ۱۷-۲۲  
17 مشایخی که نیکو رهبری کرده باشند، شایسته حرمتی دوچندانند، بخصوص آنان که در کار موعظه و تعلیم زحمت می‌کشند. 18 زیرا کتاب می‌گوید: «گاوی را که خرمن می‌کوبد، دهان میند» و «کارگر مستحق دستمزد خویش است.» 19 اتهامی بر یکی از مشایخ می‌پذیر، مگر به شهادت دو یا سه گوا. 20 اما آنان را که به گناه ادامه می‌دهند، در برابر همه توبیخ کن تا دیگران از گناه کردن پتربسند.  
21 در پیشگاه خدا و مسیح عیسی و فرشتگان برگزیده، تو را سوگند می‌دهم که این دستورها را بدون پیشداوری رعایت کنی و هیچ کاری را از سر جانبداری انجام ندهی.  
22 در دست‌گذاشتن بر کسی شتاب مکن و در گناهان دیگران شریک مشو، بلکه خود را از گناه بری نگاه دار.

۵: ۱۷ "مشایخ" واژه "شیخ" (پریزپروس) انتساب عهد عتیقی رهبران بود، در حالیکه واژه "ناظر" (بیسکوپوس، ۳: ۱) واژه یونانی برای انتساب رهبران شهری-حکومتی است. این دو کلمه در عهد جدید به صورت مترادف بکار برده می‌شوند (اعمال ۲۰: ۱۷، ۲۸، که کلمه شیخ برای شبان بکار می‌رود و نیز ۱: ۵، ۷، که شیخ و ناظر برای اشاره به یک رهبر استفاده می‌شوند).

از عهد جدید نمی‌توان برای بنای سیستم اداری الهی کلیسا استفاده کرد. در عهد جدید تمامی سه فرم توسعه یافته ثبت شده است: (۱) شیوه اسقفی (بعقوب به عنوان رهبر صاحب اختیار)، (۲) مشایخی (گروهی از مشایخ که مرتباً مورد نظارت قرار می‌گیرند)؛ و (۳) جماعتی (جماعت کلیسایی رای می‌دهند).



فرم جمع در اینجا و در اعمال ۲۰: ۱۷ و تیطوس ۱: ۵ احتمالا به کلیساهای خانگی اشاره دارد. کلیسای اولیه تا قرن سوم ساختمانهای مجزا نداشتند. خانه هیچکس آنقدر بزرگ نبود که بتواند همه ایمانداران را در خود جا دهد؛ بنابراین، خانه‌های مسیحیان مختلف در اطراف شهرهای بزرگ درهای خود را به روی گردهمایی‌های معمول جماعت مسیحی می‌گشودند. این روش کلیسا را در مقابل دستگیری یکجا نیز حفاظت می‌کرد. اینکه رهبری یک شهر با چندین کلیسای خانگی سازماندهی می‌شد دقیقا روشن نیست. همچنان که کلیسا رشد می‌کرد، برنامه ریزی ضرورت می‌یافت. ساختار آن سازماندهی به اندازه دینداری رهبران اهمیت حیاتی ندارد.

◆ **"شایسته حرمتی دوچندانند"** این فرم امری مجهول زمان حال است. ممکن است به حقوق (غلاطیان ۶: ۶) یا قدردانی (۱) تسالونیکیان ۵: ۱۳-۱۲) اشاره داشته باشد. زمینه متن در آیه ۱۸ مبین این است که حقوق مد نظر است.

◆ **"بخصوص آنان که در کار موعظه و تعلیم زحمت می‌کشند"** مشایخ در عهد جدید همیشه به حالت جمع ذکر می‌شوند، که ظاهرا نشانگر وجود کلیساهای خانگی محلی متعدد در شهرهای بزرگ از قبیل افسس است (اعمال ۲۰: ۱۷). شبانان لازم بود بتوان تعلیم و نیز موعظه را داشته باشند (۳: ۲؛ ۲: ۲؛ تیموتائوس ۲: ۲۴؛ افسس ۴: ۱۱).

برخی رهبران یک نوع عطای روحانی دارند و سایر رهبران عطاهای دیگر. رهبران باید بر روی عطای خود تمرکز کنند و اجازه دهند دیگر مسیحیان صاحب عطا مسئولیت بپذیرند. بعضی ایمانداران دارای عطای فوق‌العاده رهبری هستند، و بعضا به طرق مختلف. کسانی که در چندین ناحیه فعال هستند باید برای تلاششان مورد قدردانی قرار گیرند و در زمینه‌هایی که چندان موثر نیستند از سوی کلیسا محافظت شوند. ما به عنوان بدن مسیح بخاطر عطایای اعضا خود شادی می‌کنیم، اما باید بخاطر داشته باشیم که شدیداً به یکدیگر نیازمند نیز هستیم (۱ قرن‌تیا ۱۲: ۷)!

۵: ۱۸ **"زیرا کتاب می‌گوید"** این نقل قولی است از تثنیه ۲۵: ۴. این گفته در ۱ قرن‌تیا ۹: ۷-۶، ۱۴ نیز نقل شده است. منحصر بفرد بودن آیه ۱۸ در این است که عهد عتیق همانند نقلی قولی از عهد جدید که در لوقا ۱۰: ۷ یافت می‌شود در اینجا نقل می‌شود ("کارگر مستحق دستمزد خویش است"). این نشان می‌دهد که نگرش پولس نه تنها بر الهامی بودن عهد عتیق است، بلکه عهد جدید که در حال ظهور است نیز چنین کیفیتی دارد (۲ پطرس ۳: ۱۶-۱۵). تاکید پولس بر مفهوم رهبری حقوق‌بگیر بسیار جالب است.

۱. به تبع زمینه یهودیش، وی معمولا از کسانی که تعلیمشان میداد پول دریافت نمی‌کرد (فیلیپی و تسالونیکي استننا بودند).
۲. معلمین دروغین از همین موضوع برای حمله به پولس استفاده کردند (مثلا در قرنتس، ۲ قرن‌تیا ۱۱: ۷-۹؛ ۱۲: ۱۳).
۳. احتمالا بین این بیانیه کوتاه و تعالیم معلمین دروغین رابطه هست، اما بوضوح بیان نشده است.

۵: ۱۹ **"اتهامی بر یکی از مشایخ می‌پذیر، مگر به شهادت دو یا سه گوا"** این جمله امری نوع دوم زمان حال است همراه با حرف اضافه منفی به معنای "موقوف کردن عمل در حال انجام". این گفته منعکس‌کننده آشفتگی و اتهاماتی است که معلمین دروغین مسببشان بودند. خود مفهوم از نوشته‌های موسی می‌آید (اعداد ۳۵: ۳۰؛ تثنیه ۱۷: ۱۷؛ ۱۹: ۱۵).

۵: ۲۰ **"آنان را که به گناه ادامه می‌دهند"** به اسم مفعول معلوم زمان حال دقت کنید. در این زمینه متنی این به رهبرانی اشاره دارد که به گناه ادامه می‌دهند (۱ قرن‌تیا ۳: ۱۵-۱۰). این لزوما کاری نیست که تنها یکبار انجام شده باشد. پولس دستورالعمل مناسب برای برخورد با ایمانداران گناهکار در رومیان ۱۶: ۱۸-۱۷؛ ۱ قرن‌تیا ۵؛ غلاطیان ۶: ۵-۱؛ تسالونیکیان ۵: ۱۴؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۱۵-۱۶؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۲۰؛ ۵: ۲۰-۱۹؛ و تیطوس ۳: ۱۱-۱۰ ذکر می‌کند.

◆ **"در برابر همه توبیخ کن تا دیگران از گناه کردن بترسند"** ظاهرا این بخش از آیه از توبیخ در ملا عام سخن می‌گوید (غلاطیان ۲: ۱۴؛ یعقوب ۵: ۱۶) که برخی مشایخ در مقابل این افراد اتخاذ می‌کردند

۱. کسانی که از حدود اختیارات خود فراتر می‌رفتند
۲. کسانی که تعالیم غلط را ترویج می‌کردند
۳. کسانی که در کارهای نادرست شرکت می‌کردند

"توبیخ" واژه مشترک در رسالات شبانی است (۲ تیموتائوس ۴: ۲؛ تیطوس ۱: ۹، ۱۳؛ ۲: ۱۵). "دیگران" ممکن است به افراد زیر اشاره داشته باشد

۱. سایر کلیساهای خانگی
۲. سایر رهبران محلی
۳. سایر ایمانداران

۵: ۲۱ "در پیشگاه خدا و مسیح عیسی و فرشتگان برگزیده، تو را سوگند می‌دهم" این سوگند محکمی است که چندین بار در رسالات شبانی تکرار می‌شود (۵: ۲۱؛ ۶: ۱۳؛ ۲: تیموتائوس ۴: ۱؛ و با معنی مشابه در ۲ تیموتائوس ۲: ۱۴). پولس تعالیم خود را جدی می‌گرفت.

◆ "فرشتگان برگزیده" عجیب است که بجای روح القدس فرشتگان برگزیده ذکر می‌شوند. کاربرد آن این معنا را دارد (۱) کسانی که برگزیده‌گان خدا را خدمت می‌کنند و همراهشان هستند (مزمور ۱۳۸: ۱؛ ۱ قرننیا ۴: ۹؛ متی ۱۸: ۱۰؛ لوقا ۹: ۲۶؛ و عبرانیان ۱: ۱۴) یا (۲) فرشتگان خاص نزدیک تخت خدا که در حضور خاص او هستند (ادبیات یهود، هفت فرشته مقرب).

◆ "این دستورها را بدون پیشداوری رعایت کنی و هیچ کاری را از سر جانبداری انجام ندهی" تیموتائوس قرار است عزیز در دانه یا افراد منفور نداشته باشد! واژه "رعایت کردن" در واقع کلمه یونانی برای مفهوم "محافظ". همچنان که خدا از ما (۲ تسالونیکیان ۳: ۲؛ یهودا ۲۴) و میراثمان (۱ پطرس ۱: ۵-۴) محافظت می‌کند، ما نیز باید از حقیقت او محافظت کنیم! باید از خود نیز در مقابل تعالیم دروغین محافظت کنیم (۲ تیموتائوس ۴: ۱۵؛ ۲ پطرس ۳: ۱۷؛ ۱ یوحنا ۵: ۲۱). به معامله متقابل عهد دقت کنید: خدا از ما نگهداری/مراقبت می‌کند؛ ایمانداران از حقیقت او و خودشان نگهداری/مراقبت می‌کنند! ممکن است این وظیفه که بر عهده تیموتائوس گذاشته شده مرتبط باشد با تبعیض و جانبداری معلمین دروغین که مدعی بودند گروهی برگزیده دانش خاص و آزادی خاص دارند.

۵: ۲۲ "در دست‌گذاشتن بر کسی شتاب مکن" این آیه سه فعل امری معلوم زمان حال دیگر هم دارد. به دو طریق تفسیر شده است: (۱) برای اشاره به انتصاب (۳: ۱۰؛ ۴: ۱۴) یا (۲) پذیرفتن و بکار گماشتن مجدد یک شیخ تواب که در حضور جمع پذیرفته شده است (آیه ۲۰). شماره دو با زمینه متن آیات ۲۴ و ۲۵ و زمینه تاریخی معلمین دروغین بهتر جور در می‌آید.

◆ "در گناهان دیگران شریک مشو" این احتمالاً اشاره دارد به (۱) انتصاب شتابزده (۳: ۶) یا (۲) برگرداندن شتابزده مشایخ به رهبری. بخاطر داشته باشید که زمینه متن فعالیت‌های معلمین دروغین است که در کلیساها رخنه کرده بودند. برخی ممکن است اعمال ما را تصدیق یا تایید اشتباهات دیگران تلقی کنند (۲ یوحنا ۱۱).

◆ "خود را از گناه بری نگاه دار" معنای لغوی آن "خود را پاک نگاه دار" است (۴: ۱۲، ۵: ۲). گناه نوعی روش، عمل و همبستگی است.

متن ان آبی اس (بروز شده): ۵: ۲۳  
23 و از این پس فقط آب ننوش بلکه کمی هم شراب بخور تا شکم تو را تقویت کند زیرا اغلب مریض حال هستی.

۵: ۲۳ "از این پس فقط آب ننوش" تیموتائوس کاملاً از شراب پرهیز می‌کرد. پولس اشاره می‌کند که مصرف مقادیر کم شراب جهت مصارف دارویی برای رهبر کلیسا اشکالی ندارد. ممکن است این دو معنی داشته باشد (۱) کمی شراب تخمیر شده به آب خالص خود اضافه کن یا (۲) هر از چند گاهی وقتی معدهات ایجاد مشکل می‌کند کمی شراب بنوش. مشکل شراب نیست؛ استفاده غلط یا زیاده روی در مصرف توسط انسان سقوط کرده ایجاد اشکال می‌کند. کتاب مقدس میخوارگی را تقبیح می‌کند (امثال ۲۳: ۳۵-۲۹؛ اشعیا ۵: ۱۱، ۲۲؛ ۲۸: ۱-۸)، اما پرهیز کامل از شراب را تعلیم نمی‌دهد (۳: ۳، ۸). در روزگار و جامعه ما پرهیز کامل از الکل باید به مفاهیم روحانی یافته شده در رومیان ۱۴: ۱-۱۵؛ ۱۳: ۱ قرننیا ۸ و ۱۰: ۳۳-۲۳ ربط داشته باشد. به بحث نگرش نسبت به الکل و میخوارگی در ۳: ۳ مراجعه کنید.

◆ "کمی هم شراب بخور تا شکم تو را تقویت کند زیرا اغلب مریض حال هستی" آیا اینها دو عبارت توصیفی متفاوت هستند یا به یک مشکل اشاره دارند؟ آیا این آیه اشاره ضمنی دارد به اینکه تیموتائوس از لحاظ جسمانی فرد ضعیفی بود کار تیموتائوس پرچالش و سخت بود. اگر از لحاظ جسمانی نیز فرد ضعیفی بود، این همه از او الگویی فوق‌العاده و فردی شایسته می‌سازد.

متن ان آبی اس (بروز شده): ۵: ۲۵-۲۴  
24 گناهان بعضی‌ها اکنون آشکار است و آنها را به سوی کیفر می‌کشاند، اما گناهان دیگران بعدها معلوم خواهد شد.  
همچنین کارهای نیک نیز آشکار می‌باشند و حتی اگر اکنون آشکار نباشند نمی‌توان آنها را تا به آخر پنهان نگاه داشت.

۵: ۲۴-۲۵ این آیات احتمالا به هشدار آیه ۲۲ ربط دارند. آنها را نهایتا از ثمرشان خواهی شناخت (متی ۷). در این زمینه متنی منظور پولس معلمین دروغین و معلمین حقیقی است. در روز قیامت این از تعالیم و طرز زندگی (گناهان آشکار) و سایر گناهان (یعنی پنهان یا منش و انگیزه‌ها) آنها آشکار می‌شود.

#### پرسشهای مربوط به بحث

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیر خود از کتاب مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم شما، کتاب مقدس و روح القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده اند تا به شما کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را وادار به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱. سمتهای کلیساهای محلی ذکر شده در باب ۵ را که حقوق دریافت می‌کردند فهرست کنید؟
۲. ویژگی‌هایی زنان بیوه حقیقی را که از کلیسا پول دریافت می‌کردند فهرست کنید؟
۳. آیات ۷، ۸ و ۱۴ چگونه با ۱ تیموتائوس ۳ مرتبط است؟
۴. آیه ۲۰ چگونه با آیات ۲۴ و ۲۵ مرتبط است؟
۵. آیه کتاب مقدس پرهیز کامل از مصرف الکل را تعلیم می‌دهد؟

## اول تیموتائوس ۶

### تقسیم‌بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید\*

ان ج بی	تی ای وی	ان آر اس وی	ان ک ج وی	یو بی اس
برده‌ها	وظایف نسبت به ایمانداران	نظم در پرستش	احترام به ارباب	وظایف نسبت به دیگران
۶: ۱-۲	(۵: ۱-۶: ۲)	(۵: ۱-۶: ۲)	۶: ۱-۲	(۵: ۱-۶: ۲)
معلمین دروغین و معلمین حقیقی	تعالیم غلط و ثروت‌های حقیقی	دستورالعمل‌های نهایی	اشتباه و طمع	تعالیم غلط و ثروت حقیقی
۶: ۱-۲	۶: ۵-۲	۶: ۱-۲	۶: ۱-۳	۶: ۱-۲
تکرار وظایف تیموتائوس	دستورالعمل‌های شخصی		اعتراف نیکو	نبرد نیکوی ایمان
۶: ۱-۱۱	۶: ۱-۱۱	۶: ۱-۱۱	۶: ۱-۱۱	۶: ۱-۱۱
مسیحیان ثروتمند			دستورالعمل برای ثروتمندان	
۶: ۱-۱۱	۶: ۱-۱۱	۶: ۱-۱۱	۶: ۱-۱۱	۶: ۱-۱۱
هشدار نهایی و اختتام			مراقبت از ایمان	
۶: ۲۰-۲۱	۶: ۲۰-۲۱	۶: ۲۰-۲۱	۶: ۲۰-۲۱	۶: ۲۰-۲۱
	۶: ۲۰	۶: ۲۱		۶: ۲۱

## دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب مقدس" صفحه xi)

### تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و الی آخر

## برداشت‌های دقیق‌تر از متن:

الف) میحث معلمین دروغین تکرار می‌شود (۱: ۱۱-۳، ۲۰-۱۹؛ ۴: ۵-۱؛ ۶: ۱۱-۳، ۱۹-۱۷). کل این نامه مشکلاتی را مورد بحث قرار می‌دهد که در اثر نظرات و مسایل اخلاقی بدعت‌گذاران بوجود آمده بودند.

ب) آیات ۱-۲ بی‌ربط بنظر می‌رسند، اما احتمالاً آنها هم به پیامهای معلمین دروغین در مورد برده‌های مسیحی و حقوق و آزادی‌هایشان مرتبط هستند. از دید TEV+UBS ساختار این بخش از کتاب تشویق پولس به تیموتائوس است برای برخورد مناسب با گروه‌های مختلف در کلیسا:

۱. مردان و زنان مسن (۵: ۲-۱)
۲. بیوزنان (۵: ۳-۱۱)
۳. مشایخ (۵: ۲۵-۱۷)
۴. برده‌ها (۶: ۲-۱)

ج) عجیب این است که اول تیموتائوس با زنجیرهای از سلام و تعارفات شخصی ختم نمی‌شود. پولس در افسس بیشتر از هر شهر دیگری ماند و نتایج بشارتی فوق‌العاده‌ای کسب کرد. وی ایمانداران وفادار زیادی را در این شهر می‌شناخت. چرا تنها با تیموتائوس سلام و احوالپرسی می‌کند؟ روشن است که این نامه قرار بود در گردهمایی کلیسایی یا در کلیساهای خانگی قرائت شود ("شما" در آیه ۲۱ فرم جمع دارد). با اینحال، این نامه نام‌های شخصی نیز بود و دربرگیرنده نصیحت و دستورالعمل‌های خاص برای نماینده رسالتی‌اش تیموتائوس نیز بود.

## مطالعه لغت و عبارت

متن ان آبی اس (بروز شده): ۶: ۱-۲

۱ آنان که زیر یوغ بندگی بهسر می‌برند، باید که اربابان خود را درخور کمال احترام بدانند تا مردم نام خدا و تعلیم را بد نگویند. ۲ آنان که اربابانشان ایماندارند، نباید به دلیل رابطه برادری، ایشان را کمتر حرمت بگذارند. بلکه برعکس، باید حتی نیکوتر خدمت کنند، زیرا سود خدمتشان به کسانی می‌رسد که ایماندارند و عزیز ایشان. این اصول را تعلیم ده و به انجامش ترغیبشان کن.

۶: ۱ "آنان که زیر یوغ بندگی بهسر می‌برند" از لحاظ برده‌داری مسیحیت خودش را با فرهنگ زمان خود تطبیق داد. دو سوم دنیای روم برده بودند. این حقیقت، عدالت و محبت خدا در انجیل بود که نهایتاً برده‌داری را پایان داد. پولس تصمیم گرفت با منش‌های انسانی در چارچوب فرهنگی آن مواجه شود، نه آنکه با خشونت آن موقعیت فرهنگی را بهم بزند (مثل کاری که در رابطه با موقعیت اجتماعی زنان کرد).

مبحث ویژه: تذکرات پولس به برده‌ها

۱. صبور باشید، اما اگر موقعیتی برای آزادی فراهم شد از آن استفاده کنید (۱ قرن‌تیمان ۷: ۲۴-۲۱).
  ۲. در مسیح برده یا آزاد وجود ندارد (غلاطیان ۳: ۲۸؛ کولسیان ۳: ۱۱؛ ۱ قرن‌تیمان ۱۲: ۱۳).
  ۳. چنان کار کنید که گویی برای خداوند کار می‌کنید، او عوضش را خواهد پرداخت (افسیان ۶: ۹-۵؛ کولسیان ۳: ۲۲-۲۵؛ ۱ پطرس ۲: ۲۰-۱۸).
  ۴. در مسیح برده‌ها با هم برادر می‌شوند (۱ تیموتائوس ۶: ۲؛ فلیمون آیات ۱۷-۱۶).
  ۵. برده‌های دیندار خدا را جلال می‌دهند (۱ تیموتائوس ۶: ۱؛ تیطوس ۲: ۹).
- تذکر پولس به برده‌داران:  
برده‌ها و برده‌داران مسیحی یک ارباب دارند، بنابراین باید با احترام برخورد کنند (افسیان ۶: ۹؛ کولسیان ۴: ۱).

◆ که اربابان خود را درخور کمال احترام بدانند" ظاهراً آیه ۱ به مسیحیان برده‌ای که اربابان غیرمسیحی را خدمت می‌کردند اشاره دارد، در حالیکه آیه ۲ در مورد برده‌هایی مسیحی است که در خدمت اربابان مسیحی هستند. برده مسیحی باید رفتارش با ایماندار و غیرایماندار بگونه‌ای باشد که سبب احترام به خدا و انجیل عیسی مسیح شود (افسیان ۶: ۷-۶). آیه ۱ حاوی راهنمایی مشابه ۳: ۲، ۷؛ ۱۰؛ ۵: ۷، ۸، ۱۴ و تیطوس ۲: ۵ است، به معنای "بهانه انتقاد بدست دیگران ندادن". آیه ۱۴ این باب را نیز ببینید.

۶: ۲ "آنان که اربابانشان ایماندارند، نباید به دلیل رابطه برادری، ایشان را کمتر حرمت بگذارند" معنای لغوی این "تحقیر کردن" است، که فرم امری معلوم زمان حال با حرف تعریف منفی است، با مفهوم ضمنی متوقف کردن عمل در حال انجام این عبارت با این مفهوم عقیدتی ربط دارد که هرچه ما ایمانداران انجام می‌دهیم باید بخاطر مسیح با بالاترین کیفیت ممکن باشد (۱ قرن نینیا ۱۰: ۳۱؛ افسسیان ۶: ۷-۶؛ کولسیان ۳: ۱۷؛ ۱ پطرس ۴: ۱۱).

واژه "اربابان" عبارت معمول برای برده‌دار، یعنی کوریوس، نیست (افسسیان ۶: ۵، ۹۸؛ کولسیان ۳: ۲۲؛ ۴: ۱)، بلکه دسپوتس است. این لغت معمولاً برای خدای پسر و پسر بکار می‌رود، اما در رسالات شبانی بدفعات برای اربابان برده‌های زمینی استفاده شده است (۶: ۱، ۲؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۱؛ تیطوس ۲: ۹).

◆ "این اصول را تعلیم ده و به انجامش ترغیبشان کن" اینها دو فعل امری معلوم زمان حال هستند، که مفهوم ضمنی‌اش تعهدی پیوسته است (۴: ۱۱). این عبارت ممکن است نتیجه‌گیری تذکر قبلی (ان آ اس بی، ان ک ج وی) یا مقدمه‌ای بر مطلب بعدی باشد (ان آ اس وی، تی ای وی، ان ج بی).

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۶: ۳-۱۰  
 ۳ اگر کسی به‌گونه‌ای دیگر تعلیم دهد و با گفتار صحیح خداوند ما عیسی مسیح و تعلیم دیندارانه موافق نباشد، ۴ مست غرور شده است و هیچ نمی‌فهمد. چنین کس عطشی بیمارگونه به جز و بحث و مجادله بر سر کلمات دارد، که از آن حسد و نزاع و ناسزاگویی و بدگمانی برمی‌خیزد ۵ و موجب کشمکش دائمی میان افرادی می‌شود که فکرشان فاسد شده است و از حقیقت منحرف گشته‌اند و گمان می‌کنند دینداری، وسیله‌ای است برای سودجویی.  
 ۶ اما دینداری با قناعت، سودی عظیم است. ۷ چرا که به این جهان هیچ نیاورده‌ایم و از آن نیز هیچ نخواهیم برد. ۸ پس اگر خوراک و پوشاک و سرپناهی داشته باشیم، قانع خواهیم بود. ۹ اما آنان که سودای ثروتمند شدن دارند، دچار وسوسه می‌شوند و به دام امیال پوچ و زیانباری گرفتار می‌آیند که موجب تباهی و نابودی انسان می‌گردد. ۱۰ زیرا پولدوستی ریشه‌ای است که همه‌گونه بدی از آن به‌بار می‌آید، و بعضی در آرزوی ثروت، از ایمان منحرف گشته، خود را به دردهای بسیار مجروح ساخته‌اند.

6: 3 "اگر" این جمله شرطی نوع اول (که تصور می‌شود حقیقت داشته باشد) و ادامه زمینه متنی آیه ۳ از طریق آیه ۵ است. معلمین دروغینی بودند که تعالیم پولس را رد می‌کردند (۱: ۷-۳؛ ۴: ۳-۱).

◆ "کسی به‌گونه‌ای دیگر تعلیم دهد" این واژه یونانی هتروس است، به معنای "نمونه‌ای از گونه‌ای متفاوت". تعلیم غلط ترکیبی ترکیبی بود از قوانین یهودی و فلسفه یونانی که مشابه است با آنچه‌ی که در کولسیان و افسسیان یافت می‌شود.

◆ "با گفتار صحیح ... موافق نباشد" یادداشت ۱: ۱۰ را ببینید.

◆ "گفتار صحیح خداوند ما عیسی مسیح" پولس تاکید می‌کند که منشا "گفتار صحیح" تعالیم مسیح است که به پولس داده شد. این معلمین دروغین هم تعالیم مسیح و هم تعالیم رسولانش را رد کردند.

◆ "و تعلیم دیندارانه" یادداشت ۲: ۲ را ببینید. تعالیم مسیح همیشه اهداف دیندارانه داشتند (۳: ۱۶). این معلمین دروغین تلاش داشتند حقیقت را از زندگی، پارسایی را از تقدس، و خبر (انجیل حقیقت) را از الزام (انجیل دینداری) جدا کنند. به مبحث ویژه: تقدس در ۲ تیموتائوس ۲: ۲۱ مراجعه کنید.

۴: ۶

ان آ اس بی، ان آ اس وی "مست غرور شده است"  
 ان ک ج وی، ان ج بی "مغرور است"  
 تی ای وی "غرق در غرور است"

این جمله خبری مجهول کامل است. معنای لغوی این واژه "کور شده در اثر دود" از طریق غرور است (۳: ۶؛ ۴: ۲؛ ۴: ۳). به مبحث ویژه: گناهان و پرهیزگاریها در عهد جدید در ۱: ۹ مراجعه کنید.

◆ **"چنین کس عطشی بیمارگونه به جرّ و بحث و مجادله بر سر کلمات دارد"** به تیموتائوس تاکیدی پیوسته شده که از بحثهای بیهوده معلمین دروغین دوری کند (۱ تیموتائوس ۱: ۳، ۴؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۴؛ ۴؛ ۳ تیموتائوس ۱: ۱۴). سوال من این است که این چطور با شرایط روز ما ربط پیدا می‌کند؟

واژه "بیمارگونه" از لحاظ لغوی یعنی بیمار. در واقع استعاره‌ای است برای اشتیاق شدید نسبت به چیزی. این معلمین دروغین بدنبال دینداری نبودند، بلکه خواهان دانش محرمانه در مورد بخشهای نامکشوف جانبی حقیقت بودند. می‌خواستند در مورد موضوعات عقیدتی انحرافی مجادله کنند که تنها سبب ایجاد بحثها و دودستگیهای خودخواهانه می‌شد.

هرچه مسنتر می‌شوم بیشتر می‌فهمم که نمی‌فهمم و از اینکه فهمم کم است خوشحالت‌تر می‌شوم. حقایق اصلی مسیحیت روشن و تکراری هستند. با اینحال، ما مشتاقیم "همه" جزئیات و پیچیدگیها را بدانیم و شبکه‌های الهیاتی به هم ببافیم که شامل تمام استنتاجهای بخشهای مشکل، غیرمستقیم، مکاشفه‌ای و نبوتی باشد. بجای ارتباط با مسیح ما به سیستمهای پیچیده خود افتخار می‌کنیم. برای یک الهیاتدان متعصب پیرو اصول گذشتن از سوراخ سوزن سختتر است تا برای یک شخص ثروتمند. !!

حقایق واضح را موعظه کنید! در مورد مسائل جانبی با محبت بحث کنید! نسبت به همه با فیض رفتار کنید! بلوغ باعث می‌شود رفتار ما دور از داوری و بیشتر مسیح‌گونه باشد.

۶: ۵ "افرادی ... که فکرشان فاسد شده است" یا (۱) کل زمینه متن به معلمین دروغین اشاره دارد و یا (۲) چند آیه اول به آنها اشاره می‌کند و مابقی آیات در مورد تبعات ناشی از تعلیمشان در کلیساهای محلی است (آرچیا و هاتون، هندبوکی در مورد رسالات پولس به تیموتائوس و تیطوس، یو بی اس). من فکر می‌کنم زنان بیوه جوان، و احتمالا برخی از برده‌ها (۲-۱: ۴)، سخنان این معلمین دروغین را منتقل می‌کردند (گوردون فی، اول و دوم تیموتائوس و تیطوس در تفسیر تحقیقی بین‌المللی جدید کتاب مقدس جلد ۱۳).

◆ **"از حقیقت منحرف گشته‌اند"** هر دو این دو عبارت آخر اسم مفعول مجهول کامل هستند، که بطور ضمنی اشاره دارد به وضعیت فکری و درونی تثبیت شده‌ای که توسط عاملی خارجی، احتمالا شریر، ایجاد شده است. او نه تنها پدر همه دروغها، بلکه بانی تمامی تردیدهای مذهبی و روشنفکری الهیاتی است. مبحث ویژه: حقیقت در ۲: ۴ را ببینید.

◆	ان آ اس بی
"گمان می‌کنند دینداری، وسیله‌ای است برای سودجویی"	ان ک ج وی
"گمان می‌کنند دینداری، وسیله‌ای است برای سودجویی"	ان آر اس وی
"به این تصور که دینداری، وسیله‌ای است برای سودجویی"	تی ای وی
"آنها گمان می‌کنند دین طریقی است برای کسب ثروت"	ان ج بی
"تصور می‌کنند دین طریقی است برای کسب منفعت"	

یکی از این دو مورد به نظر می‌رسد در اینجا دخیل باشد: (۱) معلمین دروغین الهیات موفقیت و کسب را تعلیم می‌دادند یا (۲) بابت تعلیمشان پول دریافت می‌گرفتند (تیطوس ۱: ۱۱؛ ۲ پطرس ۲: ۳). شماره ۲ احتمالا امکانپذیرتر است. نسخه کینگ جیمز عبارتی را به انتهای آیه ۵ اضافه می‌کند، "از چنین اشخاص دوری نما"، اما این عبارت در تصحیح نسخه خطی قرن پنجم D یافت می‌شود. چنین عبارتی در نسخهای خطی A ، ۴ یا D دیده نمی‌شود.

۶: ۶ "با قناعت" این واژه در واقع خودکفایی مغرورانه نیست، بلکه خودکفایی است که روح‌القدس آن را القا می‌کند و از شرایط یا توانهای شخصی ناشی نمی‌شود، بلکه به خدا وابسته است در مسیح (فیلیپیان ۴: ۱۱-۱۳).

۶: ۷ "چرا که به این جهان هیچ نیاوردیم" این ممکن است اشاره‌ای باشد به بخشهای متعددی از عهد عتیق (ایوب ۱: ۲۱؛ مزور ۴۹: ۱۷؛ جامعه ۵: ۱۵). در واقع منطقی را برای سخن گفته شده در آیه ۶ ارائه می‌دهد. آیات ۶ و ۸ مشابه بیانات فیلسوفان رواقی یونانی هستند. پولس با این فیلسوفان اخلاقی آشنایی داشت. بسیاری از فهرست گناهان و خطایای او مشابه این نوشته‌های یونانی هستند. به مبحث ویژه: استفاده پولس از کازموس در ۱: ۶ مراجعه کنید.

۶: ۸ ایمانداران باید به تمهید خدا برای نیازهای روزانه قانع باشند (امثال ۳۰: ۸؛ متی ۶: ۱۱). استفاده پولس از کلمه "سودجویی" در آیه ۵ باعث شد با جزییات به طمع معلمین دروغین بپردازد (آیات ۱۰-۶ و ۱۹-۱۷).

۱. دیدگاه کلی عهد عتیق

الف. خداوند صاحب همه چیز است

۱. پیدایش ۱-۲

۲. ۱ تورایح ۲۹: ۱۱

۳. مزامیر ۲۴: ۱؛ ۵۰: ۱۲؛ ۸۹: ۱۱

۴. اشعیاء ۶۶: ۲

ب. انسانها بخاطر اهداف خدا از ثروت مراقبت می‌کنند

۱. تثنیه ۸: ۱۱-۱۲

۲. لاویان ۱۹: ۹-۱۸

۳. ایوب ۳۱: ۳۳-۱۶

۴. اشعیاء ۵۸: ۶-۱۰

ج. ثروت بخشی از عبادت است

۱. دی ده یک ۸: ۱۱-۱۲

الف. اعداد ۱۸: ۲۹-۲۱؛ تثنیه ۱۲: ۷-۶؛ ۱۴: ۲۷-۲۲

ب. تثنیه ۱۴: ۲۹-۲۸؛ ۲۶: ۱۵-۱۲

۲. امثال ۳: ۹

د. ثروت هدیه‌ای از طرف خدا جهت وفاداری در عهد در نظر گرفته می‌شود.

۱. تثنیه ۲۸-۲۷

۲. امثال ۳: ۱۰؛ ۸: ۲۱-۲۰؛ ۱۰: ۲۲؛ ۱۵: ۶

ه. هشدار در مورد کسب ثروت به قیمت زیر پا گذاشتن دیگران

۱. امثال ۲۱: ۶

۲. ارمیاء ۵: ۲۹-۲۶

۳. هوشع ۱۲: ۸-۶

۴. میکاء ۶: ۹-۱۲

و. داشتن ثروت به خودی خود گناه نیست، مگر اینکه اولویت اول باشد

۱. مزمو ۵۲: ۷؛ ۶۲: ۱۰؛ ۷۳: ۳-۹

۲. امثال ۱۱: ۲۸؛ ۲۳: ۵-۴؛ ۲۷: ۲۴؛ ۲۸: ۲۲-۲۰

۳. ایوب ۳۱: ۲۸-۲۴

۲. دیدگاه منحصر بفرد امثال

الف. ثروت در حیطه تلاش شخصی قرار دارد

۱. سستی و تنبلی نکوهش شده است - امثال ۶: ۱۱-۶؛ ۱۰: ۵-۴؛ ۲۶: ۱۲؛ ۲۴: ۲۷؛ ۱۳: ۴؛ ۱۵: ۱۹؛ ۱۸: ۹؛ ۱۹: ۱۹

۱۵، ۲۴، ۲۰: ۴، ۱۳، ۲۱: ۲۵؛ ۲۲: ۱۳؛ ۲۴: ۳۰-۳۴؛ ۲۶: ۱۶-۱۳

۲. سختکوشی تشویق می‌شود - امثال ۱۲: ۱۱، ۱۴؛ ۱۳: ۱۱

ب. از فقر در مقابل ثروت برای به تصویر کشیدن نیکویی در مقابل شرارت استفاده می‌شود - امثال ۱۰: ۱؛ ۱۱: ۲۸-۲۷؛

۱۳: ۷؛ ۱۵: ۱۷-۱۶؛ ۲۸: ۶، ۱۹-۲۰

ج. حکمت (شناخت خدا و کلامش و زیستن مطابق با این حکمت) بهتر از ثروت است - امثال ۳: ۱۵-۱۳؛ ۸: ۱۱-۹، ۱۸-

۱۳؛ ۲۱

د. هشدارها و توصیه‌ها

۱. هشدارها

الف. هنگام تضمین وام همسایه هشیار باشید (ضامن) - امثال ۶: ۵-۱؛ ۱۱: ۱۵؛ ۱۷: ۱۸؛ ۲۰: ۱۶؛ ۲۲: ۲۶-

۲۷؛ ۲۷: ۱۳

ب. مراقب باشید از طرق شریرانه ثروت کسب نکنید - امثال ۱: ۱۹؛ ۱۰: ۲؛ ۱۵: ۱۱؛ ۱۳: ۱۱؛ ۱۶: ۱۱؛

۲۰: ۲؛ ۲۳، ۲۱: ۶؛ ۲۲: ۱۶، ۲۲؛ ۲۸: ۸

ج. هشدار در مورد قرض گرفتن - امثال ۲۲: ۷

د. هشدار در مورد گذرا بودن ثروت - امثال ۲۳: ۵-۴

ه. در روز داوری ثروت کمکی به شخص نمی‌کند - امثال ۱۱: ۴

و. ثروت "دوستان" فراوان دارد - امثال ۱۴: ۲۰؛ ۱۹: ۴

۲. توصیه‌ها

الف. سخاوت تشویق می‌شود - امثال ۱۱: ۲۶-۲۴؛ ۱۴: ۱۳؛ ۱۷: ۵؛ ۱۹: ۱۷؛ ۲۲: ۹، ۲۳-۲۲؛ ۲۳: ۱۱-۱۰؛

۲۸: ۲۷

ب. پارسایی بهتر از ثروت است - امثال ۱۶: ۸؛ ۲۸: ۶، ۸، ۲۲-۲۰

ج. دعا برای احتیاجات نه برای زیادی - امثال ۳۰: ۹-۷

د. دادن به فقرا مانند دادن به خداست - امثال ۱۴: ۳۱

۳. دیدگاه عهد جدید



الف. عیسی مسیح

۱. ثروت باعث می‌شود این وسوسه منحصر بفرد در ما ایجاد شود که بجای اتکا به خدا و منابعش به نفس و منابع خود متکی شویم:

الف. متی ۶: ۴؛ ۱۳: ۲۲؛ ۱۹: ۲۳

ب. مرقس ۱۰: ۳۱-۲۳

ج. لوقا ۱۲: ۲۱-۱۵، ۳۳-۳۴

د. مکاشفه ۳: ۱۹-۱۷

۲. خدا نیازهای مادی ما را فراهم می‌کند

الف. متی ۶: ۳۴-۱۹

ب. لوقا ۱۲: ۳۲-۲۹

۳. کاشتن بذر با برداشت مرتبط است (هم مادی و هم معنوی)

الف. مرقس ۴: ۲۴

ب. لوقا ۶: ۳۸-۳۶

الف. متی ۶: ۱۴؛ ۱۸: ۳۵

۴. توبه بر ثروت اثر می‌گذارد

الف. لوقا ۱۹: ۲-۱۰

ب. لاویان ۵: ۱۶

۵. استثمار اقتصادی محکوم می‌شود

الف. متی ۲۳: ۲۵

ب. مرقس ۱۲: ۴۰-۳۸

۶. دآوری زمان آخر با طرز استفاده ما از ثروت ربط دارد - متی ۲۵: ۴۶-۳۱

ب. پولس

۱. دیدگاه عملی همانند امثال (کار کردن)

الف. افسسیان ۴: ۲۸

ب. ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۱-۱۲

ج. ۲ تسالونیکیان ۳: ۸، ۱۱-۱۲

د. ۱ تیموتائوس ۵: ۸

۲. دیدگاه روحانی همانند عیسی (اینها گذرا هستند، قانع باشید)

الف. ۱ تیموتائوس ۶: ۱۰-۶ (قناعت)

ب. فیلیپیان ۴: ۱۱-۱۲ (قناعت)

ج. عبرانیان ۱۳: ۵ (قناعت)

د. ۱ تیموتائوس ۶: ۱۷-۱۹ (سخاوت و اعتماد به خدا، نه به ثروت)

ه. ۱ قرنتیان ۷: ۳۱-۳۰ (تبدیل چیزها)

۴. نتیجه‌گیری

الف. در کتاب مقدس الهیات قاعده‌مندی در مورد ثروت وجود ندارد

ب. یک بخش مشخص که به این موضوع پرداخته باشد وجود ندارد، بنابراین برداشتها گلچینی است از بخشهای مختلف.

مراقب باشید تنها با توجه به متون مجزا نتیجه‌گیری نکنید.

ج. امثال، که توسط مردان حکیم نوشته شدند (عقلا)، دیدگاهی متفاوت از سایر بخشهای کتاب مقدس دارد. امثال عملی و

داردی تمرکز انفرادی است. باید آنرا با استفاده از سایر قسمتهای کتاب متوازن کرد (ارمیا ۱۸: ۱۸).

د. روزگار ما نیازمند است دیدگاه و عملکرد خود در مورد ثروت را با توجه به کتاب مقدس تجزیه و تحلیل کند. اگر

کاپیتالیسم و کمونیزم تنها راهنمای ما باشند اولویت‌هایمان در جای نادرست قرار می‌گیرند. اینکه چرا و چطور یک شخص

موفق می‌شود سوالات مهمتری هستند از اینکه چقدر اندوخته دارد.

د. اندوختن ثروت باید با پرسش و مراقبت مسئولانه متعادل شود (۲ قرنتیان ۹-۸).

۹: ۶ "اما آنان که سودای ثروتمند شدن دارند، دچار وسوسه می‌شوند و به دام ... گرفتار می‌آیند" ایمانداران در اثر ولع برای چیزهای دنیوی، قدرت، و محبوبیت بلاهای زیادی بر سر خود می‌آورند (امثال ۲۳: ۴؛ ۲۸: ۲۰؛ متی ۶: ۳۴-۱۹). "وسوسه" معادل کلمه یونانی پیراسموس است.

مبحث ویژه: واژه‌های یونانی برای "آزمایش کردن" و مفاهیم ضمنی آنها

دو لغت یونانی با مفهوم امتحان کردن شخص برای هدفی خاص وجود دارد

۱. دوکیمازچ، دوکیمیون، دوکیماسیا

این واژه، واژه فلزشناسی برای امتحان کردن خلوص چیزی (یا بطور استعاره، شخصی) با استفاده از آتش است. آتش مواد زائد را می‌سوزاند (خالص کردن) و فلز واقعی را آشکار می‌کند. این فرآیند مادی اصطلاح قدرتمندی شد برای توصیف امتحان اشیا یا افراد توسط خدا و یا انسان. این لغت تنها به حالت مثبت امتحان کردن با نظر پذیرش بکار می‌رود. در عهد جدید برای امتحان کردن موارد زیر استفاده شده:

الف. گاو، لوقا ۱۴: ۱۹

ب. خود ما، ۱ قرن‌تیا ۱۱: ۲۸

ج. ایمان ما، یعقوب ۱: ۳

الف. حتی خدا، عبرانیان ۳: ۹

نتایج این امتحانات قرار بود مثبت باشد (رومیان ۱: ۲۸؛ ۱۴: ۲۲؛ ۱۶: ۱۰؛ ۱۰: ۲؛ ۱۰: ۱۸؛ ۱۳: ۳؛ فیلیپیان ۲: ۲۷؛ ۱ پطرس ۱: ۷). بنابراین، واژه این ایده را منتقل می‌کند که شخص امتحان می‌شود تا ثابت شود ارزشمند است.

الف. خوب

ب. خالص

ج. گرانبها

د. ارزنده

۲. پیرازچ، پیرازموس

این واژه دارای مفهوم ضمنی امتحان کردن امتحان به منظور یافتن عیب یا رد کردن است. اغلب در ارتباط با وسوسه عیسی در بیابان بکار می‌رود.

الف. بیانگر تلاش برای بدام انداختن عیسی است (متی ۴: ۱؛ ۱۶: ۱؛ ۱۹: ۳؛ ۲۲: ۱۸، ۳۵؛ مرقس ۱: ۱۳؛ لوقا ۴: ۲؛ ۱۰: ۲۵؛ عبرانیان ۲: ۱۸).

ب. این واژه (پیرازچ) در متی ۴: ۳ و ۱ تسالونیکیان ۳: ۵ به صورت عنوانی برای شیطان بکار می‌رود.

ج. عیسی (در فرم ترکیبی، اکپیرازچ) آن را برای امتحان نکردن خدا بکار می‌برد (متی ۴: ۷؛ لوقا ۴: ۱۲؛ و نیز ۱ قرن‌تیا ۱۰: ۹ را ببینید).

د. این واژه در رابطه با وسوسه و آزمایش‌های ایمانداران استفاده می‌شود (۱ قرن‌تیا ۷: ۵؛ ۱۰: ۹؛ ۱۳: ۶؛ غلاطیان ۶: ۱؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۵؛ عبرانیان ۲: ۱۸؛ یعقوب ۱: ۲، ۱۳، ۱۴، ۱ پطرس ۴: ۱۲؛ ۲ پطرس ۲: ۹).

◆ **"تاباهی و نابودی"** این مفهوم بارها در عهد جدید بکار رفته است (متی ۷: ۱۳؛ رومیان ۹: ۲۲؛ فیلیپیان ۱: ۲۸؛ ۳: ۱۹؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۳؛ ۲ پطرس ۲: ۱؛ ۳: ۷؛ مکاشفه ۱۷: ۱۱-۸). این استعاره‌ای است برای توقف خشونت‌آمیز حیات جسمانی. این واژه ربطی به مفهوم الهیاتی نابودی ندارد (برای بحثی متقاعدکننده در مورد نابودی به اثر فیوج، تحت عنوان *آتشی که نابود می‌کند* مراجعه کنید)، که تاکید می‌کند گمشدگان روحانی نه از جدایی بلکه از فقدان وجود رنج می‌برند. آنها از این تفسیری لغوی دارند. تاکید بر این است که این بیشتر به معنای "شفقت" خداست تا جهنم ابدی. با اینحال، درست همان واژه‌ای که بهشت ابدی را در متی ۲۵: ۴۶ توصیف می‌کند، جهنم ابدی را هم وصف می‌کند.

۶: ۱۰ "زیرا پولدوستی ریشه‌ای است که همه‌گونه بدی از آن به‌بار می‌آید" این ممکن است مثل شناخته شده‌ای بوده باشد.

مشکل پول نیست؛ پولدوستی است که مشکل‌ساز است! در اصل یونانی در کنار "ریشه" حرف تعریف معین وجود ندارد، که نشان می‌دهد این یکی از مشکلات متعدد است (۲ تیموتائوس ۲: ۲۶-۲۵؛ ۳: ۵-۲، ۹-۷). پول ابزار است، نه هدف.

◆ **"بعضی در آرزوی ثروت، از ایمان منحرف گشته"** آیا در اینجا منظور از "ایمان" نجات است یا زندگی توأم با دینداری؟

این زمینه متنی معلمین دروغین از ایمان خارج شده و تلاش می‌کنند دیگران را نیز تحت تاثیر قرار دهند (مرقس ۱۳: ۲۲).

طمع و بهره‌برداری مالی (بهمراه سوءاستفاده جنسی، و ادعای داشتن دانش یا معرفت خاص) ویژگی همیشگی معلمین دروغین است. اگر پول هدف غایی شود، خدای شخص می‌گردد. "ثروت" در متی ۶: ۲۴ در آن آس بی سرمایه‌داری ترجمه می‌شود زیرا ظاهراً منعکس‌کننده عنوان الهه پولس در سوریه بود. پولدوستی ممکن است به بت‌پرستی تبدیل شود. می‌تواند در حیات این دنیا و دنیای آینده نتایج فاجعه‌آمیز بیار آورد (۴: ۱؛ ۵: ۸؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۶-۲۵؛ تیطوس ۱: ۱۶).

تمیز دادن تفاوت بین معلم دروغین گمراه و ایماندار سادطوح دشوار است. اغلب مانند هم بنظر می‌رسند، و فکر و عمل می‌کنند. تنها خدا از دلها آگاه است. او تصمیم نهایی را می‌گیرد. کلمات عیسی در متی ۷ ("از طریق ثمراتشان آنها را خواهی شناخت") و ۱۳ ("مثل زمینها") برای نظام‌های الهیاتی خاطر جمع ما مضطر بکننده هستند.

متن ان آبی اس (بروز شده): ۶: ۱۱-۱۶

11 اما تو ای مرد خدا، از اینها همه بگریز، و در پی پارسایی و دینداری و ایمان و محبت و پایداری و ملایمت باش 12 در نبرد نیکوی ایمان پیکار کن و به‌دست آور آن حیات جاویدان را که بدان فرا خوانده شدی، آن هنگام که در برابر شهود

بسیار، اعتراف نیکو را کردی.<sup>13</sup> در برابر خدایی که به همه چیز زندگی می‌بخشد، و در حضور مسیح عیسی که در شهادت خود نزد پنتیوس پیلاتس اعتراف نیکو را کرد، تو را سفارش می‌کنم<sup>14</sup> که این حکم را تا زمان ظهور خداوندمان عیسی مسیح، بی‌لکه و به‌دور از ملامت نگاه داری،<sup>15</sup> که خدا این را در وقت خود به انجام خواهد رسانید، همان خدای متبارک که حاکم یکتا و شاه شاهان و رب ارباب است.<sup>16</sup> او را که تنها وجود فناپذیر است و در نوری سکونت دارد که نتوان به آن نزدیک شد، او را که هیچ‌کس ندیده و نتواند دید، تا ابد حرمت و توانایی باد. آمین.

۶: ۱۱ "از اینها همه بگریز" به تیموتائوس امر شده (فرم امری معلوم زمان حال، ۲ تیموتائوس) که از چیزهای مورد بحث در آیات ۱۰-۳ بگریزد. این در مقایسه با مواردی است که می‌بایست موعظه کند و تعلیم دهد (آیه ۲)، که در ۵: ۱-۶: ۲ فهرست شده‌اند. مسیحیت شامل انتخاب اولیه و نیز انتخابهای متعاقب دائمی است.



ان آ اس بی، ان آر اس وی، تی ای وی "تو ای مرد خدا"

ان کی ج وی "ای مرد خدا"

ان ج بی "به عنوان کسی که خود را وقف خدا کرده"

این عنوانی افتخارآمیز در عهد عتیق بود که برای موسی، ایلیا، الیاس، سموئیل و داود بکار رفت. در ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶، ۱۷ برای همه ایماندارانی بکار می‌رود که به کلام خدا مجهزند. معلمین دروغین مردان خدا یا مجهز به کلام خدا نیستند.

◆ "در پی ... باش" این نیز فعل امری معلوم زمان حال است، برای حکم در حال انجام فعل امری اول ("بگریز") منفی، و فعل امری دوم ("در پی ... باش") مثبت است. هر دو برای تعلیم درست و پارسایی شخصی اهمیت حیاتی دارند.

◆ "پارسایی" منظور از این باید زندگی مقدس باشد (یعقوب ۳: ۱۸-۱۳)، نه پارسایی کسب شده (قانونی) مانند آنچه در رومیان آمده (باب ۴). مبحث ویژه تیطوس ۲: ۱۳ را ببینید. رومیان ۸-۱ (خلاصه اصول اعتقادی) از موقعیت ما در مسیح می‌گوید (یعنی عادل‌شمردگی). رسالات شبانی (رسالات بر ضد تعالیم غلط) از مالکیت دارایی‌مان صحبت می‌کند (یعنی تقدیس). به مبحث ویژه: پارساشمردگی در تیطوس ۲: ۱۲ مراجعه کنید. این فهرست ویژگیهای مسیح‌گونه درست برعکس سبک زندگی معلمین دروغین است. آنها را از ثمراتشان خواهید شناخت (متی ۷).

◆ "دینداری" این موضوعی است که مرتباً تکرار می‌شود (۳: ۱۰؛ ۴: ۸-۷؛ ۶: ۳، ۶-۵؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۵). زندگی ابدی ویژگیهای دارد که باید رعایت شوند. شناختن خدا لازمه‌اش (اشتیاق برای) مانند خدا بودن است (متی ۵: ۴۸).



ان آ اس بی، ان ج بی "پایداری"

ان کی ج وی "صبر"

ان آر اس وی، تی ای وی "تحمل"

کلمه یونانی *هوپومون* ترجمه‌های ممکن متعددی دارد. در کتاب *واژنامه یونانی-انگلیسی عهد جدید*، اثر باور، آرنلدت، جینگریچ و دانکر می‌گویند این کلمه به تحمل رنج و سختی اشاره دارد (صفحه ۸۴۶). تیموتائوس لازم بود با تحملی مداوم با (۱) مشکلات؛ (۲) کسانی که سبب مشکلات می‌شدند؛ و (۳) کسانی که تحت تاثیر مشکلات قرار داشتند، مواجه شود. مبحث ویژه در ۴: ۱۶ را ببینید.

◆ "ملایمت" تیموتائوس نه تنها لازم بود تحمل و بردباری داشته باشد، بلکه می‌بایست وفادار، بامحبت و آرام نیز باشد (۳: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۵؛ تیطوس ۳: ۳؛ غلاطیان ۶: ۱؛ یعقوب ۱: ۲۱؛ ۳: ۱۳؛ ۱۷؛ ۱ پطرس ۲: ۱۸؛ ۳: ۴).

۶: ۱۲ "در نبرد نیکوی ایمان پیکار کن" این فعل امری دوم شخص زمان حال است. در اینجا برای تاکید بر استعاره (پولس "جنگیدن نبرد نیکو" را نیز بکار می‌برد، ۲ تیموتائوس ۴: ۷) و ورزشی فعل و اسم هم‌ریشه با هم بکار رفته‌اند (۱: ۱۸؛ عبری ۱۲: ۱-۳ یا نظامی، افسس ۶: ۱۸-۱۰). کلمه انگلیسی "اگنی" از این استعاره ورزشی گرفته شده است.

◆ "و به‌دست آور آن حیات جاویدان را" این یک فرم دوم شخص امری خبری است (آیه ۱۹). استعاره‌ای است برای ورزشکار برنده‌ای که مدال یا تاج را از آن خود می‌کند. این نشانگر نیاز انسان به عکس‌العمل اولیه (آیه ۱۲) و مداومت در پاسخگویی در

ایمان است، چنانکه عبارت بعدی قدرت نگهدارنده خدا را نشان می‌دهد (آیه ۱۲). اینها جزئیات میثاقی حقیقی و معتبر نجات هستند؛ متناقضند، اما حقیقی! زندگی ابدی راهی است برای اشاره به غایت امید انجیل (یعنی جلال یافتن، رومیان ۸: ۳۰).

◆ **"که بدان فرا خوانده شدی"** این تاکید دارد بر اینکه قدرت نگهدارنده و گزینشی خدا (۱ قرنتیان ۱: ۹) باید با همراهی ایمان روزانه ترکیب شود. تقدیر و مداومت به عنوان دو روی یک سکه باید با هم نگاه داشته شوند.

#### مبحث ویژه: گزینش/تقدیر و نیاز به الهیاتی متعادل

گزینش اصل عقیدتی فوق‌العاده‌ای است. با اینحال، نباید استثناء قائل شدن در نظر گرفته شود، بلکه دعوتی است برای مجرا، ابزار یا وسیله‌ای بودن جهت نجات دیگران! در عهد عتیق این واژه ابتدائاً برای خدمت بکار می‌رفت، در عهد جدید ابتدائاً برای نجاتی که خدمت بدنال دارد استفاده می‌شود. کتاب مقدس هرگز تناقض ظاهری بین حاکمیت خدا و اراده آزاد انسان را برطرف نمی‌کند، بلکه بر هر دوی آنها تاکید دارد! نمونه خوبی از کشمکش کتاب مقدسی رومیان ۹ در مورد انتخاب حاکمانه خدا و رومیان ۱۰ در مورد پاسخ ضروری انسان است (۱۰: ۱۱، ۱۳).

کلید این کشمکش الهیاتی را شاید بتوان در افسسیان ۱: ۴ یافت. عیسی انسان برگزیده خداست و همه در او بالقوه برگزیده هستند (کارل بارت). عیسی "بله" خداست به نیاز انسان سقوط کرده (کارل بارت). افسسیان ۱: ۴ همچنین تاکید می‌کند که مقصد تقدیر تقدس (شبهت به مسیح) است و نه بهشت، و از این طریق به روشن شدن موضوع کمک می‌کند. ما اغلب مجذوب منافع انجیل می‌شویم و مسئولیتها را نادیده می‌گیریم! دعوت خدا (گزینش) هم برای این زمان است و هم برای ابدیت! اصول عقیدتی در ارتباط با سایر حقایق می‌آیند، نه به تنهایی، به عنوان حقایق غیر مرتبط. قیاس خوبی در این زمینه قیاس مجموعه ستاره‌ها با یک ستاره تنهاست. خداوند حقیقت را در سبک ادبی شرقی ارائه می‌دهد نه غربی. ما نباید کشمکش ایجاد شده در اثر زوجهای منطقی (متناقض) حقایق اعتقادی را حذف کنیم (خدا به عنوان غایت، در مقابل خدا به عنوان نافذ در همه چیز؛ امنیت در مقابل مداومت؛ عیسی به عنوان همشان با ادر در مقابل عیسی به عنوان خادم مادون پدر؛ آزادی مسیحی در مقابل مسئولیت مسیحی نسبت به طرف دیگر عهد، و غیره).

مفهوم الهیاتی "عهد" حاکمیت خدا (که همیشه پیشکام می‌شود و برنامه‌ریزی می‌کند) را با الزام اولیه و پاسخ از روی ایمان و توبه مداوم از سوی انسان پیوند می‌دهد (مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱). مراقب باشید تکیه بر بخشی خاص از کتاب باعث نشود تنها یک جنبه از قیاس را دیده و از جنبه دیگر غافل شوید! مراقب باشید تنها بر عقاید یا سیستم الهیاتی مورد علاقه خود تاکید نکنید!

◆ **"اعتراف نیکو را کردی"** این واژه یونانی همولوگچ است که از اقرار یا اعتراف عمومی سخن می‌گوید (۱ یوحنا ۱: ۹). به نظر می‌رسد این اشاره دارد به تعمد تیموتائوس به عنوان اعتراف عمومی ایمانش. ایمانداران اولیه فرمول "عیسی خداوند است" را (رومیان ۱۰؛ ۱۳-۹) به عنوان اعتراف شخصی و عمومی خود به عیسی تکرار می‌کردند. این عبارت کوتاه اشاره ضمنی دارد به انسان بودن، الوهیت، کفار و تجلیش (فیلیپیان ۲: ۱۱-۶).

#### مبحث ویژه: اعتراف

الف: دو فرم از یک ریشه یونانی وجود دارد که برای اعتراف یا اقرار بکار می‌روند، همولوگچ و اگرومولوگچ. اولی فرم ترکیبی است با همو، به معنای همانند، ولگچ، به معنای سخن گفتن. معنای اولیه آن گفتن یک چیز است، یا موافقت کردن است.

ب. ترجمه این کلمه گروهی

۱. ستایش
۲. توافق
۳. اعلان
۴. اقرار
۵. اعتراف

ج. این کلمه گروهی دو کاربرد ظاهراً متضاد داشت

۱. ستایش کردن (خدا)
۲. به گرده گرفتن گناه

این ممکن است ریشه در درک انسانی از تقدس خدا و گناهکار بودن خودش داشته باشد. پذیرش یکی از اینها منجر به پذیرش دیگری می‌شود.

د. کاربرد عهد جدید این کلمه گروهی

۱. برای قول دادن (متی ۱۴: ۷؛ اعمال ۷: ۱۷)
۲. برای توافق یا رضایت نسبت به چیزی (یوحنا ۱: ۲۰؛ لوقا ۲۲: ۶؛ اعمال ۲۴: ۱۴؛ عبرانیان ۱۱: ۱۳)
۳. برای ستایش (متی ۱۱: ۲۵؛ لوقا ۱۰: ۲۱؛ رومیان ۱۴: ۱۱؛ ۱۵: ۹)
۴. برای موافقت با

الف. یک شخص (متی ۱۰: ۳۲؛ لوقا ۱۲: ۸؛ یوحنا ۹: ۲۲؛ ۱۲: ۴۲؛ رومیان ۱۰: ۹؛ فیلیپیان ۲: ۱۱؛ مکاشفه

۳: ۵)

ب. یک حقیقت (اعمال ۲۳: ۸؛ ۲ قرننیاں ۱۱: ۱۳؛ ۱ یوحنا ۴: ۲)  
۵. برای اعلانی عمومی (جنبه حقوقی به تاکید الهیاتی تبدیل شد، اعمال ۲۴: ۱۴؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۱۳)  
الف. بدون قبول تقصیر (۱ تیموتائوس ۶: ۱۲؛ عبرانیان ۱۰: ۲۳)  
ب. با قبول تقصیر (متی ۳: ۶؛ اعمال ۱۹: ۱۸؛ عبرانیان ۴: ۱۴؛ یعقوب ۵: ۱۶؛ ۱ یوحنا ۱: ۹)

◆ **"در برابر شهود بسیار"** این اشاره دارد به (۱) انتصاب تیموتائوس (۵: ۱۴؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۶)؛ (۲) اعتراف عمومی اش در حضور کلیسای محلی (اعمال ۱۶: ۲-۱)؛ یا (۳) تعمیدش.

۶: ۱۳ **"در برابر خدا . . . تو را سفارش می‌کنم"** آیات ۱۶-۱۳ در یونانی یک جمله هستند. از آنجایی که تیموتائوس در حضور همه به ایمان به مسیح اعتراف کرد (متی ۱۰: ۳۲-۳۳)، حال پولس در برابر خدا به او سفارش می‌کند (۵: ۲۱؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱).

پولس در رسالات شبانی اغلب به تیموتائوس سفارش یا امر می‌کند. گاهی اینها به مواردی اشاره دارد که تیموتائوس باید انجام دهد (۱: ۳، ۱۸؛ ۴: ۱۱؛ ۵: ۲۱؛ ۶: ۱۳؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱) و برخی مواقع به چیزهایی که باید به دیگران بگوید (۵: ۷، ۲۱؛ ۶: ۱۷؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۴).

◆ **"که به همه چیز زندگی می‌بخشد"** خدا سرچشمه و ابتدای همه زندگی است (آیه ۱۶؛ ۱: ۱۷؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۰). جدای از او حیات وجود ندارد. عنوان عهد عتیقی یهوه، از فعل عبری "بودن" (خروج ۳: ۱۴)، بازی با کلمات درست برای بیان این مفهوم است. خدا تنها کسی است که می‌تواند حیات جسمانی و ابدی عطا کند و آنرا حفظ نماید.

این واژه دارای مفاهیم ضمنی (۱) بخشیدن حیات (۱ سمونیل ۲: ۴؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۱۳) و (۲) بقای حیات (داوران ۸: ۱۹؛ ۱ سمونیل ۲۷: ۹، ۱۱؛ ۱ پادشاهان ۲۱: ۳۱؛ لوقا ۱۷: ۳۳؛ اعمال ۷: ۱۹) است. یهوه هر دو را از طریق مسیح انجام می‌دهد.

◆ **"و در حضور مسیح عیسی که در شهادت خود نزد پُنتیوس پیلاتس اعتراف نیکو را کرد"** عیسی "شاهد امین" خوانده می‌شود (مکاشفه ۱: ۵؛ ۳: ۱۴). واژه "نزد" (انچپیون) این معانی را می‌تواند داشته باشد (۱) "جلوی" یا (۲) "در زمان". بنابراین ممکن است این اشاره داشته باشد به شهادت عیسی در مقام طول زندگیش یا اختصاصاً به محاکمه‌اش (متی ۲۷: ۲؛ یوحنا ۱۸: ۳۷).

۶: ۱۴ **"که این حکم را . . . بی‌لکه و به‌دور از ملامت نگاه داری"** این ممکن است به آیات ۱۱ و ۱۲ اشاره داشته باشد. بر خلاف معلمین دروغین، تیموتائوس می‌بایست در اطاعت و پاکی زندگی کند. مبحث ویژه ۳: ۲ را ببینید.

◆ **"تا زمان ظهور"** در ۲ تیموتائوس ۱: ۱۰ و تیطوس ۲: ۱۱ این واژه (پیفانیا) برای آمدن اول عیسی بکار می‌رود، اما در اینجا و در ۲ تسالونیکیان ۲: ۸؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱، ۸؛ تیطوس ۲: ۱۳ برای آمدن ثانویه‌اش استفاده می‌گردد. آمدن ثانویه همیشه انگیزه قوی‌تری برای زیستن مطابق با ارزشهای مسیحی بوده است.

۶: ۱۵ **"که خدا این را در وقت خود به انجام خواهد رسانید"** همین عبارت در ۲: ۶ و تیطوس ۱: ۳ درباره آمدن اولیه مسیح بکار رفته است. "او" توصیفگر معرفت و کنترل خدای پدر بر آمده اولیه و ثانویه مسیح است (متی ۲۴: ۳۶؛ اعمال ۱: ۷).

◆ **"همان خدای متبارک که حاکم یکتا و شاه شاهان و رب ارباب است"** این دعا مشابه ۱: ۱۷ است. این عبارات توصیفی ابتدانا و در زمینه متنی به خدای پدر اشاره دارند:

۱. "متبارک" (۱: ۱)

۲. "حاکم یکتا" (۱: ۱۷؛ جامعه ۴۶: ۵)

۳. "رب ارباب" (تثنیه ۱۰: ۱۷؛ مزمو ۱۳۶: ۳)

عنوان "شاه شاهان" همراستاست با "رب ارباب" و در مکاشفه ۱۷: ۱۴؛ ۱۹: ۱۶ برای عیسی بکار می‌رود. در اصل به پادشاهان مقدونیه اشاره دارد، اما در زمان بین‌العهدین یهودیها آن را برای اشاره به یهوه بکار می‌بردند.

۶: ۱۶ "که تنها وجود فناپذیر است" این واژه "مرگ" است به همراه با الف سلبی (۱ قرننیاں ۱۵: ۵۴-۵۳). ظاهرا این معنای اولیه عنوان عهد عتیقی "یهوه" است، زنده ابدی، و تنها زنده (خروج ۳: ۱۶-۱۴). به استنباط توحیدی دقت کنید، "که تنها او مالک است!" یهوه سرچشمه و ابتدای زندگی است و غیر از کسی نیست! یادداشت ۲: ۵ را ببینید.

◆ "و در نوری سکونت دارد که نتوان به آن نزدیک شد" علمای یهود "ابر جلال" را شکینا می‌نامیدند، که از واژه یونانی "سکونت" می‌آید (با مفهوم ضمنی "سکونت دائمی با"، خروج ۲۴: ۱۷؛ ۲۳: ۲۰).

◆ "او را که هیچ‌کس ندیده و نتواند دید" در عهد عتیق قدوسیت خدا چنان مهیب بود که هیچ انسان گناهکاری نمی‌توانست خدا را ببیند و زنده بماند (پیدایش ۱۶: ۱۳؛ ۳۲: ۳۰؛ خروج ۲۰: ۱۹؛ ۳۳: ۲۰-۱۸؛ داوران ۶: ۲۳-۲۲؛ ۱۳: ۲۲؛ اشعیا ۶: ۵؛ یوحنا ۶: ۴۶؛ ۱ یوحنا ۴: ۱۲). در عهد جدید ایمانداران او را که برآستی در عیسی مکشوف شد دیدند (۱ یوحنا ۱: ۱۸؛ ۶: ۴۶) و یک روز نیز شخصا خواهند دید (متی ۵: ۸؛ عبرانیان ۱۲: ۱۴؛ مکاشفه ۲۲: ۴۰).

◆ "او را... تا ابد حرمت و توانایی باد" پولس اغلب یکباره شروع به ستایش خدای پدر می‌کند (۱: ۱۷). پسر ابزار پدر برای آفرینش، مکاشفه مکاشفه، نجات، و داوری است. با اینحال، پادشاهی ابدی از طریق پسر به پدر تعلق دارد (دانیال ۷: ۱۳؛ ۱ قرننیاں ۱۵: ۲۸-۲۵).

◆ "آمین" این اصطلاحی عبری برای تایید است.

#### مبحث ویژه: آمین

##### ۱. عهد عتیق

الف. کلمه "آمین" از واژه عبری برای حقیقت (امث) یا راستی (امون، امونا) و ایمان یا آمین بودن می‌آید.  
ب. ریشه لغوی آن از وضعیت جسمانی پایدار شخص است. متضاد آن کسی است که ناپایدار و لغزان است (تثنیه ۲۸: ۶۶-۶۴؛ ۳۸: ۱۶؛ مزمو ۴۰: ۲؛ ۷۳: ۱۸؛ ارمیاء ۲۳: ۱۲) یا تلو تلو می‌خورد (مزمو ۷۳: ۲). از این کاربردهای لغوی بسط‌های استعاره‌ای آمین، قابل اعتماد، وفادار و قابل اتکا توسعه یافتند (پیدایش ۱۵: ۱۶؛ عبرانیان ۲: ۴).

##### ج. کاربردهای خاص

۱. یک ستون، ۲ پادشاهان ۱۸: ۱۶ (۱ تیموتئوس ۳: ۱۵)

۲. اطمینان، خروج ۱۷: ۲

۳. استواری، خروج ۱۷: ۲

۴. ثبات، اشعیا ۳۳: ۶؛ ۳۴: ۵-۷

۵. راست، ۱ پادشاهان ۱۰: ۱۰؛ ۱۷: ۱۷؛ ۲۴: ۲۲؛ ۱۶: ۱۶؛ امثال ۱۲: ۲۲

۶. محکم، ۲ قرننیاں ۲۰: ۲۰؛ اشعیا ۷: ۹

۷. قابل اتکا (تورات)، مزمو ۱۱۹: ۴۳، ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۶۸

د. در عهد عتیق دو واژه عبری دیگر برای ایمان فعال بکار می‌روند

##### ۱. باتاچ، توکل

۲. بترس، احترام، پرستش (پیدایش ۲۲: ۱۲)

ه. از معنای توکل یا قابل اعتماد بودن کاربرد عبادتی بوجود آمد که برای تایید بیانیه در مورد راستی یا قابل اعتماد بودن دیگری بکار می‌رفت (تثنیه ۲۷: ۲۶-۱۵؛ نحیاء ۸: ۶؛ مزمو ۴۱: ۱۳؛ ۷۰: ۱۹؛ ۸۹: ۵۲؛ ۱۰۶: ۴۸).  
و. کلید الهیاتی برای این واژه آمین بودن انسان نیست، بلکه آمین بودن یهوه است (خروج ۳۴: ۶؛ تثنیه ۳۲: ۴؛ مزامیر ۱۰۸: ۴؛ ۱۱۵: ۱؛ ۱۱۷: ۲؛ ۱۳۸: ۲). تنها امید انسانیت سقوط کرده پیمان وفاداری پر از رحمت و امانت یهوه و وعده‌های اوست.

کسانی که یهوه را می‌شناسند می‌بایست مانند او باشند (حقوق ۲: ۴). کتلب مقدس داستان و حکایتی است از خدایی که تصویر خود را در انسان احیا می‌کند (پیدایش ۱: ۲۷-۲۶). نجات توان انسان برات داشتن رفاقت نزدیک با خدا را بازسازی می‌کند. به این دلیل است که ما خلق شدیم.

##### ۲. عهد جدید

الف. کاربرد کلمه "آمین" به عنوان اختتام تایید آیینی قابل اعتماد بودن یک سخن در عهد جدید متداول است (۱ قرننیاں ۱۴: ۱۶؛ ۲ قرننیاں ۱: ۲۰؛ مکاشفه ۱: ۷؛ ۵: ۱۴؛ ۷: ۱۲).

ب. کاربرد واژه به عنوان اختتام دعا در عهد جدید متداول است (رومیان ۱: ۲۵؛ ۹: ۵؛ ۱۱: ۳۶؛ ۱۶: ۲۷؛ غلاطیان ۱: ۵؛ ۶: ۱۸؛ افسسیان ۳: ۲۱؛ فیلیپیان ۴: ۲۰؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۱۸؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۷؛ ۶: ۱۶؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱۸).

ج. عیسی تنها کسی است که این واژه را بکار می‌برد (اغلب دوبار در یوحنا) تا سخنان مهمی را آغاز کند (لوقا ۴: ۲۴؛

۱۲: ۳۷؛ ۱۸: ۱۷، ۲۹: ۲۱؛ ۳۲: ۲۳؛ ۴۳)

د. در مکاشفه ۳: ۱۴ این واژه به صورت عنوان برای عیسی بکار می‌رود (احتمالا عنوانی برای یهوه از اشعیا ۶۵: ۱۶).

ه. مفهوم امین بودن یا ایمان، قابل اتکا بودن یا توکل در یونانی با استفاده از واژه *پستوس* یا *پستیس* بیان می‌شود، که در انگلیسی توکل، ایمان و باور ترجمه می‌شود.

متن ان آبی اس (بروز شده): ۶: ۱۷-۱۹

<sup>۱۷</sup> ثروتمندان این دنیا را حکم نما که متکبر نباشند و بر مال ناپایدار دنیا امید میندند. بلکه امیدشان بر خدا باشد که همه چیز را به فراوانی برای ما فراهم می‌سازد تا از آنها لذت ببریم. <sup>۱۸</sup> آنان را امر کن که نیکویی کنند و در کارهای خیر دولت‌مند بوده، سخاوتمند و گشاددست باشند. <sup>۱۹</sup> بدین‌سان، گنجی برای خود خواهند اندوخت که پی استوار زندگی آینده ایشان خواهد بود و آن حیات را که حیات واقعی است بدست خواهند آورد.

۶: ۱۷-۱۹ ممکن است این سوال پیش آید که آیا آیات ۱۷-۱۹ افکار بعدی بودند یا اینکه پولس اطلاعات بیشتری در مورد کلیساهای خانگی افسس بدست شورد. این امکان نیز وجود دارد که پولس مطابق معمول که نامه‌هایش را تمام می‌کرد خودش این آیات را نوشته باشد (۲ تسالونیکیان ۳: ۱۷-۱۸).

۶: ۱۷ "ثروتمندان این دنیا را حکم نما که متکبر نباشند" همانطور که آیه ۹ در مورد اشتیاق شریانه برای پول هشدار می‌دهد، آیه ۱۷ هم به کسانی که صاحب ثروت هستند هشدار می‌دهد که مبادا بجای مسیح ایمان خود را بر پول بگذارند (متی ۶: ۲۱-۱۹؛ ۱۳: ۲۲؛ ۱۹: ۳۰-۲۳؛ یعقوب ۱: ۱۱-۹؛ ۵: ۶-۱).

#### مبحث ویژه: این دوره و دوره آینده

انبیا عهد عتیق آینده را به عنوان دنباله حال می‌دیدند. برای آنها آینده احیای اسرائیل جغرافیایی است. با این‌وجود، حتی آنها هم روز جدیدی را می‌دیدند (اشعیا ۶۵: ۱۷؛ ۶۶: ۲۲). با توجه به رد ارادی و پیوسته یهوه توسط فرزندان ابراهیم (حتی بعد از تبعید) در ادبیات آخرتی بین‌العهدین یهودیان نوشته‌های جدیدی ظهور کرد (یعنی ۱ خنوخ، ۴ عزرا، ۲ باروخ). این نوشته‌ها با تمایز بین دو عهد آغاز می‌شوند: عهد شریانه حاضر که شیطان بر آن احاطه دارد و عهد آینده پارسایی که توسط روح اداره و بوسیله مسیح برپا می‌شود (اغلب جنگجوی پویا).  
در این قسمت از الهیات (آخرت‌شناسی) یک پیشرفت فاحش وجود دارد. الهیاتدانان آن را "مکاشفه پیشرو" می‌نامند. عهد جدید وجود حقیقت جهانی نوین دو دوران را تایید می‌کند (یعنی یک دوگانگی موقت را):

عیسی	پولس	عبرانیان
متی ۱۲: ۳	رومیان ۱۲: ۲	۲: ۱
متی ۱۳: ۲۲ و ۲۹	۱ قرنتیان ۱: ۲۰، ۲: ۶، ۳: ۱۸	۵: ۶
	۲ قرنتیان ۴: ۴	۳: ۱۱
	غلاطیان ۴: ۱	
مرقس ۱۰: ۳۰	افسیان ۱: ۲۱، ۲: ۱، ۷: ۶؛ ۱۲	
	۱ تیموتائوس ۶: ۱۷	
لوقا ۱۶: ۱۸	۲ تیموتائوس ۴: ۱۰	
لوقا ۱۸: ۳۰	تیطوس ۲: ۱۲	
لوقا ۲۰: ۳۵-۳۴		

در الهیات عهد جدید بدلیل پیش‌بینی‌های غیرمنتظره و نادیده‌گرفته شده در مورد آمدنهای دوگانه مسیح این دو دوره یهودی با هم همپوشانی کرده‌اند. تجسم مسیح نبوت‌های عهد عتیق در مورد شروع دوره جدید را محقق کرد. با اینحال عهد عتیق آمدنش را به عنوان داور و فاتح در نظر داشت، اما او در ابتدا به عنوان خادم رنجور (اشعیا ۵۳)، فروتن و آرام (زکریا ۹: ۹) آمد. او چنان که عهد عتیق پیشگویی کرد با قدرت باز خواهد گشت (مکاشفه ۱۹). این تحقق دو مرحله‌ای سبب شد پادشاهی هم‌کنونی (آغاز شده)، و هم آینده (هنوز تکمیل نشده) باشد. این کشمکش عهد جدیدی بین از قبل، اما نه هنوز است!

◆ "و بر مال ناپایدار دنیا امید میندند" این فرم مصدری معلوم کامل است. گرایش انسانها به این است که به منابع خود تکیه کنند، نه منابع خدا (۴: ۱۰؛ ۵: ۵). برخی از درشتترین سخنان مسیح در رابطه با ثروت است (لوقا ۱۸: ۳۰).

۶: ۱۸ "آنان را امر کن" خط مشی سگانه پولس برای آنان که دارایی دنیوی دارند از این قرار است: (۱) با کار نیک ادامه دهید (۵: ۱۰؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۱؛ ۳: ۱۷؛ تیطوس ۳: ۱، ۸، ۱۴)؛ (۲) آماده باشید که دارایی خود را با دیگران قسمت کنید؛ و (۳) سخاوتمند باشید (۲ قرننیا ۹-۸).

۶: ۱۹ این آیه یادآور موعظه سر کوه عیسی است، بخصوص باب ۶ (لوقا ۱۲: ۱۵). در اینجا از در استعاره استفاده می‌شود: (۱) ذخیره کردن ثروتهای واقعی و (۲) ساختن زیربنای محکم و مطمئن. استفاده حکیمانه از ثروت هر دو را ممکن می‌کند! ایمانداران از طریق آنها زندگی واقعی را بدست می‌آورند (یعنی حیات ابدی، آیه ۱۲).

متن ان آبی اس (بروز شده): ۶: ۲۰-۲۱  
 20 ای تیموتائوس، امانتی را که به تو سپرده شده است، حفظ کن. از یاهوگویی‌های دنیوی و عقاید مخالفی که به غلط، معرفت نامیده می‌شود، دوری گزین؛<sup>21</sup> برخی که ادعای برخورداری از آن داشته‌اند، از ایمان منحرف شده‌اند. فیض با تو باد.

۶: ۲۰-۲۱ پولس ممکن است برای تایید اصالت رساله این آیات پایانی را با دست خودنوشته باشد (۲ تسالونیکیان ۳: ۱۸-۱۷).

۶: ۲۰ "امانتی را که به تو سپرده شده است، حفظ کن" فعل در اینجا امری معلوم خبری است. واژه "به امانت سپرده شده" با واژه بانکی "پیش‌پرداخت" که پولس آنرا در رسالات شبانی سه بار برای "انجیل" (۱: ۱) یا بدن مسیحیان حقیقی بکار برده (اعمال ۶: ۷؛ ۱۳: ۸؛ ۱۴: ۲۲؛ غلاطیان ۱: ۲۳؛ ۳: ۲۳؛ ۶: ۱۰؛ فیلیپیان ۱: ۲۷؛ یهوذا آیه ۳، ۲۰) ربط دارد. ایمانداران محافظان انجیلند (۱ قرننیا ۴: ۲-۱؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۲، ۱۴).

◆ "از یاهوگویی‌های دنیوی و عقاید مخالفی که به غلط، معرفت نامیده می‌شود، دوری گزین" "دوری گزیدن" اسم مفعول دوم شخص زمان حال است که بعنوان حالت امری بکار رفته است. ۱ تیموتائوس در وهله اول رساله‌ای در مورد بدعت است، نه سازماندهی کلیسا. خط و مشی‌های این کتاب مستقیماً به مسائلی ایجاد شده توسط معلمین دروغین مرتبط است، نه ضرورتاً راهکارهای عمومی برای تمام کلیساها در تمام اعصار و مکانها.

◆ "معرفت" معلمین دروغین در رسالات شبانی ترکیبی هستند از "قانونگرایان یهودی" و گنوستیکهای یونانی (بسیار شبیه معلمین دروغین در کولسیان و افسسیان). معرفت، معمولاً معرفت سری یا خصوصاً آشکار، ادعای این معلمین بود. این معلمین به نحوی حقیقت را از حیات جدا می‌کردند و نجات را به معرفت جدای از دینداری تبدیل می‌نمودند.

۶: ۲۱

ان آ اس بی،	"برخی که ادعای برخورداری از آن داشته‌اند، از ایمان منحرف شده‌اند"
ان کی ج وی	"با ادعای برخورداری از آن، برخی از ایمان منحرف شده‌اند"
ان آر اس وی،	"با ادعای برخورداری از آن، برخی هدف را در رابطه با ایمان گم کرده‌اند"
تی ای وی	"برخی که ادعا کرده‌اند که از آن برخورداری، و در نتیجه طریق ایمان را گم کرده‌اند"
ان ج بی	با قبول آن، برخی هدف ایمان را گم کرده‌اند"

همین کلمات در ۱: ۶ برای توصیف معلمین دروغین بکار رفتند، به ۱: ۱۹؛ ۲: ۴؛ ۵: ۱۵؛ ۶: ۱۰ نیز دقت کنید. در این کتاب هشدارهای جدی زیادی وجود دارد.

بیاد داشته باشید که مسیحیت (۱) پذیرش یک فرد است؛ (۲) ایمان داشتن به اصل عقیدتی است؛ و (۳) زیستن زندگی مرتب با آن است! اگر یکی از اینها حذف شده یا مورد تاکید قرار نگیرد، مشکلات جدی بوجود می‌آید (متی ۷: ۲۷-۲۱).

◆ "فیض با تو باد" "تو" در اینجا جمع است. این نشان می‌دهد که نامه قرار بود در جمع خوانده شود. توجه کنید که پولس برای آنها فیض خدا و معرفت حقیقی را طلب می‌کند (آیه ۲۰)! همین فرم جمع در پایان همه رسالات شبانی دیده می‌شود (۲ تیموتائوس ۴: ۲۲؛ تیطوس ۳: ۱۵).

#### پرسشهای مربوط به بحث

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصاً مسئولیت تفسیر خود از کتاب مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم شما، کتاب مقدس و روح القدس مقدم بر تفسیر هستیم. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.



پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده‌اند تا به شما کمک کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را وادار به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱. چرا کلیسای مسیحی موضوع برده‌داری را مورد حمله قرار نداد؟ (بخشهای دیگر رسالات پولس که به مسئله برده‌ها می‌پردازد عبارتند از ۱ قرنتیان ۷: ۲۴-۲۱؛ غلاطیان ۳: ۲۸؛ افسسیان ۶: ۹-۵؛ کولسیان ۳: ۲۵-۲۲؛ فلیمون آیات ۱۶، ۱۷؛ تیطوس ۲: ۹؛ ۱ پطرس ۲: ۱۸).
۲. آیات ۱ و ۲ در مورد رابطه کارفرما/کلومند در عصر ما چه می‌گویند؟
۳. بدعت چیست؟
۴. تفاوت بین معلم دروغین و تفاوت در تفسیرها چیست؟
۵. آیا پول شر است؟
۶. الهیات معلمین دروغین را تا آنجا که می‌توانید توصیف کنید؟